انتشارات کتابخانه مسجد سید
اصفهان - ایران



بیان المفاخر

در

احوالات عالم جلیل صاحب مناقب و مآثر

حاج سید محمد باقر حجة الاسلام شفتی

بیدآبادی

جلد اول

تألیف

سید مصلح الدین مهدوی

بسم الله الرحمن الرحیم

بیان المفاخر: در احوالات عالم جلیل صاحب مناقب و اثر حاج سید محمدباقر حجه الاسلام شفتی بیدآبادی

نویسنده:

مصلح الدین مهدوی

ناشر چاپی:

کتابخانه مسجد سید اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

بیان المفاخر: در احوالات عالم جلیل صاحب مناقب و اثر حاج سید محمدباقر حجه الاسلام شفتی بیدآبادی جلد ۱

مشخصات کتاب

سرشناسه : مهدوی، مصلح الدین، ۱۳۷۴ - ۱۲۹۴

عنوان و نام پدیدآور : بیان المفاخر در احوالات... محمدباقر حجه الاسلام شفتی بیدآبادی/ تالیف مصلح الدین مهدوی

مشخصات نشر : اصفهان: کتابخانه مسجد سید اصفهان، ۱۳۶۸.

مشخصات ظاهری : ۲ ج.عکس

فروست : (انتشارات کتابخانه مسجد سید اصفهان ۹)

شابک : ۴۰۰۰ریال(دوره کامل)

وضعیت فهرست نویسی : فهرستنویسی قبلی

موضوع : شفتی بیدآبادی، محمدباقربن محمدتقی، ۱۱۷۵؟ - ۱۲۶۰ق. -- سرگذشتنامه

رده بندی کنگره : BP۵۵/۴۵۵/م ۹ب ۹

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۹۸

شماره کتابشناسی ملی : م ۶۸-۱۶۲۷

ص: ۱

اشاره

تصویر



آثار مولف کتاب

اشاره

از اینرو کتابهای زیر را در رابطه با این موضوع تالیف نموده و تاکنون بچاپ رسیده است :

۱- ارمغان اصفهان با شرح حال حضرت آیت الله مرحوم حاج میر سید علی بهبهانی رحمه الله علیه .

۲- تاریخ سامرا مختصر به ضمیمه زندگینامه مرحوم آیت الله بروجردی . ۳- تاربخچه محله خواجوی اصفهان و نام برخی از علماء منسوب بدانجا ۴ - تاریخچه مختصری از زندگانی امامین همامین عسکریین علیهما السلام

ص: ۱۰

ضمیمه تاریخ سامراء.

- دانشمندان و بزرگان اصفهان .

- رجال اصفهان با حواشی و ملحقات بر تذکره القبور مرحوم مولی عبد الکریم گزی علیه الرحمه .

۷- زندگینامه مرحوم آیت الله بروجردی رضوان الله علیه .

۸- زندگینامه علامه مولی محمد باقر مجلسی و پدر بزرگوارش علیهما الرحمه در دو مجلد .

و - شعرای معاصر اصفهان . ۱۰- غایه الأمال و الأمانی در شرح حال علامه سید هاشم بحرانی .

۱۱ - فهرست اجمالی از مدارس دینی اصفهان از اولین دوره تا کنون بضمیمه کتاب و محیط ادب » بچاپ رسیده است.)

و برای عده ای از بزرگان علماء وغیره نیز تألیفی نوشته ام که هنوز چاپ نرسیده است از آنجمله :

ا- تاریخچه امامزاده های اصفهان و توابع .

۲ - تاریخچه مدارس دینی اصفهان مفصل بنام : اصفهان با دار العلم شرق.

۳- شرح حال آنا باقر خوراسگانی و جمعی از علمای معاصر او در اصفهان . ۴ - شرح حال مرحوم حاج شیخ جعفر شوشتری .
و به شرح حال خجندیان اصفهان از علماء قرن پنجم و ششم .

- شرح حال اجمالی از سادات دست غیب شیراز

۷- شرح حال علماء مسجد شاهی اصفهان بنام: « بیان سبل الهدایه فی ذکر اعقاب صاحب الهدایه .

۸- شرح حال علامه سید هاشم بحرانی مفصل .

و مردان نامی اصفهان (قریب ده هزار نفر که متأسفانه هنوز پاکنویس نشده است).

و با این خدمت ناچیز گمان میرود که تا اندازه ای بو ظیفه خود عمل کرده باشم ، انشاء الله تبارک وتعالی مورد قبول درگاه احدیت وصاحب شریعت واقع گردد .

(تذکر):

پس از چاپ و انتشار کتابهای نامبرده جمعی از بزرگان اهل علم و دانش از نظر ذره پروری و لطف و عنایت نویسنده را مورد محبت و تفقد قرار داده و بصورتهای مختلف مورد تشویق قرار دادند و او را در خدمات آینده دلگرم نموده وراهنمائی های سودمند فرمودند که اینک از الطاف همه آنان سپاسگزاری نموده و از خداوند منان برای آنان توفیق می طلبم .

جمعی از اهل مطالعه و تحقیق نیز پس از بررسی کتابها به نکاتی و خطاهائی برخوردند که آنهارا کتباً ویا شفاهاً مرا بدانها واقف ساخته و در این جا از لطف بیکران وعنایت آنان تشکر می کنم و امیدوارم که این لطف و محبت مستدام باشد اما

اما عده ای نیز تنگ نظرو کور چشم اند نه خودکاری انجام می کنند و فقط هنر آنان عیب جوئی است ، کتابها را دیده یا ندیده زبان بیاوه سرائی گشاده که چرا فلان کس را نام برده و به دلیل مطلبی را از کتابی که از معایب خاندان ما در آنست نقل کرده است.

گاهی که با آنان روبرو میشدم نه تنها از این مقولات سخنی بمیان نمی آوردند بلکه احیانا وبدروغ وریا تعریف و ستایش نیز مینمودند لکن از سیمای آنان آثار دوروئی و نفاق ظاهر و آشکار بود،

درخواست نویسنده):

ای خواننده عزیز از شما که فرد مسلمان و پای بند به اصول اخلاقی اسلامی میباشی درخواست می کنم و انتظار دارم که :

اولا قبل از مطالعه کتاب درباره آن قضاوت و داوری نفرمائید .

ثانیاً موارد نقص و خطای آنرا بدون پروا به شخص من بنویسید و تذکر دهید ویا تلفن کنید .

ثالثا از نقل اشتباهات در مجالس و در حضور جمع حتی المقدور بپرهیزید و متذکر باشید که یکی از وظائف افراد مسلمان و (حفظ الغیب)، است.

رابعا اشتباهاتی که ممکن است مربوط به چاپ باشد را خود اصلاح فرمائید و خطاهای دیگر را چشم پوشی فرموده و فقط نویسنده را خبر دهید که : اخوک من صدقک من صدقک.

شرط دوستی علم و اهل علم همین نگاهداری آنان از خطای در موضوعات علمی و تاریخی است. ما

نادیده گرفتن خطای کوچکتران و عدم تذکر به آنان موجب تکرار خطا و اشتباه است.

دوست باید که همچو آئینه

عیبها جمله روبرو گوید

نه که چون شانه پشت سررفته

نکته ها جمله مو بمو گرید

پیشگفتار مولف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وبه ثقتی ورجالی

الحمد لله الذی فضل مداد العلماء علی دماء الشهداء وجعلهم ورثه الأنبیاء علیهم السلام .

وارثان انبیایند اهل علم ***رشحه اقلام ایشان کیمیاست

نوتبای دیده اهل یقین ***خاک پای وارثان انبیاست

والصلاه والسلام علی رسول الله وعلی آله وعترته الی الله ، ولاسیما علی بقیه الله فی الأرضین وحجته علی الخلق اجمعین الحجه

بن الحسن العسـكری الامام الغائب المنتظر الـذی به یملا الله الأرض قسـطا وعـدلا بعـد ما ملئت ظلما وجورا ، واللعن الدائم علی أعدائهم ومخالفیهم الی قیام یوم الدین.

از حدود یک قرن پیش تاکنون قلم هائی علیه شیعه و بزرگان آن در گوشه

و کنار ممالک اسلامی بکار افتاده وهریک بگونه ای بر دوستان خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام تاخته اند، برخی به اصول اعتقادات آنها وعده ای در مسائل فروع انتقاد و اعتراض نمودند . یکی نوشت اصلا شیعه باین صورت ساخته شاه اسماعیل صفوی است و قبل از او بدین نام و نشان فرقه ای در اسلام نیست از اینرو شیوه علوی و شیعه صفوی آنها را نامید . دیگری گفت فرقه شیعه قبل از صفویه عالم ودانشمندی نداشته و عموم مردمی جاهل و نادان و بیسواد بوده اند . سومین پا را از این حد فراتر نهاده و صریحا در جزوهای نوشت و بچاپ رسانید که :

واقعاً شیعه جز چند آخوند درباری هیچ کس و هیچ چیز دیگر ندارد.

من هر وقت این عبارت نویسنده فوق را بخاطر می آورم برخود می لرزم . اگر برخی از نویسندگان مطالب قبلی از اهل سنت بودند نوشته آنان را بغرض ورزی و کینه توزی و تعصب بیش از حد و عناد و دشمنی حمل می کردیم و نمی گفتیم که آنها از طرف کسی ودولتی ماموریت دارند، بین این دو فرقه از مسلمین نفاق واختلاف ایجاد کنند و به آتش این اختلافات دامن بزنند تا افروخته تر شود و در دنیایی که همه مسلمین احتیاج به اتحاد و همبستگی دارند مشکلی بر مشکلات آنان بیفزایند و مانع وجلو گیر اتفاق آنان در برابر دشمنان خارجی و ایادی داخلیشان شوند تا استعمارگران بیش از پیش بر آنان مسلط شوند. این دیگر مدعی تشیع است.

من از بیگانگان هرگز ننالم ***که هر چه کرد با من آشنا کرد

من گاهی فکر می کنم که :

آیا این نویسنده حقا از تاریخ پر افتخار شیعه و بزرگان آن آگهی ندارد و آنچه نوشته است از روی عدم اطلاع است و با این نیز مامور است و خود را در آنچه می گوید معذور می داند .

آیا آنهمه محدثین و مجتهدین ومؤلفین وحکماء وفلاسفه و مترجمین و شعراء

و مفسرین که در طول دوازده قرن (پس از غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف) که در شیعه بوده اند و عالمی رابنور علم و دانش خودروشن کرده اند هیچ است .

من تصور نمی کنم که فرد مسلمان و شیعه ای یافت شود که نام کتاب شریف کافی و مؤلف بزرگوار آن مرحوم ثقه الاسلام کلینی را نشنیده باشد این شخص خواه فردی درس خوانده باشد و یا شخصی عامی و بیسواد .

آیا باور کردنی است که شخصی باشد و با یکی از کتب حدیث فارسی یا عربی سروکار داشته باشد و نامی از جناب صدوق المحدثین ابن بابویه نشنیده باشد .

آیا این آقای نویسنده محقق نام بزرگانی همچون کلینی - شیخ مفید - شیخ صدوق - شیخ طوسی سید رضی و سید مرتضی را نشنیده است و آنهمه تألیفانشان را با همه کثرت و اهمیت به هیچ می شمارد.

آیا ابن سینا و بیرونی و فارابی و زکریای رازی و ملا صدرای شیرازی که عالم فلسفه و پزشکی بوجود آنان افتخار می کنند هم هیچ اند .

آیا محقق حلی و علامه حلی و مقدس اردبیلی و شیخ انصاری و دهها بلکه صدها عالم وفقیه ومجتهد همچون آنان همه بنظر آقای نویسنده آخوند درباری هستند با هیچ کس نیستند و آنهمه آثار علمی که از آن بزرگواران بجای مانده هیچ است و قابل اعتناء نمی باشد.

چقدر خوب بود که این نویسنده محترم که متاسفانه عده ای از جوانان از همه چیز اسلام بی خبر اورا پذیرفته و حرفهایش را بی چون و چرا باور دارند اندکی بخود زحمت میداد واقلا از یکی دو سه نفر از اطرافیان خود نام کتابها و مؤلفین آنها را می پرسید .

اگر او کتاب تأسیس الشیعه الکرام الفنون الإسلام ویا کتاب الشیعه وفنون الاسلام تألیف علامه بزرگوار آقا سید حسن صدر الدین موسوی کاظمینی وبا ترجمه کتاب (الشیعه وفنون الاسلام) را بنام شیعه یا پدید آورندگان علوم وفنون اسلام را دیده و یا خوانده بود می دید که شیعه در تمام علوم و فنون بر جمیع فرق اسلامی در تالیف و تصنیف مقدمند ، باز هم می گفت : شیعه هیچ چیز ندارد .

اگر به ۲۷ مجلد کتاب و الذریعه إلی تصانیف الشیعه » تالیف علامه جلیل محقق مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی مراجعه کرده بود که در آن هزارها

کتاب از تألیفات علماء و بزرگان شیعه و موضوع آن و تاریخ تالین و برخی دیگر از خصوصیات کتابشناسی را تذکر داده اند و الحق و الانصاف منشی بزرگی بر اهل مطالعه و تحقیق و تألیف ثابت فرموده اند باز هم می گفت شیعه هیچ چیز ندارد

آیا ایشان نام کتاب و طبقات اعلام الشیعه ، تألیف علامه متتبع مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی را شنیده اند و میدانند که چندین مجلد آن حاوی نام هزاران دانشمند شیعه تا کنون بچاپ رسیده است . آیا اینها همه هیچ اند و یا آخوند درباری.

اگر ایشان ۵۶ جلد کتاب «اعیان الشیعه» تالیف علامه محقق مرحوم حاج سید محسن امین عاملی که در آن نام دهها هزار تن از علمای شیعه جمع آوری نموده است را دیده اند آیا باز هم می گویند شیعه هیچ کس را ندارد .

از ذکر دهها کتاب دیگر همچون امل الأمل - روضات الجنات - ریاض العلماء - الفهرست و غیره خود داری می کنیم برای آنکه گفته نشود اسامی این افراد تکرار است

ایا تمام این افراد آخوند درباری هستند و یا بنظر ایشان درباری بودن فی حد ذاته جرم است . چقدر از اصحاب ائمه اطهار علیهم السلام باذن آنان در

دستگاه خلفای اموی و عباسی مصدر امور بودند و عملشان مورد تأیید ائمه علیهم

السلام بود .

آیا مشار الیه نام جناب عبدالله نجاشی والی اهواز از طرف منصور دوانیقی را شنیده است که از ثفات اصحاب حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بود و آنحضرت رساله اهواز به را در طرز حکومت کردن بنام وی مرقوم فرموده

من پس از سالها مطالعه در کتابها باین نتیجه رسیده ام که :

اسلام و مسلمین هر چه دارند (که همه چیز دارند لکن خود آنرا نمی شناسند وقدرندارند) از بر کت وجود علماء بزرگوار وروحانیون عالیمقدار بوده است . آنها تمام مشقات وزحمات را تحمل کردند . رنجهادیدند . سختیها و ناکامیها چشیدند بزندانها رفتند کشته شدند و از راه مستقیم منحرف نشدند و آثاری گرانبها بنام کتب علمی و فلسفی - تفسیر وحدیث رقه و اصول و شعر وادب از خود بجای گذاشتند . امروز بطورقطع و یقین میتوان گفت : غنی ترین ملتها از حیث گنجینه های علمی مسلمین هستند و شاهد آن فهرست کتب کتابخانه های بزرگ دنیا می باشد.

سبب تالیف این کتاب

اشاره

سبب تالیف کتاب : انگیزه من در تألیف این کتاب دو چیز بوده است : ۱- فردی ۲ - اجتماعی

الـف : فردی خـانه پـدری من در مرحله بیـدآباد در نزدیکی مسـجد سـید حجه الاسـلام قرار دارد ، از زمـان کـودکی و دوران جوانی جهت درک نماز جماعت ونبض ثواب قراءت فاتحه در سر مقبره مرحوم سـید حجه الاسـلام به این مسجد میرفتم و در حقیقت اهل بیداباد که منهم فردی از آنها می باشم ، با این مسـجد مانوس می باشند و عده ای از آنها موقع بیکاری خود را در مسجد می گذرانند . این مسجد محل ملاقاتها و دید و بازدیدها و عبادتها ... بوده و می باشد .

از کودکی بمن و تمام بچه های محله آموخته بودند که هر موقع از برابر مقبره مرحوم سید حجه الاسلام عبور کردیم ایستاده و فـاتحه بخوانیم و این کـار را مثـل کارهـای واجب انجـام میـدادیم . همین موضوع اولین انگیزه ای بود که بـدانیم این مقـبره از کیست و بانی این مسجد باعظمت کیست

در سالهـائیکه دوست دانشـمندم جناب آقای دکتر لطف الله هنرفرکتاب نفیس و ارزشـمند « گنجینه آثار تاریخی اصـفهان »، را تـالیف مینمود ، مکرر در مکرر باتفـاق ایشـان و گـاهی از اوقـات عـده ای از فضـلاء جهت خوانـدن کـتیبه هـا و مشاهـده طرز ساختمان و بنا به مسـجد سـید می آمدیم اما ورود من به مسـجد و مشاهده در و دیوار آن بادفعات قبل بسیار تفاوت داشت، در آن روزگار فقط مشاهده بود اما اکنون اعجاب آمیخته با تحقیق.

در سالهـای انقلاب و از آن پس که بیشتر اجتماعـات مردم اصـفهان در این مسـجد بود من نیز جهت شـرکت در اجتماعات و شنیدن سخنرانیها با انبوه مردم بمسجد می آمدم لکن به کیفیتی غیر از دفعات قبل .

گاه می شـد که سـخنرانی شـروع میگردیـد و من به کتیبه یا شـعری نظر داشـتم آنقـدر از خود بی خبر بودم که یکوقت متوجه میشدم سخن رانی تمام شده و مردم متفرق میشوند و من هنوز اندر خم یک کوچه ام » .

در ایـن سالهـانه تنهـا مـن بلکه بیشـتر مردمی که در این مسـجد گرد آمـده بودنـد مایـل بودنـد بـانی مسـجد را بیشـتر بشناسـند بخصوص که گاهگاه درباره مرحوم سـید حجه الاسـلام و اجرای حـدود شـرعیه بدست مبارک ایشان مطالبی کم و بیش گفته می شد.

. ب : اجتماعی بیشتر دوستان و آشنایان من از طرز فکر و مطالعائم خبرداشتند و میدانستند که درباره سرگذشت علماء اسلام و شیعه و بخصوص آنها که مربوط به اصفهان است چیزهائی شنیده و دانسته ام از این رو در این موقع ، یعنی در موقع اجتماعات در مسـجد سـید بنزد من آمـده و سوالاتی میکردند و بدانها پاسخ میدادم و چون برخی مطالب تازه میشـنیدم آنرایاد داشت می کردم و خود برای آنکه بهتر بدانم وبیشتر بتوانم جوابگوی پرسشها باشم بمطالعاتی بیشتر و عمیق تر پرداختم .

برخی از دوسـتان بطور پیشـنهاد و اعتراض اظهار می داشتند که چرا در باره حجه الاسلام کتابی مستقل تألیف نمی کنی و آنرا منتشـر نمی سـازی تـا اهـل مطالعه وتحقیق و بخصوص اصـفهانیان بهتر و بیشتر از حالات ایشان آگاه شونـد و بداننـد که علماء اسـلام چه فداکاریها کرده اند و چگونه در برابر ظلم و ظالم ایسـتادگی و مقاومت نموده اند و ضـمنا جوابگوی برخی از نوشته های نویسنده های مخالف علماء باشد.

اخیرا از طرف نواده مرحوم سـید حجه الاسـلام یعنی حجه الاسـلام زاده عزیز وفاضل ومتنی آقای حاج آقا مهدی شـفتی فرزند برومند عالم جلیل مرحوم حجه الاسـلام حاج سید محمد رضا شفتی رحمه الله علیه اقدام ب چاپ کتاب (مطالع الأنوار)، شده و تـاکنون بحمـدالله چهـار مجلـد آن از چاپ خارج گردیـده است ایشان بر آن شدنـد که شـرح حال نسـبتا جامع و مفصـلی از مرحوم سید حجه الاسلام بفارسی نوشته و چاپ کنند.

آقای شـفتی انجام این مهم را از بنده کمترین خواستند من نیز با وجود گرفتاریهای مختلف و ابتلاء بامراض گوناگون بالاخص بیماری و ضعف چشم مسئول ایشان را بدون چون و چرا پذیرفتم .

اینک بخواست خداونـد متعال وفضل و کرم بی نهایت او و یاری و اسـتعانت از ارواح مقدسه بزرگان دین و توجه از حضـرت ولی الله الاعظم امام العصـر والزمان روحی و ارواح العالمین له الفداء کتاب حاضر را در شرح حال وخدمات یکی از نواب عام و سـربازان و سـنگر داران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف یعنی یکی از مفاخر اسلام و شیعه عالمی بزرگوار و محققی پرهیزکـار که چشم روزگار هماننـد او را کمتر دیـده و گوش اهل زمان نام ورفتارش نشـنیده یعنی حاج سـید محمـد باقر حجه الاسـلام شـفتی اصفهانی بیدابادی تألیف نموده و نام آنرا «بیان المفاخر در شرح حال حاج سید محمد باقر » نهاد م و امید است که در محضر مقدس حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه مورد قبول افتد .

من الله التوفیق وعلیه التکلان

سید مصلح الدین مهدوی

ص : ۱۶

علماء شیعه در دو سنگر مبارزه کرده اند

علماء بزرگوار اسلام بالاخص شیعه مبارزات خویش را در دو جبهه و در دو سنگر انجام دادند :

۱- برابری در مقابل خلفاء و سلاطین و حکام (شیعه حق حکومت و سلطنت را مخصوص خداوند متعال ورسول اکرم و ائمه طاهرین علیهم السلام و در زمان غیبت مجتهدین واجد شرایط میداند وغیر از آنها تمام پادشاهان وخلفاء را غاصب میشمارد) گاهی بصورت موافقت ظاهری (مبارزه منفی) و گاهی مخالفت علنی (مبارزه مثبت) رزمانی اعراض و گوشه نشینی که آن نیز خود جزو مبارزات منفی بشمار میرود .

۲- تربیت دانشجویان و طالبان علم و دانش و تألیف و تصنیف کتب علمی و دینی

ص: ۹

یعنی تهیه سربازان و مبارزین بعد از خود و تهیه اسلحه علمی برای آنان .

بطور خلاصه باید گفت وصریحا اذعان کرد که ملت شیعه هر چه دارد از علماء دارد و هر کس نسبت بدانها جسارت کرد یا از روی عدم بصیرت است و یا از عدم ایمان واقعی .

همانگونه که قبلاـ گفتیم عده زیادی از مردم و بخصوص جوانان چون از سر گذشت علماء شیعه بی خبر بودند نوشته این نویسندگان علیه دانشمندان در بین آنان اثری شگرف نموده بود و آنهارا نسبت به روحانیون بدبین کرده و فاصله ای بین مردم و طبقه علمی دینی ایجاد شده بود. من خود در تهران از یکی از مقدسین اداری که حق مرد دینداری بود لکن در اثر مطالعه اینگونه نوشته ها عقاید انحرافی نیز داشت ، شنیدم که می گفت : مدتی است کسی را میخواهم که جهت بیان مسائل هفته ای یکبار بمنزل من بیاید و تا کنون نیافته ام . چند نفر را باو معرفی کردم در جواب گفت : حقیقت را اگر خواسته باشی میخواهم معمم نباشد زیرا..

آنچه باید ولازم بود بار تذکر دادم ونصیحتش کردم ظاهرا پذیرفت ولی عملا قبول نکرد. بعد از مشاهده این اوضاع و طرز تفکر برخی از جوانان ورسوخ اندیشه های انحرافی بدانها من بر خود لازم بلکه واجب دانستم که در شناساندن علماء شیعه بجامعه یقدر وسع وطاقت خود کاری انجام دهم.

بخش اول: نام ونسب ومولد

اشاره

من النبی صلی الله علیه وآله وسلم ؛

کل سبب ونسب وصهر منقطع الأنسبی ومهری لاله الماان یوم القیامه یشفعان لصاحبهماء

(عمده الطالب)

ص : ۱۷

تقسیم بندی

برای آنکه بهتر بتوان بشرح حال مرحوم سید حجه الاسلام آگهی یافت لازم است دوران زندگی او را بچهار دوره ممتاز تقسیم نمود :

۱- از تولد تا مهاجرت به نجف اشرف. ۲- دوران تحصیل در اعتاب مقدسه ائمه عراق علیهم السلام وقم و کاشان . ۲- ورود به اصفهان تا مرگ فتح علیشاه قاجار .

- از مرگ فتحعلیشاه تا هنگام وفات . الف : دوره اول از ۱۱۷۵ شروع به ۱۱۹۲ خاتمه می یابد یعنی ۱۷ سال . ب : دوره دوم از ۱۱۹۲ شروع و به ۱۲۱۶ ختم میشود یعنی۲۴سال . ج: دوره سوم از ۱۲۱۶ شروع و به ۱۲۵۰ ختم میشود یعنی ۳۴ سال .

د: دوره چهارم یعنی آخرین دوره زندگانی مرحوم سید حجه الاسلام از ۱۲۵۰ شروع و به ۱۲۶۰ ختم میشود مدت ده سال جمعا ۸۵ سال.

اینک هر یک از دوار چهار گانه را در فصولی چند شرح خواهیم داد .

در خاتمه کتاب نیز فصلی مخصوص راجع به زندگانی مرحوم حاج سید اسد الله بیدآبادی نظر به اهمیت او از هر جهت (فردی - اجتماعی) وخدمات و آثار او بیان خواهیم کرد.

فصل اول: (نام ونسب)

نسب شریف سید حجه الاسلام شفتی

نام ونسب:

عالم وفقیه کامل محقق مدقق علامه متبحر جامع معقول و منقول وحصاری فروع واصول مجتهد خبیر وبصیر ، کسیکه در علم وریاست و قدرت و مکنت و بسط بر همه علماء زمان خود بلکه بر بیشتر زمانها تفوق داشت ، زاهد عابد تقی بلکه ازهد واعبد واتقای علمای عصر حجه الإسلام علی الاطلاق مرحوم حاج سید محمد باقر چرزی طارمی شفتی اصفهانی بید آبادی اعلی الله مقامه الشریف .

نسب شریف :

نسب شریف آن بزرگوار بطوریکه خود در مقدمه مطالع الانوار فرموده است بدینقرار است : سید محمد باقر بن محمد نقی (به نون) ابن سید محمد زکی ابن محمد تقی بن شاه قاسم بن میر اشرف بن شاه قاسم بن شاه هدایت بن امیر هاشم بن سلطان سید علی قاضی بن سید علی بن محمد بن علی بن محمد بن موسی بن جعفر بن اسماعیل بن احمد امیر جه بن محمد المجدور بن أحمد المجدور بن محمد الاعرابی بن ابومحمد قاسم (ابی القاسم) الأعرابی بن ابوالقاسم حمزه بن

الامام الهمام موسی الکاظم علیه الصلاه والسلام .

جناب ابوالقاسم حمزه فرزند امام موسی کاظم علیه السلام و مادرش ام ولد بوده و آنجناب وجناب محمد مدفون در شیراز از یک مادر می باشند و خود سیدی جلیل القدر والمنزله ، درعمده الطالب (ص ۲۲۸ چاپ نجف) ویرا کوفی وصف نموده (یعنی ساکن کوفه) و اعقاب در ایران از دو فرزندش قاسم وحمزه می باشند در محل دفن جناب حمزه اختلاف است و آنرا در چندین موضع نوشته اند :

ا- در جنب مرقد مطهر حضرت عبد العظیم حسنی در شهر ری .

۲- در سوسفید ترشیز . مؤلف منتخب التواریخ (ص ۴۶۹ چاپ اصفهان) می نویسد: احتمال میرود قبریکه درسو سفید است قبر حمزه بن حمزه بن موسی بن

جعفر علیهما السلام باشد چون در عمده الطالب دارد که حمزه بن حمزه رفت بخراسان .

۲- در سیرجان کرمان چنانکه در بدایع الانساب نوشته .

۴ - محدث قمی در منتهی الامال می نویسد : از صاحب نجدی نقل شده است که حمزه بن موسی علیه السلام قبرش در اصطخر شیراز معروف و مشهور و محل زیارت نزدیک و دور است.

۵- محدث قمی رضوان الله علیه از عالم آراء عباسی در منتهی الامال نقل می کند که : مدفن آن امامزاده در قریه ای از قرای شیراز است و سلاطین صفویه برای وی قبه عالیه بنا نموده اند .

نویسنده گوید : در عالم آراء عباسی (ص ۹ چاپ دوم) می نویسد :

یقول أصح در سوسفید ترشیز مدفون و مرقد شریفش مطاف مردم آن ولایت است.

. همچنین محدث قمی علیه الرحمه در منتهی الاما می نویسد : در قم مزاری

است

معروف به شاهزاده حمزه که از تاریخ قم مستفاد میشود که وی جناب حمزه ابن موسی الکاظم علیه السلام است.

نویسنده گوید : دانشمند و محقق معاصر آقای حاج میرزا عباس فیض در انجم فروزان (ص ۱۹۰) می نویسد در جوار مدفن شاهزاده اسماعیل(اسماعیل بن احمد بن حسین بن احمد بن حسین بن احمد بن علی العریضی بن الامام جعفر الصادق علیه السلام) امامزاده حمزه که از احفاد حضرت امام موسی الکاظم علیه السلام است نیز بخاک سپرده شده است (انتهی).

مرحوم میرزا مهدیخان بدایع نگار لامونی در بدایع الانساب (ص ۲۸) از عبارت مرحوم قاضی نور الله شوشتری در مجالس المؤمنین که میفرماید : سید حمزه موسوی چنین فهمیده است که نباید مدفون در شهر ری در جنب مرقد مطهر حضرت عبدالعظیم اولاد بلاواسطه باشد . وسپس می نویسد که ممکن است وی حمزه بن حمزه ویا حمزه بن محمد بن عبید الله بن الامام موسی الکاظم علیه السلام باشد .

در بین اقوال ششگانه فوق آنچه معتبر بنظر میرسد و قرائن نیز مؤید آنست قول اول می باشد همانگونه که علامه مجلسی رضوان الله تعالی علیه فرموده است .

وأما ابو محمد قاسم که او را به اعرابی وصف کرده اند نیز سیدی جلیل و پرهیز گار بوده و مادرش ام ولد بوده است . در مشاهد العتره (ص ۱۲) بنقل از تحفه الأزهار تألیف ابن شد قم می نویسد : احمد بن محمد معتصم عباسی دستور قتل آن بزرگوار را داد وی به اصفهان فرار نموده و مأمورین خلیفه ویرا تعقیب کردند او را و برادر زاده اش حمزه را در قریه اشترجان از بلوک لنجان اصفهان در حال خواب دیدند هر دورا شهید کردند و قبرشان در آنجا معروفست

وسال ۲۵۰ سال شهادت آندو بزرگوار است .

واما فرزند او جناب محمد که ویرا نیز به اعرابی وصف نموده اند از بزرگان سادات زمان خود بوده و همچون پدر دارای اولاد و اعقاب زیادی می باشد. .

(فائده) : نسب سلاطین صفویه سادات ملاباشی شیراز (معروف به سادات حکیم سلمانی) وسادات کلانتری اصفهان به جناب احمد فرزند ابو محمد قاسم الاعرابی برادر جناب محمد الاعرابی منتهی میشود . . .

واما جناب احمد المجدور فرزند محمد الأعرابی از سادات بزرگوار بوده و دارای فرزندانی چند است از آنجمله : اسماعیل – محمد المجاور – موسیو ..

درعمده الطالب (ص۲۲۸) می نویسد : از برای اولاد جناب احمد المجدور اعقابی است که جمله آنها نقباء طوس وسادات آنجا می باشند و نام ابو جعفر بن موسی بن احمد المجدور را ذکر نموده و گوید نقیب طوس و سیدی جلیل و شاعری ممدوح بوده است . در منتقله الطالبیه (ص ۲۲۱) گوید ذریه او از فرزندش ابوالقاسم حمزه می باشد، و گوید که ابوالفتح بستی و بدیع الزمان همدانی ابوجعفر محمد بن موسی بن محمد المجذوررا ستایش نموده اند .

واما محمد المجدور نیز سیدی جلیل القدر بوده و ظاهرا در خراسان سکونت داشته است.

اجداد مرحوم سید حجه الاسلام عموما از علمائ محل خود بوده و کلمه قاضی در دنباله نام یکی از آنها نشانه مقام و منزلت ظاهری مشارالیه است که ظاهرا در حدود قرن دهم و اوائل حکومت وسلطنت پادشاهان صفوی میزیسته است

پدر مرحوم سید حجه الإسلام : مرحوم سید محمد نقی در یکی از دهات زنجان پیشوای مردم آن سامان بوده و از جزئیات زندگانی او هیچگونه اطلاعی نداریم جز آنکه احتمالا قبل از سال۱۱۹۲ در شفت وفات یافته است و فرزندی

از او بغیر از مرحوم سید حجه الاسلام تاکنون نمی شناسیم . اما برادر زادگان و بنی اعمامش همچنانکه در قریه چرزه ساکن و برخی از آنها نیز باصفهان مهاجرت نموده و در حال حاضر به نام خانوادگی موسوی - کابلی شهرت دارند .

مرحوم دولی عبد الکریم بن محمد اسماعیل اصفهانی در خاتمه مجلدات مطالع الانوار که در زمان حیات مرحوم سید ححجه الاسلام و پس از فوت ایشان

کتابت نموده در ضمن معرفی مؤلف بزرگرازویرا به نتیجه الفقهاء وصف می کند واین کلمه بیانگر آنست که پدرانش از علماء فقهاء بوده اند. .

تولد سید بید ابادی

تولد:

بنابر آنچه خود مرحوم سید حجه الاسلام در برخی از اجازاتی که جهت بعضی از شاگردان و مجازینش مرقوم فرموده و بنظر علامه طهرانی مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی رسیده است در سال ۱۹۹۲ در سن هفده سالگی به عتبات مقدسه ائمه عراق علیهم السلام جهت ادامه و تکمیل تحصیلات مهاجرت نموده است. بنابر این تولد ایشان در سال ۱۱۷۰ خواهد بود و جمعی کثیر از نویسندگان شرح حال ایشان بآن اشاره کرده اند .

در برخی از کتابها تولد ایشان را در سال ۱۹۸۰ و در برخی دیگر در سالهای دیگری نقل گردیده که تماماغلط وهمه از روی حدس و گمان بوده و تاریخ صحیح همان سال ۱۹۷۰ می باشد اگر چه در کتابی معتبر بصراحت و از روی دلیلی قاطع این تاریخ تایید نشده است.

علامه صاحب روضات الجنات مینویسد در حدود سال ۱۹۹۷ در سن شانزده با هفده سالگی بعثبات مشرف گردیده است بنابراین تولد ایشان را حدود ۱۱۸۰ و ۱۱۸۱ میداند . والله أعلم .

ص : ۲۴

محل تولد

اشاره

مرحوم سید حجه الاسلام در قریه ای از قرای طارم علیا بنام چرزه که در حدود پنجاه کیلومتری شهر زنجان و شصت کیلومتری شفت واقع است در یک خانواده متوسط و روحانی و اصیل متولد گردید ، و تا سن قریب به هفت سالگی در آنجا مقیم بوده و دوره صباوت او همچون عموم اطفال خانواده های علمی ودینی گذشته است سپس در حدود سال ۱۱۸۲ باتفاق خانواده و پدر و مادر به شفت که در جنوب غربی شهر رشت واقع است مهاجرت نموده است . علت این مهاجرت بطور قطع معلوم نیست اما ظاهرا بنا بدعوت مردم شفت از مرحوم آقا سید محمد نقی برای سرپرستی امور دینی و امامت جماعت و پیشوائی بوده است.

مرحوم سید حجه الاسلام در شفت تا سال ۱۹۹۲ یعنی تقریبا مدت نه سال توقف داشته و بنا بگفته مؤلف روضات الجنات تا حدود سال ۱۹۹۷) در این فاصله از زمان مقدمات علوم عربی و ادبیات عرب و صرف و نحو و دیگر علوم مقدماتی را نزد فضلاء این سامان که نامشان غیر معین و نا معلوم است بخوبی فرا

گرفت .

مؤلف تاریخ زنجان (ص ۲۷۵) در کتاب نامبرده و همچنین مؤلف کتاب فهرست مشاهیر علماء زنجان (ص ۱۱۴ چاپ اول) می نویسند که :

بنی اعمام تنی مرحوم سید حجه الاسلام در قریه رزه موجودند و این مطلب را که تولد آنجناب در قریه نامبرده بوده است ، مرحوم شیخ جواد طارمی (۱)

۱- شیخ محمد جواد بن محرم علی بن کلب قاسم طارمی عالم فاضل محقق متولد سال ۱۲۶۳ و متوفی در سال۱۳۲۵ مؤلف کتابهای عدیده از آن جمله : ۱ - اثنی عشریه ۲ - اصول الجعفریه بنارسی مطبوع ۳ - افضل المجا لس در مقتل ۴ - تکمیل الایمان در اثبات وجود حضرت صاحب الزمان علیه السلام بفارسی مطبوع و حاشیه بر قوانین ۶- ربیع المتهجدین ۷- رساله در ارث ۸- رساله در دیات - مشکل الرجال ۱۰- منتخب العلوم وغیره .

در کتاب : اثنی عشریه (اصول الجعفریه) اثبات نموده است .

مرحوم سید حجه الاسلام مقدمات علوم از صرف و نحو و غیره را در مولد خود و سپس در شفت و احتمالا در قزوین و رشت از اساتید وقت وعلماء زمان بخوبی فرا گرفت اما از کیفیت تحصیل و نام مدرسین ایشان در این دوره هیچگونه اطلاعی در دست نیست جز آنکه از روی قرائن میتوان حدس زد که یکی از این معلمین پدر فاضل وعالم ایشان بوده است . و احتمال دیگر اینکه در سالهای قبل از مهاجرت به اعتاب مقدسه پدر ایشان در شفت و یا غیر آن وفات یافته است :

مرحوم سید حجه الاسلام پس از آنکه مقدمات علوم و سطوح فقه و اصول را بخوبی فرا گرفت جهت ادامه تحصیل رهسپار اعتاب مقدسه ائمه عراق علیهم السلام گردید (سال ۱۱۹۲ یا ۱۱۹۷) که در آن اماکن مقدسه هم از فیوضات معنوی از ارواح مقدسه اولیاء دین و هم از علوم بزرگان مجتهدین که در آن شهرها ساکن بوده و بدرس و بحث و تربیت طلاب و دانشجویان اشتغال داشتند بهره مند شود .

در آن عهد وزمان عده ای از بزرگان فنها ومجتهدین و مراجع در شهرهای کربلا و نجف و کاظمین علیهماالسلام هریک حوزه های علمی داشته و عده ای از طالبان علم و دانش از هر طبقه و شهری در خدمتشان کامیاب می شدند و از طرف دیگر در داخل ایران هنوز آثار شوم فتنه افغان بر سر مردم این سامان بالاخص علماء و دانشمندان سایه افکنده بود و از مدرسین طراز اول تقریبا خالی مینمود و ضمنا عدم توجه

نادر شاه و جانشینان او و کریم خان زند نیز به علم و علماء سبب شده بود که طالبان علم وعلماء از ایران متوجه نجف و کربلا یعنی مهد علم و دانش شوند.

سید حجه الاسلام نیز مانند دیگر طالبان علم جهت وصول بمراتب عالیه و کمال مطلوب بدانصوب حرکت فرمود .

ص : ۲۷

فصل دوم: (اقوال بزرگان و مولفین درباره سید حجه الاسلام)

اشاره

سخن پایه قدرش نمیرساند و هم

که همچو عرش بلند است و همچو شرع متین

اقوال بزرگان ومؤلفین

مقدمه این فصل

در باره مرحوم سید حجه الاسلام بید آبادی (مقدمه):

یکی از راههای شناسائی مردان بزرگ مطالعه نظرات و عقاید دیگرانست در باره ایشان ، باید بنوشته های موافق و مخالف با دقت و موشکانی توجه کرد و از آن میان حب و بغض هارا تشخیص داده آنچه اغراق و مبالغه است را کنار نهاد چون کمتر کتابی است که درباره شخص معینی نوشته شود و خالی از نظر خاص نباشد ، این خواننده است که باید با هوشیاری کامل در بین این گفتارها حق را از باطل جدا کند و مطلب را همانگونه که در حقیقت ونفس الأمر می باشد بشناسد

هیچ فردی در جامعه یافت نمیشود که موافق و مخالف نداشته باشد از مردم

ص : ۲۸

عادی کوچه و بازار گرفته تا علماء و بردگان و مصادر امور و اندیشمندان هیچ کس از این قاعده کلی مستثنی نیست.

کسی از دست جور زبانها نرست

اگر خودنمایست و گر حق پرست

بکوشش توان دجله را پیش بست

نشاید زبان بد اندیش بست

البته هر قدر مقام و شخصیت انسانی بالاتر و موقعیت اجتماعی آن والاتر مخالفان او نیز قویتر وبیشتر . دوستان عموما خود را از اظهار نظر دوستانه بی نیاز میدانند لکن مخالفین حق را بصورت باطل جلوه داده و بر شخص میتازند.

در این فصل فقط بنام و نظریه ده نفر از کسانیکه مرحوم سید حجه الاسلام را بادیده حتی بین مشاهده کرده اشاره می کنیم و بعد نیز عقیده مخالفین را می نویسیم.

۱- مرحوم علامه محقق متتبع حاج سید محسن امین عاملی در کتاب اعیان الشیعه (ص ۱۱۱ جلد چهل و چهارم) درباره مرحوم سید حجه الاسلام مینویسد :

الفقیه الإمام الرئیس .... کان رئیسا میسوط الید فی اصفهان وسائر ایران یقیم الحدود الشرعیه وله آثار فخمه لایشیدها الا الملوک مثل مسجده فی شق بید آباد الذی بناه سنه ۱۲۴۵ وکان فی جمعه الدین والدنیا مصداق قوله علیه السلام وقد یجمعهما الله لأقوام . اجتمع فیه من الخصال الحمیده : از علم وفضل وتقوی وسخاوت واهتمام در امور مسلمانها و مقام ارجمند و کوشش در نشر احکام و شرایع وتعظیم شعائر اسلام و اقامه حدود و هیبت و عظمت در دلهای حکام و پادشاهان چیزهائیکه در هیچ یک از علماء بدینگونه جمع نشده است ... -

۲- تکمله أمل الآمل در باره آنجناب (بنا بنقل فوائد الرضویه (ص ۴۲۹دوم) می نویسد: کان عالم ربانیا روحانیا ممن عرف حلال آل محمد صلی الله علیه و آله وحرامهم وشید أحکامهم وخالف هواه واتبع امر مولاه کان دائم المراقبه

لربه لایشغله شیء حسن الحضور والمراقبه.

۳- علامه فقیه زاهد مرحوم آقا میرزا محمد باقر چهار سوقی در کتاب شریف روضات الجنات (ص۱۲۴) درباره آنجناب میفرماید :

العجب العجاب واعجب الاعجاب وحیره اولی الألباب وذخیره الله العزیز الوهاب وسید حجاج بیت الله المستطاب مولانا حاجی سید محمد باقر....کان رحمه الله تعالی علی روحه المنور و مرقده المعطر ارفع ان یصفه الواصفون فی امثال هذا الکتاب أو یخرج عن عهده شیء من ثنائه ألسنه أرباب الخطاب حیث انه اجتمع فیه مکارم اخلاق الأنبیاء العشره الکامله وانتزع عنه من یوم خلقه الله اثر صفات الخلق الغیر العادله.

دنباله بیانات مرحوم صاحب روضات نقل از ترجمه روضات(ص۲۸۹دوم)

(۱)" [ص ۲۸۹ دوم]:

حجه الاسلام را خردمندترین مردم روزگارش دیدم و او بحقیقت مردمک چشم انسان بلکه انسان عین کلیه افران و معاصرانش بشمار می آمد.

حجه الاسلام دیندار بتمام معنی بود چنانچه کلیه متدینان و حافظان و خزینه داران دین در برابر دیانت أو تسلیم بودند بلکه میتوان گفت ایمان کلیه مردم جزئی از ایمان حقیقی او بود .

من معتقدم در اثبات حقایق علمی و براهین عقلی و نقلی کسی همتای او نبوده

ص : ۳۰

۱- مترجم دانشمند گرانقدر حجه الاسلام حاج شیخ محمد باقر ساعدی خراسانی در ربیع الاول ۱۳۴۶ در مشهد مقدس متولد گردیده و در نزد علماء آن سامان وطهران وقم بهره های علمی برده و کتابهای زیادی ترجمه و تالیف نموده که برخی از آنها بچاپ رسیده است ، از آن جمله : ۱- ترجمه ارشاد مفید ۲ - ترجمه التحصین ابن فهد حلی ۳- ترجمه تا حقایق فیض دو مجلد ۴- ترجمه رظات الجنات در هشت جلد ۵- ترجمه سفینه البحار

و مانند او بدقایق علمی لسان گویائی نداشته .

مرحوم صاحب روضات پس از آن بنقل برخی از صفات حمیده آن بزرگوار از قبیل علم - حلم - صبر-صله رحم - جود و سخاوت و نیکوکاری وشکر پرداخته واز آثار خیریه او مسجد سید را نام میبرد .

۴ - مرحوم حاج سید شفیع جاپلقی در روضه البهیه (ص ۱۹) در باره آنجناب می نویسد :

السید السند والرکن المعتمد الامام الأجل الأعظم النحریر الذاخر والسحاب الماطر الفائق علی الأوائل والاواخر الحاج السید محمد باقر بن محمد تقی الرشتی الشفتی.. وکان الأهداهل زمانه واعیدهم واسماهم فلذا افبلت له الدنیا بحیث انتهت الریاسه الدینیه والدنیویه الیه ویعاون الطلاب ویعطی کل واحد منهم بقدر مؤنته بل ازید ویعطی الفقراء بل الاغنیاء والرؤساء کثیرا ، وکل المحتاجین یرجمون الیه ولا یحرمهم بل یعطی کلا منهم علی حسب حاجته

۵- مرحوم آقا میرزا محمد علی مدرس تبریزی (۱)در ریحانه الادب (ص۴۱۲ بکم) درباره او می نویسد : فقیه اصولی ادیب نحوی رجالی ریاضی بوده و در فقه و اصول ورجال و درایت و هیئت وعلوم ادبیه وفنون عربیه از مشاهیر زمان و در مراحل اخلاقیه وحید روز گارودر عبادات و مناجات و سخاوت و عطایا و اقامه حدود واوراد ونوافل او ، نوادر بسیاری منقول وفوائدی که از وی بسادات وفقراء وطلاب علوم دینیه عاید می گردیده خارج از حد احصاء می باشد.

۱- ۱) مرحوم آقا میرزا محمد علی بن محمد طاهر مدرس تبریزی عالم فاضل محقق مورخ رجالی متولد در سال۱۲۹۶ ومتو فی درغره شعبان ۱۳۷۳ صاحب مؤلفات کثیره از آنجمله؛ أ- فرهنگ نوبهار دو مجلد ۲ - فرهنگ بهارستان ۳ - دیوان المعصومین ۴ - ریحانه الأدب در شش مجلد و ۷ - کتاب دیگر .

۶- محدث قمی رضوان الله علیه در فوائد الرضویه (ص ۴۲۶دوم) در باره او می نویسد :

السید الأجل وحید الایام و مقتدی الانام سید العلماء الاعلام المدعو بحجه الإسلام، کان عطر الله مرقده فی جمعه الدنیا والاخره مصداقا لکلام جده الصادق علیه السلام : (قد یجمعهما الله لأقوام)، وقد جمع الله فیه من الخصال النفسانیه من العلم والفضل والتقوی والخشیه والقوه فی الدین والسخاء والاهتمام بأمور المسلمین والجاه العظیم ونشر الشرائع والاحکام و تعظیم شعائر الاسلام و اجراء الحدود الالهیه فی الأنام والهیبه فی قلوب السلاطین والحکام مالم یجمع فی احد من اقرانه ...

۷- مرحوم تنکابنی در فصص العلماء (ص ۱۳۵ چاپ اصفهان) در باره مرحوم سید حجه الاسلام می نویسد :

وحید ایام و مقتدای انام و در علم عربیت وهیئت وفقه ورجال و درایه از مهره اعلام وحذفه علماء کرام عالم عامل و بارع وفاضل وعلیم وباذل استاد اکامل افاضل در زهد وورع و تقوی اورا ثانی وتالی نبوده ...

نویسنده گوید : مرحوم صاحب روضات و سید جاپلقی و تنکابنی هر سه از شاگردان مرحوم حجه الاسلام می باشند و هر یک سالها در محضر آنجناب را نموده ، بالاخص مرحوم آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی که از تلامذه ممتاز و مورد توجه و عنایت استاد بوده و هر سه در کتابهای خود سید را به بهترین عبارت ستوده اند در این بین مرحوم تنکابنی نکاتی از زندگانی استاد نقل می کند که بعدا بدانها اشاره میشود .

۸- مرحوم محدث قمی در الکنی والالقاب (ص ۱۵۵ دوم) درباره سید حجه الاسلام می نویسد:

السید العلامه ... الذی کان امره فی العلم والتحقیق والتدقیق والدیانه والجلاله و مکارم الاخلاق اشهر من أن یذکر واجل من أن یسطر ..

همچنین در هدیه الأحباب (م ۱۷۴) می نویسد : حجه الاسلام اطلاق میشود در نزد خاصه بر؛

سید اجل وحید الأیام ومقتدی الانام سید العلماء العظام آقا سید محمد باقر ... سپس شرحی که تقریبا ترجمه عبارات فوائد الرضویه خدود ایشائست را مرقوم میدارد .

۹- مرحوم مولی حبیب الله کاشانی ((۱)۱ در لباب الألقاب (ص ۷۰) در باره او می نویسد :

... الملقب بحجه الاسلام المعروف بین الخواص والعوام ولو قیل انه کان آیه من آیات الله لما کان کذبا فی الکلام فهو السید السند والرکن المعتمد والمؤبد من الله الصمد الذی لایحیط بفضائله وفواضله عدد ولاینتهی دکره الی امد الاقه الأوثق الإعلام المعروف بالمعروف والکرم باسط الایادی وناشر النعم محیی سنه جده اشرف اولاد آدم ، بالجمله هو المشهور بین العرب العجم وقد عجز عن تحریر مدایحه لسان القلم ...

۱۰ – مرحوم مولی عبد الکریم بن محمد اسماعیل (اصفهانی) چهارمین شاگرد سیدحجه الاسلام (۱- مرحوم آقا میرزا محمد باقر چهار سوقی ۲ – مرحوم حاج سید شفیع جاپلقی ۳- مرحوم آقا میرزا محمد تنکابنی) در آخر هر یک از مجلدات مطالع الانوار که بخط زیبای خود نوشته و خود آنرا جدول کشی وتذهیب نموده استاد بزرگوار را بگونه ای وصف نموده است از آن جمله در آخر مجلد

۱- مولی حبیب الله بن ملا علی مدد کاشانی عالم فاضل فقیه زاهد صاحب تالیفات کثیره قریب پکصد و چهل مجلد کتاب و رساله متوفی در ۲۳ ج ۲ سال ۱۳۶۰ در کاشان .

اول می نویسد :

قدتم المجد الأول من كتاب الصلاه من مطالع الانوار الذى صنفه :

سيدى و سندى و استادى و مولاى و مقتداى ، السيد الأول والامام الافضل ، زبده العلماء والمحققين ، وقدوه الفضلاء والمدققين ، وافضل الفقهاء والمتبحرين واكمل المحدثين والمجتهدين ، وارث علوم الانبياء والمرساين ، برهان الاسلام والمسلمين مقتدى اصحاب المعرفه والإيمان ، مالك ممالك التحقيق والعرفان ، جامع المعقول والمنقول حاوى الفروع والأصول ، صاحب الفضائل و الفواضل ، كاشف معضلات المسائل، المرتضى المجتبى الاورع الأكرم، المخصوص بمراضى الاخلاق و مفاخر الشيم ، جامع العلوم الالهيه ، وحاوى الصفات الملكيه ، حافظ مراسم الشريعه ، كاشف الأسرار الخفيه ، قبله طلاب الهدايه ، كعبه ارباب الدرايه واضح سفينه النجاه ، سابق اصحاب الدرجات، منبع العزو السعادات ، صاحب الكرامات والمقامات ، قطب فلك الحقيقه والكمال ، حادى الخلائن عن مهالك الضلال ، صاحب النفس القدسيه ، جامع الأوصاف الأنسيه ، نجمه لاهتداء المريدين ، وربما للشياطين المريدين ، المتخلق بأخلاق الله ، والمؤيد من عند الله ، سلاله العتره الطاهره النبويه ،ك□ف الذريه الشريفه العلويه ، فخرالمحققين والمجتهدين ، سراج المله والدين، قدره السادات وجامع انواع السعادات العالم العامل العادل ، النحرير الفاضل الكامل ، المتجلى بانوار الحقائق اللاهوتيه المتخلى عن العلائق الناسونيه ، السيد الأعظم ، والمولى المعظم ، علامه العلماء ، نتيجه الفقهاء، افضل المتقدمين والمتأخرين، نخبه الفضلاء والمتبحرين ، طائف بيت الله الحرام ، وزائر ائمه الانام ، ملاذ السادات المصطفويه ، ومعاذ الذريه المرتضويه ، مروج الشريعه المحمديه، وناشر طريقه الاحمديه، وارث سيدالانس والجان، نائب امام العصر والزمان، عليهما صلوات الله الملك المنان ، سمى الإمام الخامس من

ذریه حبیب اله العالمین محمد علیه و آله افضل صلوات المصلین ، والمنسوب الی الأمام السابع و النور الساطع ، من الأئمه المعصومین صلوات الله علیهم أجمعین ..

تا اینجا گفتار ده نفر از بزرگان علم وقامت ودانش را در باره آن مرحوم نقل نمودیم که تلک عشره کامله . این ده گفتار برای صاحب فهم و در این کافی است و آنان که بیشتر از این بخواهند باید بکتابهای دیگری مراجعه کنند از آنجمله :

۱- آثار ملی اصفهان : تالیف آقای ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی ۲- استاد المصفی : تألیف علامه حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی ۳ - تاریخ اصفهان : مرحوم حاج میرزا حسن خان جابری انصاری ۴ - تاریخ اصفهان وری : مرحوم حاج حسن خان جابری ۵- تاریخ زنجان : مرحوم حاج سید محمد ابراهیم زنجانی ۶- تاریخ علماء و شعرای گیلان : مرحوم حاج شیخ حسن شمس گیلانی ۷- تذکره القبور : مرحوم آقا ملا عبدالکریم جزی اصفهانی ۸- تکمله نجوم السماء : مرحوم آقا میرزا محمد مهدی لکهوی کشمیری

۹- خاتمه جلد سوم مستدرک الوسائل تألیف محدث جلیل مرحوم حاج میرزا حسین نوری . ۱۰- دانشمندان و بزرگان اصفهان تالیف سید مصلح الدین مهدوی . ۱۱ - الذریعه تألیف علامه فقید حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی ۱۲ - رجال اصفهان تالیف سید مصلح الدین مهدوی. ۱۳ - روضه الصفا ناصری جلد دهم تألیف رضا قلیخان هدایت . ۱۴ - زندگانی چهارده مصوم علیهم السلام تألیف حاج شیخ حسین جلالی

شاهرودی -

۱۵ - شمس التواریخ تألیف مرحوم آقا شیخ اسد الله ایزد گشسب . ۱۶- فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی - مشهد ۱۷ - فهرست کتابخانه آیت الله گلپایگانی - قم ۱۸ - فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی (اسلامی) تهران . ۱۹ - فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی - قم ۲۰ - فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران . ۲۱ - فهرست مشاهیر علماء زنجان تألیف حاج شیخ موسی زنجانی . ۲۲- فهرست مؤلفین کتب چاپی عربی و فارسی تالیف مرحوم خانبابامشار.

۲۳- الکرام البرره (طبقات اعلام الشیعه) تالیف علامه جلیل مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی . و

۲۴ - گنجینه آثار تاریخی اصفهان تالیف آقای دکتر لطف الله هنرفر . ۲۵ - گنجینه دانشمندان تالیف عالم محقق حاج شیخ محمد رازی . ۲۶- مصفی المقال تألیف علامه محقق حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی .

۲۷ - معارف الرجال تالیف علامه فتبه مرحوم آقا شیخ محمد حرز الدین نجفی .

۲۸- معجم رجال الفکر والأدب تالیف دانشمند محترم آقای محمد هادی امینی .

۲۹ - مقتبس الأثر تألیف علامه مرحوم آقا شیخ محمد حسین اعلمی. ۳۰ - مکارم الاثار تألیف محقق جلیل مرحوم آقا میرزا محمد علی معلم حبیب

آبادی

۳۱- منتظم ناصری تألیف محمد حسن خان اعتماد السلطنه .

۳۲- وفیات علماء تالیف حاج شیخ حسین جلالی واعظ شاهرودی . ۳۳ - هدیه العارفین تالیف اسماعیل پاشا بغدادی .

وده ها کتاب و رساله و مجله دیگر که شرح حال مرحوم سید حجه الإسلام در آنها یا مستقلا نوشته شده اسسته ویا بمناسبتی ذکری از ایشان شده و اشاره اجمالی به احوالات ایشان گردیده است .

(فائده): بطوریکه در عبارات بزرگان در شأن مرحوم سید حجه الاسلام مشاهده گردید برخی از آنان لفظ و امام » را جزو نعوت و ستایش ها ذکر نموده بودند در این جا بی مناسبت نیست که در باره این کلمه مختصر توضیحی داده شود .

معنی امام : کلمه امام (یکسر همزه) در لغت بمعنی : پیشوا - پیشرو - خلیفه - جانشین -کسی یا چیزی که مردمان ازوی پیروی کنند خواه انسان باشد یا کتاب حق باشد یا باطل رئیس باشد یا جز آن - راه - متولی امر- قرآن - پیغمبر - فرمانده لشکر - مدل ونمونه - ریسمانیکه بناها برای راست بودن دیوار از آن استفاده می کنند (شاقول) - کنار زمین و غیره می باشد .

استعمال کلمه امام در نوشته ها

کلمه امام جمع است بلفظ واحد و امامان تثنیه و ائمه جمع آنست.

امام در قرآن : حبیش (۱)را در کتاب و جوه قرآن (ص ۲۸) ودامغانی (۲)در کتاب : اصلاح الوجوه والنظائر (ص ۴۴) می گویند :

) ابوالفضل حبیش بن ابراهیم بن محمد تفلیسی ادیب لغوی طبیب مصنف کتب دیده از علماء شیعه در قرن ششم هجری است ، در مقدمه کتاب و جوه قرآن نام ۲۸ کتاب ورساله از تألیفات او ذکر شده است مطالبین مراجعه نمایند .

۲) ابوعبدالله حسین بن محمد بن ابراهیم دامغانی از علماء قرن پنجم هجری معرون به فقه حنفی متوفی بسال ۷۸ مجری مؤلف : ۱ - الزوائد والنظائر ۲- شوق العروس واتس النفوس ۳ - فوائد البصائر که به الوجوه والنظائر نیز نامیده شده است (ص ۳۱ پنجم هدیه العارفین).

۱-) ابوالفضل حبیش بن ابراهیم بن محمد تفلیسی ادیب لغوی طبیب مصنف کتب دیده از علماء شیعه در قرن ششم هجری است ، در مقدمه کتاب و جوه قرآن نام ۲۸ کتاب ورساله از تألیفات او ذکر شده است مطالبین مراجعه نمایند .

۲ - ۲) ابوعبدالله حسین بن محمد بن ابراهیم دامغانی از علماء قرن پنجم هجری معرون به فقه حنفی متوفی بسال ۷۸ مجری مؤلف : ۱ - الزوائد والنظائر ۲- شوق العروس واتس النفوس ۳ - فوائد البصائر که به الوجوه والنظائر نیز نامیده شده است (ص ۳۱ پنجم هدیه العارفین).

کلمه امام در قرآن مجید به پنج معنی استعمال گردیده است ؛ ا- پیشوای خیر و پیشرو : انی جاعلك للناس اماما (سوره البقره آیه ۱۲۶) ۲- کتاب و نامه : بوم ندعوا کل اناس بأمامهم (سوره بنی اسرائیل آیه

۷۱).

راغب اصفهانی در کتاب مفردات درباره این آیه شریفه می نویسد :

بدان کسی که به او اقتداء کردند و گفته شده است به کتاب آنان . وحدیث حضرت صادق علیه السلام مؤید قول اول است (ص ۴۰۹ جلد یکم اصول کافی حدیث ۱۷).

۳- لوح محفوظ : و کل شیء احصیناه فی امام مبین (سوره یس آیه ۱۲) فائده تفسیری) : در معنی و مفهوم کلمه امام در آیه فوق مفسرین آنراگاهی

۱- لوح محفوظ و برخی به : ایران بسیاری ۲- نامه عمل انسان تفسیر فرموده اند

۳- و در برخی از تفاسیر بزرگان شیعه طبق روایات منقوله از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم السلام آنرا به وجود مقدس حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام تفسیر فرموده اند ، بطور مثال :

الف : در احتجاج (ص ۷۴۷ سوم تفسیر شریف لاهیجی) از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که فرمودند : هیچ عملی نیست مگر آنکه خداوند تبارک وتعالی آنرا بمن آموخت و من آنرا بعلی علیه السلام یاد دادم، تا آخر خبر.

ب – علی بن ابراهیم قمی در تفسیر این آیه (ص ۵۴۹) می نویسد :

ابن عباس از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت می کند که آنحضرت فرمودند :

اما والله الإمام المبین این الحق من الباطل ورثنه من رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم

ج: در معانی الاخبار (ص ۷۴۷ سوم تفسیر شریف رازی) از حضرت سید الشهداء علیه السلام روایت می کند که فرمود این آیه شریفه بر پیغمبر اکرم نازل گردید و آنرا بر مردم قراءت فرمود) ابوبکر و عمر از جای خود برخاسته و عرض کردند یا رسول الله (این امام مبین) تورات است؟ حضرت فرمودنه گفتند انجیل است حضرت فرمود نه (عرض کردند قر آنست حضرت فرمود نه) در این وقت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام پیش آمد، حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند : این است آن امام مبین او امامی است که خداوند تبارک و تعالی تمام علوم را در نزدش برشمرده و حفظ نموده است.

- تورات : ومن قبله کتاب موسی اماما (سوره هود آیه ۱۱)

و راه روشن : وانهما لب امام مبین (سوره الحجر آیه ۷۹) در شان حضرت هود و حضرت صالح علیهما السلام

(تقسیم بندی) : از نظر کلی امام بر دو گونه است :

- امام حق یا امام هدایت ۲- امام باطل یا امام ضلالت و گمراهی

امام حق خواه معصوم باشد (پیغمبران و اوصیاء آنان علیهم السلام) وخواه غیر معصومین مأمومین و مقتدایان خود را بسوی خداوندتبارک و تعالی و حق و حقیقت رهبری می کند و از فساد و تباهی بر حذر میدارند . خداوند عزوجل درباره پیغمبران میفرماید : وجعلناهم أئمه یهدون بأمرنا (سوره انبیاء آیه ۲۷). اما در مقابل

امام و پیشوای غیر حق و باطل تابعین و پیروان خود را از راه مستقیم دین ودیانت واسلام منحرف ساخته آنانرا بفساد و تباهی و ضلالت و گمراهی واعمال نکوهیده وأقوال ناشایسته راهبری می کند، در حقیقت اینان حزب شیطان هستند همانگونه

که گروه اول حزب الرحمن و به اصطلاح قرآن حزب الله نامیده میشوند . در باره پیشوایان باطل قرآن میفرماید : وجعلناهم أئمه یدعون إلی النار (سوره القصص آیه ۴۱)

در کتب تراجم رجال گاهی اوقات بعضی از علمام بزرگوار را از نظر موقعیت اجتماعی و شخصیت علمی و دینی با کلمه امام وصف کرده اند . این کلمه در بین سنیان بسیار رواج داشته و دارد و لکن در بین شیعه تا قرن سوم بغیر از ائمه معصومین علیهم السلام و برخی از مدعیان امامت از خاندان عترت که اصحاب و یارانشان به امامت آنان معتقد بودند به دیگری گفته نمیشد لکن بعد از این تاریخ در بین شیعه نیز گاهگاه به این لقب برخورد می کنیم گاهی بطور اطلاق و زمانی به اضافه مانند : امام الریاضیین – امام اللغه – امام النحو وغیره .

علامه طهرانی در نوابغ الرواه فی رابعه المات (ص ۲۳۰) بنقل از تذکره الحفاظ (ص ۴ جلد ۳) می نویسد : محمد بن ابراهیم بن حبون الامام الحافظ الحجاری من وادی الحجاره مدینه بالأندلس من کبار حفاظ عصره لکنه فیه تشیع توفی ۴۰۰ . در این قرن عده ای دیگر از بزرگان را نیز بقی. د (امام) وصف نموده اند از آنجمله است : ابو عروبه السلمی الحسین بن محمد بن ابی محشر مودود الحافظ الامام مؤلف: التاریخ . ابن عساکر درباره اش گوید : کان خالیا فی التشیع ، تاریخ وفاتش را بسال ۲۱۸ می نویسند (ص ۱۲۱ نوابغ الرواه)

در این قرن علامه طهرانی جمها هشت نفر را در کتاب : طبقات اعلام الشیعه (نوابغ الرواه فی رابعه المات) بوصف امام ذکر می نماید لکن در قرن پنجم

عده بیشتری از دانشمندان بدین وصف ذکر شده اند از آنجمله است: محمد بن احمد المعموری الفیلسوف الأمام مقدم الحکماء فی عصره مؤلف کتاب : المخروطات مقتول در سال ۴۸۵ بجرم فلسفه و تشیع (ص ۱۵۲ طبقات اعلام الشیعه . النابس فی القرن الخامس). علامه طهرانی در کتاب : طبقات اعلام الشیعه در این قرن قریب۱۶ نفر را بوصف امام ذکر نموده اند .

در قرن ششم این لقب وعنوان عمومیت بیشتری بافته بطوریکه علامه طهرانی در کتاب: طبقات اعلام الشیعه (ص ۲۴ – الثقات العیون فی سادس القرون) نام چهل و هشت نفر از بزرگان شیعه را ذکر فرموده اند که بوصف امام ستوده شده اند و آنها غیر از کسانی هستند که در جاهای دیگر خود ایشان و با مؤلفین دیگر آنان را بوصف امام خوانده اند بطور مثال :

حسین بن محمد بن الفضل بن محمد الشیخ الامام ابو القاسم الأصفهانی المشهور بالراغب المتوفی سنه ۵۰۲. بنابراین وی از بزرگان علماء قرن پنجم است که فقط دو سال از این قرن را درک نموده است

این قطعه شعر را در کتابها باو نسبت داده اند (ص ۶۶ دوم ریحانه الارب) زصد هزار محمد که در جهان آمد یکی بمنزله جاه مصطفی نشود اگر چه عرصه عالم پر از علی گردد یکی بعلم وسخاوت چو مرتضی نشود جهان اگر چه زموسی و چوب خالی نیست یکی کلیم نگردد یکی عصا نشود

ذکر حدیثی شریف) : در کتاب شریف اصول کافی (ص ۴۱۷) باب : ان الأئمه فی کتاب الله امامان در اینکه قرآن مجید دو طبقه از پیشوایان را معرفی نموده می نویسد :

از حضرت باقر علیه السلام روایت شده است که فرمودند چون این آیه : یوم ندعواکل اناس بامامهم ، نازل گردید مسلمین به رسولخدا علیه السلام عرض

کردند : آیا شما امام و پیشوای همه مسلمانها نیستید ؟ حضرت فرمودند :

من رسولخدا و فرستاده او بر تمام مردمان میباشم لکن پس از من پیشوایان وامامان از هل بیت من خواهند بود . برخی از پیشوایان کفر و گمراهی و پیروان آنان آنها را تکذیب کنند و بدانها ستم روا دارند .

کسیکه آنها را دوست بدارد (ائمه از اهل بیت علیهم السلام) و گواهی آنان کند و از آنان پیروی نماید از من و با من است و مرا ملاقات خواهد کرد و آنکس که آنان را تکذیب کند و بر آنها ستم روا دارد از من نیست (ازامت من نیست و با من در قیامت) نمی باشد و من از او بیزارم .

سید حجه الاسلام مجدد قرن : مرحوم حاج میرزا حسن خان شیخ جابری انصاری(۱) در کتاب تاریخ اصفهان وری (ص ۲۸۵) در ذکر مساجد اصفهان آنجا که از مسجد سید حجه الاسلام سخن می گوید می نویسد : و آن بنای بزرگی از همت بلند مرحوم حجه الاسلام مجدد قرن دوازدهم (باید قرن سیزدهم مینوشت و مسلما سهو القلم است) حاج سید محمد باقر شفتی رشتی شد.

حدیث مجددین : شیخ بهائی علیه الرحمه در مقدمه کتاب درایه الحدیث (الوجیزه) لؤلؤه البحرین (ص ۳۹۲ چاپ نجف) از جامع الأصول تألیف ابن اثیر نقل می کند که : یکی از خواص شیعه آنست که در هر صد سال کسی یافته شده که قواعد و احکام اورا تجدید می کند و مجدد مذهب در قرن دوم حضرت رضا علیه السلام را می نویسد .

۱- مرحوم حاج میرزا حسن خان فرزند حاج میرزا علی انصاری ادیب شاعر مورخ نویسنده ومحقق معاصر صاحب تألیفات کثیره مطبوعه متولد ۸ رجب ۱۲۸۷ و متوفی در ۵ جمادی الثانیه ۱۳۷۵ مدفون در بقعه تکیه ها بابا رکن الدین در تخت فولاد اصفهان .

محدث نوری در مستدرک الوسائل حدیث فوق را از جامع الأصول بدینگونه نقل می کند که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اند :

ان الله تبارک وتعالی یبعث لهذا الأمه فی (علی) رأس کل مائه سنه من یجلد لها دینها ، این حدیث را بطوریکه علامه بحاثه جلیل مرحوم سید عبدالحسین شرف الدین (ص ۵۸ شیخ آقا بزرگ تهرانی تألیف دانشمند محترم آقای محمد رضا حکیمی خراسانی) می فرماید در میان مسلمین معروفست و آنرا ابوداود در صحیح خود وابن اثیر در جامع الأصول نقل می کنند و برخی از مجددین شیعه را نیز نام میبرد .

علامه طهرانی در نقباء البشر (ص ۴۴۰ یکم) در پاورقی شرح حال میرزای شیرازی پس از نقل مطالبی راجع به مجددین وذکر اسامی برخی از آنان می فرماید:

موضوع حدیث مجددین از امورثابته و کلی حتی در نزد اهل سنت می باشد و آنرا ابوداود در صحیح خود وابن اثیر در کتاب نبوت از کتاب جامع الاصول نقل می کنند و عده زیادی از محدثین ما (یعنی شیعه) که مشکل است که نام آنان را احصاء نمود آنرا نقل نموده اند . بنابر آنچه نقل گردید این حدیث مورد قبول بزرگان از علماء شیعه و سنی در طول زمان قرار گرفته است و بنا بمدلول آن برای هر صد سالی (هر قرنی) مجددی ذکر نموده اند و مجدد مذهب را منحصر به علماء وفقهاء ومحدثین بزرگوار ندانسته اند بلکه از عرفا و صوفیه و حکماء وفلاسفه و پادشاهان از هر طبقه و کشور و فرقه ای را بعنوان مجدد قرن معرفی نموده اند .

در پاورقی کتاب : میرزای شیرازی (ص ۲۰) که ترجمه کتاب « هدیه الرازی الی الامام المجدد الشیرازی ، تألیف علامه جلیل مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی (مترجم اداره پژوهش و نگارش وزارت ارشاد اسلامی) بمناسبت اینکه

مرحوم میرزای شیرازی بعنوان مجدد شهرت یافته بخلاصه واندک تغییر واضافه می نویسد :

۱- مبنای این سخن حدیثی است که در سنن ابوداود از ابو هریره روایت می کند و باز گشت تمام کتب حدیث در نقل این روایت بهمن مأخذ و مصدر منتهی میگردد و در کتب حدیث شیعه چنین روایتی از هیچ یک از معصومین علیهم السلام روایت نشده است (به نوشته مرحوم طهرانی در نقباء البشر توجه شود).

راوی این حدیث یعنی ابوهریره نه تنها از نظر محدثین شیعه بلکه از دیدگاه ستیان نیز غیر معتبر و در برخی از کتب ویرا دروغزن وجمال ووضاع الحدیث معرفی نموده اند بنابراین حدیث از نظر سند ضعیف و غیر قابل قبول است

۲- بر فرض قبول این حدیث و اینکه آنرا صحیح بدانیم بزرگان از علماء و محققین وفقهاء و مجتهدین که در طول چهارده قرن اسلامی در کلیه فرق اسلام و بالاخص شیعه پدید آمده اند چه وضع و حالتی دارند . آیا حضرت سید الشهداء علیه السلام با قیام خود تجدید روح اسلام و قوانین آن که بوسیله خلفاء و بالاخص معاویه ویزید جانشین او دچار ضعف و فراموشی شده بود مجدد شمرده نمیشود. مگر نه آنست که بیشتر احادیث مربوط به احکام و عبادت و اصول اعتقادات و مبانی اخلاقی شیعه از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است و فرقه شیعه امامیه را بهمین لحاظ بنام مبارک آنحضرت فرقه جعفری و مذهب ما را مذهب جعفری می نامند ، آیا حضرت صادق علیه السلام مروج ومجدد مذهب شمرده نمیشود . آیا این قول قابل قبول است.

۳- در حدیث فوق می گوید : در سر هر صد سال، پس تکلیف بزرگانیکه در رأس مائه قرار نگرفته اند چه خواهد بود، گذشته از اینکه بسیاری از کسانیرا که مجله مذهب ذکر کرده اند باین بیان نمیتوانند مجدد محسوب شوند مثلاجناب

شیخ مفید را که مجدد قرن چهارم می نویسند در سال ۳۵۵ متولد شده و بسال ۴۳۲ وفات یافته است و زمان در قرن چهارم و پنجم را درک نموده و عمده شهرت وعنوان او در قرن پنجم می باشد و نام جناب شیخ الطائفه ابی جعفر محمد بن حسن طوسی صاحب دو کتاب از امهات کتب شیعه یعنی کتابهای : استبصار وتهذیب از کتب چهار گانه محمدین سه گانه اوائل را چون در سال ۳۸۵ تولد یافته و در سال ۴۶۰ رحلت نموده بعنوان مجدد قرن ذکر نکرده اند و حال آنکه شهرت اجتماعی و مقام علمی وخدمات آن بزرگوار به شیعه و اینکه وی اول کسی است که شهر نجف اشرف را مرکز علم و دانش شیعه ومجمع علماء و مجتهدین وطلاب ومشتغلین قرار داده و تاکنون بحمد الله در طول یکهزار سال این حوزه مقدسه علمیه بوجود علمای بزرگ و مراجع مزین و مفتخر است .

همچنین است مرحوم سید حجه الاسلام شفتی که دو قرن را درک نموده یعنی یک ربع از قرن دوازدهم ومدت شصت سال از قرن سیزدهم را زنده بوده بیشتر مؤلفین به غیر از مرحوم انصاری (و شاید عده ای دیگر که فعلا نامشان بر نویسنده مجهول است) ویرا مجدد قرن نشناخته اند .

همچنین مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان (ص ۸۸) در ضمن بیان شرح حال مرحوم حاجی کلباسی می نویسد :

از ارکان شریعت و مجدد قرن سیزدهم در مذهب شیعه.

مرحوم شیخ جعفر بن شیخ باقر آل محبوبه نجفی در کتاب : ماضی النجف وحاضرها (ص ۷۴ یکم) در ضمن بیان مساجد نجف می نویسد :

مسجد شیخ صاحب الجواهر در سال ۱۲۶۴ در زمان علامه مشهور مجدد مذهب در قرن سیزدهم آقا شیخ محمد حسن صاحب جواهر الکلام تأسیس گردید .

ص : ۴۵

(خلاصه و نتیجه کلام) : با توجه به مطالب فوق چنین نتیجه می گیریم که حدیث فوق از لحاظ :

ا- سند ضعیف است. ۲- از نظر محتوا و مصادیق خارجی نیز مردود وغیر قابل قبول است.

حدیثی از امام ششم علیه السلام : ثقه الاسلام کلینی در کتاب اصول کافی (ص ۶۰ جلد یکم باب صفه العلم وفضله، وفضل العلماء حدیث ۲) از حضرت صادق علیه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمودند :

ان العلماء ورثه الأنبیاء .... انما اورثوا احادیث من أحادیثهم ، فمن اخذ بشیء منها فقد اخذ حظا وافرا فانظرواعلمکم هذا ممن تأخذونه فان فینا اهل البیت فی کل خلف عدولا ینفون عنه تحریف الغالین وانتحال المبطلین وتاویل الجاهلین.

دانشمند بزرگوار محقق متتبع آقای شیخ لطف الله صافی گلپایگانی در مقدمه کتاب و مقتضب الأثر فی النص علی الأئمه الاثنی عشر » تألیف محدث جلیل شیخ احمد بن محمد جوهری بنقل از الصواعق ص ۱۶۸ و چندین کتاب دیگر حدیث فوق را بدینگونه روایت می کند :

قوله صلی الله علیه وآله وسلم : فی کل خلف من امتی عدول من اهل بیتی ینفون عن هذا الدین تحریف الضالین وانتحال المبطلین وتأویل الجاهلین، الأوان امتکم وفدکم إلی الله عزوجل فانظروا من توفدون .

دانشمندان و ارث پیغمبرانند ... بدرستی که ارث نهادند احادیثی از حدیث های خود را، پس هر کس چیزی از آنها را فراگرفت به تحقیق که بهره فراوانی گرفته است . پس نگاه کنید که علم خود را از که می گیرید پس بدرستی که در بین ماخاندان در هردوره و زمان جانشینی عادل می باشد که تحریف هائی که بوسیله غلوکنندگان در دین پدید آمده و نسبت های دروغی که مبطلین ومخربین در دین می دهند و همچنین

تغییرات و تأویلاتی که از طرف مردم نادان در دین میشود را از بین میبرند .

خلاصه فرمایش امام علیه السلام آنکه در هر عصری مردمان عادل وعالم و آگاهی در بین شیعیان ما می باشند که از صراط المستقیم حق و حقیقت منحرف نگشته و علاوه بر آنکه خود در راهند دیگران را نیز که به طریقی از راه برگشته اند براه راست هدایت می کنند ، این گمراهان بر سه گونه اند :

۱ غلو کنندگان می باشند همچون کسانیکه در باره ائمه طاهرین علیهم السلام غلو نموده و آنها را خدا میدانند و یا قائل به حلول و اتحاد شدند .

۲- بیهوده گویانی که حقایق دین را تحریف نموده و به گونه ای دیگر بیان می کنند مانند آنها که با جعل اخبار مخالف واقع نظر عده ای از مردم را از دیانت برگردانده و در عقاید آنها رخنه می کنند مانند آنها که در ثواب قراءت برخی از سوره های قرآن و یا ادعیه از پیش خود حدیث ساختند و آنرا به معصومین نسبت دادند.

۳- گروه سوم مردمان نادانی می باشند که احادیث را به سلیقه و نظریه خود تأویل می کنند و قرآن را بدلخواه خود تفسیر می نمایند مانند کلیه فرقه های انحرافی که خود را به اسلام نسبت میدهند .

تذکر) : مرحوم شیخ علی بن محمد سبط شهید ثانی در کتاب : الدر المنثور من الماثور وغیر المأثور (ص ۱۵ دوم) حدیث فوق رانقل نموده و آنجا تحریف الغافلین بجای تحریف الغالین می نویسد .

مخالفین سید حجه الاسلام

در زمان حیات مرحوم سید حجه الإسلام وهمچنین بعد از وفات ایشان تا زمان حاضر عده ای با آن مرحوم مخالف بلکه معاند بودند و بروی و اعمالش اعتراض

و انتقاد میکردند ، یکی به ثروت او خرده میگرفت و دیگری اجرای حدودش را نمی پسندید . سعدی می گوید:

اگر در جهان از جهان رسته ای است در از خلق بر خویشتن بسته ایست اگر بر پری چون ملک ز آسمان بدامن در آویزدت بدگمان بکوشش توان دجله را پیش بست نشاید زبان بد اندیش بست فراهم نشینند تر دامنان که این زهد خشک است و آن دام نان

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۳۵) می نویسد:

حاج شیخ محمد رفیع جیلانی ((۱)که فاضل و از شاگردان بحر العلوم بود وشرحی بر معالم نوشته اما شهرتی نداشت و سید را به او میلی نبود و حاج شیخ محمد رفیع همیشه در مقام تشنیع حجه الاسلام بود . مانند اینکه شیخ گفت:

ما زمانیکه در نجف بودیم ، در خدمت بحر العلوم بودیم آقا سید محمد باقر یک خوشه انگور از بازار گرفت و پس از یک هفته یا بیشتر بمنزل او رفتم همان یک خوشه انگور در آنجا بود و هیچ از آن نخورده بود، گفتم چرا از آن انگور اکل نمی نمائی جواب داد که خواستم خلاف نفس کنم . اکنون صاحب آلاف از اموال دنیویست و یوما قیوما در تزاید است و خلاف نفس نمی کند.

---

۱ - ۱) حاج شیخ محمد رفیع بن محمدرفیع گیلانی (محمد رفیع بن محمد حسین بن محمد ربیع تولمی) از علماء ساکن اصفهان بوده تالیفات زیادی دارد از آن جمله : ۱- اصل الاصول در شرح معالم ۲- جواهر الأصول حاشیه بر معالم تا آخر تعادل و تراجیح ۳ - رساله در جمعه ۴ - حواشی بر دره مرحوم سید بحر العلوم استادش ۵ - شرع بهجه المرضیه ۶ - عقد الجواهر ۷- کشف المدارک حاشیه بر مدارک ۸ - اللیالی الثمینه در شرح نهج البلاغه وغیره (تراجم الرجال ص ۲۰۱ - دانشمندان و بزرگان اصفهان ص ۲۴۱ - الکرام البرره ص ۵۷۷ - الذریعه) وفات مشار الیه را در الذریعه حدود سال ۱۲۲۵ می نویسد لکن در تراجم الرجال در سال ۱۲۳۷ نوشته است

نویسنده گوید : مرحوم حاج شیخ محمد رفیع توجه نفرموده اند که آن زهد در حال فقر و تسلط بر نفس موجب گردید که خداوند تبارك و تعالی به مشیت و اراده کامله خود و بر اصاحب الان از اموال نمود و از دست کرم و سخاوت گشود و فیض جودش به کلیه طبقات از علماء وسادات وفقراوایتام و طلاب و مستضعفین رسید . واین جود و کرم و ایثار نیز خود نوعی خلاف نفس محسوب میشود .

دیگر از مخالفین مرحوم سید حجه الاسلام : حضرت صادق علیه السلام میفرماید : بغض الفجار للابرار زین للابرار .

دشمنی و عداوت مردم بدکار وفاجر نسبت به نیکان موجب زینت نیکوکاران

است .

یکی از مسلمات است که مردم بدکاره هیچگاه از مردمان مؤمن و دیندار خوششان نمی آید آنها بمناسبت سنخیت مردم منافق و دو رو و ستمکار و بدرفتار را می پسندند و از مؤمنین واقعی و دیندار بهرگونه که باشد بدگوئی می کنند . اینان سخن بر حسب موقعیت زمان و مکان می گویند با فاسق و منافق طبق دلخواه او می گویند و با مؤمنین نیز دم از اسلام می زنند و برای آن دلسوزی می کنند و خویشتن را مؤمن واقعی و مسلمان راستین می شناسانند .

ذیلا بنام چند تن از مخالفین مرحوم سید حجه الاسلام اشاره میشود :

۱- ادوارد برون انگلیسی به قول طرفدارانش ادیب ایرانشناس وعاشق دلباخته ایران در کتاب : تاریخ ادبیات ایران (ص۲۶۲ و ۲۶۸ و ۲۸۵ جلد چهارم) در ضمن بیان مقام مجتهدین در زمان صفویه و جانشینان آنها ذکری از مرحوم سید حجه الاسلام نموده و گوید : شخصا چندین نفر را بجرم زندقه و معاصی مختلفه بقتل رسانیده است

در جای دیگر (ص ۲۶۸) ضمن بیان کتابهای علمای شیعه نام کتاب سؤال

وجواب ایشان را برده و در ضـمن معرفی ایشان می نویسد : که شـرح سـخت گیری او را نسـبت بحدود شـرعیه و اجرای حکم قتل درباره مقصرین واشخاص هدورالدم سابقاً ذکر نمودیم.

ودر (ص ۲۸۵) در ضمن بیان شرح حال اسامی روحانیون عهد صفویه و پس از آن گوید :

۲۲ – سـید محمـد باقر بن سـید محمد نقی رشتی ملقب به حجه الاسـلام که پیش از این ذکرش گذشت و سـخت گیری او در اجرای حدود نسبت باشخاصی که نقش شریعت کرده بودند مذکور افتاد ...

نویسـنده گوید : بطوریکه ملاحظه شد در هر سه جا انتقاد راجع به اجرای حدود شـرعیه و سخت گیری در انجام آن می باشد. البته ادوارد برون و دیگران حق دارنـد به یک مجتهد ایراد کنند که چرا قوانین اسـلام را در مملکت اسـلامی اجرا می کند راز مقررات ممالک خارجی پیروی نمی نمایـد . در انگلسـتان که زنای محصـنه ولواط و دیگر معاصـی از امور عادی وجائز اسـت نویسنده انگلیسی بخود حق میدهد که بنویسد : چرا چنین عاملینی را می کشند و چرا عالمی بقتل آنها فتوی میدهد وحتی خود آنرا اجرا می کند.

ادوارد برون انگلیسـی بـا همه شـهرت و عنوان او یکی از چهره های مرموز وناشـناخته است که اینگونه که بایـد معرفی شود تا کنون شـناسانده نشـده است در این جا فقط متذکر می شویم که وی گاهی خود را عارف وصوفی معرفی می کند و در نوشـته های خود خویشتن را مظهر علی به نام میبرد (ص ۱۰۶۴ جزء سوم مجلد نهم الذریعه).

۲ – مرحوم غلامرضا رشید یاسمی کرمانشاهی در پاورقی تاریخ ادبیات ایران تألیف ادوارد برون که ترجمه نموده (ص ۲۸۵) می نویسد :

سید محمد باقر رشتی از حیث اهمیت در درجه سوم یا چهارم است و ملا احمد نراقی در مرتبه دوم و اشخاص ذیل که از قلم افتاده خیلی مهمترند : ۱آقای بهبهانی ۲- شیخ جعفر عرب ۳- شیخ محمد حسن صاحب جواهر الکلام ۴- شیخ مرتضی الأنصاری ۵ - آقا شیخ هادی طهرانی .

نویسنده گوید : با اعتراف و اذعان بمقام والای عموم مجتهدین وبالاخص پنج نفر عالم نامبرده بالا معلوم نیست که مرحوم رشید یاسمی روی چه پایه و اساسی مرحوم سید حجه الاسلام را در درجه سوم و یا چهارم قرار داده است . البته ادوارد برون نام بسیاری از بزرگان علماء وفقهاء بزرگوار شیعه را که در این قرون میزیسته را ذکر ننموده و ظاهرا عدم ذکر اسامی شریف آنان برای اختصار نمودن مطلب بوده و ذکر نام مبارک مرحوم سید حجه الاسلام برای بیان اهتمام آنجناب در امر بمعروف و نهی از منکر که مرحوم رشید باسمی بطور کلی از آن غافل بوده و هم بجهت بیان قدرت و نفوذ علماء شیعه در اجتماع مردم شیعه مذهب بوده است.

برای بسیاری م- حاج زین العابدین شیروانی از مشایخ واقطاب صوفیه ملقب به مست علیشاه نیز همچون دیگر عرفاء و صوفیه که عموما با علماء اسلام مخالفند وی نیز با سید حجه الاسلام مخالفت مینموده است .

در کتاب بستان السیاحه نام هر شهر و قریه ای را که ذکر می کند آنرا بیدی باد می نماید می نویسد مخالف صوفیانند واصل درخوبی و بدی را تصرف وخدمت بصوفیان ویا مخالفت با آنان میداند .

در زمان مرحوم سید حجه الاسلام صوفیه در اصفهان نسبتا کر وفری داشتند : سید رضا نانی هندی (فوت ۱۲۲۲) وشیخ زاهد ثانی گیلانی (فوت ۱۲۲۲) و آقا محمد کاظم واله شاعر (فوت ۱۲۲۹) و از همه مهمتر حسینعلیشاه اصفهانی

(فوت ۱۲۳۴) و جمعی دیگر از صوفیه در این زمان در اصفهان میزیسته و مردم را به تصوف میخواندند، حکیمی بزرگوار وفیلسوفی عالیقدر از اساتید سبد حجه الاسلام و موبدان آن بزرگوار یعنی حاج ملا علی نوری اصفهانی با آنان مخالف بود (شرح مخالفت اویا صوفیه بعدا بطور اجمال گفته میشود) مرحوم سید حجه الاسلام گر چه علنا با صوفیه مخالفت نمیکرد لکن با آنان موافق نبود و هیچ یک از آنان را بخود راه نمیداد از اینرو حاج زین العابدین شیروانی با سید حجه الاسلام موافق نبوده است

۴ - دیگر از این مخالفین عباس اقبال آشتیانی است که در آخرین شماره مجله یادگار (ص ۲۸ تا ۴۳ شماره دهم سال پنجم از مجله یادگار) شرحی راجع بزندگانی آن مرحوم نوشته است.

در ابتدای مقاله خود شرحی از وضع ناگوار عهد نادر و کریمخان نوشته و سپس بدوره قاجاریه پرداخته و در ضمن بخلاصه می نویسد :

علماء امامیه دوره قاجاریه چنان نفوذ یافتند که باید قدرت خود را برابر یا بالاتر از قدرت سلاطین و اولیای امور گذاشتند و بنام ترویج احکام و اجرای حدود و نیابت از امام غائب (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در بسیاری موارد سلاطین وحکام را مطیع اوامر واحکام خود کردند ...

سپس بشرح حال و گزارش زندگانی مرحوم حجه الاسلام پرداخته و هر کجا بمناسبت مقام ویرا بگونه ای قدح نموده و بروی خرده گرفته است یک جا از ثروتش سخن می گوید و جای دیگر از اجرای حدود ..

گاهی ویرا متکبر ومتفرعن میخواند وجائی مال دوست و شهرت طلب اما جائیکه از علم و عبادت او سخن می گوید ناچار بمقام والای او اعتراف نموده وزهد و عبادتش را ستوده است . برخی از مطالب آنرا بعدابمناسبت مقام ذکر

خواهیم کرد . آیا او نمیداند زهد و عبادت با تکبر ومال دوستی مباینت دارد ؟

و یکی دیگر از مخالفین مهدی بامداد است در شرح حال رجال ایران (ص ۳۰۴ سوم) شرح حال سید حجه الاسلام را عینا از مجله یادگار وقصص العلماء ، با اندکی تغییر در عبارات نقل نموده و همچون اقبال تهمت ها به مرحوم حجه الاسلام زده و همان بیانات را بگونه ای دیگر تکرار کرده است.

در حقیقت مهدی بامداد مطلبی از خود ندارد بلکه گفته ها و خطاهای اقبال آشتیانی را بازگو و باز نویس نموده است.

ایندو نفر یعنی اقبال آشتیانی و مهدی بامداد اجرای حدود احکام الهی را قساوت قلب می نامند آنها حق دارند زیرا اگر در شناسنامه آنها مذهبشان را اسلام نوشته باشند از اسلام فقط پنج حرف (اسلام) را می شناسند نه از حقایق این دین خبر دارند و نه از تاریخ آن گرچه هر دو را مورخ می نویسند آنها اسلام را از دیدگاه خارجیان می بینند نه از نظر مسلمانان.

خواننده عزیز توجه دارد که مأخذ و مصدر نوشته های این دو تن و دیگران از موافق و مخالف نوشته های شاگردان و معاصرین ایشان بالاخص میرزا محمد تنکابنی مؤلف قصص العلماء می باشد چه خوب می فرماید سعدی شیرازی :

دوکس بر حدیثی گمارند گوش از این تا بدان زاهر من تا سروش یکی پند گیرد دگر ناپسند هنر دارد از حر فگیری به پند فرومانده در کنج تاریک جای چه در یابد از جام گیتی نمای مپندار اگر شیر وگر روبهی کز اینسان بمردی وحیلت رهی

قضاوت بین دو اندیشه و گفتار موافق و مخالف با توجه به نویسندگان آنها و طرز فکرشان بعهده خوانندگان عزیز وبی نظر میباشد .

آیا عقل وخرد قبول می کند که انسان نوشته های عالمی بزرگوار و فقیهی دیندار

ومؤلفی مطلع و آگاه که عموم نویسندگان بعظمت مقام علمی و احاطه او بدقائق و نکات زندگانی بزرگان دین و همچنین زهد و تقوای کم نظیر او معرفندیعنی مرحوم آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی عالم محقق مدقق متنبع رجالی مؤلف کتاب شریف روضات الجنات را که سالها خدمت مرحوم سید حجه الاسلام تلمذ وشاگردی نموده و آنجناب را از نزدیک دیده و با او معاشرت داشته است را که در باره آن مرحوم می نویسد : از تمام صفات ناشایسته عاری می باشد . ویا در جای دیگر مینویسد تمام معارف و اخلاق رادارا بوده و از کلیه مدارج مکارم و آداب برخوردار بود .. را قبول نکرده و نوشته های بی اصل و مغرضانه عباس اقبال آشتیانی را بپذیرد.

آنچه علامه محقق رجالی آقا سید محمد شفیع جاپانی شاگرد دیگر آنجناب و یا میرزا محمد تنکابنی را که اولی در روضه البهیه و دومین در قصص العلماء از اخلاق و ملکات سید حجه الاسلام بحث نموده اند و آنرا به بهترین وجه ستوده اند را رها کنیم و یاوه سراییهای مهدی بامداد را در برابر بپذیریم .

برای آشنائی بطرز فکر و میزان دینداری با مداد کافی است خواننده عزیز در کتاب أو اندکی میقانه مطالعه کند و مثلا شرح حال قره العین بابیه مشهوره را بخواند آنوقت متوجه می شود که این نویسنده تا چه حد و اندازه از معارف اسلامی بیگانه است.

ص : ۵۴

بخش دوم: زندگانی (مهاجرت سید حجه الاسلام به عتبات مقدسه)

زندگانی (مهاجرت سید حجه الاسلام به عتبات مقدسه)

اشاره

سید حجه الاسلام بید آبادی

مهاجرت تحصیلات - اساتید

ص : ۶۱

مهاجرت سید حجه الاسلام به اعتاب مقدسه جهت تکمیل تحصیلات

مرحوم سید حجه الاسلام بطوریکه خود در برخی از اجازاتی که جهت شاگردانش مرقوم فرموده می نویسد در سال ۱۱۹۲ بسن هفده سالگی (درروضات الجنات - ۱۱۹۷ می نویسد) جهت ادامه تحصیل از ایران به عراق مهاجرت فرموده است ،

در روضات الجنات می نویسد مدت زمان توقف آنجناب در اعتاب مقدسه کربلا نجف - کاظمین جمعا هشت سال بوده ، بنابراین مراجعت به ایران باید سال ۱۲۰۰ یا ۱۲۰۵ باشد.)

در کربلا- در خدمت وحید بهبهانی و آقا سید علی طباطبائی صاحب ریاض المسائل ودر نجف خدمت علامه بحر العلوم طباطبائی و کاشف الغطاء ودر کاظمین در خدمت آقا سید محسن اعرجی تلمذ نموده است.

فقر سید در اعتاب مقدسه

اشاره

فقر سید در اعتاب مقدسه : مرحوم سید حجه الاسلام مانند بسیاری دیگر از بزرگان علماء دوره تحصیل

بسیار فقیر وبی چیز بوده بطوریکه در قصص العلماء (ص ۱۴۰) می نویسد :

در زمانیکه سید حجه الاسلام نزد سید علی صاحب ریاض المسائل درس میخواند بقدری فقیر بود که نعلین پایش پاشنه نداشته و پاشنه آنهم از کهنگی و کثرت استعمال در رفته بود و برای معاشی بومیه یکسر معطل وفاقد وعادم بود .

مرحوم سید نعمت الله جزاثری در شرح حال خود مینویسد: در دوره تحصیل قدرت خرید روغن جهت چراغ و روشنائی نداشتم و شبها از نور مهتاب و یاچراغ حوضخانه استفاده میکردم .

آری نتیجه تحمل آنهمه رنجها در تحصیل علم و دانش و صبر و شکیبائی در فقر رسیدن بمقامات عالیه علم و ریاست کلی دنیا و آخرت میباشد .

تدریس در ضمن تحصیل

در بین محصلین علوم دینی رسم است که معمولا هر طلبه ای علاوه بر دروسیکه در خدمت استاد تحصیل می کند و بعدا با سایر طلبه ها مباحثه می کند ، کتابها و درسهائیرا که قبلا خوانده است به دیگران می آموزد بنابراین هر طلبه ای علاوه بر آنکه دانشجو و طالب علم است استاد و معلم نیز می باشد. در اثر این رویه پسندیده علماء اسلام در تمام ادوار تحصیل و تدریس آنچه را خوانده اند حاضر الذهن می باشند .

فاضل محترم آقای حاج شیخ علی دوانی در کتاب شرح زندگانی حضرت آیت الله العظمی مرحوم حاج سید علی بهبهانی (۱)رحمه الله علیه می نویسد:

سالیکه ایشان به نجف تشریف آوردند بجهت اقامت ، من و چند نفر طلبه دیگر دوره مقدمات میخواندیم . ایشان از مراجع تقلید و در ردیف علمائیکه شبهه اعلمیت در باره آنها میرفت قرار داشتند، هرگاه بمدرسه تشریف می آوردند اگرما در ساختن صیغه فعلها واینگونه مطالب دچار مشکلی بودیم از ایشان میپرسیدیم و ایشان با کمال عطوفت و مهربانی همچون پدری مشفق در کنار می نشستند و مشکلات ما را جواب میفرمودند و حال آنکه سؤال ما راجع به مقدمات بود و ایشان در حد مراجع بزرگ قرار داشتند .

مرحوم سید حجه الاسلام در سالهائیکه در نجف اشرف تحصیل مینمودند عده ای در خدمتشان سیوطی میخوانده اند که از اسم و رسم آنها بی خبریم . همینقدر میدانیم که مرحوم سید حجه الاسلام بخواهش یکی از آنها حواشی بر کتاب سیوطی بنام « الحلیه اللامعه ، مرقوم فرموده و در سالیکه بمناسبت ابتلا بمرض حریه البول به بغداد مسافرت فرموده بود و مدت چهار ماه در آنجا بمداوا و معالجه مشغول بود کتاب نامبرده را از مسوده به مبیضه آورده و این کار در تاریخ اواسط رجب سال ۱۲۰۴ بوده است.

بنابر این مرحوم حجه الاسلام تا این سال یعنی مدت ۱۲ سال یقیناً در اعتاب مقدسه ائمه عراق علیهم السلام بوده و بعدا به ایران معاودت نموده است.

سید وحاجی کلباسی در نجف

آشنائی مرحوم حجه الاسلام با حاجی کلباسی از نجف در محضر درس مرحوم سید بحر العلوم شروع شده و بعدا این آشنائی به دوستی ووداد و به اتحاد ویگانگی تبدیل گردیده است هر دو مجتهد و بزرگوار عادل ومتقی و پرهیزکارو...

در قصص العلماء (ص ۱۴۰) می نویسد:

در زمانیکه در نجف اشرف در خدمت مرحوم سید بحرالعلوم تلمذ مینمود میان او و حاجی کلباسی مراوده و مصادفه بسیار بود ، روزی حاجی بدیدن سید بحجره ایشان میرود و مشاهده می کند که سید در حال اغما بر زمین افتاده است ومعلوم میشود که از شدت گرسنگی غش کرده است . پس حاجی فوراً ببازار رفته وغذای مناسبی تهیه نموده و در حجره بسیدمی خوراند و سید بهوش می آید.

پدر مرحوم حاجی کلباسی یعنی حاج محمد حسن از نظر مادی در رفاه و آسایش بوده و دارای ثروت و مکنتی فراوان ، از اینرو حاجی کلباسی در مدت

۱- نویسنده رساله مستقلی بنام « ارمغان اصفهان در شرح حال علامه بهبهانی ، در شرح حال و گزارش زندگانی ایشان تألیف نموده و بچاپ رسیده است.

تحصیل در رفاهیت نسبی بسر می برده و با خیال آسوده به تحصیل مشغول بوده اما برخلاف او مرحوم سید حجه الاسلام در این موقع که درنجف و کربلا- تحصیل میکرده یا قبلا- پدرش فوت شده بوده و اگر هم زنده بوده وضع مالی چندان خوبی نداشته که بتواند بفرزند طالب علم خود در خارج از ایران کمک نماید .

سید حجه الاسلام و علامه بحر العلوم

بطوری که مؤلف قصص العلماء (ص ۱۴۰) می نویسد :

مرحوم سید حجه الاسلام اوایل تحصیل در امر طهارت و نجاست زیاد احتیاط داشته است و حوض آبی در بیرونی منزل استادش سید بحرالعلوم بوده که سبد حجه الاسلام اغلب جهت تطهیر وتجدید وضو بدان خانه میرفته است و تطهیر می نموده مرحوم بحرالعلوم از وضع فقروناداری شاگرد مطلع گردیده و به او اظهار میفرماید که : باید در اوقات ظهر و شب جهت صرف نهار و شام بنزد من بیائی و در این باب اصرار می کند شاگرد منبع الطبع و بزرگوار از روی مناعت واستغناء انگار می کند و هر چند استاد در این باره اصرار می نماید وی برانکار خود می افزاید تا آخر الامر سید به مرحوم بحر العلوم عرض می کند :

اگر بیشتر از این اصرار بفرمائید از نجف بیرون میروم و اگر میخواهید که در نجف باشم و از درس شما استفاده کنم از این تکلیف دیگر نفرمائید. مرحوم بحرالعلوم بعلت علاقه ای که به مرحوم سید داشته و آتیه درخشانی که در او بچشم حقیقت بین مشاهده میفرموده دیگر سکوت می نماید و از آن پیشنهاد و تکلیف صرفنظر میفرماید .

سید حجه الاسلام و صاحب ریاض المسائل

در ایامی که مرحوم حجه الاسلام در کربلا در خدمت صاحب ریاض المسائل

یعنی آقا سید علی طباطبائی تحصیل می نموده چون استاد به وضع زندگی شاگرد آگاهی حاصل می کند کسیرا مامور می نماید که روزانه دو قرص نان یکی جهت ظهر و دیگر برای شب سید حجه الاسلام میبرده است.

خلاصه آنکه مؤلف قصص العلماء (ص ۱۴۰) می نویسد : فقروفاقه سید حجه الاسلام بنحوی بوده که گویا به تصور در نیاید .

استجازه از اساتید

در روضات الجنات (ص ۲۹۱ دوم ترجمه) می نویسد :

حجه الاسلام بمن فرمود در آن روزگار که به کسب کمال می پرداختم رغبتی به استجازه از اساتید نداشتم و مانند دیگران که خواهان ریاست بودند در این اندیشه شب را بروز نمی آوردم با آنکه رویه اساتید با من طوری بود که متوقع بودند من از آنان استجازه نمایم و آنها بلافاصله و به محض اظهار من خواسته مرا اجابت کند .

به همین مناسبت از اجازه روایتی مروج بهبهانی و سایر اعلام که در طبقه او بودند محروم ماندم ، ای کاش چنان استغنائی را در خود احساس نمی کردم و این رویه راسیره خود قرار نداده بودم تا امروز اینگونه محرومیت نصیب من نمیشد .

اساتید و مشایخ اجازه

در فصل آینده اسامی اساتید و مشایخ اجازه مرحوم سید حجه الاسلام را بتفصیل خواهیم نوشت در این جا نیازی بتکرار آن نیست

سید حجه الاسلام از مشایخ اجازه

عموم اجازات علماء معاصر وفقهاء ومجتهدین بزرگوار و کسانی که اجازه

ص : ۶۶

روایتی دارند بیشتر به یکی از علماء زیر منتهی میشود :

۱- علامه محقق متتبع مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی علیه الرحمه .

۲- علامه جلیل فقیه زاهد آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی علیه الرحمه .

۳- محدث جلیل مرحوم حاج میرزا حسین نوری علیه الرحمه .

۴- علامه فقیه آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی علیه الرحمه .

وجز اینان که به واسطه یا بی واسطه به این بزرگواران منتهی میگردد .

واما مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی در کتاب استاد المصطفی هشت نفر از مشایخ اجازه خود رانام میبرد که سه نفر آنان اجازاتشان به مرحوم سید حجه الاسلام مرسد:

ا- مرحوم حاج میرزا حسین محدث نوری (۱۳۲۰ - ۱۲۵۴) و او از حاج شیخ عبد الحسین طهرانی (فوت۱۲۸۶) واو از حاج سید شفیع جاپلقی (فوت ۱۲۸۰) وار از سید حجه الاسلام .

۲- حاج میرزا فتح الله بن محمد جواد نمازی اصفهان معروف به شیخ الشریعه و آقای شریعت اصفهانی (۱۳۲۹ - ۱۲۶۶) واو از آقا میرزا محمدباقر چهارسوقی واو از سید حجه الإسلام.

۳- آقا سید مرتضی بن سید مهدی بن کرم الله بن حبیب الله بن مهدی بن سید رضا رضوی کشمیری واو از آقا میرزا محمد هاشم چهار سوقی واز از سید حجه الاسلام .

ومرحوم سید حجه الاسلام روایت می کند از : ۱- میرزا ابوالقاسم قمی (میرزای قمی). ۲- شیخ سلیمان بن معتوق عاملی کاظمینی . ۲- سید محسن اعرجی کاظمینی .

۴- آقا میرزا محمد مهدی موسوی شهرستانی کربلائی .

وسلسله سند این بزرگوار تا ائمه معصومین علیهم السلام در کتب مضبوط است .

اجازه نقل حدیث

درباره اهمیت اجازه نقل احادیث از رسول اکرم و ائمه طاهرین علیهم السلام و شرایطی که باید مجاز داشته باشد علماء بزرگوار اسلام در کتابهای خود بیاناتی فرموده اند که طالبین باید به آنها مراجعه فرمایند ، در این جا بذکر چند حدیث از کتاب شریف کافی قناعت می کنیم :

ثقه الاسلام کلینی در کتاب کافی : باب روایه الکنب والحدیث از حضرت صادق علیه السلام روایت می کند که فرمودند : حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود : اذا حدثتم بحدیث فأسندوه الی الذی حدثکم فان کان حقا فلکم وان کان کذبا فعلیه (ص ۹۰ حدیث ۷).

۲- حضرت صادق علیه السلام در معنی آیه شریفه الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه ، (سوره الزمر آیه ۱۸) میفرماید :

و آن کسی است که حدیثی را می شنود و آنراهمانگونه که شنیده است روایت می کند و در آن چیزی زیاد و کم نمی نماید .

۳- احمد بن عمر حلال گوید : که بحضرت رضا علیه السلام عرض کردم: کسی از اصحاب ماکنایی بمن میدهد و میگوید که از من روابت کن ، آیا جایز است که من آنرا از او روایت کنم ؟ حضرت فرمودند : وقتی که بدانی کتاب تألیف ونوشته اوست روایت کن از او .

ص :۶۸

۴- محمد بن حسن بن ابی خالد شینوله از حضرت جواد علیه السلام روایت می کند که به آن حضرت عرض کردم: فدایت شوم مشایخ و بزرگان ما احادیثی از حضرت باقر وحضرت صادق علیهما السلام روایت کردند و چون زمان تقیه سخت بود کتابهای خود را پنهان داشتند و کسی از آنان (آن کتابها را روایت ننمود) چون مرگ آنان در رسید کتاب هایشان بدست ما رسید (آیا آنهارا) روایت کنیم یا نه ؟ حضرت در جواب فرمودند : آنها را روایت کنید که آنها درست وحق است.

نتیجه : از این اخبار ودیگر اخبار در این باب و موضوع نتیجه گرفته میشود

۱- هر خبری که نقل می شود باید مصدر ومأخذ آن نیز نقل گردد •

۲- در نقل اخبار هیچ گونه تصرفی از کم و زیاد کردن انجام نگیرد لکن نقل بمعنی وعبارت دیگر مانعی ندارد (اخبار آن در همین باب از کتاب اصول کانی نقل شده است).

۲- کتابهائیکه مؤلفین آنها معین و معلوم می باشند روایت آنها احتیاج به اجازه ندارد .

فائده : اجازه دهنده را مجبر و اجازه گیرنده را مجاز گویند و علمای علم درایه برای هر یک از آنان شرایطی قائل شده اند از آنجمله :

۱- آشنا بودن بعلم رجال ورایه جهت تشخیص انواع احادیث . ۲- قابل بودن بر تشخیص انواع احادیث • ۲- قابل بردن جهت درک معنی و مفهوم حدیث . ۴ - تقوای در نقل حدیث وغیره .

دانشـمند بزرگوار حجه الاسـلام آقای حاج سـید ضیاء الدین علامه اصفهانی در کتاب : ضیاء الدرایه (ص ۰۹) در باب هفتم در طرق تحمل حدیث و سخن درباره شایستگی تحمل آن می نویسد:

۱- عقل و تمیز برای آنکه حدیث را می شنود (از راه سماع اخذ می کند) معتبر است .

۲- اسلام و ایمان و عدالت و تکلیف در صحت تحمل حدیث به انواع مختلف آن (سماع- قراءت - اجازه - مناوله - کتابت - اعلام - وصیت - وجاده) معتبر نیست .

۳- در آنکه از او روایت می کنند بزرگتر بودن از حیث سن و مقام وعلم شـرط نیست بلکه ممکن است بزرگی از کوچکتر از خود روایت کند .

برای اگهی بیشتر در موضوع اجازه و انواع آن طالبین به کتاب نامبرده ودیگر کتب در این موضوع مراجعه نمایند .

نویسـنده محقق آقـای محمـد رضـا حکیمی در کتاب : شـیخ آقا بزرگ طهرانی (ص۹) در تحت عنوان : اجـازه نقـل حـدیث ، مطالبی سودمند و تذکراتی بمورد مرقوم داشته است . خوانندگان محترم را بمطالعه و دقت در آن دعوت می کنیم.

فصل سوم: (شهرت و لقب مرحوم سید حجه الاسلام شفتی بید ابادی)

شهرت و لقب مرحوم حاج سید محمد باقر شفتی بیدآبادی

در بین علماء شیعه اول کسی که به لقب « حجه الاسلام ، معروف شد مرحوم حاج سید محمد باقر شفتی بود و تا کنون کسی را بدین لقب و شهرت در بین علماء سلف سراغ نداریم.

مرحوم شفتی در زمان حیات و پس از وفات باین لقب در بین علماء معروف می باشد و ایشانرا گاهی بطور اطلاق حجه الاسلام و برخی مواقع حجه الاسلام شفتی - حجه الاسلام اصفهانی - حجه الاسلام بیدآبادی نیز گفته و نوشته اند .

در قرن سیزدهم چند نفر دیگر نیز باین لقب معروف شده اند لکن هیچکدام اهمیت و شهرت و مقام مرحوم سید حجه الاسلام را نداشته اند . در زمان حاضر این کلمه از معنی اصلی خود خارج شده و جزء تعارفات معمول زمان جهت متلبسین بلباس روحانیت گردیده و هر شرح امثله خوانی را نیز حجه الاسلام می نویسند و با این حرف او را فریب داده تصور شخصیت برای خود می کند.

همین حالت را دارد سایر القابیکه در زمانهای قدیم اختصاص به بزرگان اهل علم و دانش و مجتهدین و مراجع بزرگ داشت ، از قبیل آیت الله که قبلاـ در بین علماء بزرگوار شیعه لقب و شهرت جناب علامه حلی رضوان الله علیه بود و هر کجا بطور اطلاق می نوشتند : آیت الله مراد و مقصود ایشان بود بعدا در قرون اخیره

اختصاص به مراجع تقلید یافته و آنانرا آیت الله گفتند و در کتابها نوشته اما در زمان ما هر طالب علمی را آیت الله می گویند.

یکی از فضلاء و دانشمندان معاصر کتابی در هشت مجلد در شرح حال علماء معاصر ایران تالیف نموده و آنرا بچاپ رسانیده والحق در راه تالیف آن زحمت بسیار کشیده و خدمت شایسته ای انجام داده و متنی بر اهل علم و تحقیق اثر خود ثابت نموده است لکن متأسفانه در این کتاب رعایت مراتب علمی اشخاص نشده است هم مجتهد مرجع تقلید و هم طلبه صرف میرخوان را آیت الله نوشته و از این بابت خود و کتابش را مورد انتقاد شدید قرارداده است و حال آنکه کتاب نامبرده صرفنظر از القاب وتعریفات بی جا که گاهی از افراد شده رو بهمرفته کتابی است ارزنده و قابل استفاده گرچه نام بسیاری از علمای معاصر و آثارشان ذکر نشده است و از این جهت ایرادی به مؤلف بزرگوار وفاضل خدمتگزار آن وارد نیست .

بعضی از معروفین به حجه الاسلام

برخی از معروفین به حجه الاسلام از علماء بزرگوار شیعه : ۱- مرحوم حاج ملا اسد الله بن عبد الله بروجردی فوت ۱۲۷۰. ۲ - مرحوم حاج سید اسد الله بیدآبادی معروف به حجه الاسلام ثانی فوت۱۲۹۰

۳- مرحوم مولی محمد تقی بن مولی محمد ممقانی تبریزی فوت ۱۳۱۷ •

مهدی بامداد در تاریخ رجال ایران (ص ۴۱ ششم) می نویسد : در این خانواده چهار نفر به حجه الاسلام مشهور شدند : آخوند ملا محمد میرزاحسین - میرزا محمد تقی - میرزا اسماعیل ، این سه نفر پسران مولی محمد ممقانی می باشند .

- مولی محمد حسین کاشانی متوفی بعد از ۱۳۰۶ . و - مولی قربانعلی بن علی عسکر زنجانی فوت ۱۳۲۸ .

۹- حاج ملا محمد بن مولی احمد نراقی کاشانی (فوت ۱۲۹۷).

و شاید عده ای دیگر لکن همگان مربوط به نیمه دوم قرن سیزدهم و اوائل قرن چهاردهم هجری می باشند .

فائده ۱: در بین علماء اهل سنت لقب حجه الاسلام به غزالی داده شده و او زین الدین ابو حامد محمد بن محمد بن احمد شافعی طوسی معروف به غزالی (به تشدید راه منقوطه) مؤلف کتب عدیده از آنجمله : احیاء علوم الدین وکیمیای سعادت متولد سال ۴۴۹، ومتوفای سال ۵۰۵ می باشد. مرحوم سعید نفیسی در کتاب سرچشمه تصرف در ایران (ص ۱۰۸) می نویسد : وی اول کسی است که خواست مطالب اهل طریقت را با شریعت وفق دهد.

فائده ۲: از اواخر قرن چهارم هجری القاب مختوم به : الاسلام، در بین علماء رواج یافته است.

مرحوم بدیع الزمان فروزانفر در مقدمه ترجمه رساله قشیریه (ص۱۴) بخلاصه می نویسد که :

القابی که با (الاسلام) رواج یافته

این نوع القاب از اواخر قرن چهارم هجری متداول شده و برخی از آنها بدین قرار است :

۱- جمال الاسلام : لقب ابو محمد هبه الله بن محمد بسطامی فوت ۴۴۰ ۲- حجه الاسلام : لقب غزالی ۳- رکن الاسلام : لقب ابوعمر محمد بن حسین بسطامی فوت ۴۰۷ -۴۰۸

۴ - زین الاسلام : لقب ابوالقاسم عبد الکریم قشیری (۴۶۵ -۳۸۶) ۵- شمس الاسلام : لقب ابوالطیف سهل بن محمد صلوکی فوت ۴۰۴

۶- شیخ الاسلام : لقب اسماعیل بن عبدالرحمن صابونی (۴۴۹ - ۳۷۳)

۷ – عماد الإسلام : لقب ابوالعلاء صاعد بن محمد (۴۳۱- ۳۴۳) ۸- فخر الاسلام : لقب امام الحرمین جوینی فوت ۴۷۸

نویسنده گوید : همانگونه که در زندگینامه علامه مجلسی رضوان الله علیه (ص ۲۷۶ یکم) متذکر شدیم قبل از ابوعثمان صابونی کسان دیگری نیز لقب شیخ الاسلام داشته اند از آنجمله :

۱- ابو العباس احمد بن حسن سرخسی فوت ۴۰۹ و جز او کسان دیگری .

فائده ۳ : آنچه از مقدمه ترجمه رساله قشیریه نقل شد مربوط به علماء سنی مذهب بود اما آنچه مربوط به علماء بزرگوار شیعه می باشد :

۱- امین الاسلام : لقب ابوعلی طبرسی صاحب تفسیر مجمع البیان فوت ۵۴۸ یا ۵۵۲

۲- ثقه الاسلام : لقب ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی فوت ۳۲۹ ۳ – جمال الاسلام : لقب حسن بن محمد از علماء قرن هفتم . ۴ – رکن الاسلام : لقب نجم الدین حسن بن علی طبری از علماء قرن

هفتم •

۵ – زین الاسلام : لقب جمال الدین علی بن محمد از علماء قرن هفتم . ۶- شرف الإسلام : لقب سید حیدر بن محمد از علماء قرن هفتم .

۷- شمس الاسلام : لقب ابومحمد حسن بن محمد قمی معروف به حسکا از محدثین قرن پنجم .

علامه طهرانی لقب اورا گاهی شیخ الاسلام (ص ۱۳۳ نوابغ الراوه) و گاهی شمس الاسلام (در الذریعه در ضمن اسامی تألیفات او) ذکر می کند .

و از اینگونه القاب است : سید الاسلام – صدر الاسلام – ظهیر الاسلام –

عماد الاسلام – قوام الإسلام – معین الاسلام – ملاذ الأسلام – ناظم الاسلام ووحید الاسلام وغیره .

فائده ۴: علماء بزرگوار گذشته تاکسی را شایسته ولایق لقبی و منقبتی نمی دیدند ویرا بدان صفت نمی ستودند و در این راه نهایت احتیاط و دقت داشتند. یعنی هر لقبی را که به یکی از بزرگان اهل علم داده اند از روی حق و انصاف و شایستگی بوده و اگر کسی از روی دقت و توجه به اجازاتیکه علما برای شاگردان خود ویا مجازین نوشته اند نظر کند آنوقت می فهمد که تفاوت عبارات مربوط به اختلاف مقامات آنها می باشد.

القاب گروهی از علما شیعه بزرگ شیعه

ذیلا به برخی از این القاب و نعوت که عده ای از علماء بدان مشهورند اشاره میشود : ۱–آیت الله : لقب و شهرت علامه حلی رضوان الله علیه . ۲ – استاد البشر : لقب خواجه نصیرالدین طوسی .۳– بحر العلوم : حاج سید محمد مهدی طباطبائی بروجردی نجفی

۴– رئیس المحدثین : شیخ صدوق : ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه قمی .

۵– شیخ الرئیس : ابوعلی سینا . ۶– شیخ الطائفه : شیخ طوسی ابو جعفر محمد بن حسن طوسی • ۷– صدوق : محمد بن علی بن بابویه قمی

۸– علامه : حسن بن یوسف حلی . ۹– علم الهدی : سید مرتضی موسوی . ۱۰ – فاضل : محمد بن حسن اصفهانی (فاضل هندی) . ۱۱– کافی الکفاه : صاحب بن عباد .

ص :۵۹

۱۲ – محقق : جعفر بن حسن حلی مؤلف کتاب شرایع . ۱۳ – مدقق : ملامیرزا شیروانی اصفهانی • ۱۴ – مفید : محمد بن نعمان بغدادی ۱۵– مقدس : احمد بن محمد اردبیلی . ۱۶ – مؤسس : آقا باقر وحید بهبهانی . ۱۷ – مجلد : میرزا محمد حسن شیرازی و غیره راجع به کلمه (امام) قبلا تذکراتی داده شد.

قابل توجه ودقت :

پس از رحلت علامه بزرگوار مرحوم آیت الله آقا میرزا محمد حسن شیرازی از طرف ناصر الدینشاه تلگرافهای تسلیتی به علمای ولایات مخابره شد از آنجمله تلگرافی به مرحوم آقا میرزا محمد هاشم چهارسونی اصفهانی مخابره گردید که در عنوان آن نوشته بود :

حجه الاسلام میر محمد هاشم – آن مرحوم پس از وصول تلگراف نامبرده نامه ای جهت شاه نوشت و پس از تشکر از مراحم شاهانه مرقوم فرموده بود:

پس از وفات مرحوم حاج سید محمدباقر شفتی معروف به حجه الاسلام شایسته نیست کسی را دیگر باین عنوان مخاطب سازند .

خواننده عزیز در این عبارت که نویسنده ای بزرگوار عالم و محقق و مدقق که حقا از بسیاری جهات بر بیشتر علمای زمان خود امتیاز داشته بلکه بسیاری ویرا اعلم علمای زمان میدانسته اند خوب دقت نما و آنوقت متوجه باش که مبادا در ستایش افراد کلمه ای گفته شود که شایسته آن نباشد و بدانجهت همه در نزد خداوند در روز واپسین مسئول و مأخوذ باشیم .

ص : ۶۰

فصل چهارم: (اساتید و مشایخ حجه الاسلم در عراق و ایران)

اشاره

اسامی اساتید و مشایخ اجازه مرحوم سید حجه الاسلام . در اعتاب مقدسه ائمه عراق علیهم السلام

و در ایران در ذکر اسامی و شرح حال اجمالی اساتید و مشایخ اجازه مرحوم سید حجه الاسلام شفتی.

مقدمه این فصل

مقدمه:

مرحوم سید حجه الاسلام در موطن خود مقدمات علوم را بخوبی فرا گرفت لکن متأسفانه از اسید او در این زمان هیچگونه اطلاعی نداریم. سپس برای تکمیل فضائل و علوم خویش رهسپار عتبات عالیات گردید (شاید قبلا به قزوین نیز رفته باشد لکن در این موردهم اطلاع دقیقی در دست نیست) سال مهاجرت مرحوم سیدبه اعتاب مقدسه ۱۱۱۲ بنی سن هفده سالگی ایشان می باشد.

مشارالیه در کربلا و نجف و کاظمین و سپس قم کاشان در نزد اساتید بزرگوار ومجتهدین عالیمقدار که اسامی شریف ، آنان زینت بخش این اوراق می شود تحمیل نمود تا بدرجات عالیه علم واجتهاد رسید سپس به اصفهان مهاجرت نمود در این

شهر نیز پس از مدت قلیلی که خدمت برخی از بزرگان علم و فقاهت رسـید خویشتن را بی نیاز یافته بدرس و بحث و تالیف و تصـنیف و ترویـج دیـن و امربمعروف و نهی از منکر پرداخت و بخـواست خداونـد متعـال هر روز بر شـهرت و عظمت او افزده گشت تا جائیکه حکم او در تمام ممالك و شهرهای شیعه نشین رواج یافته ونفود یافت و تقریبا مرجع مطلق شیعه گردید .

ذیلا بنام اساتید و مشایخ اجازه او اشاره میشود .

دوره های تحصیل

بطوری که قبلا گفتیم مرحوم سـید حجه الاسـلام در سال ۱۱۷۰ متولـد گردید و تا سال ۱۹۸۷ در مولـد خویش می زیست در این سال به شـفت مهاجرت کرده و ظاهراً این مهاجرت بعلت بدی اوضاع وسختی معیشت خانواده آنها بوده و در این محل آن مرحوم شروع بدرس خواندن نزد فضلاء وعلماء نمود .

در سن ۱۷ سالگی یعنی سال ۱۹۹۲ به عتبات مهاجرت فرمود ومـدت یك سال در کربلابدرس اساتید حاضـر می شد در سال ۱۹۹۳ به نجف اشـرف مهاجرت نموده و تا سال ۱۲۰ در آن ارض مقدس در خدمت اساتید بسـر برد ، در این سال بعلت ابتلاء بمرض حرقه البول برای معـالجه به بغـداد و سـپس کاظمین مهاجرت نمود و ظاهرا بیشتر از یك سال در آن شـهر نزیست و در سال ۱۲۰۰ یعنی سال فوت اسـتادش مرحوم آقا باقروحیـد بهبهانی به ایران مراجعت نموده و نخست مـدت شـش ماه در قم نزد میرزای قمی تلمـذ نمـوده سـپس به کاشـان رفته و پس از مـدتی که طول آن معلوم نیست بقم مراجعت نموده و تـا سـال ۱۲۱۰ یعنی سالیکه مرحوم میرزای قمی جهت سـید حجه الاسـلام اجازه مرقوم داشـته در قم بوده و سپس در ۱۷۱۱ به اصفهان منتقل گردیده و تا آخر عمر یعنی سال ۱۲۹۰ در اصفهان مقیم

بوده و ظاهراً در این مدت غیر از سفر مکه معظمه مسافرتی دیگر نکرده است .

در برخی از کتاب ها انتقال مرحوم سیدحجه الاسلام را به اصفهان در سال ۱۲۰۹ یا ۱۲۰۷ می نویسند و ظاهرا اشتباه و همان ۱۲۱۹ صحیح است ، رقم عشرات در موقع نوشتن جابجا شده است .

این اسامی مشایخ و اساتید مرحوم سید حجه الاسلام بر حسب حروف تهجی :

لازم بذکر است که احتمالا پدر ایشان یعنی سید محمد نقی نیز جزو اساتید مرحوم سید حجه الاسلام می باشد لکن چون دلیلی قاطع برای آن در دست نیست وضمناً اطلاع از وضع علمی ایشان نیز نداریم همین اندازه اشاره اکتفامی کنیم .

۱– حاج میرزا ابوالقاسم بن ملا محمد حسن گیلانی

شفتی معروف به میرزای قمی و محقق قمی . از اکابر علماء و مجتهدین عالم فاضل فقیه کامل محقق مدقق زاهد عابد در سال ۱۱۰۰ یا ۱۱۰۲ در قریه دره باغ از قرای جاپلق از دختر میرزا هدایت الله اصفهانی که از علماء وفضلاء اصفهان بوده و بجهت تبلیغ و ترویج دین بدان قریه مهاجرت نموده بود متولد گردید. نخست نزد پدرش که از فضلاء و علماء و از تحصیل کرده های حوزه علمیه اصفهان بود و مؤلف کتابی بنام کاس السالکین نظیر کشکول (ص ۲۳۲ هفدهم الذریعه) تألیف نموده مقدمات علوم وادبیات عرب را آموخت بعداً به خونسار مهاجرت نموده و در نزد آقا سید

حسین موسوی خونساری جد صاحب روضات الجنات اصول وفقه را آموخت وخواهر استاد را نیز بزوجیت اختیار نمود پس از آن به عتبات عالیات مشرف شده و در کربلا نزد وحید بهبهانی و آقا محمد باقر هزارجریبی و مولی مودی فتونی و پس از کسب اجازه از اساتید خود بموطن خویش باز گشت و مدتی در آن حدود ساکن

بوده سپس به اصفهان و بعدا به شیراز مهاجرت نموده سرانجام قم راجهت سکونت دائمی خویش اختیار نمود و از این وقت عنوان علمیت و شخصیت دینی او ظاهر شده طلاب از گوشه و کنار به محضرش حاضر گردیدند تا جائیکه نم یکی از مراکز عمده تحصیلات دینی گردید . سرانجام در سال ۱۲۴۱ درقم وفات یافته در قبرستان شیخان مدفون گردید و قبرش در آن مزار متبرک در قطعه ای کوچک محل زیارت می باشد . ماده تاریخ وفاتش و از این جهان بجنان صاحب قوانین رفت .

کتب زیر از تالیفات اوست: ۱- اجوبه المسائل باسؤال وجواب درسه مجلد ۲- اصول دین فارسی مطبوع ۳-ساله در بیع فضولی ۴ - رساله دریع معاطاه ۵- ترجمه قصیده نونیه سید محمد خادم ، قسمتی از آن که به خط مرحوم میرزای قمی است در ریحانه الادب (ص ۱۲۹ چهارم) کلیشه شده است و ترجمه به شعر فارسی است ۶- تسامح در ادله سنن ۷ - جامع الشتات مطبوع ۸- رساله در جزیه ۹ - حاشیه بر تهذیب الاصول ۱۰-حاشیه بر زبده الاصول ۱۱ - حاشیه بر شرح مختصر عضدی ۱۲ - رساله در حبوه ۱۳ - رساله در حکم مدرسه مجهول البانی ۱۴ - دیوان اشعار عربی و فارسی قریب پنج هزار بیت ۱۵- رساله در ربا ۱۶ - الرد علی الصوفیه ۱۷ - رساله در طلاق ۱۸- رساله در عموم لاضرر ۱۹- عین العین ۲۰ - غنائم الایام در فقه مطبوع ۲۱ - رساله در فرائض ومواریث ۲۲ - القضاء والشهادات ۲۳ - قوانین الاصول معروف ترین تالیفات مرحوم میرزای قمی ۲۴ - مرشد العوام ۲۵ - معین الخواص۲۶ - مناهج الحکام درفقه ۲۷ - رسالهای در منطق ۲۸ - منظومه ای در بدیع ۱۴۰ بیت ۲۹ - منظومه ای در بیان ۱۲۰ بیت ۳۰- رساله ای دروقف وغیره ، در قصص العلماء و مکارم الاثار و کتب دیگر شرح حال او بطور اجمال و تفصیل نوشته شده طالبین مراجعه کنند.

ص : ۷۴

۲– آقاباقر (محمد باقر) بن مولی محمد اکمل اصفهانی

معروف به بهبهانی و وحید بهبهانی ورد بهبهانی ومؤسس بهبهانی .

در کتاب دانشمندان و سخن سرایان فارس (ص ۴۷ یکم) بخلاصه و اندک تغییر می نویسد :

شهر بهبهان از شهرهای قدیمی ایران و قبل از تسلط اعراب یکی از پنج قسمت ناحیه شیراز بنام {کوره قباد}، موسوم بوده و حکومت نشین آن { اره کان یا اره جان ویا ارغوان } می نامیدند ارتفاعش از سطح دریا ۲ متر وجمعیتش حدود ۲۶ هزار نفر وهوایش گرم بطوریکه حداکثر درجه حرارت ۵۰ و حداقل صفر آب مشروب شهر لوله کشی و از رودخانه کارون است . در قدیم جزو استان فارس بوده و اکنون جزو استان خوزستان می باشد .

نسب مرحوم وحید بهبهانی به ۱۴ واسطه به شیخ ابوعبدالله محمد بن نعمان معروف به شیخ مفید می پیوندد .

پدرش مولی محمد اکمل از علماء اواخر عهد صفویه و از مجازین از علامه مولی محمد باقر مجلسی وخود داماد آقا نور الدین محمد بن مولی محمد صالح مازندرانی داماد مجلسی اول می باشد از این رو مرحوم وحید بهبهانی در کتب خود از مجلسی اول به جد و از مجلسی دوم به خال (دائی) تعبیر می کند . پدرش در فتنه افاغنه از اصفهان مهاجرت نموده و چندی در بهبهان سکونت نموده از اینرو صاحب عنوان به بهبهانی شهرت یافته است . مرحوم آقا باقر در سال ۱۱۱۷ یا ۱۱۱۸ در اصفهان متولد و مقدمات علوم را در این شهر نزد پدر و دیگران آموخت و بعدا در بهبهان و سپس در اعتاب مقدسه در کربلا بدرس شیخ یوسن بحرینی و آقا سید صدرالدین رضوی نمی شارح وافیه متوفی بعد از سال ۱۴۰۰ هجری در نجف

حاضر گردیده تا خود عالمی محقق و فقهی مدقق گردید و ترویج فقهاء اصولی نموده واز قدرت اخباری ها که در این ایام در اعتاب مقدسه قدرت و نفوذی بافته بودند کاست و در اثر ترویجات وخدمات او بدین و شریعت ویرا مجدد قرن دوازدهم ومؤسس بهبهانی لقب دادند .

مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار (ص ۲۳۱ یکم) اسامی چهل نفر از شاگردان و مجازین از اورا ذکر نموده لکن نام مرحوم سید حجه الاسلام را نیاورده . همچنین در جلد پنجم در ضمن احوالات خود سید حجه الاسلام بشاگردی ایشان نزد صاحب عنوان اشاره نکرده است .

لکن در الکرام البرره (ص ۱۹۲ یکم) وریحانه الأدب (ص ۲۱۲ یکم) و معارف الرجال (ص ۱۹۹ دوم) به شاگردی مرحوم حجه الاسلام نزدار اشاره شده و مدت آنرا یک سال نوشته اند .

مرحوم وحید بهبهانی تألیفات زیادی دارد ، در مکارم الاثار نام چهل و هفت کتاب و رساله را ذکر می کند که از آن جمله است: ۱- اجوبه المسائل ۲ - التحفه الحسینیه نام رساله عملیه ایشانست ۳- تعلیقه بر کتاب منهج المقال ۴ - رساله ای در اجتهاد واخبار در رد اخباریه ه - رساله در خمس و زکوه وغیره

دانشمند معاصر آقای حاج شیخ علی دوانی از مدرسین حوزه علمیه قم کتابی در شرح حال و هید بهبهانی وخاندان او بنام «وحید بهبهانی» تألیف فرموده و آنچه راجع به این علامه جلیل گفتنی بوده است را شرح داده، مطالبین برای اطلاع بیشتر از شرح حال مرحوم آقای بهبهانی بدان کتاب و دیگر مواضع مراجعه کنند.

۳- حاج شیخ اسد الله بن اسماعیل دزفولی

کاظمینی فرزند ملامحسن بن مجد الدین دزفولی . عالم فاضل محقق مدقق بصیر مجتهد

خبیر ، در حدود سال ۱۹۸۹ در دزفول متولد گردیده و در نجف و کربلا در نزد علماء بزرگی همچون آقاباقر وحید بهبهانی وشیخ جعفر نجفی کاشف الغطاء وسید بحرالعلوم و میرزا مهدی شهرستانی اصفهانی حائری تلمذ نموده تا بدرجات عالیه علم و اجتهاد رسیده سپس بدرس و مباحثه و تالیف و تصنیف پرداخته و از مؤسس بهبهانی رسید بحرالعلوم وصاحب ریاض وشیخ احمد احسائی و آقا میرزا مهدی شهرستانی اجازه روایت داشته است .

در مکارم الاثار (ص ۱۷۸ سوم) ویراعنوان نموده و از تألیفاتش نوزده کتاب ورساله نام برده، کتب زیر از اوست :۱- البحر المسجوریا لامعه الطورویا اللؤلؤ المسجور در معنی طهور ۲ - تحفه الراغب در ترجمه بغیه الطالب از عربی فارسی و آن رساله عملیه استادش شیخ جعفر کاشف الغطاء می باشد ۳- رساله در قاعده من ملك با مبلغ النظر و یا رساله در قبول اقرار زوج ۴ - کشف القناع عن وجوه حجیه الاجماع مطبوع ۵ - مجموعه الأدعیه والأخبار ۶- مستطرفات من الکلام ۷- مقابس الانوار در احکام نبی مختار صلی الله علیه و آله و سلم و این کتاب معروف ترین تالیفات اوست و بطبع رسیده است و آنرا مقابیس نیز گفته اند ۸ - منهج التحقیق در توسعه و تضییق تاریخ فراغت شوال ۱۲۹۰ در موقع تألیف این کتاب صاحب عنوان بیست و پنج سال نداشته و مجتهد بوده است بطوری که در اجازه و تقریظی که استادش شیخ جعفر کاشف الغطاء در سال ۱۲۱۱ بر این کتاب نوشته اشاره نموده

فوت صاحب عنوان را برخی ۱۲۲۰ وعدهای ۱۳۲۴ و ۱۲۳۴ و ۱۲۳۷ و حتی ۱۲۶۰ نوشته اند و آنچه بنظر مؤلف مکارم الاثار بحقیقت نزدیك است ۱۲۳۴و مؤلف الذریعه ۱۲۳۷ نوشته است .

ص : ۷۷

در هیچ یک از کتب تراجم رجال به استادی و یاشیخ روایت بودن او جهت سید حجه الاسلام اشاره نشده است جز آنکه در تاریخ علماء و شعرای گیلان (ص ۲۱) ویرا از اساتید مرحوم حجه الاسلام می شمارد والطم عندالله .

در فوائد الرضویه (ص ۶۲ دوم) در ضمن بیان شرح حال اوذکری از فرزندش شیخ باقر نموده و گوید : وهو اول من سن اللطم علی الصدور فی الصحن الشریف .

در معارف الرجال (م ۹۴ یکم) میرزای قمی را نیز در جزو مشایخ اجازه اونام میبرد .

در موسوعه العتبات المقدسه : قسم الکاظمین علیهما السلام (ص ۸۰ سوم) می نویسد نسب آنان به جناب جابر بن عبدالله انصاری صحابی میرسد .

- ۳

۴-شیخ جعفر بن خضر جناجی

نجفی فرزند یحیی بن سیف الدین جناجیه ای علی نجفی .

جناجیه بفتح جیم اول و کسر جیم دوم دیهی است از اعمال عذارا از حله که اهل آن همه از اعقاب جناب مالک اشتر نخعی از بزرگان تابعین وياوران حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بوده و در سال ۳۸ هجری به وسیله عسل مسموم بشهادت رسید و همانست که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام عهد نامه معروف را جهت دستور حکومت بنام او مرقوم فرمود و پس از شهادتش فرمود : کان لی کما کنت الرسول الله صلی الله علیه و آله وسلم . اعقاب جناب مالک در حوالی حله بنام آل علی شهرت دارند .

پدرش شیخ خضر از بزرگان علماء زمان خود بوده و کراماتی از او نقل شده

جناب شیخ جعفر در سال ۱۱۵۴ (ص۱۵۰ یکم معارف الرجال) و با ۱۱۵۶ در نجف متولد گردیده مقدمات علوم را نزد پدر خود فرا گرفت و به محضر علماء بزرگ عصر همچون شیخ محمد مهدی فتونی و شیخ محمد تقی دورنی و سیدصادق لحام و وحید بهبهانی رسید بحرالعلوم تلمذ نموده تا به اعلی درجه علم وفقاهت رسیده و حوزه درس و تدریس نهاده و عده کثیری از بزرگان در خدمت او تلمذ نموده اند .

مرحوم شیخ جعفر بمناسبت اختلافات واقعه بین عشایر نجف مجبور بمهاجرت از آن ارض مقدس شده به ایران آمده و در اصفهان مدتی سکونت داشته سپس به نجف اشرف معاودت فرموده و در آنجا در روز چهار شنبه (۲۲ یا ۲۶) ماه رجب سال ۱۲۲۸ (در معارف الرجال ۱۲۲۷ می نویسد) وفات یافته در مقبره مخصوصی که یکی از اطاقهای مدرسه او باشد دفن گردید و بر اوقبه عالیه بنا کردند .

در معارف الرجال (ص ۱۵۴ یکم) می نویسد : در سفر بمکه معظمه مشرف شد در سالهای ۱۱۸۶ ,۱۱۹۹ و در این سفر جمعی از علماء در خدمت او بودند از آنجمله : آقاسید محسن اعرجی و سید محمد جواد عاملی و شیخ محمد علی اعسم می باشند .

کتابهای زیر از تالیفات اوست : بغیه الطالب فی معرفه المفروض والواجب و آن رساله عملیه ایشانست ۲ - الحق المبین فی تصویب المجتهدین ونخطه جهال الاخباریین و آنرا در اصفهان تالیف فرموده و در آنجا گوید : هردودسته در اصول دین متحدند و مرجع هر دو در فروع دین اخبار روایت شده از ائمه طاهرین علیهم السلام می باشد بنابر این مجتهدین اخباری واخبارها مجتهد می باشند و فضلاء هردو دسته اهل نجات و ایراد کنندگان بدانها اهمل ملاکند . کتاب بچاپ رسیده است ۴ سغایه المأمول در علم اصوله - غایه المراد فی احکام الجهاد در الذریعه (ص ۱۹

ص : ۷۹

شانزدهم) می نویسد : در نسخه کتابخانه سپهسالار آنرا: الحسام البتار فی قتال الکفار نامیده استاد القواعد الجعفریه در شرح بر کتاب بیع قواعد علام۷ - القواعد السنه عشرور آنهاراحفید او شیخ موسی بن محمد رضا بن موسی بن جعفر در سال ۱۳۰۵ جمع آوری نموده و به کتاب الحق المبین او افزوده و بچاپ رسانیده است۸ - کاشف الغطاء عن معایب عدو العلماء در ردمیرزا محمد اخباری ۹- کشف الغطاء عن خفیات مبهمات الشریعه الغراء در فقه معروفترین تألیفات او و بهمین جهت خود شیخ را شیخ جعفر کاشف الغطاء واعقاب اورا آل کاشف الغطاء می گویند ۱۰ - مجموعه فقهیه ۱۱ - مختصر کشف الغطاء ۱۲ - مشکاه المصابیح در شرح مشکاه الهدایه بحر العلوم ۱۳ - مناسك حج ۱۴ - منهج الرشاد در رد وهابیه مطبوع ۱۵ - میزان المقادیر مطبوع و غیره .

مرحوم شیخ جعفر پس از وفات چهار پسر و پنج دختر بدین شرح از خود بجای گذاشت :

۱- شیخ موسی فوت ۱۲۴۱ برای بسیاری ۲ - شیخ علی فوت ۱۲۵۳ ۳- شیخ حسن ۱۲۶۲ - ۱۲۰۱ ۴ - شیخ محمد فوت ۱۲۴۷

۵- نسمه خاتون زوجه شیخ محمد تقی رازی اصفهانی جد آقایان نجفی مسجد شاهی در اصفهان .

۶- زوجه آقا سید صدرالدین محمد عاملی اصفهان . ۷- زوجه آقا محمد علی نجفی هزارجریبی اصفهانی . ۸- زوجه شیخ اسدالله کاظمینی .

۹- زوجه شیخ محمد از بنی اعمام خود او .

ص : ۸۰

۵– شیخ سلیمان بن معتوق عاملی کاظمیشی

عـالم فاضـل فقیه کامل . در جبل عامل در خـدمت آقای سـید محمـد بن ابراهیم موسوی جلال شـرف الـدین تلمـذ نموده و به اجازه روایتی از ایشان مفتخر گردیده سپس در سال ۱۱۹۷ پس از فتنه احمد پاشاجزار باتفاق سـید صالح فرزند استاد وشریک درس خود به عراق فرار نموده ودر کاظمین سـکونت نمود و از شیخ یوسف بحرانی در کربلا و همچنین میرزای قمی و غیره به اخذ اجازه روایتی مفتخر گردید.

سپس در کربلا بـدرس و بحث اشـتغال جسـته و عـده ای از بزرگان همچون سـید عبدالله شبر و آقا سـید صدرالدین موسوی و آقای سید محسن اعرجی نزد او تلمذ نموده و جمعی نیز همچون سید حجه الاسلام از وی باخذ اجازه مفتخر شده اند .

مرحوم سـید حجه الاسلام در اجازه حاج آقا محمد کلباسی ویرابعنوان : شیخنا المعظم الشیخ سلیمان بن الشیخ المعتوق العاملی می نویسد.

علامه طهرانی در الکرام البرره (ص ۹۱۲ دوم) وفـات او را در مـاه رمضـان سال ۱۲۲۷ در کاظمین می نویسـد و گویـد رپرا تالیفائی بوده که ظاهرا از بین رفته است رومی اوسید عبدالله شبر بوده و طسم وروحانیت تاسالها در خاندان اور باقی بوده است

در موسوعه العتبـات المقـدمه : قسم الکاظمین (ص۱۱۰ سوم) در ضـمن خانـدانهای کـاظمین می نویسـد : بیت معتوق از اولاد شیـخ محمد متوفی سال ۱۳۲۰ فرزنـد شـیخ جواد در سال ۱۳۵۴ زنده بوده فرزند شـیخ علی فرزند شـیخ سـلیمان بن معتوق می باشند .

ص : ۸۱

۶– آخوند ملاعلی بن جمشید نوری مازندرانی اصفهانی

از اعاظم حکماء متشرعین وفلاسفه الهیین حکیم عارف زاهد متقی شاعرادیب متخلص به نور. مقدمات علوم را در مازندران و قزوین نزد آقا سید حسین قزوینی بخوبی فراگرفته سپس جهت تکمیل علوم خویش به اصفهان مهاجرت نموده و در این شهر در نزد مرحوم آقا محمد بیدآبادی و آقا میرزا ابوالقاسم مدرس خاتون آبادی و جمعی دیگر به تحصیلات خویش ادامه داده و ضمناً در خدمت درویش عبدالمجید طالقانی اصفهانی از اساتید فن خط بالاخص خط شکسته خط نویسی را آموخت بطوری که وی را از خوش نویسان خط شکسته باید دانست.

بالجمله مرحوم نوری پس از وصول بمقامات عالیه علم وحکمت بتدریس وتصنیف پرداخته و در آن شهرت و عنوانی یافت بطوریکه تدریس فلسفه و حکمت در زمان او در تمام ایران بار منحصر گردید و عده زیادی شاگردتربیت کرد که هر کدام حکیمی بزرگوار وفیلسوفی نامبردار شدند . مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار (ص ۱۲۶۷ چهارم) نام مشت نفر از شاگردان او را ذکر نموده و نویسنده در جزوهای مخصوص بنام سی و سه نفر از آنان اشاره نموده ام .

مرحوم آخوند ملا علی نوری با میرزای قمی کمال صداقت و ارادت داشته و در اصفهان بحاجی کلباسی و سید حجه الاسلام ارادت می ورزیده و پس از فوت میرزای نمی تقلید از سید حجه الاسلام میکرده . وی صوفیه را تکفیر مینموده و اهتمامش در این مورد بیشتر از فقهاء بوده. در طرائق الحقایق (ص۱۰۰ جلد سوم) شرحی در این موضوع نوشته و هم در قصص العلماء (ص ۱۵۱) داستانی در این باره نقل می کند طالبین مراجعه کنند .

وی در رجب سال ۱۲۶۹ بسن شیخوخیت در اصفهان وفات یافته رسید

ص : ۸۲

حجه الاسلام بر او نماز خواند . وقبل از دفن به نجف اشرف منتقل شده در عتبه مقدسه رواق مطهر مدفون گردید ، رحمه الله علیه .

در فوائد الرضویه (ص ۲۳۹ یکم) در موضوع دفن او کرامتی ازوی نقل می کند. مطالبین بدانجا مراجعه نمایند . کتب زیر از تألیفات اوست :

۱- اجوبه المسائل وان ۳۴ سوال است که میرزای قمی از او نموده و او بدانها پاسخ داده است نسخه ضمن مجموعه شماره (۱۲۱۲) کتابخانه الهیات و معارف اسلامی مشهد مقدس (ص ۲۴۷ دوم فهرست کتابخانه).

۲- تفسیر سور اخلاص زیاده بر سه هزار بیت ۳- جواب سوالات میرزا ابوالحسن بن محمد کاظم (ص ۲۴۶دوازدهم الذریعه) ۴ - جواب سوالات آقا محمد خان قاجار ۵- جواب المسائل العرفانیه ۶- حاشیه بر اسفار ۷-حاشیه بر شرح فوائد حاج شیخ احمد احسائی ۸- حاشیه بر شواهد الربوبیه ۹-حاشیه بر مشاعر آخوند ملا صدرا ۱۰- حاشیه بر مفاتیح الغیب ۱۱ - حواشی بر اسرار الایات ۱۲-حواشی بر شرح الاصول ملاصدرا ۱۳ - حجه الاسلام در رد کتاب میزان الحق پادری نصرانی ۱۴-دیوان اشعار ۱۵ - رساله در بقای روح پاسخ چندین پرسش است (ص ۱۷۱۵ دهم فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه) احتمالاً همان کتاب اجوبه المسائل است ۱۶ - الرقیمه النوریه ۱۷ - سؤال وجواب در معارف شاید همان اجوبه المسائل است ۱۸ - شرح حدیث زینب عماره منقول از حضرت صادق علیه السلام در روضه کافی (ص ۱۴۴۳ دوم از مجلد نهم فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی) ۱۹ - شرح حدیث هل رأیت رجلا وغیره .

نمونه اشعار او را در کتابهای تذکره اختر (ص ۲۱۱) ریاضی العارفین

ص : ۸۳

(ص ۵۸۱) مجمع الفصحاء (ص ۴۹ دوم) و دیگر مواضع نقل نموده اند از اشعار

اوست :

حقاً که علی ولی مطلق باشد حقیت او چو حق محقق باشد هرکس که کند حق علی را انکار از حق مگذر که منکر حق باشد

در کتب متداوله اشاره ای به استادی آخوند ملا علی نوری نکرده اند جز آنکه مؤلف قصص العلماء (م ۱۰۰) می نویسد : سید و حاجی کلباسی در سوابق ایام در خدمت آخوند درس خوانده بودند .

۷- میر سید علی بن محمدعلی

یا محمد بن علی بن ابو المعالی صغیر

فرزندابوالمعالی کبیر اصفهانی برادر سید عبدالکریم جدعلامه سید بحرالعلوم طباطبائی عالم فاضل محقق مدقق از اکابر علماء ومجتهدین و اعاظم فقهاء متبحرین عالم زاهد خواهرزاده و داماد وحید بهبهانی، در ۱۲ ربیع الاول ۱۱۶۱ در کاظمین متولد و در محرم ۱۲۳۱ در کربلا وفات یافته و در روان مطهر نزدیک قبور شهدا در جنب وحید بهبهانی مدفون گردید تاریخ فوت او {بموت علی مات علم محمد}می باشد .

در اعیان الشیعه است که آنچه از سید بحر العلوم نقل شده است که فرموده است : فوت عمویم سید علی در سال ۱۲۰۱ بوده و آنچه صاحب روضات الجنات (ص۴۱۵) می نویسد در حدود ۱۲۰۱ فوت شده و در هر در مورد علی سی از قلم افتاده است.

در قضیه وهابیه در سال ۱۲۱۶ مورد تهاجم وغارت آن فرقه قرار گرفته وقصد کشتن اوراداشتند لکن خواست خداوند تبارک وتعالی غیر از آن بود وری از آن مهلکه نجات یافت . کتب زیر از تالیفات اوست : ۱- رسالهای دور اجماع واستصحاب

۲- رساله در اختصاص خطاب شفاهی بحاضر در مجلس خطاب ۳ - رساله در اصالت براءت ذمه زوج از مهر ۴ - رساله در اصول این ۵ - رساله در تثلیث تسبیحات اربعه ۶- رساله در تحقیق در حجیت مفهوم موافقت ۷. تحقیق در حکم استظهار حائض ۸ - ترجمه اصول دین وحید بهبهانی از فارسی عربی ۹- جواز اکتفاء بریک ضربت در تیمم ۱۰ - حاشیه بر معالم غیر مدون ۱۱- حجیت شهرت ۱۲ - حلیت نظر کردن به اجنبی فی الجمله ۱۳ - حواشی بر الحدائق الناضره استادش شیخ یوسف بحرینی ۱۴ - حواشی بر مدارک ۱۵ - ریاض المسائل شرح بر مختصر النافع در دو مجلد معروف به شرح کبیر ۱۶ - شرح مبادی الاصول تالیف علامه حلی ۱۷ - شرح مختصر النافع و آن شرح صغیر است بخلاف ریاض المسائل که شرح کبیر است ۱۸ - شرح مفاتیح ۱۹ - رساله در مکلف بودن کفار بفروع ۲۰- رساله در اینکه آیا منجزات مریض از ثلث است یا از باشد، ما ترک وغیره :

فائده ۱: نسب مرحوم آقا سید علی صاحب ریاض از چندین راه به علامه مجلسی منتهی میشود :

- مادرش دختر مولی محمد اکمل اصفهانی بوده و اوداماد ملا نور الدین محمد بن ملا محمد صالح مازندرانی اصفهانی داماد مجلسی اول می باشد .

۲- زوجه میرابوالمعالی کبیر دختر مولی صالح مازندرانی بوده است .

فائد ۲: در فصص العلماء (ص ۱۲۹) گوید : مرحوم میرزای قمی فقهش بر اصول برتری داشت و آنا سید علی اصولش بر فقه او رجحان داشت و از قضایا اتفاقیه آنکه کتابهای آن در برخلاف شهرت یافت یعنی قوانین الاصول میرزای

قمی وریاض المسائل انا سید علی در بین علماء معروف و مشهور و مقبول قرار گرفت.

فائده ۳: آقای سید علی در علم مناظره وجدل بغایت توانا بود بر خلاف میرزای نمی که در میدان مناظره در انظار مردم از وی عجزداشته (ص ۹۰۲ سوم مکارم الاثار).

فائده ۴: در عصر آقا سید علی دانشمندی معروف بنام میرزا محمد اخباری که جامع علوم عقلی و نقلیه و علوم غریبه بود با علماء اصول مخالفت و معاندت می نمود و کتابهای زیادی در رد آنها و تقویت اخبار ها تالیف نموده تنها کسی که توانست در برابر او مقاومت و پایداری کند و گفتار او را با دله عقلی و نقلیه رد کند آقاسید علی بود .

فائده ۵: اساتید او را قبلا ذکر کردیم اما مشایخ اجازه او طبق نوشته اعیان الشیعه (ص ۴۷ چهل و دوم) عبارتند از : ۱- وحید بهبهانی ۲- میر عبدالباقی امام جمعه اصفهان ۳ - شیخ یوسف بحرینی رحمه الله علیهم أجمعین وعلی جمیع علمائنا الماضین .

۸- سید محسن بن حسن بن مرتضی اعرجی کاظمینی

معروف به محقق اعرجی و مقدس اعرجی . عالم فاضل محقق مدقق فقیه زاهد ادیب شاعر ، از علماء بزرگوار و محققین ومتتبعین ومراجع تقلید در زمان خود بوده . در سال ۱۱۳۰ متولد گردیده و مطابق آنچه در اعیان الشیعه (ص ۱۷۳ چهل و سوم) می نویسد تا سن چهل سالگی به تجارت مشغول بوده سپس به نجف جهت تحصیل علم رفته و در آنجا در خدمت وحید بهبهانی و شیخ جعفر نجفی

و سید بحرالعلوم تحصیل نموده سپس به کاظمین معاودت کرده و به تالیف و تصنیف و تدریس پرداخته و عده ای از بزرگان اهل علم در خدمتش تلمذ نموده اند از آن جمله : حاجی کلاسی - شیخ عبد الحسین أعسم - سید عبدالله شبره شیخ محمد علی بلاغی - سید صدرالدین عاملی - سید محمد علی بن محسن فرزندش رسید محمد کاظم بن محمد علی فرزند زاده اش وسید حجه الاسلام شفتی و غیره. و از شیخ جعفر وشیخ سلیمان بن معتوق عاملی مجاز بوده و در سال ۱۱۹۹در خدمت شیخ جعفر نجفی به مکه مشرف گردیده است .

کتب زیر از تالیفات اوست : ۱- ارجوزه ای در فقه در اشباه و نظایر ۲-اصاله البرائه ۳ - تلخیص الاستبصار ۴ - حاشیه مصباح المنیر (مصباح المنیر تألیف أحمد بن محمد بن علی فیومی مصری) ۵ - حاشیه مقدمه الحدائق الناضره تالیف شیخ یوسف بحرانی۶ - حاشیه وافی ملا محسن فیض کاشانی ۷- حاشیه وافیه الاصول تألیف شیخ عبدالله بن محمد بشروئی خراسانی کرمانشاهی ۸- دیوان اشعار ۹- سلاله الاجتهاد (منظومه در اشباه و نظایر و نام دیگرش الفقهیه المستطرفه می باشد و این همان شماره یکم است و بطبع رسیده است) ۱۰ - کتاب الصلاه ۱۱- کتابی در رجال دراعیان الشیعه (ص۱۷۶ چهل و سوم) میفرماید نسخه آن در نزد من موجود است ۱۲ - غرر الفرائد در فروع فقهبه ۱۳ - الغرر والدرر کتابی است کشکول مانند در بیست هزار بیت و همان غرر الفرائد است ۱۴ - متاجر ۱۵ - المحصول در شرح وافی الأصول ۱۶ - مختصر وسائل الشیعه ۱۷- الوانی - ۱۸وسائل الشیعه در فقه این کتاب بترتیب کتب فقهی که در بین فقهاء متداول است تالیف نشده است و بنا بگفته مؤلف ریحانه الادب کتاب قضای آن بهترین کتابی است که در این موضوع تالیف شده است.

مرحوم مقدس اعرجی در سال ۱۲۲۷ در کاظمین وفات یافته و در خانه خود

مدفون گردید .

در اعیان الشیعه ومعارف الرجال (ص ۱۷۱ دوم) نمونه هایی از اشعارش نقل گردیده طالبین مراجعه نمایند .

در موسوعه العتبات المقدسه (ص ۸۰ جزء سوم قسم الکاظمین) در ضمن خاندانهای شهر مقدس کاظمین می نویسد:

بیت الاعرجی از ذراری سید محسن رسید راضی اعرجی فرزندان سید حسن ابن سعید مرتضی که در سال ۱۱۶۵ مجری به بغداد منتقل گردید (انتهی).

۹ – آقا سید محمد بن امیر سیدعلی طباطبائی حائری اصفهانی

معروف به مجاهد از اعاظم علماء و مجتهدین ورؤساء فقهاء و اصولیین عابد زاهد مجاهد فی سبیل الله . در حدود سال ۱۱۸۰ در کربلا از دختر آقا باقر وحید بهبهانی متولد گردید و در خدمت پدر بزرگوار خودو سید بحرالعلوم و دیگر بزرگان تلمذ نموده تا بدرجات عالیه علم واجتهاد نائل گشته سپس به تدریس وتصنیف پرداخته و پس از واقعه هائله وهابی ها در سال ۱۳۱۶ به اصفهان مهاجرت نموده و در این شهر رحل اقامت افکنده و بدرس و بحث اشتغال جسته و جمع کثیر از بزرگان علماء و فضلاء در خدمتش کسب فیوضات علمی نموده و پس از فوت پدر بزرگوارش در سال ۱۲۳۱ به عتبات ماردت نموده وریاست فرقه امامیه بعد از هدرباو منتهی شده و در نزد کلیه طبقات خاصه علماء و بزرگان معزز و محترم بوده تا سال ۱۲۴۱ بر حسب وظیفه شرعی دفاع از حریم مملکت اسلامی و ضمنا دعوت فتحعلی شاه و عباس میرزا از ایشان جهت حضور در جنگ به عنوان تیمن و تبرک وهم بعنوان استظهار و پشت گرمی قشون و افراد داوطلب به جنگی روسیه رفته لکن تقدیر الهی و علل ظاهری موجب شکست ایران شده و آن عالم جلیل از این جهت

خسته و ملول گشته در مهاودت از جنگ در قزوین در ۱۳ جمادی الأخره سال ۱۲۴۲ بمرض اسهال وفات یافته جنازه به کربلا منتقل و در بازار بین الحرمین در طرف راست کسی که از حرم حضرت عباس علیه السلام جهت حرم شریف حسینی علیه السلام میرود مدفون گردید و اکنون قبر شریف او آنجا در زیر گنبدی قرار دارد و قبور جمعی از اولاد و اعقابش نیز در اطراف او می باشد .

کتب زیر از تالیفات اوست: ۱- الاستصحاب - اصلاح العمل نام اصلی کتاب الاصلاح است ۲ - اغلاط مشهوره ۴ - جامع العبایر ه - جامع المسائل یا سؤال وجواب فارسی ۶ - الجهاد ۷- حاشیه بر معالم الأصول ۸ - حجیه الشهره -۹حجیه المظنه ۱۰ - مصابیح در فقه ۱۱ - مفاتیح الاصول و آنرا در اصفهان تالیف نموده و هنگام تدریس شاگردان آنرا جزه جزء می نوشته اند ۱۲ - مناهل در فقه معروفترین تالیفات ایشانست ۱۳ - نهایه المرام در شرح مفاتیح الکلام ۱۴ - الوسائل الحائریه با الوسائل إلی النجاه دراصول فقه وغیره .

در کتب تراجم ورجال اشاره ای به شاگردی مرحوم حجه الاسلام نزد سید محمد مجاهد و یا اجازه داشتن ایشان از وی نشده است فقط آقا سید شفیع چاپلقی در روضه البهیه در ضمن شرح حال سید حجه الاسلام وذکر اسامی اساتید ایشان می نویسد :

وعلی السید الاستاد آقا سید محمد از این عبارت تلمذ مرحوم حجه الاسلام نزد صاحب عنوان استنباط میشود. فائده ۱ : در ناسخ التواریخ جلد قاجاریه می نویسد : کسانیکه حکم جهاد باروسیه را دادند بدی قرار می باشند : ۱- حاج ملا احمد نراقی کاشانی .

- حاج شیخ جعفر کاشف الغطاء نجفی

ص : ۸۹

۳- میرزا ابوالقاسم میرزای قمی ۴- میر محمد حسین سلطان العلماء امام جمعه اصفهان .

۵- آقا سید علی طباطبائی اصفهانی حائری .

۶- مولی علی اکبر اصفهانی (احتمالا اژه ای). و دیگر علماء در یک رساله نوشتند و امضاء کردند باین عبارت :

مجادله و مقابله با روسیه جهاد فی سبیل الله است و بر کوچک و بزرگ راجب است که برای حفظ دین و نگاهداری سرحدات ممالک مسلمین خودداری نکنند وروسیان را از مداخلت در حدود ایران دفع نمایند .

فائده ۲: در موقع حرکت مرحوم آقا سید محمد از کربلا بجهت جهاد عدهای از علماء و مجتهدین وطلاب (قریب پانصد نفر) در خدمت او بودند و بعدا نیز جمعی دیگر از علماء ایران به آنها پیوستند ذیلا بنام عده ای از آنها اشاره می شود :

۱- سید ابراهیم قزوینی ۲- مولی احمد بن مصطفی خمینی (ص ۱۱۶ یکم الکرام البرره) ۳- حاج ملا احمد فراقی . ۴- حاج ملا محمد تقی برغانی . ه - حاج سید محمله تنی قزوینی . ۶- حاج ملا محمد جعفر شریعتمدار استر آبادی . ۷- آقا سید حسین بن آقا سید محمد مجاهد .

۸- سید خیر الدین فرزند میر خیر الله موسوی جد آل خیرالدین در عراق (ص ۹- اسلام در چهارده قرن).

- حاج ملا رضا خوئی . ۱۰ - ملا محمد شفیع خوئی .

ص : ۹۰

۱۱ – حاج ملا صالح برغانی ۱۲– حاج ملا عبدالوهاب قزوینی . ۱۳– سید عزیزالله مجتهد طالشی . ۱۴– ملا علی بن محمد ولی قاینی خراشادی . ۱۵ – آقا سید نصر الله استر آبادی • فائده ۳ : داستانی عبرت آمیز در بیوفائی مردم دنیا .

در تواریخ وتراجم رجال در ضمن شرح حال مرحوم آقا سید محمد مجاهد می نویسند :

چون آن بزرگوار به شهر قزوین رسید و جهت نماز از حوض مسجد وضو ساخت مردم قزوین بعنوان تیمن و تبرک آب حوض را تا قطره آخر بودند و این در سال ۱۲۴۱ بود چند ماه از این قضیه نگذشته بود که جنگه بضرر ایران خانمه بافت و آن سید بزرگوار در حال مرض در مراجعت بهمین شهر وارد شد. مردم آنجا نسبت به آن بزرگوار توهین ها کردند و دشنام ها دادند حتی برخی از آنان که گستاخ تر و بی حیاتر بودند مشافهه بأن سید جلیل جسارت ها کردند و اعمالی انجام دادند که روی تاریخ و خود را برای همیشه سیاه کردند .

فائده ۴ : علل و موجبات شکست را در این جنگ اولا باید از متخصصین نظامی پرسید ، ثانیاً آنچه بنظر میرسد؛

ا– برابر نبودن نیروهای طرفین . ۲– خیانت نمودن برخی از حکام ولایات و سران قشون .

۳– نارضایتی ارامنه گرجستان از حکومت مرکزی ایران بخصوص پس از کشتار آقا محمد خان .

۴– رشوه گرفتن عباس میرزا . معروف است که چون آقا سید محمداز این

ماجرا آگاه شد و برا نفرین کرد که جوانمرگ شود او مرد و به سلطنت ترسیل أما روسها سلطنت ایران را در اولاد او تضمین کرده بودند.

ه - غرور عباس میرزا که چند مرتبه پیشنهاد صلح شد و نپذیرفت .

۶- اختلاف بین برخی از بزرگان و روحانیون آذربایجان در ادامه دادن جنگ ویاصلح .

۷- در این بین سیاست انگلیس را هم نباید فراموش کرد .

۱۰-حاج ملا مهدی بن ابی ذر بن حاج محمد نرالی کاشانی

نراق بروزن اراک از اعمال کاشان . شیروانی در بستان السیاحه (ص ۱۷۸) نرسل :

قریه ای است قصبه مانند و محلی است خاطرپسند از توابع کاشان آبش کم و باغاتش فراوان آن قریه در دامن کوه اتفاق افتاده و سه طرفش فی الجمله گرفته وسمن مغربش بایت گشاده است (انتهی).

مرحوم نراقی از بزرگـان علمـاء وفقهاء واجله حکماء و متکلمین فقیه اصولی وحکیم متکلم جامع معقول و منقول وحاری فروع واصول در علوم ریاضی و هیئت و اخلاق و علوم ادبیه از اساتید بشمار میرود و در ایاب الألقاب (ص۹۲) وریحانه الادب گوید که در برخی از کتب متأخرین و براخائم المجتهدین ولسان الفقهاء والمتکلمین خوانده اند . عمده تحصیلات او در اصفهان در خدمت ملااسماعیل خواجوئی (قوت ۱۱ شعبان۱۱۷۳) بوده در ریحانه الادب (ص۱۸۶ چهارم) ولباب الالقاب مدت تلمذ او را در نزد خواجوئی سی سال نوشته اند و هم در خده من ملامهدی هرندی و حاج شیخ محمد کاشانی و میرزا نصیر درس خوانده سپس به عتبات مهاجرت نموده و آنجا مدنی از محضر آقا باقر وحید بهبهانی وشیخ یوسف بحرینی استفاده علمی کرده

و پس از وصول به مقامات عالیه به کاشان معاودت نموده و در آنجا سکونت اختیار نموده و بتألیف وتدریس وافاده و افاضه اشتغال جسته ، عده زیادی از بزرگان اهل علم و دانش در خدمت او تحصیل نموده و بمقامات عالیه علم و کمال و ریاست و شهرت رسیده اند که از آن جمله است سید حجه الاسلام شفنی .

قبل از ورود مشار الیه بشهر کاشان این شهر فی الجمله از وجود علماء بزرگ ومجتهدین نامدار و مدرسین خالی بود لکن بیرکت وجوداین عالم بزرگوار کاشان یکی از مراکز علمی شیمه گردیده وطالبین علم ودانش از گوشه و کنار روی بدان شر نمودند .

کتب زیر از تالیفات اوست : ۱- اصول دین بفارسی ۲ - انیس التاجرین با انیس التجار در فروع تجارت رساله عملیه برای مقلدین بفارسی مطبوع ۳ - انیس الحکماء ۴ - انیس المجتهدین در اصول فقه ۵- انیس الموحدین بفارسی در اصول دین وهمان اصول دین است در الذریعه در دو محل نام برده (ص ۱۹۵ و۴۶۶دوم) ۶- التجرید با تجریدالاصول مطبوع ۷- التحفه الرضویه در مسائل دینیا ۸- توضیح الاشکال ۹- جامع الأفکار۱۰ - جامع السعادات در اخلاق از معروفترین تألیفات او مطبوع ۱۱ - جامعه الأصول ۱۲- رسانه ای در بیان ۱۳ - رساله ای در حساب ۱۴ - رساله ای در عبادات ۱۵ - رساله ای در علم عقود فارسی ۱۶ - شرح شفا ۱۷ - الشهاب الثاقب در رد برخی از معاصرین او از علماء عامه ۱۸ - قره العیون در معنی وجود و ماهیت ۱۹ - الکلمات الوجیزه ۲۰ - کنز الرموز در برخی از آداب شرعی مطبوع ۲۱ - اللمعات ۲۲ - امهات الشرعیه ۲۳ - اللمعه الالهیه در حکمت متعالیه ۲۴ - لوامع الاحکام در فقه شریعت اسلام ۲۵ - محرق القلوب در مقتل مطبوع ۲۶ - المحصل در هیئت ۲۷ - المستقصی در هیئت ۲۸ - مشکلات العلوم فارسی ملمع مطبوع مانند کشکول شیخ بهائی

ص : ۹۳

۲۹. معتمد الشیعه فی احکام الشریعه ۳۰- معراج السماء در هشت ۳۱ - مناسک حج یا انیس الحجاج ۳۲ - نخبه البیان در استعاره و تشبیه فارسی مطبوع وغیره .

فائده : علامه طهرانی در الذریعه (ص ۷۵ هفدهم) در ضمن شرح کتاب قره العیون گوید :

نسخه ای از آن در کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام موجود است و حواشی مختصری از استادش آقا محمد بیدآبادی بر آن نوشته شده. بنابر این مرحوم بیدآبادی نیز یکی دیگر از اساتید مشار الیه در اصفهان بوده است .

بدین ترتیب اساتید او در اصفهان عبارت شدند از :

۱- مولی اسماعیل خواجوئی ۲- آنا محمد بید آبادی ۳ - مولی محمدبن محمد زمان کاشانی ۴ مولی مهدی هرندی هم میرزا نصیر رحمه الله علیهم اجمعین.

۱۱- میرزا محمد مهدی بن ابوالقاسم موسوی شهرستانی

اصفهانی حائری . عالم عابد فقیه زاهد .

شهرستانی منسوب است به شهرستان و آن بنا بنوشته مکارم الاثار (ص ۶۱۳ دوم) نام چندین موضع است:

ا- شهرستان خراسان . ۲- شهرستان نام شهری در فارسی . ۳- فربه ای در بلوک خنج فارس (از بخش های شهرستان لار). ۴ - قربه ای در فارس از شهرستان فسا.۵- و شهرجی در اصفهان - شهر قدیم اصفهان .

مرحوم آقا میرزا محمد مهدی صاحب عنوان از شهرستان جی اصفهان بوده است . در وقایع السنین والاعوام (ص ۴۵۶) نسب سادات شهرستانی را از میرزا روح الله که در قرن یازدهم در اصفهان بوده تا حضرت موسی بن جعفر علیه

السلام نقل کرده است.

در حدود سال ۱۱۳۰ در اصفهان متولد گردیده و ظاهرا در فتنه افغان پالر و خانواده اش به عتبات مهاجرت کرده اند و او در آنجا در خدمت جمعی از بزرگان همچون مولی ابوالحسن شریف عاملی و آقا باقر بهبهانی و شیخ محمد مهدی فتونی وشیخ یوسف بحرینی تلمذ نموده و از شیخ یوسف بحرینی و مولی مهدی فتونی وآنا میر عبد الباقی امام جمعه اصفهان به اخذ اجازه مفتخر گردیده و جمعی کثیر از بزرگان علماء نیز در خدمت اور تحصیل نموده و با کسب اجازه نموده اند از آنجمله است مرحوم حاج سید محمد باقر حجه الاسلام شفتی (ص ۸۶ سوم معارف الرجال)

و از جمله کراماتی که جهت سید بحر العلوم نقل می کنند آنکه وی خبر داد که سید شهرستانی بر جنازه من نماز میخواند و حال آنکه وی در آن موقع یعنی در موقع احتضار بحر العلوم در کربلا بود و قضیه بهمین نحو انجام گردید.

وفات صاحب عنوان در سال ۱۲۱۶ در ماه صفر در کربلا اتفاق افتاده و دو پسر عالم فاضل از او بجای ماند : میرزا ابوالقاسم و میرزا محمد حسین متوفی در ۱۲۴۷ ، ودر همین سال فرقه وهابیه به کربلا حمله کرده و آنجا را غارت نموده و بسیاری از مردم آنجا را از زوار و مجاور کشتند .

مرحوم شهرستانی را تألیفاتی است از آنجمله : ۱- تفسیر برخی از سورههای قرآن ۲- حاشیه بر مفاتیح الشرایع فیض کاشانی ۳- فذالک در شرح مدارک ۴ – مصباح در فقه .

فائده : اولاد پسری و هم اعقاب دختری او که سادات حسینی می باشند. بعلت اهمیت و شخصیت او به شهرستانی معروف و مشهور می باشند.

ص : ۹۵

۱۲- حاج سید مهدی بحرالعلوم طباطبائی

فرزند آقا سید مرتضی بن سید محمد بروجردی .

مرحوم آقا سید محمد بن عبد الکریم از علماء اواخر زمان صفویه در اصفهان بوده و ظاهرا در فتنه افاغنه از این شهر مهاجرت کرده و در بروجرد متوطن شده است قبرش در آن شهر مزاری معروف است . پدرش مرحوم آقا سید مرتضی نیز از علماء و بزرگان بوده و در سال ۱۱۹۹ به نجف اشرف مهاجرت کرده و در آن ارض مقدس سکونت نموده و در سال ۱۲۰۴ هسم در آن شهر وفات یافته

است.

مرحوم بحر العلوم : الامام الهمام الذی لم تسمح بمثله الأیام سید العلماء الاعلام ومولی فضلاء الاسلام سید الفقهاء المتبحرین أمام المحدثین و المفسرین ... صاحب المقامات العالیه والکرامات الباهره (ص۶۷۶ دوم فوائد الرضویه).

مقامات علمی و شخصیت معنوی و روحانی این سید بزرگوار برتر از آنست که نویسنده ناتوانی همچون من و امثال من بتواند درباره او و مقامانش چیزی بنویسد و بهتر آنست که عجز و ناتوانی خود را وسیله پوزش مطلبی از ساحت مقدس آن بزرگوار قرار داده و به اختصار بپردازم .

وی در شب جمعه ماه شوال ۱۱۵۵ در کربلا متولد گردید و پس از دوران کودکی و رسیدن به سن تحصیل در نزد عده زیادی از معاریف علماء و مجتهدین تلمذ نموده و از جمعی از آنان به کسب اجازه مفتخر گردید سپس به تالیف وتصنیف و تدریس پرداخته عده کثیری از بزرگان در خدمت او بمقامات عالیه رسیدند .

در شرح حال او لازم است تذکر داده شود که تشرف او خدمت حضرت

ص : ۹۶

بقیه الله الاعظم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از متواترات و مسلمان در بین علماء و بزرگانست واحدی در این باره شک و تردید ندارد .

و مقام قداست و بزرگواری او بحدی بوده که مرحوم شیخ جعفر نجفی گرد نعلین او را بـا تحت الحنک پاک مینموده اس . اساتید و مشایخ اجازه اوبطوریکه در مکارم الاثار استقصاء نموده عبارتند از: ۱- میرزا ابوالقاسم مدرس خاتون آبادی اصفهانی ۲- مولی محمدباقربن مولی محمد اکمل وحید بهبهانی ۳- آقا محمد باقر بن محمد باقر هزار جریبی ۴ - شیخ محمد تقی دورتی ۵ - آفا شیخ محمد جواد عاملی ۶- سید حسین بن امیر ابراهیم قزوینی ۷ - آغاسید حسین بن سید جعفر خونساری ۸- امیر عبدالباقی امام جمعه اصفهان شیخ روایت تاریخ۱۱۹۲ .۹ - شیخ عبد النبی قزوینی ۱۰- سیل قطب الدین محمد تبریزی بر حسب آنچه در طرائق الحقایق نوشته ۱۱ - آقا سید مرتضی طباطبائی پدر بزرگوارش ۱۲ - آقا شیخ محمد مهدی فتونی ۱۳ - شیخ یوسف بحرینی رحمه الله علیهم أجمعین .

وعده کثیری در نزد او درس خوانده اند از آن جمله مرحوم سید حجه الاسلام شفتی بید آبادی است . ویرا تألیفات چندی است از آنجمله :۱- اثنی عشریات و آن دوازده قصیده در مرثیه حضرت سیدالشهداء علیه السلام می باشد ۲ - اجازات ۳- اجتماع الأمر والنهی ۴ - ارجوزه در جمل وعقود ۵ - ارجوزه درباره انار (القصیده الرمانیه) چهل وشش بیت ۶. ارجوزه در مرائی ۷- ارجوز در مناقب ومثالب ۸- أصاله البراءه ۹- تحفه الکرام تاریخ مکه و مسجد الحرام ۱۰ - دره و آن منظومه ای در فقه می باشد ۱۱- دیوان اشعار ۱۲ - رساله در سیر و سلوک منسوب به سید بحر العلوم ۱۳ - شرح وافیه ۱۴ - فوائد اولیه و در آن ۴۵ فائده نقل فرموده است ۱۵ - فوائد رجالیه ۱۶ - قواعد الشکوک در شکیات نماز ۱۷- مبلغ النظر در حکم مسافر و آنرا بنامهای دیگری نیز در الذریعه ذکر فرموده

ص : ۹۷

است ۱۸ – مجموعه الأجازات ۱۹ – مشکوه درقه و آنرا مشکوه الهدایه ومصابیح نیز گویند . ۲۰ – مصابیح در فقه یا مصابیح الاحکام و آن غیر از مصابیح (مشکوه) می باشد در سه جلد ۲۱ – معرکه الخمیس و آن عبارت است از مکاتبات ومراسلات شعری بین پنج نفر از شعراء که یکی از آنان سید بحر العلوم است و آنرا بحر العلوم باین نام ممد می گردانیده است ۲۲ – منظومه ای در رد اخباریه وغیره .

توضیح و تکمیل :

انتساب کتاب سیر وسلوک به مرحوم سید بحر العلوم مورد شک و تردید علماء بزرگوار بوده و عموما آنرا نفی کرده اند گرچه اخیرا بنام ایشان بچاپ رسیده است . چند دلیل از ادله نفی :

۱– اول کسی که این کتاب را به مرحوم سید بحر العلوم نسبت داده مؤلف طرائق الحقایق است. ل

۲– اول نسخه ای که از این کتاب تا کنون دیده شده مورخ بسال ۱۲۵۱ می باشد قریب چهل سال پس از فوت او .

۳– خاندان مرحوم سید بحر العلوم انتساب این کتاب را به جد امجد خود انگار دارند. ۴– هیچ یک از ارباب تراجم نام آنرا در ضمن تألیفات آن مرحوم ننوشته اند

۵–تمام مؤلفات مرحوم بحر العلوم عربی است چه شده که این رساله بفارسی در آمده .

۶– کتاب به دیگران نیز نسبت داده شده و هیچ یک ثابت نیست. : رده ها دلیل دیگر انتساب کتاب را به مرحوم بحر العلوم نفی می کند .

فائده : مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار (ص ۲۱۶ دوم) می نویسد :

در ذکری المحسنین(۱) می فرماید که مرحوم میرزا محمد مهدی شهید ویرا بدین کلمه (بحر العلوم) ملقب کرد و آن از نظر کثرت احاطه بعلوم اسلامیه وشدت تضلع بفنون فلسفه الهیه و طبیعیه و تبحر در مسائل عقلی و نقلیه بود که ملقب به بحرالعلوم گردید .

و در روضات الجنات (ص) می فرماید: دونبالت و بزرگواری او همین بس که بدون شرکت غیر ملقب به بحرالعلوم گشته (انتهی) یعنی پیش از وی کسی دیگر بدین کلمه ملقب نشده است (انتهی).

نویسنده گوید : از یک قرن قبل و بخصوص در زمان معاصر این لقب مانده سایر القاب علماء : آیت الله - ثقه الاسلام - حجه الاسلام - شریعت مدار و غیره در بین علماء متداول گشته بطوری که در این زمان بهر طالب علمی یکی از القاب و عناوین را می گویند و می نویسند واو خود باور کرده و هیچ اظهار ناراحتی نمی کند .

(تنبیه و ارشاد) : مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار (ص ۴۱۶ دوم) پس از شرحی که درباره عظمت و بزرگی و بزرگواری مرحوم سید بحرالعلوم مرقوم فرموده گوید :

بلکه خود آقای بهبهانی نیز در اواخر چون پیر شده بود و احتمال زوال ملکه اجتهاد در خود میداد ، در مسائل فرعیه بنای تقلید از او نهاد .

توجه خواننده محترم را بمطلب فوق جلب می کنیم . می نویسد مرحوم آقا باقر وحید بهبهانی با آنهمه عظمت و مقام علمی که او را مؤسس بهبهانی ومجدد قرن خواندند در آخر عمر به اجتهاد خود عمل ننموده بلکه از مرحوم سید بحرالعلوم

۱) کتاب ذکری المحسنین در ترجمه حالات آقا سید محسن بن حسن اعرجی کاظمینی متوفای سال ۱۲۲۷ تالیف علامه مرحوم سیدابی محمد حسن صدر الدین کاظمینی (۱۲۷۲-۱۳۵۴) می باشد و چاپ رسیده است .

۱- کتاب ذکری المحسنین در ترجمه حالات اقا سید محسن بن حسن اعرجی کاظمینی متوفای سال ۱۲۲۷تالیف علامه مرحوم سید ابی محمد حسن صدر الدین کاظمینی (۱۳۵۴-۱۲۷۲) می باشد و بچاپ رسیده است .

تقلید می کرد .

در قصه العلماء (ص ۱۲۵) در ضمن شرح حال آنقا سید محمد مجاهد می نویسد :

آقا سید محمد وارد قم شد فاضل نمی صاحب قوانین بسیار معمر شده بود شبی آقا سید محمد و علماء دیگر را ضیافت کرد و با ایشان صحبت علمی داشت از آن پس گفت : غرض از احضار شما در این شب و مکالمه آنست که سن شیخوخیت نوای مراتحلیل برده ندانستم که ملکه اجتهاد وجواز افتاء در من باقیمانده یا نه خواستم با شما قدری صحبت داشته باشم که شما ملاحظه کنید که آیا ملکه استنباط در من باقی است یا نه . مرحوم آقا سید محمد عرض کرد که اگر ملکه مستنبطه اینست که بالفعل شما دارید پس من و امثال من را ملکه مستنبطه نیست .

بخش سوم: (مهاجرت سید حجه الاسلام بید ابادی به اصفهان)

اشاره

مهاجرت سید حجه الاسلام بید آبادی به اصفهان

ص : ۱۰۱

فصل پنجم: (مهاجرت مرحوم سید حجه الاسلام به اصفهان)

اشاره

مهاجرت مرحوم سید حجه الاسلام به اصفهان مرحوم حاج سید محمد باقر حجه الاسلام شفتی پس از تکمیل تحصیلات خود در کربلا - نجف - کاظمین - قم و کاشان ونیل به مقامات عالیه علم واجتهاد واخذ اجازات بقصد توطن به اصفهان ، یعنی مهد علم ودانش و مجمع علماء وحکماء وفقهاء و مجتهدین، یعنی دار العلم شرق مهاجرت نمود و تا پایان عمر ظاهراً به غیر از سفر مکه معظمه ومدینه طیبه واعتاب مقدم أثمه عراق علیهم السلام دیگر از این شهر خارج نگردید .

سال ورود به اصفهان

مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار (ص۱۶۱۵ پنجم) می نویسد : در سال ۱۲۰۶ بدون هیچ شهرت و ثروتی باصفهان آمد.

نویسنده گوید :درست است که مرحوم حجه الاسلام در سال ورود به اصفهان و شاید تا چندین سال بعد میچگونه ثروت مادی نداشت اما گنجی بود مملو از جواهرات علوم متنوعه و خزانه ای از دانشهای گوناگون مقرون به نفری وزهد وملکات نفسانی و سجایای اخلاقی.

در الکرام البرره (ص ۱۹۳ یکم) نیز ورود مرحوم سید حجه الاسلام را به اصفهان در سال ۱۲۰۶ می نویسد، لکن علامه صاحب روضات الجنات (ص۱۲۵) مهاجرت ویرا باصفهان در حدود سال ۱۲۱۷ ,۱۲۱۶ می نویسد و قول او در این موارد حجت است چون وی معاصر با ایشان و از تلامذه و مجازین از او می باشد .

سکونت در مدرسه چهار باغ

مرحوم حجه الاسلام در بدو ورود به اصفهان در مدرسه چهار باغ سکونت نمود و شروع به بحث و تدریس نمود .

بیان شیوا و اطلاعات و معلومات کامل ووافر وحسن معاشرت موجب گردید که طلاب و دانشجویان در اطرافش گرد آمدند و بطوریکه می نویسند متولی ومدرس مدرسه نامبرده از این پیش آمد ناراحت و ناراضی گردید و چون مرحوم سید حجه الاسلام متوجه عدم رضایت متولی گردید بلا۔فاصله تغییر محل داد ، وظاهراً بطوری که برخی از مطلعین اظهار می داشتند ابتداء در مدرسه شفیعیه واقع در محله در دشت و بعداً به مدرسه میرزا حسین واقع در بازار بید آباد منتقل گردید حجره مرحوم سیدحجه الاسلام در مدرسه میرزا حسین معلوم و معین و معروفست.

مدرس مدرسه چهار باغ

در زمان ورود مرحوم سید حجه الاسلام به اصفهان و سکونت ایشان در مدرسه چهار باغ متولی مدرسه نامبرده مرحوم آقا میرزا محمد رضا فرزند علامه محقق آقا میرزا ابوالقاسم مدرس میباشد .

مرحوم آقا میرزا محمد رضا مدرس خاتون آبادی از جمله علماء اصفهان وامام جماعت مسجد شاه و مدرس مدرسه چهارباغ بوده و در ماه رجب سال ۱۲۳۸

ص : ۱۰۳

شش ساعت پس از تحویل آفتاب ببرج حمل وفات یافته ابتداء در اصـفهان مدفون وسـپس اسـتخوان های ویرا به نجف اشرف حمل کردند و در آن ارض مقدس بخاک سپردند (ص ۱۰۵۴ چهارم مکارم الاثار).

علت خروج مرحوم حجه الاسلام از مدرسه چهار باغ

بطوری که گفـتیم مرحوم حجه الاسـلام در بـدو ورود خود در مـدرسه سـلطانی معروف به مـدرسه چهـار بـاغ حجره گرفته و بتدریس شـروع نمود و طلاب پروانه وار گرد شمع وجودش جمع شدند . اکنون متولی مدرسه نامبرده با حریفی جوان وعالمتر از خود روبرو شده ودیگر طالبین علم بدرس او کمتر حاضر میشوند و قلباً از این موضوع نگران و ناراضی شد.

چون مرحوم حجه الاسـلام نگرانی و نارضـایتی او را احساس فرمود، بـدون اظهار هیـچ هیـچ گونه عکس لعملی خود به اختیار واز روی میل نه اجبار از مدرسه خارج گردید.

مرحوم سـید حجه الاسـلام بخاطر خداوند تحصیل کرده بود و آن همه رنج ومشقت را بر خویشتن هموار ساخته و در شهرهای مختلف بنزد اساتیـد شـتافته بود اکنون نیز بخاطر خداوند به اصـفهان یعنی مهد علم ودانش روی آورده که بهتر بتواند به علم و علماء خـدمت کنـد حال نیز تـدریس او بجهت رضا و خشـنودی اوست و چون می دانـد شـرعاً متولی هر مدرسه ای در ساکن بودن و نبودن طلاب مدرسه صاحب نظر است و احساس می کند که متولی مدرسه نامبرده از سـکونت او در آنجا قلباً ناراضی است و شاید این عدم رضایت خود را بزبان نیز رانده باشد ، توقف خود را در آن مدرسه غیر مشـروع ومعصیت میداند و بدون درنگ از آنجا نقل مکان مینماید .

ص: ۱۰۴

بنابر این گفتار مؤلف قصص العلماء که می نویسد (ص ۱۴۳) : متولی مدرسه امر بخروج او کرد مبالغه و از روی مسامحه است.

منزل مرحوم سید حجه الاسلام

پس از آنکه وضع زندگانی مرحوم حجه الاسلام در اصفهان سر و سامانی گرفت و عنوان وشهرتی یافت و وجوهات بربه از خمس وسهم مبارک امام علیه السلام وزکوه دیگر وجوه واجبه ومستحبه بنزدش می آوردند در صدد تهیه منزل جهت سکونت خود و خانواده خویش بر آمده و در محله قبله دما خانه ای خرید که تا آخر عمر در آنجا ساکن بود و بعد نیز اولادوامقابش آنرامالك بوده و سکونت می نمودند و در سالهای اخیر فروخته شد.

منزلی که مرحوم سید حجه الاسلام در محله قبله دعا خرید قبلا متعلق به عالم زاهد مرحوم آقا محمد بیدآبادی بوده و مقابل آن فضائی و محوطه ای کوچک بود که شاید قبلا قبرستان بزرگی بوده و بعداً متروك مانده و تا این اواخر بصورت قبرستانی نیمه خراب باقی بود که در سالهای اخیر به سرنوشت دیگر گورستانهای اصفهان دچار گردیده و بصورت خانه مسکونی در آمد .

کرامتی از اقا محمد بیدآبادی

عالم جلیل مرحوم آقا شیخ محمد حرز الدین در کتاب معارف الرجال (ص ۳۶۸ دوم) از قول هده ای از مردم اصفهان و آنان از قول بزرگان و مشایخ نقل می کند که ؛

درب خانه آقامحمد بیدآبادی کوچک و کوتاه بود روزی درباره بزرگ کردن آن با ایشان مذاکره کردند آن مرحوم در جواب فرمود :

بزرگ کردن در خانه مربوط به کسی است که بعد از من مالک این خانه خواهد شد و او آنرا انجام خواهد داد (مفهوم ظاهری این حرف آنست که فرزندانم این کار را خواهند کرد) بعدا فرموده آن کس سید محمد باقر می باشد .

حاضرین به احترام شخصیت مرحوم آقا محمد وهم بعلت اطمینان بگفته های او که از روی علم و آگاهی پیشگوئی می کند ساکت شدند . صدق این گفتار پس از سالها بعد از مرگ آقا محمد آشکار گردید .

آقامحمدبید آبادی: حکیم فیلسوف متأله عالم عارف فقیه زاهد متشرع مرحوم آقا محمد فرزند ملا محمد رفیع گیلانی از اجله حکماء وفلاسفه مشاء وزنده کننده فلسفه و عقاید فلسفی مرحوم آخوند ملا صدرا شیرازی که آنرا به شاگرد ممتازخود مرحوم آخوند ملا- علی نوری اصفهانی آموخت و او آنرا به حاج ملا هادی سبزواری انتقال داده و مرحوم حاجی سبزواری آن را به بهترین وضع واسلوب شرح و بیان فرمود. مرحوم بود آبادی در اصفهان متولد گردید. در رستم التواریخ (ص ۴۰۶)مولد آن جناب را مازندران می نویسد.

در اصفهان در خدمت جمعی از بزرگان همچون ملا اسماعیل خواجوئی و آقا میرزا محمد تقی مجلسی معروف به الماسی تلمذ نموده و عده ای از معاریف فضلاء در خدمت او تحصیل معارف و کمالات نموده اند و بمقامات عالیه علم و عرفان رسیده اند.

مرحوم آقا محمد بیدآبادی در حکمت و عرفان سر آمد علمای زمان و معروفست که علم کیمیا میدانسته و در این مورد حکایتی نقل می کنند . بر بسیاری از کتب حکمت حواشی داشته و از وی در کیمیا و عرفان و تفسیر جزواتی موجود است . برخی از آثار او بدی قرار است :

۱- بندی در عمل کیمیا بفارسی (ضمن مجموعه شماره ۱۲۵۲، دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد)

۲- تفسیر (ضمن مجموعه شمارد و ۳۳۶۰ ، مجلس شورای ملی)

۳- تفسیر منتخب از تفسیر نیشابوری که در موقع تدریس و مباحثه در مدرسه حکیم در تاریخ ۳ شنبه ۱۴ رجب سال ۱۱۷۳ نوشته است (شماره ۱۸۵۴ » کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران)

۴- رساله ای در توحید بفارسی (ضمن مجموعه مجلس شورای اسلامی)۵ - جنگی در کیمیا و علوم غریبه (شماره ۳۵۴کتابخانه مسجد گوهر شاد مشهد)

۶- رساله ای در سلوک (ضمن مجموعه شماره ۳۷۸۴۰ ، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران) ل

۷- رساله ای در سیر و سلوک (ضمن مجموعه مجلس شورای اسلامی)

۸- شعرهائی در کیمیا (ضمن مجموعه شماره (۳۷۷۸، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران)

۹- نامه ای در سیر و سلوک جواب میرزای قمی (ص ۴۸۴ دانشمندان و بزرگان اصفهان)

۱۰- نامهای فارسی جواب آقا سید حسین قزوینی در مسیر وسلوک (ضمن مجموعه مجلس شورای اسلامی)

۱۱ - نامه هائی به اشخاصی که نام آنها در فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی ذکر نشده است.

در رستم التواریخ در باره آقا محمد بیدآبادی (ص ۴۰۷) پس از شرحی

که راجع به دیدن علی مراد خان زند از ایشان و بازدید ننمودن از وی می نویسد گوید :

مرحوم آقا محمد بیدآبادی بنفس نفیس خود بدر وکان خباز و بقال ونصاب وعلاف وعصار و سبزی فروش می آمد و آذوقه و مایحتاج خود وعیال خود را بر دوش خود گرفته و بدامان خود نهاده وبخانه میبرد و در این باب اعانت از کسی قبول نمیکرد و جامه های بی کرباس و پشمینه کم بهاه بود و به کسب تکمه چینی اشتغال داشت و خط شکسته را خوب می نوشته و چند دستگاه شعربانی هم داشت وقدری هم زراعت مینمود .

مرحوم آقا محمد بیدآبادی در قبل از ظهر روز نهم محرم الحرام (تاسوعا) سال ۱۱۹۸ در اصفهان وفات یافته در تخت فولاد در قسمت شرقی تکه آقاحسین خونساری نزدیک قبر پدر بزرگوار خود مدفون گردید و آنچه مؤلفین در تاریخ فوت او نوشته اندکه سال ۱۱۹۷ بوده مسامحه می باشد که نه روز اول سال رابحساب نیاورده اند ، ماده تاریخ فوت او را هم که مرحوم آقا محمد کاظم واله شاعرعارف سروده همین حال را دارد .

فائده : در این جا به مناسبت نیست اسامی برخی از شاگردان انامحمدم بیدآبادی را یاد آور شویم :

۱- حاج محمد ابراهیم کلباسی (ص ۶۸ یکم مکارم الاثار). ۲- میرزا ابوالقاسم مدرس خاتون آبادی (ص ۱۳۱ یکم مکارم الاثار) . ۳- سید اسماعیل جزائری (ص ۱۲۷ یکم الکرام البرره).

۴ – سید محمد تقی مستجاب الدعوه خواجوئی (ص ۲۱۵ دانشمندان و بزرگان اصفهان).

ص : ۱۰۸

۵- شیخ جعفر شیخ الاسلام لاهجی (ص۲۳۹ طبقات اعلام الشیعه - الکرام البرره).

۶- سید محمد حسین قزوینی (نامه به مرحوم بید آبادی نوشته و آن مرحوم بدان پاسخ داده است)

۷- ملا عبدالکریم اشراق بیرجندی (ص ۲۷۷ بهارستان آینی). ۸- سید عبدالله دزفولی (م ۷۷۰ دوم الکرام البرره).

۹- میر سید علی بن محمد باقر حسینی (م ۲۷۶ سوم مکارم الاثار). ۱۰- حاج ملا علی نوری (ص ۶۸ یکم مکارم الاثار). از ۱۱- مولی علی اکبر اژه ای (ص ۹۴۵ سوم مکارم الاثار). ۱۲ - میرزا محمد علی بن میرزا مظفر (ص ۶۱ رجال اصفهانی). ۱۳ - مولی محراب گیلانی (ص ۹ - البدر التمام). ۱۴ - سید صدرالدین دزفولی (ص ۶۸ یکم مکارم الاثار). ۱۵ - مولی مهدی بن ابی ذر نراقی (ص ۷۵ هفدهم الذریعه) . ۱۶ - میرزا محمد مهدی شهید موسوی (ص ۶۸ یکم مکارم الاثار) .

قبله دعا وجماله

در یکی از کتابهای مرحوم آقا سید محمود کلیشادی معروف به مفتی که مجموعه ای از یادداشت ها و مطالب متنوعه از مباحث علمی و غیره بود و در تصرف مرحوم آقا شیخ محمد رضا الهی فرزند حاج مولی محمد طاهر شهر کی اصفهانی بود و بعداً به کتابخانه مرحوم حاج آقا محمد مقدم و سپس به کتابخانه مسجد اعظم قم منتقل گردید بخلاصه نوشته بود:

در یکی از مسافرتهای فتح علیشاه باصفهان و دیدار شاه از مرحوم سید حجه

ص: ۱۰۹

الاسلام روزی آن مرحوم باتفاق جمعی از علماء به بازدید شاه تشریف بردند .

ضمن صحبت های گوناگون شاه از حاج محمد جعفر آبادهای یکی از همراهان مرحوم سید حجه الاسلام پر سید منزل شما در کدام محلت از محلات اصفهانست حاجی فرمودند در محله جماله کله . شاهرا این نام خوش نیامد و روی در هم کشید پس از مدتی همین سؤال را از مرحوم حجه الاسلام کرد ایشان در جواب فرمودند در محله و قبله دعا .

شاه این نام را بفال نیک گرفته و آنرا به مبارکی و میمنت تلقی کرده و اظهار بشاشت و خوشحالی کرده

امامت جماعت

مرحوم سید حجه الاسلام پس از سکونت در اصفهان و از موقعی که عنوان و شهرنی بالنسبه یافت ابتداء در مسجد حاج طالب واقع در محله دروازه نو نزدیک سنبلستان که در آن زمان تا این اواخر به چملان (به ضم اول و سکون دوم) معروف بود، اقامه جماعت و سپس بذا بتقاضای اهالی بید آباد در مسجد میرزاباقر امامت می نمود و ظاهراً این در موقعی است که مرحوم سید حجه الاسلام در مدرسه میرزا حسین حجره گرفته و بتدریس مشغول گردیده است.

مرحوم سید پس از آنکه بنیان مسجد خود را در محله بیدآباد برپا داشت در آنجا اقامه جماعت نموده و یکی از بهترین شاگردان خود یعنی مولی علی اکبر خونساری را به امامت آنجا معین فرمود .

برخی از ائمه جماعت مسجد میرزا باقر

علما زیر پس از مرحوم سید حجه الاسلام بترتیب در ان مسجد اقامه جماعت

نموده اند:

۱- مولی علی اکبر خوانساری . ۲- مولی محمد شفیع خوئی . ۳- مولی محمد حسین بن علی اکبر خوانساری • ۴- آقا کمال الدین بن مولی محمد حسین و۵- حاج آقا جلال الدین بن مولی محمد حسین خونساری متولی سال

۱۳۴۸.

۶- آقا سید محمد باقر نحوی داماد مرحوم آقا کمال الدین مدت زمان اندکی صبحها (فوت ۱۳۵۰).

۷- حاج آقا جمال الدین بن حاج آقا جلال الدین بن مولی محمدحسین و با فوت مشار الیه در اوایل ذی الحجه سال ۱۳۹۱ علم و روحانیت از خاندان مولی علی اکبر خونساری به انتهاه رسید .

مسجد میرزا باقر : مزایای کار ایران ساری شاردن در سفر نامه خود می نویسد :

یکی از رسوم بزرگان ایرانی آنست که چون تمکن مالی یافتند در جنب منزل خود مسجد وحمام و بازارچه و گاهی کاروانسرائی بنا می کنند و برای بقاء و تعمیرات مسجد و احیانا مدرسه احدائی خود موقوفاتی معین می کنند.

سه نفر بنام محمد باقر هر یک حمام و مسجد و بازارچه بنا کردند که در امتداد یک کوچه قرار دارد :

۱- میرزا باقر منجم . ۲- مولی محمد باقر شیخ الاسلام . ۳- میرزا محمد باقر یزدی دانشمند ریاضی .

ص : ۱۱۱

نویسنده گوید : مسجد و حمام و بازارچه میرزا باقر منجم در محله نیم آورد واقع و تاریخ بنای حمام (صحت و عافیت ۱۰۶۵) می باشد و هنوز بنام حمام باقر معروفست و مسجد آنهم بنام مسجد سرنیم آورد شهرت دارد .

مسجد وحمام و بازارچه مولی محمد باقر شیخ الاسلام بهمین اسم در جنب منازل شیخ الاسلام در محله سینه پائینی واقع و بهمین نام مشهور است .

مسجد وحمام و بازارچه میرزا باقر در محله بیدآباد واقع و مسجد آن از حیث وسعت بزرگتر از آن دو مسجد می باشد و اخیرا نام حمام را عوض کرده و بنام

گلستان نامیده اند.

امام مسجد میرزا باقر در زمان حیات آنا محمد بیدآبادی با مشارالیه بوده و پس از فوت ایشان ظاهراً (احتمالا) یکی از دو فرزند پسر ایشان : حاج محمد صادق و آقا شیخ حسن در آنحا امامت مینموده اند .

فائده : در محله جویباره اصفهان نیز مسجدی بنام مسجد میرزا باقر وجود دارد و همچنین در محله چهار سوق شیراز بها مسجد علامه فقیه آقا میرزا محمدباقر چهارسوقی مؤلف کتاب روضات الجنات موجود است .

پیشنهاد امام جمعی

در قصص العلماء (ص ۱۴۳) می نویسد :

موقعی که فتح علیشاه در طهران مسجدشاه را بنا کرد نامهای به مرحوم میرزای نمی نوشت و از ایشان در خواست کرد که عالمی را که شایسته باشد معرفی کنند که امامت مسجد مزبور رانموده و خود شاه نیز گامی بجماعتش حاضر شود . مرحوم میرزا در جواب نوشتند که :

آقا سید محمد باقر شفتی رشتی اکنون در اصفهان ساکن است و او قابل

ص : ۱۱۲

است و من بهتر از او نشان ندادم ، شاه بحاکم اصفهان نامه ای نوشت که وسائل حرکت سیدرا بطهران فراهم نموده و ایشان را روانه انجا کند . حاکم از علماء شهر از حال آقا سید محمد باقر شفتی پرسید (چون در آن موقع هنوز مرحوم حجه الاسلام شهرت وعنوانی نداشتند) پس از معرفت بر احوال ایشان کسی بنزدش فرستاده و پیغام فرستاد که شاه در طهران شما را خواسته است و من در صدد تهیه وسائل حرکت شما می باشم آماده و مهیا باشید. مرحوم سید جواب رد داده وامتناع نمود و اصرار حاکم در این باره بجائی نرسید ، حاکم شخصا خدمت ایشان رسیده و اظهار داشت که اطاعت امر پاد شاه بر عموم افراد مملکت لازم است و کسیحی مخالفت ندارد ایشان فرمودند: من به اختیار خود نمیروم حاکم از زهد ایشان تعجب کرده و مایوسانه از خدمتشان بیرون رفت و مراتب را بعرض شاه رسانید و بعدا آقا میر محمد مهدی خاتون آبادی جهت این کار معین گردید . ابتدای تاریخ بنای مسجد سال ۱۲۲۴ می باشد.

اولین نهی از منکر و گرفتاری

در قصص العلماء (ص۱۴۴) در تحت عنوان : امر بمعروف و نهی از منکر داستان زیر را می نویسد :

در زمانیکه سید حجه الاسلام تازه باصفهان تشریف آورده بود و هنوز شهرت وعنوانی نداشت روزی از کوچه ای عبور میکرد، عده ای از اوباش و اشرار و لهو ولعب وساز و دف زدن مشغول بودند ، سید از آنجا که وظیفه شرعی در نهی از منکر بأوحکم میکرد و آنان را ابتداء نصیحت نموده کار به تغیر کشید و قصد زدن آنان را کرد تا شاید متفرق شوند . اشرار سیدراگرنته وحبس کردند خبر بطلاب مدرسه ای که وی در آنجا ساکن بود رسیده و آنان جریان را به امام جمعه گزارش

نمودند . مرحوم امام جمعه کسی فرستاد و آن سید بزرگوار را از زندان آنان نجات داد .

نویسنده گوید : امام جمعه اصفهان در این موقع مرحوم حاج میر محمد حسین سلطان العلماء خاتون آبادی متولد در سال ۱۱۵۸ و متونی شب دو شنبه

۶ماه صفر ۱۲۴۲ در اصفهان می باشد وی از رؤساء علماء وفقهاء این شهروصاحب تالیفات چندی است (ص ۹۵۹ سوم مکارم الأثار).

اولین قتل : معروف آنست که در اوایل ورود مرحوم سید حجه الاسلام که بسیاری از مردم این شهر حتی خواص و اهل علم ایشان را نمی شناختند ر□ی بمقامات علمی وی نبرده بودند، روزی جهت خریدن نان بدکان خبازی میروند ، یکی از کارگران دکان مزبور با رفیق خود صحبت میداشته و در ضمن گفتگو اقرار به انجام معصینی می کنند که طبق موازین شرعی حکم آن قتل بوده است . مرحوم سید حجه الاسلام که در این موقع بنظر طلبه ای ساده میرسیده است و برا موعظه می کند و می فرماید : از تو که یک فرد مسلمان می باشی چنین عمل قبیحی هرگز صادر نشده است و شاید خواب دیده ای و اکنون خواب خود را نقل می کنی و آنهم جایز نیستد ، کار گر نامبرده با کمال بی اعتنائی می گوید : خبر آقا سید من در بیداری چنین و چنان کردم و در باره اقرار می نماید دیگر بار مرحوم حجه الاسلام می فرماید : تو که مسلمان و دیندار مسنی مسلماً چنین معصیتی مرتکب نشده ای و حالا با رفیقت شوخی می کنی و جایز نیست اولا چنین شوخیها ثانیاً در حضور مشتریان، و از این نوع فرمایشات وی با کمال گستاخی ریشرمی ضمن کلمه های اهانت آمیزیه مرحوم سید و شاید ... برای دفعه سوم در حضور جمعی از مشتریان اقرار به معصیت می کند. مرحوم سید حجه الاسلام بدون اظهار هیچ نوع عکس العملی از دهان خارج گردیده وفوراً به حجره مدرسه تشریف برده و شمشیر خودرا

برداشته وزیر عبا پنهان داشته به دکان دارد و ناگهان بر فرق کارگر معصیت کار می گوید که او بر زمین افتاده و همانده می میرد.

ماجرا شروع میشود و کار به حاکم و مجتهد و امام جمعه میرسد و عنوان سید از همین وقت شروع می گردد .

گرفتاری مرحوم سید :

مسلم است که در این وقت مأمورین دولت و صاحبان دم مرحوم سیدرا مأخوذ داشته بنزد حاکم میبرند .

از ایشان علت قتل را می پرسند در جواب میفرماید : مجتهده بودم ودرحضورم سه بار اقرار کرد قتل در باره او واجب گردید و خود آنرا اجرا نمودم . مسئله صورت دیگری بخود گرفت اولا باید اجتهاد ایشان ثابت میشد تا بعداً به حکم قتل رسیدگی شود .

سؤال از آقا سید محمد . این پیش آمد مربوط به سالهائی است که علامه فقیه آقا سید محمد کربلائی که بعداً به مجاهد معروف گردید در اصفهان و مرجع امورات شرقی این شهر بوده است می باشد، در قصص العلماء (ص ۱۴۳) می نویسد :

از آقا سید محمد پرسیدند که آقاسید محمد باقر مجتهد است یا نه؟ آن جناب در جواب فرمود :

مقام آقا سید محمد باقر بالاتر از اینهاست، از اجتهاد او از من سؤال نکنید بلکه از ایشان بپرسید که سید محمد مجتهد است یانه .

همین جواب که مرحوم آقا سید محمد فرموده بود موجب رفع گرفتاری از سید حجه الاسلام شده و سبب شهرت و عنوان وی گردید . .

فصل ششم: (موجبات شهرت سید حجه الاسلام)

اشاره

(موجبات شهرت) در موقعی که مرحوم سید حجه الاسلام وارد اصفهان شد عالمی فقیر و گمنام بود ، سرمایه او فقط علم ودانش و تقوا بود ، و کسانی که او را می شناختند غیر از اساتیدش جمعی از علماء و بزرگان بودند که با ایشان در حوزه های علمی آشنائی داشتند و تعداد آنها زیاد نبود. از وسائل مادی هیچ چیز در اختیار نداشت و بطوریکه نوشته اند فقط یک سفره ثان ویک جلد کتاب مدارک همراه داشت. اما در عوض دریائی از علم و دانش بود که آرام و ساکن بنظر میرسید و کمتر موجی کافی بود که اورا متلاطم سازد .

در این وقت اصفهان مرکز علمای بزرگ و دانشمندانی بنام بود که هریک از آنها در آسمان علم و دانش ستاره ای درخشان و خورشیدی فروزان و ماهی تابان بودند و کمتر کسی می توانست باور کنند که طلبه ای گمنام دارد دارالعلم شرق شود وتمام اقمار علم و دانش را تحت الشعاع خود قرار دهد.

اما مشیت واراده خداوندی بر این قرار گرفته بود که پرچم پر افتخار زعامت و ریاست مسلمین بدست قائدی توانا و بیشوانی دانا قرار گیرد که بتواند قدرت از دست رفته علمای اسلام و بخصوص شیعه را تجدید کند. این ظهور مشیت خداوندی احتیاج به اسباب ظاهری داشت همچنان که حضرت صادق علیه السلام میفرماید:

ص : ۱۱۶

أبی الله أن یجری الأشیاء الا بالأسباب (تا آخر حدیث نقل از مستدرک سفینه البحار ص۵۴ جلد دوم).

بنابراین

علل و موجبات ظاهری ترقی

و بیش رفت مرحوم سید حجه الاسلام را میتوان پس از اراده حضرت احدیت جل وعلا در این چند موضوع خلاصه کرد :

۱- شخصیت بارز وعلم وافروزهد کامل و قلب مطمئن وتصلب به امر دین وامر بمعروف و نهی از منکر که در این راه از هیچ چیز نمی هراسید و به کمال قدرت و شهامت در برابر منهبات از هر کس و بهر نوع سر میزد ایستادگی و دفع میفرمود .

۲- حالات و صفات نفسانی از جود و سخاوت وحلم وصبر و دیگر ملکات وخصائلی که در ایشان وجود داشت سبب گردید که مردم از هر طبقه و دسته بایشان متمایل گردیده و او را از جان و دل دوست میداشتند .

۳- ترویج و تقویت علماء و مجتهدین معروف زمان از ایشان از آن جمله :

۱- میرزای قمی بطوری که قبلا اشاره شد .

۲- آقا سید محمد مجاهد بطوریکه قبلا اشاره شد.

۳- حاج ملا علی نوری از اجلای حکماء متألهین و استاد جمعی کثیر از بزرگان اهل علم و دانش در عموم شهرهای ایران بخصوص در اصفهان .

۴- تقویت کردن حاجی کلباسی از ایشان وارجاع مراجعین و مقلدین خودرا آن بزرگوار . مرحوم حاجی کلباسی بسیار محتاط بود و در این باره حکایات زیادی از اعتباط ایشان نقل می کنند بدین جهت وجهات دیگر بسیاری از مراجعین خود را در مسائل مورد اختلاف در بین نقاه به ایشان احاله مینمود .

مؤلف قصص العلماء (ص) می نویسد : من خود از حاجی کلباسی شنیدم که در بالای منبر میفرمود :

ص : ۱۱۷

اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر حسب ظاهر زنده بودند و میخواستند کسی را جهت حکومت وقضاوت شرعی به اصفهان بفرستند آن کس سید حجه الاسلام بود ، ومسلم است که این سخن از گوینده ای همچون حاجی کلباسی که از هد واعبد واتقای علمای زمان و در علم و فضیلت و تقوی پیشوای همگان بود چه اثری در اجتماع خواهد داشت.

احترامی که داچی کلباسی و آخوند ملا علی نوری در اجتماعات نسبت به سید حجه الاسلام رعایت مینمودند و بخصوص حاجی که هیچ موقع در راه رفتن از او جلو نمی افتاد و حال آنکه از نظر سن بر او مقدم بود گرچه سید حجه الاسلام نیز متقابلا نسبت بحاجی کلباسی و بخصوص آخوند ملا علی نوری احترام زیاد قائل بود ، حاجی دوش بدوش و پشت سر آخوند از نظر مقام استادی او راه میرفت ، این طرز رفتار اندر بزرگوار علاوه بر آنکه حقوق یکدیگر را اداء کرده بودند موجب عظمت و شهرت وعلو درجه و مرتبت آنان در نظر عموم مردم بود. رحمه الله علیهما وعلی جمیع علمائنا الماضین .

مهدی بامداد در کتاب شرح حال رجال ایران (ص ۳۰۵ سوم) می نویسد:

یکی از موجبات پیشرفت کار سید حجه الاسلام شکستن آلت موسیقی که در دست شخصی بوده است می باشد که مرحوم حجه الاسلام آنرا گرفته و در ملاعام خورد می کند و علناً مشغول نهی از منکر میشود .

دید و بازدید

مؤلف قصعی العلماء (ص) می نویسد :

مرحوم سید حجه الإسلام بدیدن هیچ یک از حکام و بزرگان نمیرفت و آنها از وی دیدن میکردند اما هر وقت پادشاه به اصفهان می آمد بدیدار او میرفت .

ص : ۱۱۸

نویسنده گوید : علت دیدن کردن مرحوم سید حجه الاسلام ازحکام و مأمورین دولتی آشکار است اما علت آنکه بدیدن بزرگان شهر نمیرفت ظاهراً بدان سبب بود که این ملاقاتها موجب تکاف وزحمت برای میزبانان بود و آن مرحوم راضی نمیشد که از ناحیه او بأحدی زیانی برسد علاوه بر آنکه اوقات مرحوم سید صرف مطالعه - تألیف - تدریس - قضاوت و رسیدگی بأمور مردم میشد و اگر میخواست کار دیگری مثلا دید و بازدید ضمیمه آن کند نه وقتی برای آن داشت و نه میخواست از برنامه کار خود تخلف نموده باشد.

دیدار از فتح علیشاه

در فصص العلماء (۱۴۴) شرح یکی از دیدارهای سید از فتح علیشاه بخلاصه می نویسد :

در سالی فتح علیشاه باصفهان آمد و سید را بدیدن او بردند (سید در ابتداء خود حاضر نبود بدیدن او برود) پس از معارفه شاه به سید اظهار کرد که از من چیزی بخواهید، مرحوم سید حجه الاسلام فرمودند که : احتیاجی ندارم شاه امرار کرد فرمودند: اکنون که در این باره اصرار دارید مرا استدعاء آنست که دستور دهید نقاره خانه را موقوف کنند. شاه سکوت کرد پس از برخاستن مرحوم سید وخارج شدن از مجلس ، شاه به امین الدوله گفت عجب سیدی است از من میخواهد

که نقاره خانه که علامت سلطنت و پادشاهی است راموقوف کنم امین الدوله معذرت خواست .

دیدار او در سال بعد : سال بعد مجددا فتح علیشاه به اصفهان آمده و پس از دید و بازدید از مرحوم سید حجه الاسلام به امین الدوله گفت؛

ابن سید آن سید سال قبل نیست اکنون بسیار زبرک شده است .

ص : ۱۱۹

دیدار فتح علیشاه از سید حجه الاسلام

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۲۴۹) در ضمن وقایع سال ۱۲۴۰ و مسافرت فتح علیشاه به اصفهان به خلاصه و اندک تصرف می نویسد :

روزی شاه بملاقات سید حجه الاسلام رفت ، در ضمن این دیدار اظهار کرد که : شما خود حکم میدهید و هم خودتان اجرا می کنید پس من در مملکت چه کاره ام (رسم این بوده است که مجتهدین به امور مردم رسیدگی نموده و در دعاوی وحدود ودیات وقصاص وغیره حکم میداده و انجام احکام مربوطه به قصاص بعهده حکام و فرمانروایان بوده است، و علماء و مجتهدین خود اقدام نمیکرده اند) .

مرحوم سید حجه الاسلام در جواب فرمود :

اجرای احکام خداوند تبارك وتعالی را نمیتوان به این عناوین تأخیر انداخت که : حکم مجتهد به شما برسد و یا نرسد ، شما دستور اجرای آنرا بدهید و یا ندهید ، پس از آن مأمورین حکومتی این حکم را اجراء کنند و با نکنند. در هر حال تأخیر در اجرای احکام به هیچ عنوان و دلیلی جایز نبوده و باید بلافاصله اجراء گردد. شاه با شنیدن این جواب ساکت شد و دیگر حرفی نزد.

نویسنده گوید : مسافرت شاه در این سال به اصفهان ظاهراً جهت سرکوبی الوار بوده و باطناً برای مخالفت با مرحوم سید حجه الاسلام که در قسمت اول موفقیت حاصل کرد اما به مقام شامخ ووالای مرحوم سید حجه الاسلام زیانی وارد نشده بلکه بر هیبت و عظمت او افزود .

مسافرتهای فتح علیشاه به اصفهان

فتح علیشاه. در زمان مرحوم سید حجه الاسلام چندین دفعه باصفهان مسافرت

نموده است باین شرح

۱- در سال ۱۲۱۶ یعنی سال ورود مرحوم سید حجه الاسلام به اصفهان جهت رفیع غائله حسین قلی خان .

۲- در سال ۱۲۲۵ در این سفر معادل یکصد هزار تومان بقایای مالیات اصفهان را بخشید .

۳- در سال ۱۲۴۵ جهت سرکوبی الوار لنبان . ۴ - در سال ۱۲۴۵ جهت رفتن به شیراز ونظم آن مامان .

۵- در سال ۱۲۹۷ جهت رفتن به شهر کرد و بختیاری باتفاق عباس میرزا نایب السلطنه .

۶ - در سال ۱۲۵۰ و مرگ او در دوشنبه ۱۶ جمادی الثانیه بمرض سکته در عمارت هفت دست

(لطیفه) : مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۲۴۹) در ضمن وقایع ۱۲۴۰ می نویسد:

هاشم خان لرلنبانی (لنبان از محلات اصفهانست) والوار تابع او به پشتیبانی امین الدوله شوهر خواهر خود در اصفهان شرارت مینمودند و مردم را اذیت و آزار میرسانیدند و سیدی بی گناه را کشتند فتح علیشاه خود شخصاً جهت سرکوبی آنان باصفهان رفت و هاشم خان را دستگیر نموده و محمد خان پسر امین الدوله را عزل نموده و الوار را گرفته سیاست مینمود .

الوار از ترمی سیاست لباس خود را به لباس روستائیان تبدیل نموده و خود را دهانی معرفی میکردند هر یک از آنها را که می گرفتند در ضمن محاکمه به آنها می گفتند که بگویند :

خر - خور - خرما (خاء منقوطه) آنها می گفتند حر - حور - حرما . از این

تلفظ معلوم میشد که تراست وروستائی نیست زیرا که الوار عموماً خاء منقوطه را داء مهمله تلفظ می کنند و مثلا خالو بمعنی دائی را هالو می گویند . فائده : لرهای ساکن اصفهان عموماً در سه محله سکونت دارند :

۱- در محله بیدآباد معروفند به شیرانی . ۲- در محله لنبان اینان نیز به شیرانی شهرت دارند . ۳- در محله مسجد حکیم و در کوشک و اینان عموما به استکی شهرت دارند.

نکته قاریخی) : یکی از وقایع سال ۱۲۴۰ قمری در مسافرت فتح علیشاه به اصفهان عزل مرحوم عبدالله خان امین الدوله از حکومت اصفهان است پس از برکناری او حکومت اصفهان را به سلطان محمد میرزا ملقب به سیف الدوله سی و هشتمین پسر خود از تاج الدوله (طاوس خانم اصفهانی) که بچه ای سیزده ساله بوده و اگزار نموده و یوسف خان گرجی سپهدار را بوزارت او تعیین نمود .

حکومت تمام شهرهای ایران با پسران شاه بود و افرادی همچون یوسف گرجی وزارت آنان را داشتند .

(بیان حاجی شیروانی) : حاج زین العابدین شیروانی در بستان السیاحه (ص ۳۳۴ چاپ اصفهان) در ضمن برشمردن معاصی کبیره که یکی از آنها ظلم است گوید :

فقیر معروض میدارد که در اکثر معموره عالم گردیده و بخدمت بسیاری ،لوک ترک وتاجیک وسلاطین دور و نزدیک رسیده در هیچ دیاری عشری از اعشار ظالم ایران ندیده بلکه بنیاد حکومت ایران بر ظلم است (انتهی).

نویسنده گوید: چرا چنین نباشد حکام ولایات پسرانشاه و وزرای ایشان مردمی ظالم و خودخواه هرچه می توانستند از ظلم و بیداد نسبت به افراد رعیت انجام

ص : ۱۲۲

میدادند و راه نجاتی هم برای آنان نبود .

سیف الـدوله از ۱۲۴۰ تا ۱۲۵۰ حـاکم اصـفهان بود و در زمـان سـلطنت محمـد شاه از کار برکنار شـد. در سال ۱۲۴۶ داپه او موسوم به مریم در اصـفهان مرد او وبرادر تخت فولاد دفن نمود. و مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی علامه فقیه زاهد بر حسب وصـیت او برایش بقعه ای بنانمود و تکیهای ساخت که بنام تکیه مادر شاهزاده معروف و بعدا خود مرحوم آقا شیخ محمد تقی و مولی محمد صالح جویبارهای و آقا میرزا زین العابدین خونساری را در آن بقعه مدفون ساختند.

در سالهـای اخیر عـده ای از علمـای اصـفهان از خانـدان مرحوم آقاشـیخ محمـد تقی را نیز در داخل و خارج بقعه نامبرده دفن نمودنـد . تکیه را گاهی بنام تکیه آقاشـیخ محمد تقی نیز می خوانند. تاریخ فوت مادر شاهزاده را محمد اسـماعیل ضـیاء شاعر اصفهانی ضمن قطعه ای گویند:

ضیاءازبهر تاریخش رقم زد به حوران همنشینی کرده مریم

تخت طاووس در قصر گلستان تهران بنام طاووسی خانم اصفهانی عبال فتح علیشاه بابن اسم شهرت یافته است.

برخی از موجبات اختلاف شاه با سید حجه الاسلام

۱- بطوری که قبلاً گفته شدشاه از اینکه مرحوم حجه الاسـلام بدون اعتناء بدسـتگاه حکومتی وحکام اصـفهان خود به شخصه احکام شـرعی را درباره مقصـرین ومجرمین اجراء می کرد ناراضی بود و آنرابرای دستگاه سلطنت وهنی تصور میکرد و میکرد در مکرر این عـدم رضـایت خود را به وزراء و علمـاء و حتی به خود سـیدحجه الاسـلام اظهار داشـته بود و مایل بود که ایشان احکام را بدست مامورین دولتی اجرا کنند.

۲- عمال دولتی و حکام شهرهای ایران که عموما اولاد و اعقاب ووابستگان

نزدیک شاه بودنـد نسـبت بمردم ظلم و آزار بی اندازه میکردند و تنها پناهگاه آنها علماء و مجتهدین بودند شاه و وابسـتگانش این تکیه آنکه مردم را نمی پسـندیدند و مایـل بودنـد که در اعمـال خود آزاد بوده و کسـی از آنهـا جلوگیری نکنـد و علمـاء بزرگوار و بالاخص مرحوم سـید حجه الاسلام بر حسب وظیفه شرعی در برابر ستمگری های اینان ایستادگی میکردند و شاه از این بابت راضی نبود .

۳- قـدرت و نفـود کلمه و محبـوبیت مرحوم سـید حجه الاسـلام و مقبولیت عـامه و ثروت او مورد دلخواه فتـح علیشـاه نبود. او عالمی فقیر را می پسـندید که بعلت فقر مادی از شاه ودر باریان و حکام طرفـداری کند و یا حداقل در برابر آنهمه سـتمگر بها ساکت بماند و مرحوم سید حجه الاسلام نه تنها خود ساکت نمی نشست بلکه علماء دیگر شهرها را نیز تقویت مینمود.

۴ - هـاشم خـان لنبـانی سر کرده اشـرار (بقول مورخین دوره قاجـاریه) برادر زن عبـدالله خان امین الـدوله بودر امین الـدوله از وابسـتگان و مردان مرحوم سـید حجه الاسـلام بود و مامورین دولتی و درباریان در طهران اینطور وانمود کرده بودند که هاشم خان به پشتگرمی مرحوم سید حجه الاسلام مرتکب این اعمال خلاف میشود .

سفر حج

مرحوم سید حجه الاسلام در سال ۱۲۳۱ یا ۳۲ بنا بنقل علامه صاحب روضات الجنات از راه دریا سفر حج رفت.

در باره این سـفر و آثار مترتبه بر آن مطالب بسیاری نقل شده است از آنجمله : ا- در کتاب تاریخ علماء و شعرای گیلان (ص ۳۱) می نویسد :

و زیارت حج ایشان معروفست که در مزار شیعه در رکابش بحج مشرف شدند .

۲- مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۲۹۱ متن) ضمن تاریخچه بنای مسجد حاج محمد جعفر آباده ای می نویسد :

از اصحاب خاص مرحوم سید بزرگ بود (سید بزرگ در مقابل سید کو چک از اولین مرحوم سید حجه الاسلام و از دوم حاج سید اسد الله مراد می باشد) و در سفرحج که علمای عامه خواسته بودند با سید مباحثه و احتجاج نمایند و مسائلی را انتخاب نموده که مشکل باشد حاجی آبادهای خود را بشکل آشپزی در آورده وقتی علماء بیان سؤال نموده بودند سید فرموده بود :

جعفر آشپز بیا این مسائل را جواب بگو (اشاره به اینکه مسائل شما آنقدر ساده و سطحی است که حتی آشپز من قادر بجوابگوئی از آنها میباشد) حاجی با زنجیر آویزان و کارد مطبخی که به کمر زده بود آمد و نشست و همه آن سؤالات را جواب گفت مطابق فتاوای ائمه خودشان . ۳- مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان (۹۷) درضمن شرح حال مرحوم سید حجه الاسلام می نویسد : در حج بیت الله علمای مذاهب اربعه تمکین مقام بزرگش را نمودند و میخهائی که برای تعیین حدود طواف بزمین نصب فرمودرا پذیرفتند و شیعه را در رکن شافعی متعرض نشدند.

۴- و هم در این سفر فدک را که حق حضرت زهراء سلام الله علیها بود ودر طول تاریخ غصب شده بود گرفته و به سادات مدینه واگذار فرمود .

تذکر: در زمان برخی از خلفاء فدورا ظاهراًبه بنی فاطمه علیه اسلام برگردانیدند لکن ائمه اطهار علیهم السلام آنرا قبول نفرمودند از آن جمله در زمان :

۱- عمر بن عبدالعزیز بن مروان .

۲- ابو العباس سفاع اولین خلیفه بنی عباس . ۳- مامون الرشید .

۵ - در این سفر پس از زیارت حرمین شریفین به اعتاب مقدسه ائمه عراق علیهم السلام مشرف شد. تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۴۴) می نویسد :

در ایران حضرت سید الشهداء علیه السلام نماز جماعت میکرد یکی از طلاب که در دوره تحصیل با مرحوم سید معاصر و معاشر وهمدری بود بعد از نماز عشاء به خدمت ایشان آمده و خواهش کرد که شب به حجره او جهت تعشی بروند مرحوم سید با کمال گشاده روئی قبول فرمودند و بحجره او رفته و پس از صرف شام فرمودند اگر قبل از نماز دعوت میکردی چون موجب تکلف وزحمت جهت شما بود نمی پذیرفتم اما اکنون با کمال میل آمدم چون کاشف از بی قیدی ودرویشی

است.

چند پیش آمد تاریخی

را در بسیاری از وقایع مهمه قابل ذکر در زمان مرحوم سید حجه الاسلام در این دوره :

۱- در سال ۱۲۳۷ بروز مرض وبا در صفهان و یزد و شیراز و دادن تلفات بسیار .

۲- در سال ۱۲۳۹ وقوع زلزله سخت در اصفهان و شکست برداشتن ابوان جنوبی مسجد شاه . .

۳- در سال ۱۲۴۱ صدور حکم جهاد از طرف مرحوم آقا سید محمد مجاهد .

۴- در سال ۱۲۴۴ مجددا بروز و شیوع مرض وبا در شهرهای ایران بالاخص اصفهان .

۵- در سال ۱۲۴۷ بروز نحطی و گرانی در اصفهان و بیشتر از شهرهای ایران که در سال بعد شدت یافت.

۶- در سال ۱۲۵۰ قحط وغلای سخت در اصفهان .

شروع ساختمان مسجد سید

مرحوم سید حجه الاسلام از سال ۱۲۴۵ شروع ساختمان مسجد بزرگ وجامعی در محله بیدآباد نزدیک منازل خود نمود تا هنگام وفات بآن اشتغال داشته و مسجد ناتمام از دنیا رحلت نمود لکن اساس مسجد ساخته شده بود و تزیینات آن ناتمام مانده بود.

شرح و کیفیت بنای این مسجد عظیم که بیانگر علو همت و معه نظر وقدرن مادی و معنوی مرحوم سید حجه الاسلام می باشد بعدا نوشته میشود .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۲۸۸) شروع ساختمان مسجد را بسال ۱۹۴۰ مینویسد و قول اول از علامه صاحب روضات الجناتست .

رد تقاضای فتح علیشاه

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۴۹) می نویسد :

روزی فتح علیشاه با سید حجه الاسلام بتماشای مسجد رفتند . شاه از سید استدعا کرد که او را در ساختمان مسجد شریک گرداند . مرحوم سید حجه الاسلام تقاضای او را رد نموده وقبول نفرمودند .

فتح علیشاه به سید اظهار داشت که شما ندرن براندام و انجام آنرا ندارید. مرحوم سید در جواب فرمودند : دست من در خزینه خلاق عالم است (اشاره به اینکه هر مبلغ مخارج ساختمان باشد خداوند عالم بلطف و کرم خود حواله

فرموده و مردمان خیر و نیکوکار بدون هیچگونه توقع کمک خواهند کرد).

پناهندگی مشیر الملک شیرازی به سید حجه الاسلام :

مرحوم انصاری در ضمن وقایع سال ۱۲۴۸ در تاریخ اصفهان وری (ص ۲۵۳) می نویسد :

میرزا محمد علی مشیر الملک شیرازی نظر بدشمنی حاج میرزا علی اکبر قوام الملک و ایلخانی فارسی از وزارت عزل و به عتبات رفته و پاصفهان برگشته به حجه الاسلام سید پناهنده شد.

مهدی بامداد در کتاب : شرح حال رجال ایران (ص ۴۵۶ سوم) به خلاصه می نویسد : میرزا محمد علی بن میرزا ابراهیم حسینی شیرازی در سال ۱۱۷۷ متولد و در ۱۲۴۳ بوزارت فارس در حکومت حسینعلی میرزا فرمانفرما انتخاب شده و در ۱۲۴۸ معزول گردید.

سرانجام در سال ۱۲۶۲ با ۱۲۶۴ وفات یافت .

برای آگهی بیشتر از جریان زندگانی مشبر الملک شبرازی طالبین بکتاب : شرح حال رجال ایران و فارسنامه ناصری ودیگر کتب مربوطه مراجعه فرمایند .

فصل هفتم: (ثروت و دارایی مرحوم حجه الاسلام)

اشاره

(ثروت و دارائی مرحوم سـید حجه الاسـلام) یکی از موضوعـاتی که از زمـان حیات مرحوم سـید حجه الاسـلام تاکنون مورد بحث موافقین و مخالفین قرار گرفته است مربوط به ثروت و مکنت ایشانست

هر یک از دو دسته در این مورد مطالبی اظهار داشته و آنرا بگونه ای تعبیر کرده اند . مطالب مورد بحث قرار زیر است :

۱- منبع این ثروت از چه راهی بوده است ؟ ۲- مقدار آن چقدر بوده ؟ ۳- در چه راهی بکار میرفته است ؟ ایک بطور اختصار پشرح موارد بالا میپردازیم .

ثروتمندان از علما شیعه

(مقدمه) : در بین علماء بزرگوار شیعه چند تن به ثروتمندی و قدرت مالی مشهورند از آنجمله است :

سید مرتضـی علم الهدی: ابوالقاسم علی بن ابو احمد حسـین بن موسـی بن محمد بن موسی بن ابراهیم بن الإمام موسی الکاظم علیه السلام

درباره ثروت او مطالب زیادی نقل شده از آنجمله :

- کتابخانه أو دارای ۱۴۰ هزار جلد کتاب بوده .

۲- قیمت کتابخانه او را سی هزار دینار نوشته اند . (غیر از کتب نفیسه ونادره)

۳- کتابهای او را مفتصد شتر باید حمل میکردند . ۴- هشتاد هزار کتاب تالیفات ومحفوظاتش بوده است .

۵-و به عوائد املاکش سالیانه ۲۶ هزار دینار بوده . (دینار طلای هزار سال قبل)

۶- در سفر حج از بغداد تا مکه همه جا در ملک خود منزل کرده است . ۷- املاک او هشتاد تریه بوده .

در باره ثروت و دارائی اور مطالب بیشتری در کتب تراجم رجال نقل شده طالبین به آنجا مراجعه کنند. وی در رجب ۳۵۵ متولد و در یک شنبه ۲۵ ربیع الاول ۴۳۶ وفات یافته ، در خانه خود در بغداد و یا در کاظمین دفن شده سپس جنازه بکر بلا منتقل و در جوار قبر شریف حضرت سیدالشهداء علیه السلام مدفون گردید.

(تذکر) : خوانندگان محترم باید متوجه باشند که علماء اسلام و فقهاء بزرگوار شیعه هرگز کاری بر خلاف موازین شریعت مطهر انجام نداده و آنچه عمل کرده اند مطابق احکام دین وسنت حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم وأئمه طاهرین علیهم السلام بوده است. البته نمی گوئیم معصوم بوده اند لکن کار خلاف شریعت نیز انجام نداده اند.

اما اینکه این ثروتها از کجا بدست آمده است مطلبی است که پس از گذشت قرنها از زمان آن بزرگواران راه تحقیق آن بر ما بسته است . همه نویسندگان صاحبان آنها را بصفت عدالت ستوده اند بنابر این کاوش و تحقیق در باره منبع ثروت آنان لزوم ندارد .

ص : ۱۳۰

یکی دیگر از علماء بزرگوار شیعه که بداشتن ثروت زیاد معروف گردیده است مرحوم سید حجه الاسلام شفتی می باشد .

نویسندگان کتب در باره ثروت ودارانی مرحوم سید حجه الاسلام داستانها و گزافه گوئیها کرده و هر یک بر حسب نوع فکر و اندیشه خود آنرا بگونه ای تفسیر و تعبیر نموده است .

افسانه ثروت

مرحوم تنکابنی اول کسی است که در باره ثروت و مکنت مالی مرحوم سید حجه الاسلام در قصص العلماء (ص ۱۴۱) سخن گفته است . مشار الیه در باره این موضوع بخلاصه می نویسد :

دولت آن بزرگوار از احصاء گویا گذشته است. او درباره این موضوع می نویسد :

۱- خانه اش مشتمل بود بر دور وبیوت بسیار . (منزل آنا محمد بیدآبادی)

۲- هفت پسر داشت هر یک اندرونی و بیرونی علیحده و مخارج ایشان جدا بود .

۳- فرزند اکبرش آقا میرزا زین العابدین در اصطبل خود هفده اسب بسته داشت.

۴ - شتر خانه و قاطر خانه داشت.

۵ - عیال حجه الاسلام قطع نظر از پسران وعیال ایشان میبد نفر بودند از غلامان و کنیزان وزنان .

۶- قراء وضیاع وعقار بی اندازه داشته ۷- در شهر اصفهان گویا چهار صد کاروانسرا داشته.

ص : ۱۳۱

۸- زیاده از دو هزار باب دکاکین داشت.

۹- یکی از قرای آن در اصفهان کروند بود که نهصد خروار برنج مقرری آنجا بود غیر از گندم و جو و سایر حبوبات .

۱۰ - یک باب آسیا در نجف آباد داشت که اجاره آن روزانه یک تومان بود . ۱۱ - املاکی در بروجرد داشت که در آمد سالیانه اش شش هزار تومان

۱۲ - املاکی در یزد داشت که در آمد سالیانه آنها دو هزار تومان بود . ۱۳ - دهاتی در شیراز داشت که در آمد آنها سالیانه چند هزار تومان بوده ۱۴ - سالی هفده هزار تومان مالیات میداد .

۱۵ - پس از وفات کتابخانه او را مرحوم حاج سید اسد الله در سهم خود برداشت و بقیه املاکرا دیگران (م ۱۴ فصص العلماء)

۱۶- کتابخانه اورا پنجاه هزار تومان قیمت کردند (ص ۱۴۲ قصص)

نویسنده گوید : مرحوم تنکابنی در اول بیان خود اظهار نظر کرده که ثروت ایشان از حد گذشته است و سپس خود آنرا احمداه نمود و مقدار آنرا معین کرد . حتی میزان مالیات آنرا نیز ذکر نمود .

آیا صورت ریز دارائی واملاک مرحوم سید حجه الاسلام و میزان در آمد آنها را چه کسی به مرحوم تنکابنی داده است. این عالم بزرگوار که مطابق آنچه همه مؤلفین کتب تراجم رجال درباره او نوشته اند فقیهی ساده لوح و زودباور بوده و هر چه را از هرکس می شنیده باور کرده و احتمال دروغ در باره آن نداده و آنرا عیناً در نوشته های خود متذکر میشده است. کتاب قصص العلماه از این نوع مطالب زیاد دارد

سید محمد علی جمال زاده کتاب قصه قصه ها را از کتاب قصص العلماء اقتباس

ص : ۱۳۲

نموده است.

واما آنچه راجع به خانه سید حجه الاسلام گفته ، تمام خانه های بزرگان راعیان و علماء و بازرگانان اصفهان و اغلب شهرهای ایران تا قبل از سالهای اخیر مشتمل بر بیرونی و اندرونی بود . بیرونی جهت دید و بازدیدها و مراجعین و اندرونی برای زن و فرزند صاحب خانه که در آنجا به آسودگی دور از چشم و نظر بیگانگان و نامحرمان بکارهای خود مشغول باشند.

مرحوم سید حجه الاسلام در موقع وفات دارای هفت فرزند پسر بوده که بعضی از آنها کوچك بوده وزن و فرزند نداشتند که احتیاج به خانه جدا گانه داشته باشند مانند مرحوم حاج سید جعفر متوفی در عاشورای سال ۱۳۲۰ قمری.

می نویسد در شهر اصفهان گویا چهار صد کاروانسرا داشت .

مرحوم حاج میر سید علی جناب اصفهانی (۱۲۸۷ – ۱۳۴۹) در کتاب : الأصفهان (ص ۵۶ وهفت مقدمه) در سال ۱۳۴۳ یعنی تقریبا هشتاد سال پس از وفات مرحوم سید حجه الاسلام جمعه در اصفهان ۱۷۲ کاروانسرا و تیمچه ذکر می کند معلوم نیست که ۲۲۷ کاروانسرای دیگر که مرحوم سید داشته کجا بوده و چه نام داشته و در این مدت هشتاد سال چه بر سر آنها آمده است. آیا غیر از این چهار صد کاروانسرا که او می نویسد باز هم در اصفهان کاروانسرائی وجود داشته است یا خیر .

همین حالت را دارد در هزار باب دکان که می نویسد مالك آنها مرحوم سید حجه الاسلام بوده است.

بر اساس تر از همه آنکه می نویسد : یکی از قرای ملکی ایشان کروند است .

مرحوم جناب در الأصفهان (ص ۱۶۱) و مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان (ص ۱۸۰) در باره کرون بخلاصه می نویسنده :
کرون از دو قسمت تشکیل یافته :

- کرون ۲- دهق.

بلوک کرون در مغرب اصفهان واقع است، ابتدای آن مفت فرسخ و انتهای آن ۲۴ یا ۲۲ فرسخ تا شهر فاصله دارد دارای حدود چهل و اندی قریه و مزرعه می باشد.

قراء معروف و معتبر آن عبارتند از : تبران (طهران) - اسفید واجان - بر پشت (ورپشت) - چاجا عسکران - کهریزجان - افجان - نسیم آباد- گنهران - احمد رضا.

قسمت دیگر کرون که به عربستان معروفست قراه مهم آن : دهن - علوی (علویجه) حسنی (به ضم اول) اشن (به فتح اول و دوم) - چاله سیاه وغیره .

اما در عرف محل قریه شیران را کرون می نامند و محصول عمده آنجا غلات است انگور و بادام آنجا معروفست و آب مزروعی بیشتر دهات از قنوات کم عمق و بی اعتبار است . سه چشمه در آنجا جاریست که آبش بمصرف زراعت میرسد.

برنج در بلوک کرون کشت نمیشود تا آنکه سهم مالکانه آن نهصد خروار باشد و این بیان از مؤلف قصص العلماء گزافه ای بیش نیست.

ظاهراً مرحوم سید حجه الاسلام از تمام بلوک کرون مالک مزرعه تندران (یا قسمتی از آن بوده) که گاهی از ایام در تابستان جهت هواخوری و استراحت بدانجا مسافرت مینموده و مرحوم تنکابنی تصور کرده است که بلوک کرون یعنی قریه بامزرعه تندران .

داستانی شنیدنی

یکی از علماء سماکن دمات اصفهان در زمان ریاست وزعامت وقدرت مرحوم

ص : ۱۳۴

حاج شیخ محمد تقی آقا نجفی مسجد شاهی (۱۲۶۲ - ۱۲۳۲) از طرف ایشان جهت رسیدگی به امور دینی مردم وفصل خصومات ودعاوی تعیین شده بود .

مردم قراء ودهات اطراف محل سکونت وی در کلیه کارها با مراجعه نموده و او با دقت تمام به کار آنها رسیدگی کرده و حکم شرعی صادر مینمود احکام را جهت تنفیذ واجراء بنزد مرحوم آقا نجفی آورده ایشان بدون تأمل امضاء می کردند .

وقتی مابین دو نفر از مالکین اختلاف شد و مبلغ ما به النزاع قریب یکصد هزار تومان بود عالم مزبور به اختلاف رسیدگی نموده و پس از بررسی های لازم در اسناد وشهود طرفین به نفع یکی از آنها حکمی نوشت. حکم را جهت امضاء بنزد آقا نجفی بردند مرحوم آقا نجفی پس از مطالعه با کمال آرامی و متانت حکم را زیر تشک قرارداد و فرمود (تابه بینم) و امضاء نکرد . خبر به عالم نامبرده رسید این عمل مرحوم آقای نجفی را توهین بخود و دلیل عدم توثیق دانسته فورا بشهر آمده و در مسجد شاه موقع درس شرفیاب شد و بدون رعایت آداب فریاد زد :

آقا مگر من مجتهد نیستم ؟ چرا شما مجتهد می باشید . مگر من عادل نیستم ؟ چرا، عدالت شما جای شبهه نیست. مگر مورد وثقون شما نیستم ؟ چرا.

با این وصف مگر من قابل حکومت کردن بین مردم نیستم؟ البته شما شایستگی دارید و بدون آنکه از داد و فریاد او ناراحت شده باشد با کمال آرامی و خوشروئی فرمود:

بی شما تا حدود بیست هزار تومان را میدانید چقدر است و در حکمی در باره آن بدهید صحیح و قابل اجرا می باشد اما شما هرگز صد هزار تومان را نمیدانید چرن تاکنون چنین پولی ندیده اید و فقط عدد آنرا شنیده اید و بنابر این هرحکمی

که بدهید قابل تأمل و دقت است چون ممکن است در صدور حکم تعجیل و یاغفلت شده باشد .

مرحوم تنکابنی با ساگی میزان ثروت مرحوم سید حجه الاسلام را نوشته است.

اما آنچه مسلم ویقینی است آنکه مرحوم سید حجه الاسلام دارای ثروتی سرشار بوده و پولهای زیادی بعناوین مختلفه نزد او جمع میشده و ایشان آنها را طبق موازین شرعی به مستحقین آن می پرداخته است.

منبع ثروت مرحوم سید حجه الاسلام

درباره منبع ثروت و دارائی مرحوم سید حجه الاسلام روایات و افسانه های زیادی گفته شده است از آنجمله :

۱- بنا بفرموده خود سید دست او در خزانه غیب خداوندی بوده است بعضی از افراد مفهوم این جمله کوتاه و پر معنی را درک نکرده اند که مقصود از بیان آن چیزی غیر از خواست خداوند و اراده حق تعالی عز شانه نبوده که در شش آبه از آیات قرآن کریم می فرماید « یبسط الرزق لمن یشاء ویقدر» و در سه آیه دیگر میفرماید و « یسط الرزق لمن یشاء من عباده ویقدر» وجمعاً در ته آیه گشاده روزی بودن و تنگ بودن روزی را خداوند بخود نسبت میدهد.

۲- ایشان علم قرطاس داشته یعنی کاغذ را می پیچیده و با انجام دادن اعمالی کاغذ تبدیل به ورقه طلا میشده که این خرافه ای بیش نیست .

۳- دارای علم کیمیا بوده که بوسیله آن مس را به طلا تبدیل می نموده و این نیز افسانه ای بیش نیست.

۴- در یکی از خانه های خود که قبلا متعلق به علامه جلیل حکیم بزرگوار

ص : ۱۳۶

آقا محمد بیدآبادی بوده گنجی یافته است. ظاهراً این نیز توهمی وخیالی بیشتر نباشد .

و یکی از خوانین شفت مالی گزاف بنزد مرحوم سیدحجه الاسلام فرستاده و گفت قسمتی از آن متعلق به خود آن مرحوم باشد و بقیه را بمعامله داده نمود آن نیز متعلق به خود سید حجه الاسلام بوده و پس از فوت خان مزبور آن مبلغ در مصارف خبر به بکار برده شود . (آنچه یقینی است مقدمه ثروت مرحوم سید حجه الاسلام از همین جا شروع میشود).

۶- مرحوم سید حجه الاسلام از پولیکه از شفت رسیده بود و سهمیه خود آن جناب بود مزرعه ای خرید و زراعت کرد و در آمد زراعت را بهره ای صرف زندگی خود نموده و با ما زاد آن املاك دیگری خرید

۷- با پولی که قرار بود تجارت نمایـد آنرا بکار کسب و تجارت زده(مضاربه) و از این راه سودی سرشار بدست آورد و آنچه مربوط بخود ایشان بود بمصرف شخصی میرسانیدند.

۸- چون مرجعیت نامه یافت از اطراف وجوانب وشهرهای ایران و خارج از کشور مانند هند وافغانستان وجوهات شرعیه از خمس و زکوه وصدقات وسهم مبارك امام علیه السلام بنزد ایشان میآوردند و مرحوم سید آنرا طبق موازین شرعیه مصرف مینمود .

۹- چندین سال متوالی در ایران مرض وبا شیوع داشت و تلفات زیادی داد بطوری که در شهر رشت تنها در سال ۱۲۴۷ قریبا هفتاد هزار نفر مردند وعده زیادی از آنها وارثی نداشتند و ما ترك آنها طبق احکام اسلام به امام علیه السلام و در زمان غیبت آن حضرت به نواب عام آن حضرت میر سید . این اموال نزد سید حجه الاسلام جمع شده و ایشان آنهارا بمصارف شرعیه میرسانید .

۱۰- از طرف تجار ومالکین واعیان تحف وهدایائی خدمتشان تقدیم میشد. اینک به چهار داستان زیر توجه کنید : ۱- تنکابنی در فصم العلماء (ص ۱۴۲) می نویسد :

وقتی فتح علیشاه در اصفهان و در عمارت هشت دست منزل داشت دوربین انداخته از دور می بیند که فیلی را بار کرده اند می آورند ، به اطرافیان می گوید که فیلی با بار برای ما می آورند . پس از مدتی مشاهده می کنند که آنرا از روی پسل زاینده رود گذرانده بسمت شهر میبرند ، شاه میپرسد که این فیل از کیست و بارش چیست؟ در جواب می گویند فیل از تجار هندوستان است و بار آن وجوهات شرعیه است که نزد سید حجه الاسلام میبرند .

فتح علیشاه قلباً ناراضی میشود لکن بصورت ظاهر چیزی اظهار نمی کند . چون فیل و بار آنرا نزد مرحوم سید حجه الاسلام میبرند و داستان را نقل می کنند آن بزرگوار وجوهات را تصرف کرده و فیل را برای شاه می فرستد .

۲- حاجی شیروانی در بستان السیاحه (ص ۲۰۸) می نویسد :

فریب دوازده سال میشود (در سال ۱۲۴۷ نوشته است که در تمامت ایران من جمله ارض گیلان لشکر وبا و طاعون آمده گروه انبوه وقوم باشکوه در عرصه عدم گوشه گرفتند چنانکه در همین سال (یعنی سال ۱۲۴۷) از ریفه رشت که یکی از شهرهای گیلانست شصت هزار و بروایتی هفتاد هزار کس بعلت طاعون بعالم آخرت رفتند دیگر بلاد آنجارا از این قرار حساب کنید .

۳- در فصص العلماء (ص ۱۴۹) می نویسد :

درسال طاعون در شهر رشت اموال بلا وارث ومالك بسپار جمع کرده بودند. فتح علیشاه بدیدن سید رفت و گفت :

پادشاه صاحب عیال و بسیار فقیر شده است شما از آن اموال که در رشت جمع

شده بمابرات کرده باشید. مرحوم سید حجه الاسلام بیست هزار تومان بشاه برات کرد که در رشت از آن اموال باو بدهند .

۴ – باز مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۴۹) می نویسد :

در روز عید غدیر تجار اصفهان هر کسی بفراخور حال خود از صد تومان و دویست تومان و کمتر و بیشتر خدمت آنجناب میدادند که بفقراء بذل کند .

یک روز عید غدیر

مرحوم تنکابنی در دنباله گفتار بالا می نویسد :

مرحوم سید حجه الاسلام در یک روز عید غدیر به مسجد رفته و بر منبر بر آمد و در اطراف او کیسه های وجوهات را گذارده بودند از طلا و نقره و مس . مرحوم سید حجه الاسلام حکم کرد که فقرا مقابل یکی از درهای مسجد جمع شده سپس یک یک آمده سهمیه خود را گرفته از در دیگر بیرون روند .

فقراء جمعیت کرده و هر کدام می آمدند مرحوم سید یک مشت از طلا و نقره بآنها میداد تاچه مبلغ باشد (یعنی نمیشمرد و میداد) در مدت یک ساعت تمام وجوهات را بفقراء داده بود حساب کردند مبلغ آن هیجده هزار تومان بود .

سخاوت سید

اکنون که خوانندگان محترم از میزان تقریبی ثروت مرحوم سید حجه الاسلام ومنبع آن اجمالا آگهی یافتند لازم است بدانند که سید حجه الاسلام این اموال خداداد را در چه راهی و چگونه مصرف می کرده است.

علامه صاحب روضات الجنات (ص ۲۹۰ دوم ترجمه روضات) در باره

ص : ۱۳۹

این موضوع می نویسد :

حجه الاسلام در جود و بخشش بوایه ای بود که میتوان گفت همه موجودات در گرو احسان او بوده و او از علم و مال و مقام نسبت به هیچیک از نیازمندان دریغ نمیداشت

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۴۷) می نویسد :

سخاوت مرحوم سید حجه الاسلام بیشتر از توصیف واصفین است چه خود آن وجود مبارک بر اسم برمکیان و حاتم عربان خط محو کشید .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان (ص ۹۶) می نویسد : فتوتش نام اسخیای جهان را بر طاق نسیان نهاد . ایک چند نمونه از سخاوت وفتوت آن بزرگوار :

۱- مرحوم انصاری در کتاب تاریخ اصفهان (ص ۹۷) می نویسد :

غالباً در تألیف قلوب سنیان عطایای گزاف دادی ، وقتی به شیخی کردستانی دو هزار تومان بخشید.

۲- در عموم کتب تراجم رجال در باره اعانت و رسیدگی او بحال علماء وطلاب مطالب زیادی نقل شده که بعداً بمناسپت ذکری از برخی از آنها میشود.

۳- هر ساله برای فقرای مدینه وجوهی میفرستاد .

۴ - غیر از فقراء که بحال آنان رسیدگی مینمود و علماء را که زندگانیشانرا اداره میکرد به تجار و کسبه و حتی اعیان و بزرگان شهر نیز اعانت و کمک مینمود چه بعنوان فرض و چه باسم بخشیدن .

۵- در قصص العلماء (ص ۱۴۷) از قول عالم جلیل مولی علی اکبر خونساری نقل می کند که: روزی در کتابخانه مرحرم حجه الاسلام وارد شدم دیدم انقدر پول طلا و نقره از بابت سهم مبارک امام علیه السلام ریخته اند که ایشان که

در آن طرف نشسته بود به سختی دیده میشد و آن وجره در بین من و ایشان حایل بود.

مرحوم سید حجه الاسلام برای من دستور قلیان داد گماشتگان سید قلیان را آورده و من مشغول کشیدن شدم. قرار سادات را خبر کردند و آنها بحالت جمعیت آمدند . مرحوم سید حجه الاسلام بهر یک از آنها باندازه یک مشت پول طلا و نقره میداد . هنوز قلیان کشیدن من تمام نشده بود که آن پول تمام شده بود .

مولی علی اکبر خونساری می گوید : من در حال تعجب و خوشحالی اظهار داشتم که :

شمارا در اموال امام علیه السلام زیاد تجری و بیباکی است. سید در جواب فرمودند : بلی پسر در مال پدر بیشتر از این تصرفات می کند .

۶- مؤلف قصص العلماء در کتاب نامبرده (ص ۱۴۷) می نویسد :

فقیر مؤلف کتاب روزی از منزل خود بمدرسه میرزا حسین (که در جنب مسجد سید و در بازارچه بید آباد قرار دارد) میرفتم در اثناء راه بکوچه جنب خانه سید حجه الاسلام گذارم افتاد جمعیت زیادی از فقرا و سادات را دیدم که بسمت خانه سید میرفتند. بطوری که از کثرت مده آنان عبور از کوچه سخت شده بود . علت را پرسیدم جواب دارند که معادل هشتصد تومان سهم مبارک امام علیه السلام از بروجرد آورده اند نزد سید حجه الاسلام و ایشان دستور فرموده اند فقراء سادات را خبر کنند تا آن وجه را بین ایشان تقسیم کند . پس از حضور سادات بهریک از آنان معادن یک دکله با بیشتر قلمکار و مقداری پول داد . و تمام آن وجوه را در نیم ساعت تقسیم نمود.

۷- در بازار چه بید آباد دو باب دکان یکی نانوائی و دیگری قصابی داشت

برای قراء که گنـدم نـانوائی از خود ایشـان بود و همچنین گوشت دکان قصابی (یعنی نان و گوشت از خود مرحوم سـید حجه الاسـلام بود) و بفقراء حواله مینمود که هر کـدام روزانه مقـدار معینی معـادل مایحتـاج آنهـا از آن دکانهـا نـانو گوشت مجانا دریافت دارند و ظاهرا عده موظفین حدود هزار نفر بودند یا بیشتر (قصص العلماء ص ۱۴۹)

۸- مؤلف قصص العلماء (ص ۱۴۹) گوید :

شخصـی نقل کرد که موقعی گرفتار فقر شده بودم و چند روز بود که غذائی بدست نیاورده بودم ، یکی از شـبها در حین عبور از کوچه به سـید حجه الاسـلام بر خورد کردم . چون بمن رسـیدند بـدون آنکه من بایشـان اظهاری کرده باشم مقـداری سـکه طلابمن عنایت نموده و گذشت، و این خود یکی از کرامات آنجنایست که از حال آن شـخص مطلع گردید بدون آنکه کسی بایشان خبر داده باشد .

یک نمونه از بخشندگی و رسیدگی بامور طلاب

۹-داستان زیر را نویسنده از یکی از علماء اصفهان راجع به مرحوم سید حجه الاسلام شنیدم:

در یکی از شبهای سرد زمستان که برف به شدت میارید طلبه فقیری از شاگردان مرحوم حاجی کلباسی از مدرسه بمنزل میرود بارسیدن بمنزل مشاهده می کند :

۱- سقف اطاق مسکونی او خراب شده و نیمی از آن فرو ریخته است . ۲- عیال او در حال وضع حمل است.

۳- هیچ نوع وسیله ای برای گرم کردن اطاق و برای خود وعیالش غذا وخوراك و برای بچه لباس ندارد .

۴ – دکاندارهای محله در اثر سرما و بارندگی عموما بسته اند و ضمنا در اثر نسیه گرفتن ودبر پرداخت کردن وجه آن باو نسیه نمیدهند .

مطالبه نامبرده در حال اضطراب و تشویش به استاد خود مراجعه نموده و شرح حال و گزارش کار خود را کلا جهت ایشان نقل می کند .

مرحوم حاجی کلباسی که در مصرف وجوهات شرعیه نهایت احتیاط را میفرموده طبق معمول جهت کمک بأن بیچاره استخاره می کند و اتفاقا بد می آید، باکمال ناراحتی میفرماید : وضع ترا میدانم واز گرفتاری آگاه شدم و بدین جهت خیلی ناراحت می باشم لکن استخاره جهت کمک مادی به تو در این وقت بد آمد شاید حکمتی در آن باشد.طلبه مزبور با کمال یأس و ناامیدی به مرحوم سید حجه الاسلام مراجعه می کند وقتی به آن جناب میرسد که ایشان از مسجد عازم منزل بوده اند در بین راه وضع نابسامانی خود را برای ایشان نقل می کند، مرحوم سید حجه الاسلام حرفهای اورا گوش داده و چیزی نمیفرماید فقط بپرسد خانه تو کجاست اونشائی منزل خود را داده در این وقت پدرسرای مرحوم سید رسیده بودند باتفاق وارد شده و با هم به اطاق داخل می شوند، سید به او میفرماید شما این جا زیر کرسی نشسته باشید تا من بیایم . بیچاره زیر کرسی می نشیند در اثر خستگی از یک طرف و گرمی کرسی خوا�ش میبرد ، پس از اندک زمانی سراسیمه و وحشت زده از خواب بیدار میشود مشاهده می کند که سید در گوشه اطاق ایستاده و بحال خود مشغول است و با دیدن او میفرماید :

آسوده باشید راحت باشید عیالتان بسلامتی فارغ شد و اکنون در اطاق مجاور خوابیده است اگر میخواهید بروید و او را ببینید مطالبه نام برده نمیداند که : آنچه می بیند و از سید حجه الاسلام می شود به بیداری است یا بخواب . با استجازه از

سید به اطاق مجاور رفته و مشاهده می کند : اطاقی آراسته و گرم کرسی و بخاری ومنقل پر از آتش وعیال اوبا کودک خود در زیر لحاف کرسی استراحت نموده اند به اطاق اولیه برمیگردد لکن دیگر سید حجه الاسلام تشریف ندارند . سرما و شدت برف همه چیز را از یاداومیبرد. اکنون اطاق مرتب و شام مهیا و خدمتگزاران آماده فرمانبرداری دیگر از خانه خراب وزندگی بی سروسامان خود بادی نمی کند مدتی قریب بکماه کمتر یا بیشتر می گذرد و هیج بفکر خانه خود نیست روزها به جلسه درس مرحوم سید حجه الاسلام رفته و بعداً بخانه می آید.

پس از گذشتن تقریبا یک ماه روزی سید حجه الاسلام در اطاق بدیدارش تشریف می آورند و در ضمن احوال پرسی میفرماید :

آقا . خانه و اطاقان ساخته شده است. اگر خواسته باشید تا موقعی که من حیات دارم در این جامی مانید و اگر بخواهید بمنزل خود میروید بسته بنظر خودتان است . اگر خواستید بروید آنچه از مایحتاج زندگی در این اطاقست متعلق به شما می باشد . هر ماه حقوق خودرا از نمایندگان ما دریافت دارید ، اگر وقتی کاری داشتید و نیازی پیدا کردید مستقیماً به خود من مراجعه کنید ، طلبه نامبرده با کمال مسرت وخوشحالی ضمن دعا کردن به آن بزرگوار اثاث البیت را جمع آوری نموده و خود و عیالات بمنزل قدیم خود که مخروبه بود و اکنون تعمیرات کافی در آن شده است نقل مکان می کنند.

پس از مدتی یک روز به مرحوم حاجی کلباسی برخورد می کند ، حاجی میفرمایند : من در آن شب برای تو خیلی ناراحت شدم اما استخاره بد آمد، تودر آن شب چه کردی ؟

طلبه نامبرده جریان کار خودرا من البدو الی الختم برای حاجی تعریف کرد

ص : ۱۴۴

و گفت سید مرا از گرفتاری و فقرنجات داده مرحوم حاجی فرمودند: اکنون متوجه سر بدآمدن استخاره در آن شبه شدم زیرا اگر من بتو کمک می کردم مبلغ خیلی

جزئی بود که شاید مخارج همان شب را نیز کفایت نمی کرد اما سید حجه الإسلام بعون الله تبارک وتعالی ونظر اجداد کبارش را از گرفتاری و مصیبت وهم غم فقر نجات داد . ۱۰ - ملا قربانعلی قزوینی شاعر متخلص به بیدل مداح و مرثیه سرای معروف وقتی خدمت سید حجه الاسلام رسید و از گرفتاری و فقر خود شکایت نمود ، آن مرحوم نقدا مبلغ یکصد تومان به او پرداخت و یکصد تومان دیگر نیز به تاجری در بروجرد حواله کرد و به تاجری دیگری نیز یکصد تومان دیگر برات فرمود که جمعه مبلغ سیصد تومان به وی پرداخت نمود . (قصص العلماء ص ۱۴۷).

ایثار

از قول مرحوم سید حجه الاسلام نقل شده است که فرموده بودند :

در اواخر دوران فقر و ناداری روزی قلیل وجهی رسید بیازار رفته و خواستم غذائی جهت خود و خانواده ام تهیه کنم ، از قصاب جگر بندی بعلت ارزانی آن خریدم و بسمت منزل روانه شدم در بین راه خرابهای بنظرم آمد در آنجا نگاه کرده سگی ماده و چندین توله سگ دیدم که دور مادر جمع شده بودند ، ماده سگ ضعیف ودر پستان هایش شیر نبود و بچه های او چون در پستان مادرشان شیر نبود مرتب زوزه می کشیدند، من بر حالت آن سگ و بچه هایش رقت آوردم و آنها را بر خود وعیالم مقدم دانستم .

جگر بند را نزد آنها انداخته آن حیوانات بی چاره و گرسنه یک باره بر آن حمله آورده و بیک آن آنرا خوردند . من ایستاده و تماشا میکردم. پس از

آنکه از خوردن فارغ شدند ماده سگ سر بر آسمان بلند کرده گویا دعا میکرد .

مرحوم سید حجه الاسلام فرموده بودند که پس از آن روز در های روزی بر من گشاده شد و دولت و مکنت و ثروت روی بمن آورد و هر روز در تزاید بود (ص ۱۴۰ قصص العماء)

کتابخانه مرحوم سید

مرحوم سید حجه الاسلام عشق و علاقه زیادی به کتاب و جمع آوری نسخ آن داشت ولی همچون عموم دانشمندان علاوه بر آنکه خود کتاب را وسیله مطالعه و تالیف و تصنیف میدانست برای حفظ و نگهداری آثار علمی گذشتگان از دستبرد زمان نهایت سعی و کوشش را مبذول میداشت.

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۴۲) در این موضوع بشرح زیر داستانی نقل می کند:

مرحوم سید حجه الاسلام تا آخر عمر کتاب می خرید ، در همان سالی که فوت شد در ایام ماه مبارك رمضان به مسجد او رفتم و کسبه از هر صنف ، درمسجد او بساط انداخته بودند (این رسم تا حدود پنجاه سال قبل نیز در آن مسجد بر قرار بود) کتابفروشی هم در آنجا آمده بساط گسترده بود، روزی برای دیدن وخریدن کتاب نزد او رفته در میان کتابهای او چند کتاب برداشتم که یکی حاشیه شیخ محمد پسر صاحب معالم بود بر تهذیب شیخ طوسی و بعضی از کتب ریاضیه چون به قیمت پرداختم گران قیمت میکرد ...

روز آخر ماه مبارك شد پس از اداء نماز به سراغ کتابفروش رفتم و همان کتابها را برداشتم در میان گفتگو سید حجه الاسلام به آنجا آمد و نشست و فهرست

کتابهـا را دیـد و همـان کتابها را که منظور نظر من بود برداشت قیمت کردکتابفروش آنهارا پنـج تومان قیمت کرد ، سـید مبلغ پنج تومان داده کتابها را به ملازمان خود سپرد که به کتابخانه اش ببرند .

(بیان مرحوم سید حجه الاسلام درباره کتابهای خود). مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۶۳) می نویسد که :

گوینـد سـید فرموده بود که همه کتب در نزد من هست. بعـداً مرحوم تنکابنی گویـد : بنظر من این سـخن یاخطاست یا مراد از کتب در فن خاصـی و یا نوعی بخصوصی باشد والاحیازت کتب مؤلفه اسلامیه در این جزء از زمان گویا از محالات عادیه می باشد .

نویسنده گوید : اگر نقل این بیان از مرحوم سید حجه الاسلام درست باشد ظاهراً گفته ایشان را بدینگونه باید تعبیر کرد که از هر فنی از کلیه فنون کتابی در

نزد من می باشد .

(قیمت کتابخانه مرحوم سید) : همچنین مرحوم تنگابنی می نویسد : در سالی که سید حجه الاسلام بمکه مشرف می شد قیمت کتابخانه اورا پنجاه هزار تومان معین کردند، سـپس بطور مثال می نویسد : مثلا شرح لمعه متعدد داشته از کاغذ ترمه وجلد طلا ووزیری ونیم ، ورقی وبغلی وغیره .

(بیانی خارج از حقیقت): مرحوم تنگابنی در دنباله مطالب خود راجع به کتابخانه مرحوم سید می نویسد :

پس از وفات مرحوم سید حجه الاسلام بعد از وضع قروض آنجناب ترکه ایشان را چون خواستند تقسیم کنند مرحوم حاج سید اسدالله کتابخانه را در سهم خود قبول کرد و املاک دیگررا سایر ورثه برداشتند .

نویسنده گوید : این سخن کلامی است بیرون از تحقیق و حقیقت زیراکه :

اولا سایر ورثه مرحوم سید نیز همگان از اهل علم و دانش و اجتهاد بودند وعلاقه دانشمند به کتاب پیوندی ناگسستنی است و نمیتواند از آن چشم پوشی کند.

ثانیاً از بقایای کتب مرحوم سید حجه الاسلام تا کنون در بین اعقاب واحفاد مرحوم سید حجه الاسلام موجود است با وجودی که در طول زمان بسیاری از آنها با دیگران فروخته شده و یا بنحوی از انحاء دیگر از تصرف آنان خارج گردیده است.

مالیات املاک مرحوم سید حجه الاسلام

مرحوم تنکابنی از شاگردان مرحوم حجه الاسلام بوده سالها در اصفهان میزیسته و آنچه مربوط به مرحوم سید حجه الاسلام است با خود برأی العین دیده ویا شنیده است . البته در مسموعات او چون عالمی ساده لوح وزود باور بوده باید با گفته های دیگران تلفیق شده و نتیجه مطلوب را از آن حاصل نمود.

وی در قصص العلماء (ص ۱۴۱) می نویسد:

فتح علیشاه به مرحوم سید حجه الاسلام گفت: ما از مالیات دهات شما صرف نظر می کنیم . سید فرمودند : این مبلغ را از مالیات اصفهان کسر می کنید یا خیر گفت مالیات اصفهان ثابت است و این مبلغ سرشکن دهات دیگر می شود . سید فرمودند این ظلم است من راضی نمیشوم که مالیات املاك مرا دیگران بپردازند ومن خود پرداخت می کنم .

وهم مرحوم تکابنی می نویسد : مالیات املاك اصفهان او سالی هفده هزار تومان بود .

مهدی بامداد که او را باید از مخالفین کلی علماء وبالأخص مجتهدین صاحب قدرت و نفود دانست. در ضمن شرح حال سید حجه الاسلام (می) می نویسد :

مالیـاتی که در حـدود یـک صـد و پنجـاه سـال قبـل از بابت املاک خود در سال پس از ملاحظات مأمورین دولت از او سالی هفتاد هزار تومان به دولت مالیات بدار ویدر آبادیها و خانه ها و میزان تقدینه او را بچ کس جز او نمیداست .

نویسـنده گوید : این نوشـته ها به افسانه بیشتر شباهت دارد تا بحقیقت و آقای بامداد که این مطالب را می نویسد نمی گوید از کجا و چه کسـی نقل می کنـد . اگر مأخذ اوقصـص العلماء می باشد که از مالیات را هفده هزار تومان نوشـته عدد هفتاد هزار تومان از کجا آمده

از این گذشته این آبادی ها و خانه ها و نقدینه ها که هیچ کس میزان آنرا نمیداند پس از مرگ او چه ند و کجا رفت و چرا به فرزندان و نواده ونبیرگانش نرسید که برخی از آنهارا سراغ داشتیم که در فقر و ناداری وقناعت زندگانی میکردند .

امـا آنچه مسـلم است مرحوم سـید حجه الاسـلام عـالمی ثروتمنـد (نسبت بـبرخی دیگر از علمـاء نه نسـبت به اعیـان و حکـام وفرمانروایـان) بـوده است و آنچه از طریـق شـرعی بـدست می آورده خـود نگاهـداری و انـدوخته نمیکرده و آنهـا را بفقراء و نیازمنـدان و مسـتحقین شـرعی آن بخصوص علمـاء وطلاب وارحام فقیر خود بـذل مینموده و آنچه برای او باقیمانـده نام نیک وافسانه ثروت است .

مرگ فتح علیشاه به نفرین سید حجه الاسلام

در سال ۱۲۵۰ یعنی سالیکه فتح علیشاه به اصـفهان آمده و در آن وفات یافت در دیداری که از مرحوم سید حجه الاسلام نمود اظهار داشت که :

شما بحمدالله ثروتمند هستید و شاه دارای عیال و فرزند زیاد است ودر آمد ار جهت مخارجش کفایت نمی کند لازم است که به او کمک مالی کنید و به این

بهانه میخواست مقداری از اموال و دارائی سیدرا از تصرف او خارج گرداند .

مرحوم سید حجه الاسلام فرمودند :

رعایت حال افراد مملکت بر پادشاه واجب است و من نیز یکی از افراد این مملکت می باشم ضمناً فقراء و نیازمندان و برخی از خاندانهای شریف و اصیل که راهی جهت اعاشه ندارندرا باید سرپرستی کنم و همچنین امور طلاب علوم وعلماء و مجتهدین در اصفهان و دیگر ولایات را باید حقوق بپردازم و محلی برای کمک به شاه ندارم . فتح علیشاه در خواهش خود اصرار کرد و برای آن مبلغی معین وجهت پرداخت مهلتی مقرر داشت که مرحوم سید حجه الاسلام بپردازد.

در روز مقرر مامورینی جهت وصول بدر خانه سید گسیل داشت و آن وقتی بود که جناب سید مشغول وضو گرفتن برای رفتن به مسجد بودند، مأمور وصول پول را تقاضا کرد سید در همان حال دست بدعا برداشته و فرمود : خدایا فتحعلی را با من چکار است دفع شر او بفرمادران استانی

مامورین توقف کردند تا مرحوم سید از مسجد مراجعت نمود اینان تقاضای خودرا تکرار کردند . سید فرمود : فرستادم برو به اردو و ببین چه خبر است. مأمور مراجعت کرده چون بنزدیک اردو رسید شنید که میگویند : شاه مرد. یقین حاصل کرد که برترین سید در همان حال بهدف اصابت کرده است.

(علت مرگ فتح علیشاه). در سبب مرگ فتح علیشاه اختلاف است و در آن دو قول ذکر شده است؛

۱- شاه بمرض سکته مرده است. . ۲- مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (م ۲۵۴) می نویسد : اورا مسموم کرده اند .

فتح علیشاه در شب ۱۸ شوال ۱۱۸۵ تولد یافته و در عصر روز پنج شنبه۱۹ جمادی الثانیه ، ۱۲۵۰ در عمارت مفت دست اصفهان مرد و جنازه او بقم منتقل گردید و دفن شد. آثار قبرش را چند سال اخیر از بین بردند .

برای اطلاع بیشتر از جریان زندگی این پادشاه طالبین به کتب تاریخ مراجعه کنند.

ص : ۱۵۱

فصل نهم: (کیفیت مرافعات مرحوم سید حجه الاسلام)

اشاره

فصل نهم (کیفیت مرافعات مرحوم سید حجه الاسلام) مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۳۸) در ضمن بیان شرح احوال مرحوم سید حجه الاسلام می نویسد :

فراست سید در قضا و حل خصومات

احکام ایشان در نهایت انقان بود و در حکم دادن بسیار دقت میفرمود ومرافعات را طول میداد و گاهی اتفاق می افتاد که بک مرا به مدت یک سال یا کمتر و بیشتر بطول می انجامید وتا یقین به حقیقت موضوعی حاصل نمیکرد حکم صادر نمی فرمود .

آن جناب در امر قضا و مرافعات فراست عجیب داشت چنانکه فقهاء رضوان الله علیهم در کتاب قضاوت نوشته اند که : قاضی باید فراست در امر مرافعات داشته باشد. چند نمونه از مرافعات مرحوم سید حجه الاسلام : ۱- در قصص العلماء (ص ۱۳۸) بخلاصه می نویسد :

(الف) زنی خدمت آن مرحوم عرض کرد که کدخدای فلان محل ملک صغار مرا غصب کرده است، چون ویرا حاضر کردند وی منکر شده و احکام چندی از علماء وقضاه اصفهان را نشان داد که همگی حکم به حقانیت کدخدا نموده و دعوی آن زرا مردود شناخته بودند . مرحوم حجه الاسلام پس از ملاحظه احکام فوق

رو بزن نـامبرده نموده و فرمود : کدخـدا مرد درسـتی است و حرف بیجـا نمی زنـد وطبق این اسـناد ملـک متعلق به اوست. زن شروع به گریه و زاری و آه و ناله نمود و اظهار داشت که وی حقیقت را بر علماء مشتبه نموده و آنان حکم بظاهر فرموده اند .

مرحوم سـید به کارهای دیگران پرداخت و ظاهراً از کار آن زن و کدخدامنصـرف شده در بین مرافعات رو به کدخدا فرمود و پرسید :

آیا این ملک را خریده ای ؟ جواب داد : خیر مگر شرط مالکیت خریدن است.

سید فرمودند : نه ممکن است از راههای دیگری نیز انسان مالک شود .

پس از این سؤال و جواب به کار دیگری شروع فرموده و پس از مدتی رو به کدخدا نموده و فرمود:

آیـا این ملـک از راه ارث بتو رسـیده است؟ جواب داد: خیر مگر شـرط مالکیت میراث است، آن جناب فرمودنـد : خیر من نیز املاکی دارم که به ارث به من منتقل نشده است .

پس از مـدت زمـانی برای سومین بـار از کدخـدا سؤال فرمودنـد : آیا این ملک را کسـی بتو صـلح کرده و یا بخشـیده است و جواب داد : خبر هیچ یک از این حرفها نیست مگر در مالکیت اینگونه حرفها شـرط است . خلاصه در ضـمن چند پرسش کلیه علل و موجباتی که ممکن است ملکی در تصـرف کسی شرعاً در آید را سؤال فرمودند و او همه آنها را منکر شد. مرحوم سید حجه الاسـلام در دفعه آخر فرمودند: پی به چه دلیل و سـبب تو مالک ابن ملک شدی؟ وی در جواب گفت سیب نمیخواهد (آسمان سوراخ شد و این ماک بگردن من افتاد) سید فرمودند پس چرا برای من و دیگران سوراخ نمی شود ، و فرمودند که

تو غاصبی وفوراً ملک صغار این زن را به آنها رد کن و به کدخدای ریه مجاور مرقوم فرمودند که آن ملک را از تصرف او خارج نموده و در اختیار آن زن قرار دهد.

(ب) مرافعه دیگر : همچنین مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۳۹) می نویسد :

شخصی در باب یکی از فرای اصفهان سندی درست کرد و هر چند تن از علماء قدیم را بلطائف الحبل از وراث آنها گرفته آن سند را بدانها مهر نمود همچون علامه مجلسی و محقق خونساری و مرحوم آقاجمال خونساری و غیره (ویا مهر و امضای آنان را نیز جعلی کرده بود و با این سند مجعول با صاحبان اصلی قریه که پدر مالک وصاحب ید بودند و نسلا بعد نسل بمیراث به آنها منتقل شده بود بمرافعه برخواست.

این مرافعه چندین ماه در خدمت سید حجه الاسلام بطول انجامید ، مرحوم سید حجه الاسلام به ساختگی بودن سند متوجه شدند که خط و کاغذ نو و تازه است و آنرا کوپیه کرده اند. روزی مرحوم سید حجه الاسلام چند تن از کشیشان ارامنه جلفای اصفهان را احضار نموده و کاغذ اسناد را بدانها نشان داده و فرمودند تاریخ آنرا که در گوشه کاغذ است و چاپ شده است بخوانید.

چون خواندند معلوم شد تاریخ ساختن کاغذ سالها پس از وفات علماء نامبرده می باشد و بدین ترتیب مجعول و ساختگی بودن سند مهین شد و آن مرحوم آنرا پاره کرده و حکم به نفع صاحبان واقعی آن قربه صادر فرمودند .

(ج) نمونه دیگر خواندنی و شنیدنی :

مردی را در حضور آن جناب در محکمه مرافعات حاضر کرده و مدعیان اظهار داشتند که نام این شخص (حسن) می باشد و ما مبلغ چهار صد تومان از روی

طلب داریم . چون از وی سؤال شد که درباره ادعای اینان چه جواب می گویی کالا :

اینها از آنها حسن طلبکارند (طبق ادعای خودشان) ومرا بنام آقا حسن گرفته و مطالبه پول خود را می کنند و حال آنکه من آقا حسن نیستم .

مرحوم سید دیگر چیزی به او نفرمود و به کارهای دیگر مشغول شد و جمعیت گرم گفتگو وقیل وقال شده سر و صدا همه مجلس را فرا گرفته ، در این بین بناگاه مرحوم سید حجه الاسلام فرمودند : آقا حسن . همان شخصی که می گفت من آقا حسن نیستم نا آگاهانه گفت : بله آقا . مرحوم سید حجه الاسلام فرمودند فوراً برخیز و برو و چهار صد تومان بدهی خود را بپردازد وی ناچار اطاعت نموده و از محکمه مرافعات با مدعیان خود خارج گردید.

(د)

یک نمونه دیگر از مرافعات نزد سید

فرج بعد از شدت انجات پس از نومیدی .

مقدمه : در قرن سیزدهم هجری در قریه فرادبته از قرای چهار محال بختیاری از بلوك گندمان در طائقه زندگی میکردند یکی بنام : زمانیها و دیگری رفیعی ها که طایفه دوم از حیث تعداد نفرات بر دسته اول برتری داشته و همیشه بین این دو طایفه اختلاف و نزاع وجود داشته است.

کدخدای فرادبنه بنام کاظم آقا از رفیعی ها مردی متنفذ ومقتدر و ثروتمند بود . و بطوری که نقل می کنند در سالی که فتح علیشاه با عده زیادی از پسران و اطرافیان خود به اصفهان مسافرت می کند و جهت گردش و تفریح بصفحات قهوه رخ (قهفرخ) و چهار محال میرود اطرافیان خود را بدهات وقصبات اطراف تقسیم می کند که همه از این ظلم شاهانه بهره ای داشته باشند) سهمیه قربه فراد بنه شصت نفر میشود . به منزل کدخدا وارد می شوند و او از آنان بخوبی پذیرائی می کند و هنگام شب جهت خوابیدن آنان کدخدا شصت دست رختخواب ترمه

می گسترد . سایر لوازم زندگی و تجملات او را بر همین گونه می توان قیاس نمود (تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل).

عمارت منزل کدخدا دوطبقه بوده و روی سردرب عمارت اطاق مخصوص کدخدا قرار داشته که خود در آنجا می نشسته و مراجعین پای دیوار در کوچه ایستاده و عرایض خود را می گفته اند و او جواب میداده است.

در همین زمانها مرد شجاع ودلیر و بی باکی بنام ابوالقاسم فرزند کریم (ابوالقاسم کریم) زندگی مینموده که راه معیشت او علاوه بر زراعت شکار نیز بود و در تیر اندازی مهارت کافی داشته است و کمتر میشده که بر او خطا رود ، در زراعت نیز استعداد و پشت کار لازم را داشته بطوری که شجاعت و زراعت او زبان زد خاص و عام بوده و در تمام بلوک گندمان بلکه چهار محال شهرت و عنوانی داشته است بطوری که ایل قشقائی که در موقع ییلاق و قشلاق که از مجاورت دهات عبور میکردند بدون آنکه دستبردی به اغنام واحشام واموال مردم بزننده نمی رفتند در موقع عبور از کنار فرادبنه به احترام او و تاترس از او از دزدی وقتل وغارت در آن حدود صرفنظر میکردند .

(اکنون اصل داستان): نقل نمود فاضل محترم آقای آقا سید مصطفی حسینی فرادبنه ای از فول پدر خود عالم فاضل مرحوم آقا سید علی اکبر حسینی ادیب شاعر متخلص به نوائی امام جماعت و واعظ قربه مزبور که وقتی ما بین دو نفر از مردم قریه یکی از طایفه زمانی و دیگری رفیعی اختلاف و نزاعی روی داد وعده ای از هر طایفه بحمایت و جانب داری هم قبیله خود جمع شدند و بدرخانه کدخدا رفتند، ابوالقاسم کریم نیز که از طایفه زمانیها بود بطرفداری هم قبیلهای خودجزوعده شروع بداد و فریاد وقیل وقال نموده و تظلم می کند . کدخدا باحال

غضب ویرا مخاطب ساخته و با کلمات تند و زننده و با پرخاش ویرا امر بسکوت می کند . نزاع بین کدخدا و ابوالقاسم شروع میشود و جمعیت بنای داد و فریاد می گذارند، در این بین کدخدارا تهدید به قتل می کنند او با کمال بی اعتنائی می گوید: اگر مرد هستی بزن وی نیزتیری رها کرده و کدخدا را هدف قرار داده که بلافاصله جسد او از بالاخانه بزیر می افتد . تیراندازی از طرفین شروع شده و پس از مدتی متفرق میشوند.

خانواده کدخدا در اصفهان به محضر سید حجه الاسلام حاضر شده و شکایت می کنند و ابوالقاسم را قاتل معرفی می نمایند . مأمورین مرحوم سید حجه الاسلام به فرادبنه رفته ابوالقاسم را گرفته بشهر می آورند در محاکمات اقرار به قتل نمی کند و می گوید : دعوای ده داری بود و او کشته شد و معلوم نشد که به تیرچه کسی کشته شده است و من قاتل نیستم .

چون اقرار به قتل نمی کند و ضمناً قتل غیرعمد تشخیص میشود اررا بازداشت کرده و روزها در بیرون جلسه درس و محکمه قضاوت و محاکمات نگه میداشتند، خود ابوالقاسم جهت مرحوم آقا سید علی اکبر حسینی نقل کرده بود که روزی مرحوم سید حجه الاسلام در بین محاکمه عده ای دیگر ناگهان صدا زدند : ابوالقاسم قاتل . من که حواسم همه جا بود بغیر از محاکمه خودم بی اختیار از جا بلند شده و فریاد کردم : بله آقا .

جرم ثابت شد و این جواب مرا اقرار بقتل محسوب داشتند (شاید قبل و بعد از این قضیه نیز صریحاً یا بطور غیر صریح اقرار کرده باشد و خود متوجه نبوده است اما قتل غیر عمد بوده است) امین الدوله مالك قریه فرادینه دیه مفتول را بعهده میگیرد و بورثه مقتول میپردازد و ابوالقاسم رهامیشود و آزادانه به موطن خود

بر میگردد .

وی گفته بود: نمیـدانم این حـالت را چگونه تعریف کنم ، قتـل واقع شـده و من قاتـل هسـتم و به قتـل نیز اقرار نموده ام و یقین دارم که سید حجه الاسلام مرا در برابر آن خواهد کشت اکنون خود را آزاد می بینم .

فصل هشتم: (قضاوت و اجرای حدود شرعیه و فصل خصومات)

اشاره

(قضاوت و اجرای حدود شرعیه وفصل خصومات) (مقدمه) : آنچه از نظر عقل و منطق بدیهی و قبول آن از نظر اسلام ضروری است آنکه :

احکام خداوند تبارک وتعالی تعطیل بردار نیست و باید تماماً اجرا گردد. لکن ممکن است در برخی از زمانها بنا بعلل و مقتضیاتی وبا بعلل سیاسی و بمناسبت وجود موانع یکی با چند تا از این احکام بطور موقت اجرا نشود بطور مثال :

۱- وجوب حج از ضروریات دین اسلام است اما اگرراه ناامن بود و یا مابین در دولت اسلامی اختلافی بود که در اثر آن ممکن باشد به حجاج وزائرین حرمین شریفین زیان مالی و باجانی برسد در این حالت برای مدت زمانی که این اختلاف برطرف نشده و احتمال موجود است مجتهد میتواند دستور بدهد که حاجیان جهت حفظ جان و مال خود بمکه مشرف نشوند .

مثالی دیگر : استعمال تنباکو و دخانیات بطور کلی مباح و از نظر شرعی بلا اشکال است امارتنی مجتهد مرجع تقلید مشاهده می کند که تنباکووسیله استعمار شده و دست خارجیان یعنی دولت استعمارگروصاحب قدرتی در میانست و میخواهد از این راه نفوذ خود را در اجتماع مسلمین زیاد نموده و نتیجه این نفوذ اسارت مردم مسلمان و گرفتاری آنان به چنگ ظالمین وغاصبین خارجی و عاقبت الامر

ص : ۱۵۲

استعمار و استثمار مملکت است حکم به حرمت آن میدهد .

اجرای حدوداسلام نیز همین حالت رادارد وقتی دولت غاصب و جابر و ظالم و مقتدری بر مردم حکومت می کند که تمام اختیارات را از علماء اسلام و مجتهدین گرفته و مردمانی نااهل و نادان به احکام و غیر مؤمن را بر آنان مسلط گردانیده خواه وناخواه احکام حدود و قصاص و دیات و کفارات اجرا نخواهد شد.

اما وقتی مجتهدی بزرگوار وقیهی مقتدر و میسوط الید در مملکت اسلامی صاحب قدرت و نفوذ گردید که می تواند احکام خداوند عزوجل را اجرا کند بر او واجب است که وظیفه شرعی خود عمل نماید.

این یکی از خصوصیات مذهب شیعه است که مجتهدین می توانند دولتی را روی کار بیاورند یا آنرا از کار بر کنار کنند زیرا وظیفه تمام شیعیان پیروی از اوامر مجتهد عادل است اما دولتها قدرت ندارند که مجتهدی را از مقام والای اجتهاد برکنار سازند. کم کاری در ساری

نظریه علماء شیعه درباره قضاوت

از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند : مرافعه نزد علمای دین ببرید که من آنها را بر شما حاکم گردانیدم .

عن الصادق علیه السلام : من کان منکم ممن قدروی حدیثنا و نظر فی حلالنا وحرامنا وعرف احکامنا فلیرضوا به حکماً فانی قد جعلته علیکم حاکماً . (مقبوله عمر بن حنظله).

در کافی و وسائل و دیگر کتب است که امام ششم علیه السلام در جواب سؤال عمر بن حنظله درضمن حدیثی دستور رجوع به محدثین بزرگوار شیعه فرمودند .

در مذهب شیعه حکومت مخصوص خداورسولخدا و ائمه طاهرین علیهم السلام

است زیرا خداوند اطاعت غیر معصوم یعنی کسی که ممکن است دانسته یا ندانسته خطا و اشتباه کندرا بر مردم واجب نفرموده است و آیه شریفه (اطیعوا الله واطیعوا الرسول و اولی الامر منکم)، اشاره بهمین موضوع است.

در دوره غیبت امام زمان علیه السلام تا آنجا که در توقیع مبارک اجازه فرمودند (حوادث الواقعه) کارها بعهده محدثین بزرگوار و مجتهدین عالی مقدار می باشد .

برخی از مجتهدین معتقد می باشند که در کلیه کارهائیکه ممکن است تأخیر انداخت، باید آنها را تأخیر انداخت همچون جهاد (البته دفاع در هر زمانی که لازم باشد واجب است و احکام آن غیر از جهاد است) وغیره لکن کارهائیکه تأخبر در آنها جائز نیست مانند : نصب قیم جهت حفظ اموال صغار ومحجورین - رسیدگی به دعاوی و اختلافات مردم به کیفر دادن به دزد و قاتل وجانی و غیره باید کسی متصدی این امور شده و بکارهای اجتماعی مردم رسیدگی کند.

در دعاوی و مرافعات بین مردم چون هرچه قاضی حکم کند بر حسب ادله ظاهر می باشد و به هیچ حکمی نمیتواند علم واقعی و حقیقی پیدا کند ، از اینرو عده ای از فقهاء با داشتن صلاحیت از علم واجتهاد و عدالت و غیره که لازم قضاوت و جزو صفات قاضی شمرده میشود و بعدا به آنها بطور اجمال اشاره خواهیم کرداز روی احتیاط گرد قضاوت نگشته و خود را از امور اجتماعی بدور نگاهداشته اند اگر قضاوت را برای مجتهدین واجب کفائی بدانیم وعده ای که رفع نیاز اجتماع بوجود آنها میشود متصدی امر شدند آن وقت دیگران میتوانند با خیال آسوده به کارهای دیگری از تحصیل و تدریس و تألیف و عبارت که هر یک در مقام خود لازم و ضروری است بپردازند والا...

بنابر این عده ای از علماء خود را از اجتماع مردم و نیاز مندیهای آنها بر کنار داشته و جمعی دیگر در بین اجتماع بوده و در رفع نیازمندیهای دینی و اجتماعی

ص : ۱۵۴

آنان از قضاوت و حکومت شرعیه ودخالت در امور حسبیه ودیگر مواردیکه از وظائف مجتهدین است کوشیده اند .

این علماء بزرگوار پس از رسیدگی کامل به پیش آمدها از اختلافات ناشیه از جهت تقسیم میراث رسیدگی به شرابخوری و دیگر معاصی که در شرع مطهر جهت آن حد مقرر گردیده است مانند دزدی و غیره حکم صادر میکردند . برخی از علماء خود نیز احکام صادره را اجرا میکردند (غیر از قتل و بریدن دسته سارق) و برخی دیگر اجرای احکام را منوط به امضای مجتهدین مبسوط الید ومتنفذ شهر ما را میگذاشتند .

اهمیت قضاوت و مقام قاضی

قاضی وداور در حقیقت کسی است که از طرف خداوند متعال اختیار جان و مال و آبرو و حیثیت و ناموس مردم بدست او سپرده شده است . او می تواند با صدور یک حکم ناروا خاندانی را نابود سازد اموالی را هدر نماید خونهای ناحقی بریزد و خویشتن را مورد لعن و نفرین ابدی و عذاب الهی قرار دهد، و همچنین با صدور حکمی از روی عدالت و دادگری میتواندحقی بر گرداند و از مظلوم و ستمدیدهای رفع ستم کند ...

(قاضیان بر سه گونه اند): از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که بخلاصه فرمودند : قاضیها بر سه گونه اند . (ص ۴۲۷ دوم نهج الفصاحه) قاضیان فی النار وقان فی الجنه :۱- قاضی عرف الحق فقضی به فهو الجنه ، ۲- قاض عرف الحق فجار متعمدا، ۳- اور اسی بغیر علم فهما فی النار .

ص : ۱۵۵

۱- آن کس که حق را بشناسد و بدان حکم کند در بهشت باشد . ۲- آنکس که حق را بشناسد و دانسته بر خلاف حکم کند ۳ - یا بدون داشتن علم و تمیز حق از باطل حکم نماید ایندو در دوزخ باشند .

قضاه بر چهار گونه اند) : از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام وهمچنین امام ششم علیه السلام روایت شده است که فرمودند :

القضاه أربعه ثلاثه فی النار وواحد فی الجنه :

۱- رجل قضی بجور وهو یعلم فهو فی النار، ۲- ورجل ففی بجور وهو لایعلم فهو فی النار ، ۳ - ورجل قضی بالحق وهو لایعلم فهو فی النار ۴- ورجل قضی بالحق وهو یعلم فهو فی الجنه .

یعنی: داوران بر چهار دسته اند سه گروه آنان در آتشند ویک فرقه در بهشت:

کسانی که حق را می شناسند و دانسته بر خلاف آن حکم می کنند یا ندانسته بر خلاف حکم می کنند و یا ندانسته یکم حقیقی و واقعی می دهند موسه دسته در آتشند و آنان که حق را میدانند و می شناسند و بدان از روی معرفت حکم می کنند در بهشت جای دارند.

قضاوت کار پیغمبران و اوصیای آنانست :

با توجه به اخبار مرویه از ناحیه حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم وحضرات ائمه معصومین علیهم السلام قضاوت داوری در بین مردم کار بسیار مشکلی است که هر کس نمیتواند و نباید متصدی آن شود .

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام به شریح قاضی فرمودند :

یا شریح قد جلست مجلساً لا یجلسه الا نبی اووصی نبی اوشقی. و همچنین روایت شده است که فرمودند : ان القاضی علی شفیر جهنم (قاضی در کنار جهنم قرار گرفته با کوچکترین غفلت و کمترین خطا اهل دوزخ خواهد بود .

وهمچنین از رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم روایت شده است که فرمودند: من جعل قاضیاً فقد ذبح بغیر سکین: هر کس در مقام قضاوت و دادگری قرار گرفت کشته شده است بدون کارد .

در روایتی از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نقل شده است که : روزی به ابوموسی اشعری فرمودند:

آیا ناسخ و منسوخ را (در قرآن) از یکدیگر تمیز میدهی (یعنی آیا آیات ناسخ منسوخ را میدانی و بتو رسیده است که کدامیک از آیات منسوخ است و آیه ناسخ آن کدامست).

در جواب عرض کرد : نه (نمیدانم).

حضرت فرمودند : هم خودت در هلاکت هستی و هم دیگران را در ملاکت انداخته ای، پس از آن حضرت گوش ابو موسی را گرفته و فشار دادند و فرمودند:

تو داوری و قضاوت مکن (ص ۵۵ مقدمه جلد یکم ترجمه قرآن تألیف زبن العابدین رهنما).

قضاوت باید مطابق حکم خداوند متعال و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم باشد.

طبق نص صریح قرآن که میفرماید : فان تنازعتم فی شیء فردوه الی الله والرسول (سوره النساء آیه ۵۹) مصدر و منشا صدور احکام در فضاوت باید احکام قرآن مجید و روایات صادره از ناحیه مقدسه حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه طاهرین علیهم السلام باشد و هر حکمی که بر خلاف ایندو صادر شود حاکم آن را خداوند متعال طاغوت خوانده و محاکمه نزد او را نهی فرموده است. است.

از رسولخدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که فرمودند :

من حکم فی درهمین بحکم جورثم جبر علیه کان من اهل هذه الایه[ومن لم یحکم بما أنزل الله فأولئك هم الکافرون]

کسی که در دردرهم مطابق حکم پادشاه ظالم و قانون خلاف دبن حکم کند سپس محکوم را مجبور به اجرای آن حکم نماید از اهل این آیه است ...

راوی سؤال کرد که چگونه ویرا مجبور می کند؟ حضرت فرمودند: قاضی تازیانه و زندان در اختیار دارد و اگر محکوم راضی نشد او را شلاق میزند (شکنجه میدهد و محبوس وزندانی میگرداند (قاراضی شود).

وهم از امام ششم علیه السلام روایت شده است که فرمودند : من حکم فی درهمین بغیر ما انزل الله عز وجل فقد کفر (وسائل الشیعه). و در روایتی دیگر فرمودند :

من حکم فی در همین بغیر ما انزل الله عزوجل ممن له سوط اوعصا نهو کافر بما انزل الله علی محمد صلی الله علیه و آله و سلم (وسائل الشیعه).

زبان قاضی : این کار در ساری

در حدیث وارد شده است که : لسان القاضی بین جمرتین من نارحتی بقفی بین الناس فاما فی الجنه واما فی النار .

انواع قاضی : قاضی بر دو گونه است ؟

۱- قاضی منصوب از طرف پیغمبر با امام علیهم السلام وبا مجتهد جامع الشرابط مبسوط الید .

۲- قاضی منتخب که آنرا حکم (به فتح اول و دوم) گویند و برخی از شرائطی که برای قاضی گفته میشود چون اجتهاد و ایمان و برخی دیگر در این نوع از داوران معتبر نیست.

ص : ۱۵۸

در بیان شرایط و صفات قاضی :

علماء بزرگوار شیعه برای کسانی که منصب قضاوت را در بین مسلمین بدست میگیرند صفات و شرائمی مقرر فرموده اند که از آنجمله است :

۱- مکلف بودن (بلوغ). ۲ - مؤمن بودن . ۳- عاقل ورشید بودن . ۴ - عادل بودن . ۵ - حلال زاده بودن . ۶- مرد بودن . ۷ عالم بودن .

۸- صاحب نظر بودن (مجتهد باشد) و کافی نیست که قاضی بفتوای دیگران عمل کند. برخی از مجتهدین میفرمایند در صورتی که مجتهد واجد شرائط نباشد غیر مجتهد بدستور مجتهد واجد شرائط میتواند قضاوت کند.

۹- ضابط بودن یعنی دارای حافظه قوی باشد و قدرت حافظه خود را از دست نداده باشد و بتواند منداعیین وشهودرا در هر وقت بشناسد و آنان را با دیگری اشتباه نکند (نسیان بر او چیره نشده باشد).

۱۰ - امین و مورد اعتماد بودن و این شرط را میتوان جزو عدالت محسوب گردانید.

۱۱- در زمان پیغمبر و امام علیهم السلام منصوب از طرف آنان بودن و در زمان غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه مرفقیهی که جامع جمیع صفات قاضی باشد میتواند در بین مردم قضاوت نماید و به امور عامه رسیدگی کند . در مقبوله

عمر بـن حنظلـه اسـت كه : فـاذا حكم بحكمنـا فلم يقبله منه فانمـا اسـتخف بحكم الله وعلينـاالراد علينـا الراد علی الله وهـوعلی حدالشرک بالله (وسائل الشيعه - ابواب صفات القاضی).

برخی از علماء صفات و شرائط دیگری همچون :

۱- کورنبودن ۲- آزاد بودن (بنده نبودن) ۳- قدرت بر خواندن و نوشتن داشتن (و این خود شرط اساسی عالم ومجتهد بودن است) ۴- افضـل واعلم از سـایرین بـودن را نیز ذکر کرده انـد. البته مقصـود افضـل واعلم از کسـانی است که رجوع بـدانها در قضایای اتفاقیه ودعاوی ممکن باشد در شهری که حکم و قضاوت در آنجا انجام می گیرد.

(توضـیح و تنـبیه) : همـان گونه که ذکر شـد هر مجتهـد عـادلی که بـاقی شـرائط ذکر شـده در او باشـد میتوانـد در بین مردم قضـاوت کنـد و تا قبل از دوره مشـروطیت و ایجاد دادگستری بصورت فعلی نیز کارها بهمین رو به انجام میگردیـد، اما پس از اسـتقرار حکومت مشروطه و پیدایش وزارت دادگستری (علیه) برای آنکه کارها بصورت منظم واداری انجام گیرد کسانی را (که شایـد بیشتر آنـان شایسـتگی آنرا نداشـتند) جهت قضـاوت اسـتخدام میکردنـد و بـدین شـغل خطیر می گماردنـد و عملا مجتهدین بزرگوار را از حق مشروع و وظیفه شرعی آنان محروم و ممنوع ساختند. امید است که بفضل و کرم حضرت حق جل وعلا در این دوره کلیه این نواقص برطرف گردیده و داوری بین مسـلمین به علماء شایسته و فقهاء بزرگوار محول گردد ولیس ذلک علی الله یعزیز .

در وسائل الشیعه (أبواب صفات القاضی) از حضرت صادق علیه السلام روایت می کند که فرمودند :

ص : ۱۶۰

ایاکم أن یحاکم بعضکم بعضاً الی اهل الجور ولکن انظروا الی رجل منکم یعلم شیئا من قضایانا فاجعلوه بینکم فانی قد جعلته قاضیاً فتحاکموا الیه .

برای آگهی بیشتر در موضوع قضاوت و کلیه موضوعات مربوط به آن مطالبین بکتاب: وسائل الشیعه و کلیه کتب فقهی که مجتهدین بزرگوارمرقوم فرموده اندرجوع نمایند و در بین کتب فقهی فارسی به کتاب : جامع عباسی مراجعه نمایند . خداوند توفیق تحصیل علم وعمل بدان را بهمه ماها عنایت فرماید . بمنه وکرمه .

نظریه حجه الاسلام راجع بوظائف مجتهدین در زمان غیبت

مرحوم سید حجه الاسلام عقیده داشت که اقامه حدود در زمان غیبت امام علیه السلام برمجتهدین واجب است و میفرمود که حکم مجتهد در این قبیل موارد بعینه حکم امام علیه السلام می باشد و آنان باید طبق موازین شرعی اجرای حدود نموده و هیچ حکمی از احکام خداوند عزوجل را مهمل وبلا اجرانگذارند و بهمین دلیل خود در اجرای حدود اصرار داشت و هیچ مجرمی را بدون کیفرشرعی رها نمیکرد .

آنها که باید تعزیر شوند را تعزیر میفرمود. کسانی که باید حل بخورند را حد میزد . دست سارق را پس از ثبوت دزدی میبرید .

قاتل را حکم به قصاص میفرمود و دستور کشتن میداد . مجرمین دیگری که طبق موازین شرعی باید کشته میشدند را نیز حکم به قتل میفرمود ، و گاه میشد که خود شخصاً حکم را اجرا میفرمود (بک یا دو مرتبه ثابت است و بیشتر از آن شهرت دارد . ثبوت این بک یادو مرتبه نیز علی المشهور است).

ص : ۱۶۱

تعداد محکومین به قتل

در بین نویسندگان در تعداد کسانی که به حکم مرحوم سید حجه الاسلام کشته شده اند اختلاف است و شماره آنرا از هشتاد نفر تایکصد و بیست نفر نوشته اند لکن هیچکدام از این دو عدد ثابت نیست و همگان از روی مظنه و تقریب نوشته اند.

(نماز گزاردن مرحوم سید بر مقتولین):

مرحوم سید حجه الاسلام به پیروی از جد بزرگوار خود حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که پس از جنگ نهروان بر کشته های دشمن نماز خواندند ایشان نیز بر مقتولین اهل معصیت و کبائر پس از کشته شدن نماز میخواند و در حال نماز حال خوشی داشت از راز و نیازوتوجه حضرت حق وطلب استغفار برای آنان و گاهی در بین نماز از شدت گریه غش میکرد.

عباس اقبال در مجله یادگار (ص ۴۲ شماره دهم سال پنجم) اجرای حدود الهی و قصاص را که مرحوم سید حجه الاسلام مطابق حکم خداوند متعال انجام میداده قساوت حیوانی و میرغضبی نام نهاده است ، او حق دارد زیرا با اسلام و احکام آن آشنا نیست . مهدی بامداد نیز به اجرای حدود از طرف آن مرحوم انتقاد می کند . خلاصه آنکه از زمان حیات آن بزرگوار تاکنون کلیه کسانی

که مرحوم سید حجه الاسلام را مورد ایراد و اعتراض قرار داده اند تکیه کلامشان وهدفشان فقط اجرای حدود بوسیله ایشان بوده است (وداشتن ثروت).

(محل دفن مقتولین) : در بین عوام و بلکه برخی از خواص ساکنین محله قبله دعا یعنی محل نماز خانه و سکونت مرحوم سید حجه الاسلام چنین شهرت داشت که قبرستان کوچکی که مقابل منزل آن مرحوم قرار داشت محل دفن اینگونه مقتولین می باشد . این قبرستان در سالهای اخیر مانند بسیاری دیگر از

ص : ۱۶۲

قبرستانهای داخل و خارج شهر اصفهان که تعداد آنها نسبتاً زیاد بود در مرحله اول بوسیله شهرداری وقت و مردم تسطیح گردیده و سپس بصورت خانه و مغازه و غیره در آمد.

قضاوت و فصل خصومات

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۱۹) در ضمن بیان شرح احوال مرحوم حاجی کلباسی می نویسد :

من خود از حاجی شنیدم که در بالای منبر میفرمود:

اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مدینه می برد واهل اصفهان از آن حضرت قاضی می خواستند آنحضرت آقا سید محمد باقر را بقضاوت نصب میکرد.

خواننده محترم در این جمله بیشتر دقت کن ، گوینده ای همچون حاجی کلباسی که مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۱۸) درباره او می نویسد:

هرگز مرافعه نکرد و من خود بر بالای منبر از او شنیدم که میفرمود : این مدت مرافعه نکردم و میخواستم رساله هم ننویسم لکن میرزای قمی رحمه الله علیه حکم کرد که رساله برای فتوی نوشته باش .

آن وقت حاجی کلباسی با آن همه احتیاط وزهد و تقوی میفرماید: اگررسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای اصفهان قاضی وحاکم شرع می فرستاد آن کس آقا سید محمد باقر بود .

اجرای حدود:

ادوارد برون انگلیسی در تاریخ ادبیات خود (ص ۲۶۲ جلد چهارم) در

تحت عنوان : مقام مجتهدین در زمان صفویه و جانشینان آنها می نویسد : در نظر سلاطین صفویه یک نفر مجتهد نایب امام منتظر بود (ادوارد برون گویا نمیداند که این عقیده کلیه شیعیان در تمام ادوار بوده و منحصر بزمان صفویه نیست) امامی که هر وقت نام او برده میشود عبارت عجل الله فرجه را بر زبان میرانند ، مجتهد بر جان و تن مردم صاحب اختیار بود .

سپس ذکری از حاج سید محمد باقر حجه الاسلام شفتی و اجرای حدود بوسیله ایشان می کند که قبلا نوشته شده است .

همین نویسنده در همان کتاب (ص ۲۶۳) در تحت عنوان : فتوی می نویسد:

توقف علماء و مجتهدین در کربلا و نجف و خارج از قلمرو ایران بیشتر بر مصونیت آنها افزوده بود و آنها می توانستند احکام خداوند تبارک وتعالی را که عموماً برخلاف میل حکام وسلاطین بود به آزادی بنویسند و به مردم مسلمان ابلاغ کنند) درهم شکستن یا ضعیف ساختن آنها منظور و آمال بسیاری از سلاطین ایران قبل و بعد از صفویه بوده است اما اقدامات آنها کمتر به نتیجه مطلوبه رسید.

وهم او می نویسد که : مجتهدین در جمیع کارها و تکالیف انسان از کوچکترین اعمال طهارت شخصی تا بزرگترین امور سیاسی دخالت می کنند .

نویسنده گوید : ادوارد برون یقیناً نام مقبوله عمربن حنظله را شنیده است راز توابع مبارک ناحیه مقدسه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که فرمودند:

فأما الحوادث الواقعه فارجعوا فیها الی رواه احادیثنا فانهم حجتی علیکم وانا حجه الله را شنیده و خوانده است و می داند که علمای بزرگوارشیعه در کلیه زمانها نایبان عام امام زمان عجل الله تعالی فرجه بوده و از همین رو بدانها نایب الامام خطاب میکرده اند .

شیعیان در زمان غیبت اطاعت اوامر و دستورات مجتهدین را واجب میدانسته و میدانند و معتقد بوده اند که : الراد علیهم کالراد علیهم علیهم السلام.

بخش چهارم: (حجه الاسلام از مرگ فتحعلی شاه تا هنگام وفات)

فصل دهم: (مرگ فتحعلی شاه و روی کار امدن محمد شاه)

اشاره

(مرگ فتح علیشاه و روی کار آمدن محمد شاه)

طبق ماده هشتم عهدنامه ترکمن چای که ولایت عهدی ایران به عباس میرزا واعقاب او اختصاص داده شده بود (آیا این ماده چه ارتباطی با جنگ در مملکت داشته و آیا نمیتواند دلیلی بر خیانت امضاء کنندگان قرار داد باشد و بطور یقین این ماده قرار داد با موافقت لندن وبطرزبورک نوشته شده است) وچون عباس میرزا در شب دهم جمادی الثانیه سال ۱۲۴۹ در سن چهل و هفت سالگی در مشهد مرده بود سلطنت به فرزندش محمد میرزا رسید .

تعیین ولیعهد

فتح علیشاه پس از مرگ عباس میرزا در سال ۱۲۵۰ ولایت عهدی را به محمد میرزا واگذار نمود ، عده ای از بزرگان مملکت هر یک بعلتی به این امر راضی نبودند من جمله مرحوم میرزا عبدالله خان امین الدوله نظر بوصلتی که با فرمانفرما کرده بود راضی به این موضوع نبود و این خود منشأ بروز بسیاری از اختلافات بعد میباشد.

محمد شاه در هنگام مرگ فتح علیشاه در تبریز بود چون خبر مرگ شاه را

ص : ۱۷۴

شنیـد به حمایت میرزا ابوالقاسم قائم مقام وزیر با تـدبیر و با کفایت خود به تخت سـلطنت جلوس کرده و کلیه رقبای خود را با کشت و یازنـدانی و یا تبعیـد کرده وقائم مقام که برای به سـلطنت رسانـدن محمـد شاه وسـیله آن همه جنایت شـده بود عاقبت الامـر اجرت شاهانه دریافت نمود، یعنی بدسـتور شاه او را خفه کردنـد و به جای او صوفی بی کفایتی که روزی معلم شاه بوده یعنی حاج میرزا آقاسی همه کاره مملکت شد.

از کارهای محمـد میرزا که اکنون محمـد شاه و محمـد شاه غازی شـده است کور کردن جهانگیر میرزا وخسـرو میرزادو برادر زنـدانی خود در اردبیل و همچنین کور کردن حسـنعلی میرزاشـجاع السـلطنه برادر دیگر خود و خفه کردن میرزا ابوالقاسم قائم مقام دوم یعنی کسـی که در بسـلطنت رسانیدن او رنجها برده و سـعیها پیوسته بود (در شب آخر ماه صفر ۱۲۵۱) را میتوان نام برد

واما محمدشاه پادشاهی سـست عنصـر وتحت تربیت وزیر بی تدبیرخودیعنی حاج میرزا آقاسـی صوفی مسـلک و معاشرت او با صوفیه بود، وی در اثر تلقینـات صوفیـان از یـک طرف ودسـتور اربابان خارجی خود که قـدرت علماء شـیعه را دیـده بودنـد با علماء اسلام شدیداً مخالف بود و در این زمان که مرحوم سید حجه الاسلام در رأس علماء شیعه و پشت و پناه مردم و جلوگیر ظلم وستم و بیداد بی حد و اندازه حکمرانان بود علنا مخالفت نموده و عناد میورزید.

در روضه الصفای ناصری (ص۱۶۳ دهم) در ضـمن فضائل ومحامد مرحوم قائم مقام نامی از معاشـرین و مصاحبین محمد شاه میبرد و آنان را بدین گونه ذکر می کند : حاجی میرزا آقاسـی ایروانی و حاجی زین العابدین شـیروانی و میرزا نصر الله اردبیلی و میرزا مسـلم خوئی و میرزا نظر علی حکیم باشـی. - این کسـانی را که ذکر نموده همه از اصـحاب خانقـاه و مخـالفین علمـاء یمنی

صاحبان مسجد و محرابند ، ضمناً محمد شاه نسبت به حاج میرزا آقاسی بی حل علاقمند بود . در ناسخ التواریخ جلد قاجاریه (ص ۴۰ جلد دوم) می نویسد : پادشاه او را قطب فلك شریعت و طریقت میدانست ... ومصدر کشف و کرامت میشمرد ، اما چون حاجی میرزا آقاسی روزگار خویش را به تعلیم و تعلم گذرانیده بود از اسرار سلطنت ورموز ملك داری بی خبر بود .

مخالفت شاه ووزیر او باعلماء

یکی از آثار شوم انتخاب حاجی میزرا آقاسی بصدارت مخالفت نمودن شاه است با قاطبه علماء اسلام خصوصاً آنانکه قدرت و ریاستی داشتند و شاید در این قسمت رضایت و اشاره روسیه نیز در کار بوده است.

در اصفهان نیز بدستور شاه وصدر اعظم دستگاه حکومتی بنای مخالفت با سید حجه الاسلام را گذارده و هر روز پیش آمدی تازه ایجاد میکردند و آنرا به علماء وبالاخص به مرحوم سید حجه الاسلام مربوط می نمودند.

پناهندگی امین الدوله

عبد الله خان امین الدوله فرزند حاج محمد حسین خان صدر با ولیعهدی وسلطنت محمد شاه مخالف بود و علت آنرا سروسر داشتن با فرمانفر میدانند.

در ناسخ التواریخ (ص ۲۶ جلد دوم قاجاریه) در این باره می نویسد :

امین الدوله با سلطنت محمد شاه چه در زمان ولیعهدی وچه پس از مرگ فتح علیشاه و برای روی کار آوردن و به سلطنت نشاندن حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارسی فعالیت زیاد می کرد . وقتی که کار سلطنت محمد شاه تمام شد و او رسماً در طهران

تاجگذاری کرد و ظل السلطان که بزرگترین خان او بود تسلیم شد ، عبدالله خان نزد محمد میرزا سیف الدوله (حاکم اصفهان) فرستاد و پیغام کرد که :

اکنون که پادشاه ایران معین شده است مرا دیگر در امور این مملکت (این شهر) مداخلت نخواهد بود . این پیغام را نزد حاکم فرستاد و خود از ترس جان ومال بخانه حاج سید محمد باقر حجه الاسلام پناهنده شد و در آنجا جای گرفت

محمد شاه محمد رحیم پیش خدمت خاصه خودرا درشوال ۱۲۵۱ به اصفهان فرستاده و امین الدوله را پیغام کرد که : توقف تو در اصفهان موجب اختلال حکمرانان است با خیالی آسوده و مطمئن رابطهران بیا و یا در قم ساکن باش وهروقت از ما آسوده خاطر شدی بطهران بیا ، امین الدوله رحیم خان را مدت شش ماه (تا ربیع الأول ۱۲۵۲) در اصفهان نگه داشت و سپس بوسیله سفارت انگلیس خواستار مسافرت بعتبات شد ورخصت یافته بدانجا مهاجرت نمود و در آنجا بود تاوفات یافت.

و هم در ناسخ التواریخ گوید (ص ۴۱ دوم قاجاریه) مخفیانه به عتبات عالیات سفر نمود.

نویسنده گوید : اگر امین الدوله را شاه رخصت سفر به عتبات داده بود پس دیگر چرا مخفیانه سفر کرد و اگر سفارت انگلیس در کنار آنها بوده پس این حرفها دیگر معنی ندارد .

عباس اقبال آشتیانی در مجله یادگار (صفحه ۳۷ شماره دهم سال پنجم) پس از شرح بست نشستن امین الدوله در خانه سید حجه الاسلام می نویسد :

او شهرت داد که دیگر در امور مملکت مداخله نخواهد کرد، اما این ادعا حقیقت نداشت و او به پشت گرمی مرحوم حجه الاسلام و شفاعت او مشغول توطئه و زمینه سازی بود ، خبر این دسیسه های او در طهرات بقائم مقام میرسید . عاقبت

قائم مقام از قول شاه نامه ذیل را در جواب وساطت حجه الاسلام به او نوشت.

نامه قائم مقام به سید حجه الاسلام

متن نامه قائم مقام به نقل از مجله یاد گار :

مسطورات آن جناب بنظر اصابت رسید و چون وصول مکاتبات بقاعده مشهوره بدلی از حصول ملاقات میتواند شد خاطر مهر مظاهر را که در هوای شوق دیدار بود زاید الوعن مسرور وسبتهج ساخت.

سابقاً در باب مقرب الخاقان امین الدوله اظهاری کرده بودند و بروفق خواهش آن جناب مقرر شد که اگر مصلحت خود را در تقلد اشغال دنیوی میداند باستانه قدس شتابد و اگر باقتضای سن و التزام تشرع راغب اعمال اخروی است به عتبات مالیات عرش درجات عازم شود و در هر حال بعد از فضل خدا بواسطه آن جناب در کنف رأفت و توجه ما باشد لیکن بعد از آن طور توسط آن جناب و اینگونه تفقد ما چندی گذشت که بهیچ یک از این دو کار اقدام نکرد و در میان دنیا و آخرت معطل بود وبتواتر وشیاع رسید که در این ظرف مدت بیکار نبوده و بی سبب تعطیل جایز نداشته بر آن جناب مستطاب بهتر معلوم است که تا حال چه مبلغ مال مردم دراصفهان تلف شده و چقدردماه ونفوس در خارج و داخل آن ولایت بر باد فنارفته اگر سخن مردم در حق او صدقات واجب است که از آن ولایت اعراض کند و اگر مبنی بر اغراض است چه لازم است که در میان دارالخلافه و فارس بنشیند و غرض سهام تهمت گردد بالجمله باز آنچه در باب مصلحت مملکت و آسودگی او بخاطر میرسد همین است که بخدمت ما در طهران با بطاعت خدا در عتبات بپردازد و تا زود است به یکی از این دو کار اقدام کنند و در هر صورت آن جناب مادون است که بوکالت نواب همایون مشار الیه را اطمینان دهد اما هر گاه از این مصلحت

دیـد مـا که محض خیر خـواهی خلـق ورافت دربـاره اوست تخلف کنـد از آن جنـاب خواهش داریم که اورا در جوار خودراه ندهد و من بعد هر گونه خواهشی که باشد اظهار کند که معتقدانه در مقام انجام بر آئیم . (انتهی).

پس از کشـته شـدن قائم مقام در زمان صـدارت حاج میرزا آقاسـی (میرزا عباس بن مسـلم بن عباس ایروانی) بطوری که گفته شـد محمـد رحیم خـان به اصـفهان آمـد وبـدون موفقیت مراجعت نمود و سـر انجام امین الـدوله به کمک و یاری وزیر مختار انگلیسی در ایران (مستر مکنیل) از محمد شاه تأمین جانی گرفته و عتبات رفت .

امین الـدوله بهـتر از هر کسـی میـدانست که تـامین جـانی شـاه و هر دو صـدر اعظم و همچنین دعوت او بکـار خـدمه ای برای گرفتاری او بوده و منظورشان خارج ساختن او از بست و گرفتاری وی و کشـتن او می باشـد بنابر این راضـی به هیچکدام نمی شد.

علل و موجبات مخالفت شاه با سید حجه الاسلام

همـانگونه که قبلا متـذکر شـدیم : شاه مردی ضـعیف النفس وسـست اراده وصوفی مسـلک بود و صـدراعظم یعنی حاج میرزا آقاسـی مردی بی کفایت و بی تدبیر وضمناً مرشد و مربی و معلم شاه به وزیر از نظر صوفیگری با قاطبه علماء مخالف بود وشاه را مطابق میل خود رهبری مینمود .

امین الـدوله مخـالف شاه بود و در ظل حمایت مرحوم سـید حجه الاسـلام، این مورد نیز یکی از موجبات عناد و دشـمنی دام و وزیر او با سبد حجه الاسلام بود .

دیگر از موجبات عناد داستان زیر می باشد؛

یکی از وابسـتگان حکومت در کاشان که از منسوبین شاه بود مرتکب معصیتی شد که حکم شرعی آن قتل بود . علماء کاشان مجرم راگرفته نزد سید حجه الاسلام

فرستادند تا پس از ثبوت شرعی حکم خداوندرا درباره او اجرا نماید .

از طرف شاه و وزیر سفارشنامه ای بعنوان سید حجه الاسلام آمد که به پاس احترام مقام سلطنت حد شرعی در باره این شخص اجرا نشود . اما احکام خداوند تبارك و تعالی باید اجراء شود و در آن شاه و گدا تفاوت ندارند. مرحوم سید حجه الاسلام چند تن از علماء اصفهان را خواسته و در حضور آنان از مجرم قرار گرفت و او صریحاً به جرم خود اعتراف نمود و شرعاً حدبر او ثابت گردید. بلافاصله حکم صادر و بموقع اجرا در آمد.

چون خبر بطهران رسیدشاه بی نهایت خشمگین شده و وژیر بیشتر او را تحریک کرد بقصد انتقام جوئی باعدهای سرباز بطرف اصفهان حرکت کرد. برخی از علماء این شهر از این جریان خبر یافته و در صدد اصطلاح ذات البین بر آمدند لکن شاه حاضر نبود مطیع امر خداوند و دستورات شرع مطهر بوده و از تصمیم خود چشم پوشی کند . با خود مرحوم سیدحجه الاسلام در این باره مشورت کردند ایشان با کمال اطمینان قلب فرمودند : شاه نمیتواند هیچ کاری بکند چون حکم خداوند بوده که اجرا شده و من نیز بخاطر رضا و خشنودی او عمل کرده ام . محمد شاه به اصفهان آمد و چند روزی در این شهر مانده و نتوانست کمترین اذیت و آزاری به مرحوم سید حجه الاسلام برساند.

البته در این میان حاجی کلباسی شاه را از عواقب سوء تصمیم او آگاه ساخته و با پند و اندرز و موعظه ونصیحت ویرا از مقابله و خصومت باحجه الاسلام برحذر داشت . محمد شاه پس از چند روزخائباً خاسراً بطهران مراجعت نمود . اما این موضوع عندهای شده در خاطر شاه و وزیر او در هر موقع قصد انتقامجوئی داشتند و با سید مخالفت مینمودند.

مسافرت حاجی کلباسی بطهران

مرحوم حاج میرزا ابوالهدی (کمال الدین) کلباسی در رساله : البدر التمام (ص ۱۳) در ضمن شرح حال حاجی کلباسی می نویسد :

غیور در امور دینی و ساعی در دفع بدنها و آنچه که موجب اهانت بدین وشریعت باشد میبرد . سپس می نویسد :

در ابتدای سلطنت محمد شاه صوفیه قدرتی یافتند و مردم نادان بدانها توجهی پیدا کردند و بیشتر مردم را گمان آن بود که پادشاه نیز بآنها میلی و نظری دارد، مرحوم حاجی ترسید که مبادا همین حرفها موجب توجه بیشتر مردم به صوفیه شود. یک سال از ابتدای سلطنت محمد شاه گذشته بود و در این مدت مکرر از ایشان خواسته بود که بطهران مسافرت کند بجهت تهنیت جلوس .

در این موقعیت مرحوم حاجی کلباسی لازم دانستند که سفری بطهران نموده و شام را از عواقب این امور برحذر دارند . مرحوم حاجی با عده ای از علماء بسمت طهران حرکت نموده و در بین راه بدرس و بحث و مباحثه اشتغال داشتند زیرا آن مرحوم تحصیل را واجب عینی می دانست ،

سپس شرح مبسوطی از استقبال مردم طهران خصوصاً علماء و بزرگان از آنجناب نوشته و میفرماید :

در منزل شیخ المشایخ العظام قدوه العلماء الفخام سمی ثا من الائمه (۱)علیه

۱- ا ظاهراً مراد از این عالم جلیل مرحوم آنا شیخ محمد رضا بن مولی محمد بن عاشور کرمانشاهی طهرانی است، مشار الیه از علماء معروف ومراجع طهران بوده و خانه اش مهمانسرای علماء و دانشمندان وخود ملجا وملاد خاص و عام بوده و در پنجم رمضان المبارک ۱۲۷۷در طهران وفات یافته جنازه اش را به نجف اشرف حمل و در وادی السلام در مقبره هود و صالح دفن گردید .

آلاف التحیه والسلام وارد شد . پس از چند روز که از دید و باز دید علماء وتجار و اعیان و مردم اندکی کاسته شد محمد شاه بزیارت و دیدار حاجی رفته پس از اداء تعارفات رسمیه حاجی خطاب به شاه فرمودند :

مبادا حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام از شما ملول و دلتنگ باشد . محمد شاه معنی این بیان را درک ننمود وحشت زده گفت : من الاسم نسبت به ائمه اطهار علیهم السلام در حد کمالست. حاجی کلباسی در جواب فرمودند :

به اعتقاد من تاکنون عالمی همچون سید الطائفه (مقصودشان سید حجه الاسلام بوده است نیامده است و او امروز مانند جد بزرگوارش حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام می باشد بجز اینکه آن حضرت معصوم بودند و ایشان معصوم نیستند . بعدا در ادامه سخن خود فرمود:

کسی که سید حجه الاسلام را اذیت کند حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام را اذیت کرده و آن کس که باید دشمنی کند با آن حضرت دشمنی کرده است .

امین الدوله کیست

نوشتیم که امین الدوله طرف توجه و عنایت مرحوم سید حجه الاسلام بوده و این موضوع یکی از علل مخالفت شاه با آن بزرگوار می باشد . این اجمال شرح حال امین الدوله :

عبدالله خان امین الدوله پسر بزرگ و ارشد مرحوم حاج محمد حسین خان

صدر اصفهانی در کتاب صدر الثواریخ (ص ۱۰۸) درباره او می نویسد:

مروج شریعت سید المرسلین که مرحوم شیخ جعفر نجفی وشیخ موسی و حاج سید باقر رشتی اصلی الله مقامهم او را علی بن یقطین خطاب می کردند درزهد وورع بی عدیل و در جلالت قدر بی بدیل .

و در صفحه (۱۰۵) همان کتاب است که :

مرحوم عبدالله خان امین الدوله در جلالت قدر بی نظیر و همیشه مصدر خدمات دولتی بود و در سنه ۱۲۶۸ درگذشت ، تاریخ وفات آن مرحوم این است :

ثم با قصر العز تاریخه جنه عدن از لفت بالامین نویسنده گوید : مرحوم امین الدوله از مردان خبر و خدمتگزار و متدین و حقاً ویرا باید خبرالظلمه دانست ، آثار زیر از او در نجف اشرف بجای مانده است :

۱- ترمیم قناتی در نجف ۲ - اتمام سورنجف که پدرش شروع به ساختمان آن کرده بود ۳- ساختن دو باب حمام بزرگی در نجف ۴ - ایجاد چندباب دکان ووقف کردن آن در نجف و ۵- ایجاد کاروانسرائی در نجف ووقف آن بر مدرسه صدر وغیره . در سال ۱۱۹۳ متولد و در پنجشنبه ۲۵ شعبان ۱۲۶۳ وفات یافته و در مقبره خانوادگی در مدرسه صدر نجف مدفون گردید (ص ۲۰۲ دانشمندان و بزرگان اصفهان).

شرح حالش در کتاب شرح حال رجال ایران (ص۲۷۸ جلد دوم) مذکوراست.

شورش مردم اصفهان

یکی از وقایع تاریخی در سال ۱۲۵۵ در شهر اصفهان شورش و قیام مردم این شهر است علیه حاکم جابر و ظالم خود خسروخان گرجی. هریک از نویسندگان کتب تاریخ ورجال آنرا بگونه ای تفسیر و تعبیر کرده اند .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۲۵۶) ضمن وقایع سال ۱۲۵۳ می نویسد :

شورش مردم اصفهان بر خسروخان گرجی که در عمارت هفت رست محصور شد و نصب فضلعلی خان به حکومت اصفهان . سپس در ضمن وقایع سال ۱۲۵۵ می نویسد : نهضت شاه (محمد شاه با قشون بسیار باصفهان ظاهراً به تأدیب اشرار و باطناً بترهیب مرحوم حاج سید محمد باقر که هیبت الهی مرحوم سید قضیه را برگردانیده و سیاست شاه صد و پنجاه تن معاریف اشراررابعضی بچوبه دار و برخی به آوارگی دار بدیگر دیار سر دسته شان حاج غلامحسین (نوکر) امام جمعه بود. در آگهی شهان از کار جهان (ص ۳۱ جلد سوم) نیز مرحوم انصاری همین مطالب را مختصرا نقل می کند

در روضه الصفای ناصری (ص ۲۰۳ جلد دهم) بخلاصه می نویسد :

محمد شاه در ۲۲ ذی الحجه ۱۲۵۵ بشهر اصفهان با قشون بسیار وارد ودر عمارت هفته دست منزل کرد و در محرم سال ۱۲۵۶ هفتاد نفر را گرفته برخی را کشته و جمعی را زندان کرده و برخی را بطهران بردند و حکومت اصفهان را به معتمد الدوله گرجی داده و در رجب ۱۲۵۶ بطهران مراجعت نمودند .

مرحوم سپهر در ناسخ التواریخ (ص۱۰۰ جلددوم چاپ امیر کبیر) می نویسد:

شهریار غازی (مراد محمد شاه است) روز ۲۵ شهر ذی حجه (سال ۱۲۵۵) وارد اصفهان گشت و نصرالله خان کشیکچی باشی را مأمور ساخت تا اشرار در هرجا باشند ماخود دارد. یک صد و پنجاه تن از مردم شریر بیدین در مدت اقامت شهریار در آن دیار دستگیر شد و بیشتر عرضه دمار گشته و برخی را مأمور بتوقف اردبیل فرمودند و چنان آن عرصه امن گشت که بسیار شب بحکم معتمدالدوله (منوچهر خان کرجی) امل حرفت دکاکین را در نمی بستند و بخانه های خویش

می شدند و آسوده می خفتند و هیچ وقت فلوسی از مال کسی نابودنگشت . (واکر گشت جرأت دم زدن نداشت).

در مقدمه این بیان (ص ۹۱) شرحی از فجایع اشرار در اصفهان نوشته مطالبین بدان کتاب مراجعه کنند . ضمناً می نویسد : در کاشان قریب پنجاه نفر را که بشرارت شهرت یافته بودند گرفته و به استراباد تبعید کرد.

اکنون توجه خوانندگان محترم را بنوشته مهدی بامداد در کتاب : شرح حال رجال ایران (ص ۱۰۹ جلد سوم) جلب می کنیم .

وی در ضمن بیان شرح حال فضلعلی خان قراباغی می نویسد :

شورش مردم اصفهان در سال ۱۲۵۳ به تحریک حاج سید محمد باقر شفتی و علمای دیگر علیه خسروخان گرجی حاکم این شهر .

نویسنده گوید : چه خوب بود که نویسنده ای همچون مهدی بامداد در علل و موجبات شورش مردم اصفهان در این سال علیه حاکم جائر وظالمی همچون خسرو گرجی ارمنی مدعی اسلام بیشتر دقت و تحقیق مینمود و بعداً کتاب خودرا با اینگونه مطالب غرض آلود کم ارزش نمینمود.

آیا علت شورش ظلم بی حد و بی عدالتی دستگاه حکومتی نبوده ، آیا استبداد رای وزیر یعنی حاج میرزا آقاسی مردم را عاصی و نافرمان نساخته، آیا بی توجهی شخص شاه و اطمینان بیش از حدار به وزیر موجب ناراحتی مردم نشده که سرانجام بشورش وغوغا منتهی گردیده و گویا نویسنده گرامی نمیداند که علمام بزرگوار اسلام وظیفه حمایت و جانبداری از مظلوم و برابری باظالم ودفع ورفع شر اورا دارند و اگر در این دوره (و در تمام ادوار) علماء بداد ستمدیدگان نرسند چه کسی وچه مقامی در اندیشه آنان است.

آیا اگر سید حجه الاسلام میخواست خسرو گرجی حاکم دست نشانده حاج میرزا آقاسی را از شهر اخراج کند نمی توانست ؟ آری مرحوم حجه

ص : ۱۸۵

الاسلام قدرت و توانائی آنرا داشت که او را با ذلت و خواری هر چه بیشتر از اصفهان بیرون کند.

اگر امین الدوله نمیخواهد و یا نمی تواند جلو الوار لنبانی و دیگر اشرار را بگیرد که وابستگان عیالش بودند چه ارتباطی به علمای بزرگوار دارد که مهدی بامداد و دیگران دامان اینان را لکه دار کنند.

آقای مهدی بامداد در کتاب خود (ص ۱۱۰ سوم) عین عبارات مرحوم حاج میرزا حسن خان جابری انصاری را در آگهی شهان بدون ذکر مأخذ نقل می کند .

علمای شیعه همیشه باظالم مخالف بوده اند

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۰۱) در ضمن شرح حال ملاحسین یزدی مؤلف کتاب مهیج الاحزان شرحی راجع به اخراج حاکم بزد نوشته و گوید : محاکم از طرف فتح علیشاه حکومت میکرد و چون ظلم زیاد بر مردم روا داشت مرحوم آخوند ملاحسین حکم به اخراج او فرمود و مردم ویرا با انواع فضاحت ورسوائی از شهر بیرون کردند .

پس از شرحی که در این باره می دهد می گوید :

در بلاد ایران ستم بی اندازه و فراوانست بنحوی که در هیچ بادی از بلاد ربع مسکون چنین نیست و اگر رعایا و برایا عارض شوند امر را اعیان ووسایط بر سلطان مشتبه می سازند .

همچنین مرحوم تنکابنی در کتاب نامبرده در ضمن بیان شرح حال حاج ملا احمد نراقی (ص ۱۳۱) می نویسد :

در زمانی حاجی حاکم ظالمیرا از کاشان بیرون کرده و مکرر این قضیه اتفاق

افتاد .. دنباله مطلب را طالبین از کتاب نامبرده بخوانند.

با این اوصاف آیا عالمی مقتدر ومرجعی همچون سید حجه الاسلام و علمای دیگر اصفهان برای اخراج خسرو گرجی حاکم احتیاجی بشورش و تحریک مردم داشتند و با آنکه خود قدرت آنرا داشتند .

توجه : باید خوانندگان عزیز متذکرومتوجه باشند که :

اگر برخی از علمای بزرگوار باحکام وسلاطین مماشاه کرده اند آنهم از روی مصالحی بوده و حفظ منافع مسلمین در نظر بوده است و هیچگاه مقصودی جز اسلام و امور مسلمانها نداشته اند .

اکنون به حدیث زیر توجه فرمائید :

علامه مجلسی رضوان الله علیه در بحار الانوار نقل از کنز الفوائد کراچکی از قول حضرت صادق علیه السلام روایت می کند که :

والملوك حکام علی الناس والعلماء حکام علی الملوك . پادشاهان فرمانروا بر مردمانند و علماء و دانایان فرمانروایان بر پادشاهان .

داستانی از امیر کبیر

مرحوم جابری انصاری در آگهی شهان (ص ۵۶ سوم) داستانی از امیر کبیر میرزا تقی خان نقل می کند که خلاصه آن چنین است:

در وقتی مرحوم حاج میرزا ابوالقاسم امام جمعه طهران نامه توصیه ای جهت شخصی مرقوم داشته و نزد اتابک فرستاد . اتابک بفرستاده امام جمعه گفت : به آقا بگو : اگر دیگر چیزی نوشته ای اخراج بلدت می کنم . چون خبر به امام جمعه رسید نامه دیگری به اتابک نوشته و در آن نوشته : اگر من بعرض مظلومین نرسم بس مظلوم کجا رود و به چه کسی داد خواهی کند ؟ امیررا این جواب

پسند آمد و حضوراً از امام جمعه تقاضا کرد که هر کجا مظلومی دیدید بمن آگهی دهید رسیدگی می کنم (شرح داستان مفصل است طالبین بکتاب نامبرده مراجعه کنند)

نتیجه این بیانات آنکه علماء بزرگوار هستند که طبق وظیفه شرعی باید به امور مردم رسیدگی کنند و میکردند و اگر احیاناً در جائی سکوت کرده اند آنهم مطبق موازین شرعی و وظیفه آنها بوده است.

برای آگهی از طرز رفتار خسرو گرجی وفضلعلی خان قراباغی و منوچهر خان گرجی باید بکتب تاریخ مراجعه نمود . ضمناً کتاب آقای مهدی بامداد نیز اطلاعات فراوانی از این افراد و عملیاتشان در حکومتهای خود در بر دارد . من جمله می نویسد : در سال ۱۲۳۴ خسرو خان گرجی حاکم گیلان بود و گیلانیان از او شکایت کردند او را عزل کردند (ص۴۰۱ سوم) و در سال ۱۲۵۲ فضلعلی خان حاکم ساری بود و بواسطه تعدیاتش مردم شورش کردند وارك دولتی محل سکونت او را محاصره کردند دولت او را عزل کرد (ص ۸۱ سوم) لکن در هیچ یك از این موارد به شکایت مردم رسیدگی نشده و حکام ظالم مقامی والاتر یافتند.

مهدی بامداد پس از نقل شورش مردم مازندران در سال ۱۲۵۲ در پاورقی (ص۸۱ سوم) می نویسد :

شورش مردم مازندران در سال ۱۲۵۲ مانند شورش مردم اصفهان در سال ۱۲۵۳ علیه خسروخان بود با این تفاوت که شورش اصفهان به واسطه رفتن محمد شاه به هرات دست بیگانگان نیز در این کار دخالت داشته (این است طرز قضاوت نویسنده کتاب شرح حال رجال ایران)

نامه وزیر مختار انگلیس به سید حجه الاسلام

مهدی بامداد در کتاب : شرح حال رجال ایران در سه قرن اخیر (ص ۲۵۹

سوم) در ضـمن شـرح حال محمد شاه و لشگرکشـی او بهرات و اشکالات و موانعی که دولت انگلیس در این راه ایجاد نموده بود و سفر وزیر مختار آن مملکت (سر ژون ماکنیل) به زنجان پس از شرح مفصلی می نویسد :

وی از زنجـان نامه ای به حاج سـید محمـد باقر شـفتی معروف به حجه الاسـلام بزرگترین مجتهـد و پیشوای تشیع در آن زمان نوشت و از وی در این باره کمک خواست.

جواب سید حجه الاسلام به نامه سفیر کبیر انگلستان :

مرحوم سید حجه الاسلام در جواب نامه فوق ضمن تأیید اقدامات دولت ایران (یعنی جنگ برای برگردانیدن افغانستان به ایران) تذکر داده بودند که در این قبیل مسائل بهتر است با خود امنای دوات تماس گرفته شود (و پای علماء اسـلام را در آن داخل نکننـد که پس از گـذشت یکصـد و پنجاه سـال نویسـنده ای در کتـاب خود بنویسـد شورش مردم علیه حـاکم ظالم و جایر به تحریک علماء و دسیسه خارجیان بوده است).

(بازدید سـید حجه الاسـلام از محمد شاه) : هر موقع فتحعلی شاه و محمد شاه به اصفهان می آمدند و چند روزی در این شهر می ماندنـد بدیـدار علماء این شـهر میرفتنـد و آنان نیز از شاه بازدیـد میکردنـد . البته برخی از علماء نیز قبلا بدیدن شاه میرفتند لکن معمولا شاه بدیدن حاجی کلباسـی و سید حجه الاسلام و شاید برخی دیگر از علماء میرفت و آنان از وی بازدید میکردند که فرمودنـد : مثـل الامـام والعـالم کمثـل الکعبه یؤتی الیها ولاتأتی الیهم (ص ۷۸ منتخب الـدعاء تألیف حاج شـیخ محمد باقر شریعتی دهاقانی (اصفهانی)

ص : ۱۸۹

مرحوم تنکابنی در فصص العلماء (ص ۱۴۴) می نویسد (به خلاصه واندک تصرف):

در سالی که محمد شاه بقصد ارعاب و تهدید مرحوم سید حجه الاسلام به اصفهان آمد و به خواست و مشیت حتی جلا وعلا اوضاع دگرگون شد، روزی مرحوم سید بقصد بازدید از شاه سوار بر استر (قاطر) شده و با عده ای از علماء واصحاب خود از محله بیدآباد بقصد عمارات هفت دست در سمت جنوب زاینده رود حرکت فرمود .

سید علی نقی عرب بر حسب عادتش که همیشه در این گونه موارد در جلو سید سوار بر اسب قر آن میخواند با صدای بلند و آهنگ دلنواز تر آن میخواند ، در آن زمانها در دو طرف رودخانه تا زمین های زراعتی وبائر بود و مانعی از ساختمان و غیره برای تماشای اطراف وجود نداشت. شاه از دور تماشا میکرد و دستور داد که اطرافیانش از وزراء ورؤساء قشون حتی سربازان از مرحوم سید حجه الاسلام استقبال نکنند و نسبت به او احترام نمایند .

چون نزدیک عمارت مفت دست که محل سکونت شاه بود رسید سید علی نقی این آیت را قراءت کرد « قل اللهم مالك الملك تؤتی الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء»الخ.

محمد شاه گفت : یقین است که عزت منحصراً بدست خداوند قادر متعال است که به این مرد این اندازه قدرت داره ویرا عزیز و گرامی داشته است.

و چون بنزدیک چادرهای سربازان که گرداگرد عمارت هفته دست بودند رسید این آیت را تلاوت نمود و با ایها النمل ادخلوا مساکنکم لایحطمنکم سلیمان وجنوده ، الخ. با شنیدن این ایه تمام سربازان و فرماندهان از چادرها بیرون ریخته ودست

و پای استر حامل مرحوم سید را می بوسیدند و در این کار بر یکدیگر سبقت فی جستند.

با دیدار این منظره بر حیرت شاه و وزیرش افزوده گشت. چون مرحوم سید حجه الاسلام به در سرای شاه رسید این آیت را قراءت نمود « انا ارسلنا الی فرعون رسولا نعصی فرعون الرسول »، الخ.

نویسنده گوید : تا کسی مؤید بتأییدات خداوندی نباشد و در آنچه انجام میدهد رضا و خشنودی خداوند را در نظر نداشته باشد ، این قلب نوی وایمان راسخ جهت او پیدا نمیشود . چنین کسی جز از خداوند تبارک وتمالی از هیچ کس و هیچ چیز نمی هراسد.

شیخ صدوق علیه الرحمه در کتاب صفات الشیعه (ص ۷۷ حدیث ۵۵) از قول حضرت صادق علیه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمودند :

«ان المؤمن من یخافه کل شیء وذلک انه عزیز فی دین الله ولایخاف من شیء وهو علامه کل مؤمن ».

ابی العلاء گوید که امام ششم علیه السلام فرمودند :

مؤمن کسی است که همه از او باک دارند و حساب میبرند و این بدان جهت است که او در نزد خدا عزیز و گرامی و صاحب قدرت در دین خدا می باشد و از هیچ چیز (جز خداوند) نمیهراسد و این نترسیدن از چیزها نشانه همه مؤمنین است .

سید علی نقی مذکور از اهل کاظمین بوده و قرآن مجید را به آهنگ حجاز بسیار شیوا وزیبا میخوانده و صدائی رساو لهجه ای گیرا داشته است و نقل شده است که صبح ها که در مسجد سید اذان می گفته صدای او را تا فاصله زیادی دور از شهر می شنیده اند .

پناهندگی ملا محمد تقی اردکانی

مولی محمد تقی بن ابیطالب یزدی اردکانی متوفی بسال ۱۲۶۸ یکی از علماء اخبار وصلحاء روزگار و عالم و فاضل و متقی و از شاگردان مرحوم سید حجه الاسلام شفتی بوده و به مناسبتی مورد اتهام دستگاه حکومت و مأمورین محمد شاه واقع شده و آنان در صدد اذیت و آزار وی بر آمدند ، وی ناگزیر به اصفهان آمده و در خانه سبد حجه الاسلام متحصن گردید و به امید نجات در آنجا معتکف شد.

(گرفتاری مرحوم اردکانی بدست مأمورین شاه) : در قصص العلماء (ص ۱۶۷) بخلاصه می نویسد : سالی که محمد شاه به اصفهان آمد نسبت بعموم علماء بالاخص مرحوم سیدحجه الاسلام و وابستگان ایشان بسیار رفتار بدی داشت و نهایت سوء رفتار را مسلوك داشته و دستور داد که آخوند ملا محمد تقی (اردکانی) را از خانه سید بیرون آورده و محبوساً بطهران برند .

محمد حسن خان اعتماد السلطنه در کتاب المآثر والاثار (ص ۱۴۵) در ستون اول درضمن شرح حال مرحوم آخوند ملامحمد تقی اردکانی مدرس مدرسه فخریه طهران می نویسد :

در سال ۱۲۵۷ وقتی که غالب علماء ممالك محروسه را حاج میرزا آقاسی صدر اعظم محترماً بطهران حرکت میداد او را نیز آوردند (در نظر اعتماد السلطنه کسیرا که محبوساً بطهران بیرند یعنی محترماً بطهران برده اند).

مرحوم اردکانی در برخی از تألیفات خود اشاره به زندانی بودن خود بدون آنکه جرمی مرتکب شده باشد، می نماید . علامه طهرانی در الذریعه (ص ۲۷۰ پنجم پاورقی) می نویسد :

اما زمان حبس وعلت زندانی بودن او را نمیدانیم بغیر از آنکه احتمال داده

ص : ۱۹۲

میشود که علت آن علاقه او به حاجی میرزا آقاسی بوده و زمانش پس از مرگ محمد شاه یعنی بعد از شوال ۱۲۶۴ باشد.

نویسنده گوید : بطوری که ملاحظه میشود مرحوم ننگاینی که خود معاصر با علامه اردکانی بوده و احتمالا در موقع گرفتاری اور نیز در اصفهان بوده است پناهندگی و گرفتاری او را در سال ۱۲۵۷ می نویسد وعلامه طهرانی بطور احتمال در سال ۱۲۶۴ می نویسد و ظاهراً قول مرحوم تنکابنی بیشتر مورد اعتماد است .

طرز رفتار محمد شاه با مرحوم سید حجه الاسلام

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۶۷) در ضمن بیان مسافرت شاه به اصفهان (در سال ۱۲۵۷) می نویسد :

محمد شاه به اصفهان آمد و زیاده از سی هزار تومان به آن جناب (یعنی مرحوم سید حجه الاسلام) ضرر وارد آورد.

مرحوم حاج سید شفیع جاپلقی در روضه البهیه (ص ۲۱) می نویسد :

سید حجه الاسلام در نزد جمیع طبقات از شاه و مردم محترم و معززو مقبول القول بود وقتی که فتح علیشاه مرد ومحمد شاه بجای او نشست... در این موقع از طرف شاه به تحریک وزیر او نسبت به سید بی احترامی شده و هتک حرمت او شد، برخی از نوکران او را گرفته و اذیت و آزار رسانیده و کسانی را که بوی پناهنده شده بودند ما خود داشته و حرمت بست او را شکسته از آن جمله ملامحمد تقی اردکانی است .

اموال زیادی از سید ماخوذ داشته (به بهانه های گوناگون)که مقدار آنرا حدود سی هزار تومان می نویسند .

پس از این اعمال شاه مدت اندکی زنده بود و وزیرش نیز به نکبت و بدبختی

در خارج مملکت مرد راقطع دابر القوم الذین ظلموا والحمد لله رب العالمین .

مرحوم رضا قلی خان هدایت در روضه الصفای ناصری (ص ۲۵۳ جلد دهم) طبق عادت مألوف خود همه بدرفتاری های شاه و وزیررا بعنوان تفقدی خام وصحبتی مخصوص باد نموده و گوید : عموماً (یعنی عموم علماء من جمله سید حجه الاسلام و حاجی کلباسی رضوان الله علیهما) به حسن خلق وغور درک وعلو همت و سمورتبت شاهنشاه اسلام پناه متفق الکلمه گشتند ...

آثار باقیه محمد شاه

در ناسخ التواریخ (ص ۲۱۲ دوم قاجاریه) آمار زیر را از محمد شاه ذکر می کند که همگان مربوط به صوفیه است :

۱- ساختن بقعه جهت شیخ محمود شبستری در تبریز .

۲- ساختن قبه و بارگاه جهت شیخ فرید الدین عطار در نیشابور . ۳- ساختن قبه برای شیخ ابوالحسن خرقانی در خرقان بسطام . ۴ - ساختن بقعه برای حاج محمد حسن نائینی در شهر نائین ۵- ساختن گنبد و بارگاه برای حاج ملارضا همدانی در شهر کرمان .

۶- تعمیر و ساختن بقعه ملا عباسعلی بنابی صوفی در مراغه (صفحه ۶۰۲ دوم مکارم الاثار).

معاشرین و معتمدین و مشاورین محمد شاه :

در روضه الصفای ناصری (ص ۱۶۳ جلد دهم) در ذکر علل و موجبات قتل میرزا ابوالقاسم قائم مقام می نویسد:

عالی جنابان حاجی میرزا آقاسی ایروانی و حاجی زین العابدین شیروانی و میرزا نصرالله اردبیلی و میرزا مسلم خوئی و میرزا نظرعلی حکیم باشی از ارباب حال واصحاب کمال در رکاب اقدس از هر سوی اجتماع یافته بودند و در خلوت خاص بصحبت ونصیحت اختصاصی کامل داشتند و حضرت اقدس را همی از بازجوانی اعتمادی بدین طائفه و اعتقادی بدین طبقه بود وغالباً بحق تعلیم تقدیم بافته بودند ...

نتیجه این بیانات آنکه محمد شاه باصوفیه یعنی مخالفین علماء محشورو مأنوس بوده و در کارهای مملکت با آنان مشورت مینموده است .

علاوه بر اینهاوی طبق عهدنامه نگین ترکمن چای و به حمایت روسهابه سلطنت ایران رسید وروسیان در جنگ های ده ساله خود با ایرانیان قدرت علمای بزرگوار شیعه را از نزدیک لمس کرده بودند گرچه بدلیل خیانت برخی از رؤسای لشکر وحکام ولایات و برخی دیگر از متنفذین شهر تبریز جنگ به نفع آنان وضرر ایران تمام شد اما آنها معتقد بودند که این مرکز قدرت باید از بین برود . شاه که دست نشانده آنها و مشهور است وزیر صوفی مسلک مخالف با علماء بود با علماء اسلام به مخالفت برخواسته جمعی را زندانی وعده ای را بعناوین مختلف بطهران کشانید .

وزیر بی تدبیر و کم سواد اما پرادعا و بانفوذی که در شاه داشت هر کجا لیاقت واستعدادی می دید و با قدرت و نفوذ کلمه و محبوبیتی مشاهده میکرد درصدد از بین بردن آن بود ، قتل قائم مقام بجرم لیاقت و شایستگی او بود و آنچه در این دوره با علماء اسلام مخالفت شده است همه به اشاره همین وزیر بوده است.و در پاورقی کتاب صدر التواریخ (ص ۱۵۶) نقل از سفر نامه رضا قلی میرزا نوه فتح علیشاه (صفحه ۳۰) می نویسد :

میرزا آقاسی ایروانی مردی دیوانه و شریر مطلقاً عقل در سرش جای نگرفته

ص : ۱۹۵

و با وجود عدم عقل افلاطون حکیم را طفل دبستان خود ندانسته و فاسد العقیدهای که به هیچ وجه از مبداً و معاد تصوری می نمود از عرفانیت فقط باسم تصوف قناعت ودعوی این مرحله را به قانون سوفسطائی کفایت میدانست در بدو حال از اوامر و اوباش ایروان محسوب می شد ...

این شخص علاوه بر نادانی بسیار متعصب بود خط مشی و روش او نسبت به بیگانگان عبارت از یک سوء ظن شدید و عمیق بوده است (ص ۱۶۰ صدرالتواریخ نقل از تاریخ ایران تألیف سر پرسی سایکس).

اما چون حاجی میرزا آقاسی روزگار خود را به تعلیم و تعلم بسر برده بود از اسرار سلطنت ورموز مملکت داری بی خبر بود (ص ۴۰ جلد دوم قاجاریه ناسخ التواریخ - ص ۱۶۰ صدر التواریخ).

حاجی مرحوم درصدارت خود مبغوض جمیع مردم بود جز چند نفری دیگر هیچ کس به وزارت او راضی نبود در پیش حاجی سعاه وخبر رسانان مطلوب بودند با او سر بگوشی سخن می گفتند که دیشب فلان وفلان انجمن داشتند و در عزل شماهم داستان شدند به این واسطه تقرب پیدا میکردند ... به مردم فحش بسیار میداد، هر کسی از زخم زبان اور مجروح وهر دلی از تیر دشنامش مشروح بود ... حاجی به جز فحش کار دیگر نداشت.

در کتاب : حقایق اخبار ناصری (ص ۲۵۰ بنقل پاورقی صدر التواریخ ص ۱۵۹) می نویسد : صدارت عظمی به حاجی میرزا آقاسی که سابقاً در آذربایجان به تعلیم امیرزادگان می پرداخت مفوض شد.

از این صدارت کار مملکت به خسارت رسید انورملکی مختل گشت و حقوق دیوانی لم یصل آمد.

در عهد حاجی در هر سال در کرور (به پول آن زمان) مخارج ایران بر مداخل

آن زیادتی پیدا میکرد .

در کتاب صدر التواریخ وروضه الصفای ناصری و ناسخ التواریخ ودیگر کتب مطالب مفصلی از فساد دستگاه حکومت و نابسامانیها و جنایتهای اطرافیان و وابستگان حاجی میرزا آقاسی نوشته اند که باید طالبین بدانها مراجعه نمایند. ضمناً از کارهای اساسی و مفید او تأسیس قورخانه و ریختن توپ وتهیه وسائل جنگی حفر قنوات را می نویسنده

در فصص العلماء (ص) می گوید که ملا قربانعلی قزوینی شاعر معروف به بیدل در هجوم میرزا آقاسی می گوید : نگذاشت برای شاه حاجی در می شدصرف قنات و توپ هر بیش و کمی نه مزرع دولت را از آن چاه نمی نه خایه خصم را از آن توپ غمی

همچنین می نویسند که حاج میرزا آناسی در سال ۱۲۵۳ مجموع دهات و املاک و مستغلات خود را که یکهزار و چهارصد و سی و هشت قریه و مزرعه می باشد (از ترس مخالفین وطمع شاه) به محمد شاه بخشید .

توضیح آنکه حاجی میرزا آقاسی پس از قائم مقام که در شب شنبه آخر ماه صفر سال ۱۲۵۲ بدستور محمد شاه در باغ نگارستان خفه گردید بمقام صدارت رسید و تا هنگام مرگ محمد شاه یعنی۶شوال ۱۲۶۴ با کمال قدرت در منصب صدارت برقرار بود بنابراین واگذار کردن املاکش به شاه در سال دوم صدارتش بوده و این همه املاک و مستغلات را در زمان معلمی ولیعهد و دیگران بدست آورده است و عملا حقیقت درویش مسلکی وصوفی منشی خود را ثابت نموده است .

در خاتمه این مقال گوئیم که علامه طهرانی در الکرام البرره (ص ۶۹۱ دوم)

بنا بنقل از سید مصطفی بن اسماعیل موسوی در کتاب : اللوامع المحمدیه در وصف حاجی مرقوم می نویسد :

آیه الله الاستاد الأفخم والفیلسوف الأعظم والبحر الخضم لسان العرب قدوه العلماء الراسخین معلم الحکماء الأساطین العالم العامل الورع الکامل الشیخ عباس بن مسلم الایروانی .

علامه طهرانی دنباله عبارات فوق می نویسند : ان المسموع من الثقات العارفین خلاف ذلک کله (انتهی).

(تألیفات حاجی) : کتب ورسائل زیر را به میرزا آقاسی نسبت میدهند و در مجمع الفصحاء (ص ۳۸۸ دوم) می نویسد بیشتر تألیفات او از بین رفته است . ۱- تفسیر آیه نور (مأخذ آنرا فراموش کرده ام که یادداشت نمایم . ۲- تفسیر بعضی از آیات مشکله (ص ۱۵۸ صدر التواریخ).

۳- چهل فصل سلطانی- شیم فرخی در عرفان تاریخ ختم رساله سوم جمادی الأولی ۱۲۴۶ پس از بازگشت از سفر حج در فهرست کتابخانه دانشکده الهیات مشهد مقدس (ص ۲۵۸ دوم) شیم فرخی می نویسد لکن در طرائق الحقایق (ص ۱۳۵ سوم) وبه پیروی از آن در مکارم الاثار (ص۷۶ یکم) شیم فخری مینویسد در هر حال رساله در طرائنی الحقایق بچاپ رسیده است .

۴ – ده فصل در حکمت، در طرائق الحقایق (ص ۱۳۵ سوم) بچاپ رسیده است. ۵- دیوان اشعار در مجمع الفصحاء گوید جمع آوری نشده است ، تخلص نفری بمناسبت لقب استاد و مرشد او ملا فخر الدین عبد الصمد همدانی مفتول در روز عید غدیر سال ۱۲۱۶ در کربلا بدست فرقه وهابی . ۶- رد پادری ، در طرائق الحقایق (ص ۱۵۸ سوم) گوید : رد پادری

تألیف میرزا بزرگ قائم مقام به اعانت و همراهی حاجی میرزا اقاسی بوده است.

۷- رساله در اصول دین بطوری که دانشمند بزرگوار آقای حاج سید محمد علی روضاتی نقل فرمودند نسخه ای از آن در کتابخانه مرحوم آقا میرزا ابوالحسن کتابی در اصفهان بوده است.

۸ - سهام عباسیه بفارسی در اوائل جنگ ایران و روس تالیف شده است نسخه ای از آن در کتابخانه آستانه رضویه موجود است (ص ۲۶۰ دوازدهم الذریعه).

* - شیم فخری همان چهل نسل است که مذکور گردید در طرائق الحقایق (ص ۱۳۵۰ سوم) گوید : مطالب مهمه شریعت و حقیقت را در نهایت وضوح واختصار بیان نموده است

۹- مصباح محمدی (ص ۱۵۸ صدر التواریخ) ودر الکرام البرره (ص ۶۹۲ دوم) بنام مصابیح محمدیه در اصول و فروع خوانده شده و گوید نسخه ای از آن در یکی از کتابخانه های بروجرد موجود است . .

نویسنده گوید: ممکن است رسانه در اصول دین و مصباح محمدی به کتاب باشد. .

۱۰- نگارنامه در جغرافیا (ص ۱۴۲ سوم) طرائق الحقایق .

(اولاد حاجی) مرحوم حاج میرزا آقاسی دارای دو فرزند پسر بنامهای ۱- شیخ محمد جعفر (ص ۱۶۲ کتاب المآثر والاثار) ۲ - میرزا عبدالوهاب مؤلف رساله در لغات گلستان (ص ۳۲۹ هیجدهم الذریعه) بوده است .

مرحوم حاجی در سال ۱۱۹۸ (ص ۷۸ یکم مکارم الاثار) متولد و در شب جمعه ۱۲ رمضان المبارک سال ۱۲۶۵ در اعتاب مقدسه ائمه عراق علیهم السلام وفات یافته و همانجا مدفون گردید .

ص :۱۹۹

آوردن معتمد میرزا علی محمد باب را به اصفهان

یکی از قضایای قابل توجه در اواخر زندگانی مرحوم سید حجه الاسلام آوردن میرزا علی محمد باب است به اصفهان که منوچهر خان گرجی حاکم این شهر انجام داد .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۲۵۸) در ضمن وقایع ساله ۱۲۵۹ می نویسد :

شدت مرض نقرس محمد شاه ... وسیاست معتمد که در چنین فرصت با مرغ شاه و سخافت وزیر و بی صاحبی ایران بوسیله دعوی او شاید بتواند ایران مدار شود فرستاد اورا (میرزا علی محمد باب) از حبس شیراز آوردند و در برج چهل ستون پنهانش کردند خفای او از انظار موجب توهمات مو همه مردم ساده شد.

در ناسخ التواریخ (ص ۱۵۰ دوم قاجاریه) شرحی راجع به او نوشته و گرفتاریش را در شیراز و مباحثه ویرا با علمای آن شهر و زندانی شدنش را بیان داشته ، در آنجا که گوید :

منوچهرخان ایج آقاسی معتمد الدوله به گمان اینکه شاید ویرا در دین جاه و مقامی باشد و از ادعای او که می گفت من صاحب الامر هستم و کتابی بهتر از قرآن آورده ام (نعوذ بالله) بی خبر بوده کس فرستاد که اورا از زندان شیراز رهانیده به اصفهان بیاورد، اتفاقاً در این وقت بیماری وبا در شیراز شیوع یافته و کسی را پروای دیگری نبود. میرزا علی محمد را به اصفهان آورد و علمای این شهر را انجمن کرد و چون وی را علمی نبود که قدرت مباحثه داشته باشد خودرا به نوشتن مشغول داشت تا مجلس مباحثه ختم گردید سپس معتمد ویرا پوشیده از مردم نگاه داشت و چنین وانمود که اورا از اصفهان بیرون نموده است.

ص : ۲۰۰

معتمد تازنده بود ویرا در اصفهان نگاه داشت و شبها عده ای را دعوت میکرد که ویرا دیده و سخن او را بشنوند و ظاهراً از این کار ترویج او و پیشرفت مقاصد خود را در نظر داشت و نظر خارجیان نیز در آن بی اثر نبود.

شرح مباحثه میرزا علی محمد با علمای اصفهان در ناسخ التواریخ ودیگر کتب مسطوراست طالبین بدانها مراجعه کنند. و اما انتقال میرزا علی محمد شیرازی از زندان شیراز به اصفهان و نگهداری او در تحت حمایت منوچهر خان گرجی ارمنی مدعی اسلام به هر اسم وعنوانی بوده بضرر اسلام و مسلمین و مملکت ایران بود وفتنه ها وزیانهای غیرقابل جبرانی در دنبال داشت که مجال ذکر آنها نیست.

شرح حال معتمد الدوله منوچهر خان خواجه ارمنی گرجی در بسیاری از کتب وتواریخ زمان قاجار به اختصار وتفصیل نقل گردیده و مهدی بامداد در کتاب شرح حال رجال ایران (ص ۱۵۹ تا ۱۶۳) مفصلا بیان داشته است مطالبین مراجعه

کنند.

مشار الیه در طول حکومتهای خود در ولایات مختلف مال وثروت فراوانی تحصیل نمود که پس از مرگش در سال ۱۲۶۳ دولت بعنوان خواجه بودن ووارث نداشتن همه را تصرف کرده.

در باره شقاوت وسنگدلی او درد گرزن در کتاب : ایران و مسأله ایران (ص ۲۱۹ جلد دوم) بنقل مهدی بامداد در کتاب شرح حال رجال ایران (صفحه ۱۶۲ چهارم) می نویسد :

معتمد الدوله منوچهر خان از حکم خونخوار ایران بوده ، در سال ۱۲۵۶ سیصد نفر را در نزدیکی شیراز زنده زنده گچ گرفت.

رضا

اشاره

سید حجه الاسلام از مرگ فتحعلی شاه تا هنگام رفات

(۱۲۵۰ - ۱۲۶۰)

ص : ۱۷۳

فصل یازدهم: (عبادت و بندگی و خضوع مرحوم سید)

اشاره

عبادت و بند گی کردن وخضوع مرحوم حجه الاسلام)

مقدمه :

قال الله تبارك و تعالی : و انما یخشی الله من عباده العلماء ، (سوره فاطر آیه

۲۸)

خشیت و ترس از خدا

بمعنی ترس شدید و گاهی آمیخته با تعظیم است ، در این آیه خداوند متعال میفرماید : سرکاری سیاسی داروسازی

منحصراً دانشمندان از خداوند میترسند (ترسی که در اثر علم به عظمت مقام حضرت پروردگار و خردی خود حاصل گردیده، خویشتن را در مقام عبودیت کوچك می بینند و خداوند را بزرگ)

در کتاب کافی در ذیل تفسیر این آیه از حضرت صادق علیه السلام روایت می کند که فرمود:

علماء کسانی هستند که کردارشان مؤید ومصدق گفتارشان باشد و اگر کسی خیر آنچه می گوید عمل کند عالم نیست (اصول کافی باب صفه العلماء حدیث۲).

از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمودند : بالعلم یطاع الله ویعبد وبالعلم یعرف الله ویوحد وبالعلم توصل الأرحام وبه

ص : ۲۰۲

بعرف الحلال والحرام والعلم امام العقل والعقل تابعه ويلهمه الله السعداء ويحرمه الأشقياء.

بوسیله علم خدا شناخته و پرستش می شود و بوسیله دانش خدا شناخته شده و جویندگان حق ازرا بوسیله علم می یابند ، بوسیله علم صله ارحام انجام میشود وحلال وحرام شناخته می گردد.

علم پیشوا و رهبر خرد است و خرد پیرو علم است ، خداوند سبحان علم را به بندگان سعادتمندالهام نموده و اشتباه و بدبختان را از آن محروم میگرداند. (الثالی الاخبار ص).

از ابن عباس روایت شده که می گفت :

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مکرر در مکرر از خوف خداوند متعال غش میکرد و بی هوش میشد اما در جهاد در راه خدا چون کوه ثابت و برقرار بود . راز واجبات فوق العاده مراقبت میفرمود و در تمام کارها رضای پرودگار را در نظر داشت ، و کسی بیشتر از آن حضرت با مشرکین قتال و کارزار نموده است

تفسیر جامع م ۴۴۱ پنجم).

نشانه های شیعه

شیخ صدوق رحمه الله علیه در کتاب : صفات الشیعه (ص ۴۴) از حضرت صادق علیه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمودند :

شیعتنا اهل الورع والاجتهاد واهل الوفاء والأمانه واهل الزهد والعباده اصحاب احدی وخمسین رکبه فی الیوم واللیله القائمون باللیل الصائمون بالنهار بزکون اموالهم ویحجون البیت ویجتنبون کل محرم

حضرت صادق علیه السلام در این حدیث طبق روایت ابوبصیر از آنحضرت

دوازده صفت از صفات شیعیان را بدین شرح بیان می فرماید :

شیعیان آن حضرت کسانی هستند که : ۱ - مردمانی پرهیز کارند (از معاصی اجتناب می کنند). ۲- در امر عبادت و آنچه مربوط به دین است کوشا می باشند . ۳- بمهد و میثاق خود وفادارند. ۴- امانت پیشه اند و خیانت نمی کنند ه - نسبت به امور دنیائی بی اعتناء می باشند .۶- عبادت پیشه می باشند .

۷- در شبانه روز پنجاه و یک رکعت نماز واجب وناقله آنها را بجا می آورند.

۸- در شبها بعبادت خداوند ایستاده اند ۹- روزها را روزه میدارند . ۱۰ - زکوه اموالشان رامیپردازند . ۱۱- حج خانه خدای بجای می آورند . ۱۲ - از هر کار حرام وناشایسته ای دوری می جویند .

نویسنده گوید : باید من و عموم کسانی که خود را پیرو آن حضرت میدانیم این حدیث و دیگر احادیثی را که در باره صفات شیعه از ائمه اطهار علیهم السلام روایت شده است را مطالعه کرده و با خود تطبیق دهیم و متوجه باشیم که تا چه حد در ادعای خودصادق می باشیم.

با مطالعه در شرح حال بیشتر علماء و بزرگان و بالاخص مرحوم سید حجه الاسلام می بینیم که آنها و آن مرحوم یکی از مصادیق واقعی شیعه بودند .

(حدیثی دیگر در نشانه های شیعه):

ص : ۲۰۴

شیخ صدرق رضوان الله علیه در کتاب صفات الشیعه (ص۵۳ حدیث ۲۲) جابر جعفی از قول حضرت باقر علیه السلام هنده صفت بدین شرح جهت شیعیان روایت می کند ؟

۱- از خداوند میترسند (واز معاصی میپرهیزند). ۲- اطاعت اوامر حق تعالی می کنند . ۳- بتواضع و فروتنی شناخته میشوند (وتکبر نمی کنند). ۴ - در برابر خداوند تبارک و تعالی خاشعند ۵- امانت پیشه اند .۶- همیشه بیاد خدا هستند (وذکر خدا زیاد می گویند) .

۷- زیاد نماز میخوانند ۸- روزه دار هستند .

۹- نسبت به پدر و مادر نیکی می کنند .۱۰ - نسبت به همسایگان متعهدند (واز حال آنان بی خبر نیستند) . ۱۱- به حال قراء و درماندگان رسیدگی می کنند. ۱۲ – به قرض داران میرسند (وقرض آنان را اداه می کنند). ۱۳ - از یتیمان سر پرستی می کنند

۱۴- راستگو می باشند . ۱۵ - تلاوت قرآن می کنند . ۱۶ - زبان از عیب جوئی مردم می بندند و از آنها جز خوبی نمی گویند . ۱۷ - در بین خاندان وملت خود امین هستند .

(نکته قابل توجه) : آنچه بیشتر از همه چیز در زندگانی مرحوم سید حجه الاسلام جالب توجه است. موضوع عبادت وخضوع خشوع او در برابر حضرت

حق جل وعلا می باشد .

مهمترین تألیفات اور کتاب : مطالع الانوار و تحفه الابرار است که فقط مربوط به نماز است و در سایر مباحث فقهی کتاب مستقلی تألیف نفرموده بخبر از رساله در دیات و آنچه از مباحث دیگر نقل کرده در این کتابها بمناسبت می باشد ویا در رساله (کتاب) سؤال و جواب در پاسخ پرسش مقلدین می باشد . بنابراین یکی از خصوصیات آن مرحوم موضوع عبادت و نماز وتهجد وزیارت و دعا می باشد.

عبادت مرحوم سید حجه الاسلام

علامه صاحب روضات در ضمن بیان صفات و ملکات مرحوم سید حجه الاسلام میفرماید :

حجه الاسلام عالمی شاکر بود و این حقیقت را در برابر سپاسگذاری از عنایات خاصه حضرت پروردگار که نسبت به او ارزانی داشته بود بزبان و قلب وعمل ابراز می نمود (ص ۲۹۰ دوم ترجمه روضات).

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۳۶) در این باره می نویسد :

اما عبادت حاجی سید محمد باقر پس فوق طاقت تحریر خامه قاصر است ووصف نماز او بشرح زیر است که در ضمن شرح حال علامه شیخ محمد حسن اصفهانی صاحب جواهر الکلام (ص ۵۰۵) مرقوم داشته است.

نماز سید:

او (یعنی مرحوم سید حجه الاسلام) زمانی که تکبیره الإحرام قراءت میفرمودند مد میداد من از بعضی از تلامذه ارسوال کردم که لفظ جلاله (الله) جای ما نیست

ص : ۲۰۶

و چرا مد می دهند و در جواب گفت :

ما با ایشان این سخن را در میان نهاده ایم در جواب فرمودند که :

زمانیکه به کلمه مبارکه (الله) تکلم می کنم از حالت اختیار بیرون میروم و این مد دادن اختیاری نیست.

مرحوم سید حجه الاسلام همه نماز را با خضوع تمام و باحزن بلکه با گریه قرابت میکرد و بر هر شنوندهای واضح میشد که نماز او با نهایت حضور قلب است، در نوافل هم ذکر رکوع و سجودرا سه دفعه میخواند وزیر کفهای دسک هم مهر می گذاشت . مجملا نماز آن بزرگوار در حضور قلب و خضوع عدیل وبدیل نداشت بلکه مستمع را هم گریه غالب میشد.

در روایت وارد شده است که حضرت موسی علی نبینا وعلیه السلام مناجات کرد و در مناجات عرض نمود بارالها پاداش کسیکه از خوف تویگرید و اشکش جاری شود چیست؟حضرت حق جل وعلا فرمود : اقی وجهه من النار واومنه یوم الفزع الاـکبر (مستدرک سفینه البحار ص ۳۲۶ دوم) وایضاً روایت شده است که : چشمی که از خوف خداوند بگرید در روز رستاخیز نمیگرید (سفینه البحار ص ۹۴ یکم) روایات درباره گریه از خوف خداوند و ثواب آن زیاد است طالبین به کتابهای مربوطه مراجعه فرمایند .

محدث قمی علیه الرحمه در فوائد الرضویه (ص ۴۲۹ دوم) به نقل از کتاب تکمله امل الامل در شرح حال مرحوم حجه الاسلام می نویسد :

.آن بزرگوار عالمی ربانی و روحانی (بود) و از جمله کسانی بود که حلال وحرام آل محمد علیهم السلام را میدانست و احکام آن بزرگواران راه حکم نمود مخالف هوای نفس خود و مطیع اوامر ودستورات مولای خود بود و همیشه در حال

مراقبت و توجه بحضرت حق سبحانه و تعالی بود هیچ چیز مانع حضور قلب و مراقبه او نمیشد .

مؤلف تکمله از قول پدر خود نقل می کند که :

گوشه های چشم مرحوم سید حجه الاسلام در اثر کثرت گریه در نماز شب مجروح بود . حضرت سجاد علیه السلام در ضمن دعاو تضرع میفرماید : (ص۱۱۷ بند ۳۰ دمای ۱۶ چاپ فض الاسلام) با الهی لوبکیت الیک حتی تسقط اشفارعنی الی آخر الدعاء ، مرحوم سید حجه الاسلام به پیروی از اجداد بزرگوارخود آنقدر از خون خداوند گریست تا پلکهای چشمهای او مقروح گشت.

همچنین مؤلف تکمله از قول برخی از نزدیکان سید حجه الاسلام نقل می کند که :

با مرحوم سید به برخی از قراء ودهات رفتیم در بین راه جائی منزل کردیم هنگام شب مرا فرمود آیا نمی خوابی ؟ به رختخواب خود رفتم . پس از اندک زمانی سید حجه الاسلام تصور کرد که مرا خواب ربوده است ، از جای خود برخاست و بنماز ایستاد بخدا قسم دیدم که اعضاء و جوارحش می لرزید به کیفیتی که یک کلمه را چندین بار تکرار می نمود در اثر شدت حرکت نکین و آنقدر تکرار میکرد تا آن کلمه را صحیح اداء میکرد .

وهمچنین یکی از نزدیکان واشخاص مورد وثوق و اطمینان مرا گفت : مرحوم سید حجه الاسلام از شدت حضور قلب در برابر خداوند متعال تمام اعضاء و جوارحش می لرزید و چون مجلس او خالی می شد و مردمان از اطرافش متفرق می گشتند اشکش جاری می شد و او گفت من خود جاری شدن اشک هایش رادیدم همان موقعی که مردم از مجلس او خارج می گشتند بلافاصله .

ص :۲۰۸

نویسنده گوید : از حضرت سید الشهداء علیه السلام روایت شده است که فرمودند :

من هیچگاه بر پدرم وارد نشدم جز آنکه ویراگریان دیدم (ص ۵۹۰ نمونه معارف اسلام دوم).

بیماری فتق

مرحوم تنکابنی در قمس العلماء (ص ۱۳۷) می نویسد :

سید حجت الاسلام) در اواخر عمر آنقدر گریسته بود و به هایهای ناله و بیقراری و گریه و زاری کرده بود که او را باد فتق عارض شده بود و با فتق بند آنرا بسته بود ، اطباء هرچه معالجه کردند مفید نیفتاد آخر الامر او را از گریه منع کردند و گفتند که گریه بر شما حرام است چه گربه موجب زیادتی آن بیماری می شود .

پس هروقت مرحوم سیدبه مسجد میرفت تا موقعی که ایشان نشسته بود اکران به منبر نمیرفتند مگر وقتی که او از مسجد بیرون میرفت و اگرذاکری بمنبر میرفت واو نشسته بود بر نمیخواست و شروع بگریستن می نمود .

مرحوم تنکابنی در دنباله این مطلب میفرماید : به این نحو گریستن کسی را نشان نمی دهند مگر فرزندش مرحوم حاج سید اسدالله وحاجی ملا محمد اشرفی و شهید ثالث (ملامحمد تقی برغانی).

اما عبادت این دو سه نفر را نسبت به عبادت سید حجه الاسلام نمیتوان داد .

مناجات خمسه عشر

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء گوید (ص ۱۳۷):

@@@

مرحوم سید حجه الاسلام در قنوت تمام نمازها و در همه اوقات این دعا را میخواند :

۲۹۰مرحوم سید حجه الاسلام مناجات خمسه عشر را در حفظ داشت و با گریه بر آن مداومت داشت ، وشهید ثالث نیز آنرا در حفظ داشت و در سجود نماز میخواند و در سجده مشغول خواندن مناجات ششم با حال گریه و زاری بود که او را شهید کردند (شنبه ۱۷ ذی القعده ۱۲۱۴).

در دنباله این موضوع مرحوم تنکابنی می نویسد : مرحوم حاج سید اسدالله فرزند مرحوم سید بدلیل اینکه این مناجاتها سند معتبر ندارد و علاوه بر آن صلوات بر محمد و آل محمد در آن مناجاتها نیست با آنکه عموما دعاهای منقوله از خاندان عترت و طهارت علیهم السلام صلوات در ضمن آنها می باشد مانع از قرامت او بود . سپس خودگوید که :

سابق بر این سندی برای این مناجات یافته بودم و از آن گذشته برخی دیگر از ادعیه منقوله هم صلوات ندارد و اگر کسی بقصد ورود نخواند قطعا اشکالی ندارد و اگر بقصد ورود هم بخواند مانعی ندارد و از ادعیه مرسله محسوب می گردد.

اما برای پرستاری محدث قمی در مفاتیح الجنان میفرماید :

علامه مجلسی رحمه الله علیه در بحار الانوار فرموده است که من یافتم این مناجات را مروی از حضرت سجاد علیه السلام در کتب بعضی از اصحاب رضوان الله علیهم .

قنوت :

مرحوم تنکابنی (ص ۱۲۷ أمم العلماء) می نویسد :

ص : ۲۱۰

اللهم اهدنا فیمن هدیت، وعافنا فیمن عافیت وتولنا فیمن تولیت وقنا شر ما فضیله وبارک لنا فمن اعطیت ،.

سپس گوید که مدت یکسال در خدمت حجه الاسلام بودم (واظب بنماز اور خصوصاً نماز صبح باوجود بعد مسافت منزلم تا مسجد سید حاضر میشدم) بغیر از این دعا در قنوت او نشنیدم چنانکه شیخ بهائی در قنوت نمازها غالبا این دعارا میخوانده است

اللهم اغفر لنا وارحمنا وعافنا واعف عنا فی الدنیا والاخره انک علی کل شی قدیر .

مرحوم آقا میرزا محمد تقی فقیه احمد آبادی عالم جلیل زاهد در کتاب : آداب الجمعات و ادعیه ای که ائمه معصومین علیهم السلام در قنوت نماز جمعه وغیره میخواندندرا نقل فرموده مطالبین بکتاب نامبرده مراجعه کنند. .

تهجد وشب بیداری

مرحوم سید حجه الاسلام شبها از حالت عادی خارج گردیده و از نیمه شب به بعد به نماز ودها اشتغال داشت و تا صبح به گریه و زاری و بیقراری مشغول بوده ودر صحن کتابخانه میگردید و بسرو سینه خود میزد و در حال گر بستن دعا میخواند ونرباد ناله اورا همسایگان می شنیدند .

دو حالت متضاد

مرحوم تنکابنی در قمع العلماء (ص ۱۳۸) در ضمن داستانی از تهجد وعبادت شبانه مرحوم حجه الاسلام می نویسد:

چون شب میشد آنجنامی دیوانه میشد وروزعاقل و کیفیت آن چنان بوده که:

چون پاسی از شب می گذشته در صحن و سرای کتابخانه مانند دیوانگان بر سر خود میزده و های های گریه میکرده و بهتر است ادعیه و مناجات و نماز مشغول می شد و چون صبح طالع می گردیده عمامه بر سر نهاده وعابر دوش گرفته مانند عقلاه و فرزانگان می نشسته ، این طرز رفتار تمام شبهای او بوده است.

سهو در نماز : در قصص العلماء (ص ۱۳۸) می نویسد :

گویند در مدتی که مرحوم سید حجه الاسلام در مسجد نماز جماعت میخواند (مسجد حاج طالب - مسجد میرزا باقر - مسجد سید) هرگز در نماز سهونکرد مگر یک روز که فرزندش سید هاشم وفات کرده بود که در آن روز در نماز ظهر سهو کرد.

چراغ جهت روشنائی

همچنین در قصص العلماء می نویسد :

شبها مرحوم سید حجه الاسلام در کتابخانه تنها بود (نیمی از شبه مطالعه وتصنیف و نیمی عبادت می گذرانید و اندکی استراحت نموده و بخواب میرفت) چراغ او در فتیله داشت یکی کلفت و دیگری باریک هروقت بیدار بود فتیله کلفت را روشن میکرد و هنگام خواب فتیله باریک را . چون قرص خورشید پنهان میشد چراغ را روشن میکرد و چون آفتاب طلوع میکرد آنرا خاموش میفرمود . تنکابنی گوید که : گویند این اسم (روشن و خاموش کردن چراغ) مایه گشایش امور واتبال وروی آوردن دولت است.

ص : ۲۱۲

حمام رفتن :

مرحوم سید حجه الاسلام جهت تنظیف روزهای چهار شنبه بحمام میرفت وحدیث نیز بهمین مضمون وارد است و معرو است که روز چهارشنبه سر تراشیدن باعث ازدیاد دولت میشود (قصص العلماء ص ۱۳۸).

قیافه و اندام سید حجه الاسلام

مرحوم تنکابنی در فصص العلماء (ص ۱۴۴) می نویسد :

(مرحوم سید حجه الاسلام) نهایت قلیل الجثه و باریک اندام و کوتاه و ضعیف و نحیف بود.

در قریه چالشتر(چال شتر- چالش تر) واقع در نه کیلومتری غرب شهر کرد (دهکردسابق) عمارت سرپوشیده ای است که شرح آنرا دانشمند فرزانه آقای سید کریم نیک زاد امیر حسینی در کتابهای خود (ص ۱۴۳ جلداول جغرافیا و تاریخ چهارمحال و بختیاری و صفحه ۴۶۱ جلد دوم تاریخ و جغرافیای چهارمحال) بطور تفصیل مرقوم فرموده و خلاصه آن بدین قرار است : عمارت سرپوشیده تالار بزرگی

در وسط دارد به طول ۹/۵ متر وعرض ۵ متر وارتفاع حدود پنج متر سپس شرح مفصلی راجع به چگونگی بنا و کیفیت درهای آن وارسی ها و همچنین گچ بریها و بقاشی ها مرقوم داشته تا آنجا که می نویسد :

در طاقچه ها و طاقچه بلندهای آن صور بعضی از سلاطین مانند : نادر شاه

و کریم خان زند و آقا محمد خان وفتح علیشاه و محمد شاه و ناصر الدین شاه نقش شده به صورت ناصرالدین شا کمی جوانتر و گویا اوایل جلوس او که مصادف با (تاریخ) ساختمان این بنا بوده نقاشی کرده .

(همچنین) در طاقچه بلندهای آن صورت بعضی از عرفاء مانند : با یزید بسطامی از متقدمین ونور علیشاه از متأخرین و بسیاری دیگر را نقش کرده اند .

وازعلماء صورت شیخ بهائی و حاج سید محمد باقر رشتی و پسرش حاج سید اسداله وامام جمعه اصفهان (میر سید محمد حسین) نیز منقوش بوده است.

و عکس میرداماد و میرفندرسکی بینهایت جالب توجه بوده است .

سپس مؤلف محترم می نویسد: متأسفانه این ساختمان (با همه اهمیتش) مانند بسیاری دیگر از ساختمانهای قدیمی و قابل توجه در اثر بی دقتی و عدم توجه مالکین رو بخرابی نهاده و عکس ها نیز در شرف از بین رفتن است.

ص : ۲۱۴

فصل دوازدهم: (سید و برخی از معاصرین وی)

اشاره

سید حجه الاسلام و برخی از معاریف علماء و ادباء وحکام معاصر)

در این فصل فقط بذکر اسامی عده ای از علماء و بزرگان و کیفیت برخورد مرحوم سید حجه الإسلام با ایشان بطور اجمال بحث می کنیم .

۱– مرحوم آقا سید ابراهیم حسینی مختاری سبزواری ساوجی.

از علماء و فضلاء زمان و در ساوه سکونت داشته باصفهان مهاجرت نموده و مورد توجه و عنایت مرحوم سید حجه الاسلام واقع گردیده و مرحوم سید در جنب منازل خود جهت مشار الیه منزلی تهیه نموده که اعقاب واخلاق او تاکنون در آن محله و خانه سکونت دارند و به مناسبت مقام قدس وشوای او به مقام معروف بوده که خاندان او به همین شهرت تاکنون معروفند و آنرا نیز نام خانوادگی خود قرار داده اند .

۲– میرزا محمد ابراهیم بن محمدباقرجوهری هروی الاصل قزوینی المسکن اصفهانی المدفن

شاعر ادیب واعظ محدث مؤلف کتاب معروف : طوفان البکاء در مصائب حضرت سید الشهداء علیه السلام . در اواخر عمر به اصفهان مهاجرت نموده و مورد احترام مرحوم سید حجه الاسلام قرار گرفته و مشارالیه آن مرحوم را مدح

و ستایش گفته سرانجام در سال ۱۲۰۳ در اصفهان وفات یافته در قبرستان آب بخشان مدفون گردید . در دوران اخیر که قبرستان راتسطیح نموده و تبدیل به خانه و مغازه و مدرسه و خیابان و میدان شد قبروی در گوشه مدرسه تبریزی قرار گرفت و به همت تاجر دیندار نیکوکار مرحوم حاج ابوالقاسم تبریزی جهت او أطانی ساخته و به

کوچه مجاور مدرسه در گذاردند و از آن همه آثار وقبور بزرگان و علماء فقط همین بکث نبر باقی ماند . اعقاب وأخلان او در اصفهان با نام خانوادگی جوهری از تجار و کسبه ومحترمین بشمار میروند .

۳– حاج محمد ابراهیم بن حاج محمد حسن بن حاج محمد قاسم کاخکی کرباسی (مشهور به حاجی کلباسی).

از اعاظم علماء و مجتهدین واکابر قهساء ورؤساء ملت ودین. آشنائی آن مرحوم با سید از زمان تحصیل در نجف اشرف بوده و این آشنائی ورفاقت به دوستی بلکه ارادت وبک جهنی و صمیمیت مبدل گردید بطوری که عموم نویسندگان کتب تراجم رجال در شرح حال آندو بزرگوار نوشته اند : کمتر دوعالم (وحتی غیر عالم)دیده و یا شنیده شده است که تا این حد متحد و یکدل بوده باشند هرکجا می خواستند بروند با یکدیگر وعده کرده و باتفاق تشریف میبردند در راه رفتن هر به دیگری را مقدم میداشته و هردوحاج ملاعلی نوری را مقدم بر خود می داشته اند معرو است که حاجی کلباسی در اصفهان احدی را غیر از سید حجه الاسلام مجهد نمی دانسته و خود با آن همه مقام وشخصیت به زواره رفته و جهت مرحوم سید عبال انتخاب نموده و بشهر می آورد .

۴– حاج ملا اسدالله بروجردی. عالم فاضل محقق مدقق معروف به حجه الاسلام.

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۴۵) می نویسد :

مرحوم سید حجه الاسلام سه نفر از علماء عصر را تفسیق کرد. یکی حاج ملا اسد الله بروجردی بود . چند نفر از علماء بروجرد مانند آخوند ملا علی وغیره سیدرا هستند برفست او نموده پس سید ویرا تفسیق نرمود .

محدث قمی در فوائد الرضویه (ص ۴۲یکم) می نویسد :

اسد الله بن عبدالله بروجردی عالم فاضل کامل در فقه و اصول شاگرد صاحب قوانین و داماد او بود (وی همچنین شاگرد مرحوم آقاسید محمد مجاهد کربلائی نیز بوده است) بطوری که در کتاب : المآثر والأثار (صفحه ۱۴۰) می نویسد : مشاراليه در اواخرعمرادعاء اعلمیت نموده و باب علم رامفتوح میدانسته است . در تاریخ بروجرد (صفحه ۳۴۴ دوم) می فرماید : در دهه سوم سال ۱۲۷۱ در بروجرد وفات یافت . ویرا از زنان متعدد هفت فرزند پسر بهم رسیده است (ص۱۹۵۳ ششم مکارم الاثار).

نویسنده گوید : مقام علمی شخصیت والای مرحوم حاج ملا اسد الله خیلی بالاتر از اینگونه اتهامات است که ویرا نعوذ بالله به فسق آلوده سازند ، بلکه اینگونه اتهامات بیشتر از ناحیه کسانی است که بر مقام و شخصیت او حسد میبردند و با فریب متظاهرین بدیانت را میخوردند.

۵-آقا محمد اسماعیل فرزند حاج محمد حسن عارف نائینی .

در طرائف الحقایق (صفحه ۳۵۱ سوم) و از آنجادر مکارم الاثار (صفحه ۲۰۲۵ ششم) شرحی راجع به او نوشته خلاصه آنکه :

وی عارف و صوفی بود و عده ای در خدمت مرحوم سید حجه الاسلام شهادت بر کفر او دادند تا اینکه آنجناب حکم کفر و ارتداد وبالنتیجه حکم قتل اورا صادر فرمود، وی از اصفهان فرار کرد و سالها مخفیانه در مشهد مقدس میزیست و در زمان محمد شا صوفی که صوفیه کروفری یافتند و از مخفیگاه خود خارج

شـده به نائین رفت و در آنجا متأهل شده و اولادانی یافته و بالاخره بسال ۱۲۷۲ در شهر نائین فوت شده و در جنب پدر بخاک رفت. همچنین در طرائق و مکارم می نویسند که پس از ثبوت ارتداد او زنش را به میرزا عبد الحسین شوهر دادند ومضحک تر آنکه می گویند شورش مردم اصفهان در سال ۱۲۶۵ و کشته شدن میرزا عبدالحسین در اثر شامت این ازدواج بوده است .

علامه روضاتی حفظه الله که چاپ مجلدات شـش گانه مکارم الاثار بهمت رسـمی ایشان و زیر نظر مستقیم وتصحیحشان انجام یافته در پاورقی مطالب فوق (صفحه ۲۰۲۶ ششم) می نویسند؛

داسـتان تکفیر بنحوی که راوی آن ساخته و پرداخته است از حقیقت دور و گواه سوء نیت راوی (و نویسـنده کتاب ط) وقصد اهانت بروحانیت و تحقیر مقام شامخ سید حجه الاسلام اعلی الله مقامه بوده است کما لا یخفی (انتهی) .

نویسـنده گوید : اگرحقاً جمعی از مردم عادل و آگاه بر کفر و ارتداد اوشهادت داده باشند حکم مجتهد در این موردنافذاست مگر آنکه جرح شـهود نموده و حکم نقض شود و بایـد محمدشاه مدعی مسـلمانی وقتی بدو دست یافت اورا فوراً بقتل برساند نه آنکه ویرا آزاد بگذارد که به نائین رفته و در آنجا عده ای را گمراه گرداند .

ثانیاً عیال مرقد مطابق قوانین اسلام احتیاج به طلاق ندارد که نویسنده طرائق ومکارم بنویسند که زوجه او بی طلاق شوهر کرده

ثالثاً آقا محمـد اسـماعیل صوفی مرتـد و کافرچه شخصـیتی است که فتنه اصـفهان در اثر شوهر کردن بدون طلاق زن او باشـد بلکه اگر گفته بودنـد که فتنه اصـفهان (البته شورش مردم اصـفهان) در اثر انجام ندادن حکم خداوند درباره مرتد بوده اسـت بهتر و شایسته تر بود .

با للعجب چه مهملاتی که باید از صوفیان بشنویم و چه مردم خوش باوری

که نوشته صوفیان را در کتاب خود نقل می کنند، خداوند از تقصیرات همه ماها در گذرد انه غفور شکور.

۶- مرحوم آقا شیخ محمد تقی بن محمد رحیم رازی ایوان کیفی اصفهانی

عالم فاضل محقق مدقق فقیه اصولی صاحب حاشیه بر کتاب : معالم الأصول بنام « هدایه المسترشدین .

وی از شاگردان مرحوم شیخ جعفر نجفی معروف به کاشف الغطاء وهم داماد ایشان بوده و نزد جمعی دیگر از فحول علماء و مجتهدین نیز تلمذ فرموده و از حدود سال ۱۲۲۲ در اصفهان ساکن و در مسجد شاه امامت و تدریس مینموده

است .

مرحوم تنکابنی در فصص العلماء (ص ۱۱۷) در ضمن شرح حال او می نویسد :

حجه الاسلام به اور مالی نداشت و احکام او را امضاء نمیکرده

شیخ محمد تقی در ظهر جمعه ۱۵ شوال المکرم سال ۱۲۴۸ در اصفهان وفات یافته در تخت فولاد در تکیه مادر شاهزاده مدفون شد.

نویسنده گوید : مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (صفحه ۱۶) در ضمن شرح حال آقا سید ابراهیم قزوینی بمناسبتی می نویسد :

حاجی کلباسی را اعتقاد آن بود که اجتهاد در نهایت صعب است و آنانکه مدعی اجتهادند اکثر مجتهد نیستند و اگر کسی ادعای اجتهاد و مرافعه مینمود حاجی اورا تفسیق میکرد (انتهی).

بظن نویسنده بیشتر تفسیق ها که در آن زمان انجام گرفته روی همین اصل بوده است . و معروف آنست که حاجی مرحوم شیخ محمد تقی را نیز ....

۷- مولی محمد تقی بن علی محمد نوری مازندرانی

ص : ۲۱۹

عالم فاضل زاهد عابد از شاگردان حاجی کلباسی وحاج ملاعلی نوری و آنا سید علی صاحب ریاض المسائل بوده است .

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (صفحه ۱۴۵) پس از شرحی که درباره ایشان می نویسد گوید :

میرزای مزبور را فتاوای غریبه ای که خارج از قانون فقاهت است بسیار است لیکن در امر بمعروف و نهی از منکر اوحد زمان و نادره دوران بود .

جماعتی از امل نور در خدمت حجه الاسلام شهادت به فسق او دادند پس سید او را تفسیق نمود.

مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار (صفحه ۱۱۸ یکم) می نویسد :

شاید مراد صاحب قصص از تفسیق سید صاحب عنوان را کلامی باشد که در و البدر التمام ، (صفحه ۲۱) از کتاب سؤال و جواب مرحوم سید نقل کرده بدین عبارت : بدین عبارت : سر و کار دارای

و اما آنچه در این اوقات أستماع شده که در بلاد طبرستان کسی ادعا نموده که غلیان کشیدن در ماه مبارک رمضان جایز و بی عیب بلکه خود می کشد و ترغیب مردم در کشیدن آن می نماید، اگر اصل داشته باشد چنین کسی قابل تصرف در احکام خلاق جهان جلت عظمته نیست، بلکه چنین اشخاصی مخرب شریعت پیغمبر آخر الزمان و مطرود درگاه وهاب علی الاطلاق می باشند برکافه اهل ایمان اجتناب از ایشان بلکه امانت آنها لازم است و انتی .

نویسنده گوید : مسئله مفطر بودن و نبودن غلیان در روز ماه مبارک رمضان از مسائل خلافی بین فقهاء بزرگوار است که باید در حوزه های درس و مباحثه درباره آن سخن گفته شود و هر یک از طرفین در نفی و اثبات نظریه خود اقامه دلیل و برهان نمایند ، اما اینکه مسائل خلافی را در بین مردم عوام ترویج کردن مسلماً خارج

ص : ۲۲۰

از قاعده فقهاه بزرگوار بوده و زیانهای غیر قابل جبرانی دارد

مرحوم آقا میرزا محمد تقی در شنبه ۱۱ شوال ۱۲۰۱ متولد و در ربیع المولود ۱۲۶۳ وفات یافته در نجف اشرف مدفون گردیده است و مقام او بالاـتر از آنست که بـاین گونه تهمت هـا آلوده گردد و این سـخن هـا از نـاحیه کسانی است که میخواسـته اند روحانیون بزرگوار همچون سـید حجه الاسلام یا حاجی بروجردی و با صاحب عنوان را در نزد مردم کوچک و بی اعتبار کنند . والله متم نوره ولو کره المشرکون .

در مکـارم الاثار (ص ۱۱۸ یکم) بنقـل از دار السـلام مرحوم محـدث نوری فرزنـد مشـار الیه بیست کتاب و رساله از تألیفات نامبرده را ذکر نموده است.

۸- میرزا سـید جعفر فرزند میرزا محمد حسین بن میرزا محمد مهدی موسوی شهرستانی اصفهانی حائری نواده دختری آقا محمد علی بهبهانی متصدی موقوفات شهرستانها و موقوفات میرزا فضل الله شهرستانی.

چون از طرف مرحوم حجه الاسلام شـبهاتی در باره موقوفات شهرسـتانی ها شـد به اصـفهان مهاجرت کرده و خـدمت مرحوم حجه الاسـلام شـرفیاب گردیـده و مباحثاتی انجام داد . ویرا تألیفاتی است از آن جمله : ۱- رساله در انساب وحیـد بهبهانی ۲- رسـاله در دفع شـبهات وارده بر موقوفات میرزا فضل الله بعربی ۳-رساله دیگری در همین موضوع بفارسـی ۴ - رساله در جواز تقلید میت ۵ - رساله در غیبت ۶- رساله در غذا ۷- رساله در حکم عصیر ۸ - رساله در حکم آب

گوشتی که در حال جوشیدن قطره خون در آن بیفتد (ظاهراً این دو رساله از افادات مرحوم سید حجه الاسلام و موضوع بحث آن بزرگوار بوده).

مرحوم میرزا سید جعفر در سال ۱۲۶۰ وفات یافته است (ص ۴۶۷ یکم الکرام البرره)،

ص : ۲۲۱

۹– مرحوم میر محمد حسین بن میر عبد الباقی خاتون آبادی امام جمعه میفهان

در ضمن حالات مرحوم سید حجه الاسلام نوشتیم که در موقعی که هنوز عنوان وشهرتی نداشتند در حین عبور از کوچه ای به منکری از منکرات برخورد نموده بموجب تکلیف شرعی در مقام نهی بر آمده لکن جمعی از اشرار وولگردان و عاملین منکرویراگرفته و پس از اذیت و آزار حبس می کنند خبر به مرحوم امام جمعه رسیده نوکران خودرا فرستاده و ایشان را نجات میدهد . در کتبی که این جریان را نقل کرده اند نام امام جمعه ذکر نشده است لکن از روی قرائن همین بزرگوار می باشد .

مرحوم حاج میر محمد حسین سلطان العلماء در حدود سال ۱۱۵۸ متولد و در شب دوشنبه ششم ماه صفر ۱۲۳۳ وفات یافته و تالیفاتی نیز دارد (ص۹۵۹ سوم مکارم الاثار).

۱۰– ملا حسین بشر و بهای فرزند عبد الله

مهدی بامداد در کتاب خود : شرح حال رجال ایران (ص ۲۷۹ یکم) شرح دوران زندگی پر ماجرای اورا مفصلانوشته و گوید: از طرف میرزا علی محمد شیرازی مأمور شد که در اصفهان بنزد مرحوم حاج سید محمد باقر حجه الاسلام برودلکن در باره این سفرو برخورد او با مرحوم سید حجه الاسلام چیزی ننوشته است و ناگفته پیداست که با جرأت ملاقات نیافته ویاخائباً خاسراً مراجعت نموده . تولدش ۱۲۲۷۹ و کشته شدن او ۱۲۶۵ می باشد.

۱۱ – حاج محمد حسین شیخ زین الدین معروف به حسینعلی شاه اصفهانی عارف از اقطاب صوفیه .

در قصص العلماء (ص ۱۵۱) بخلاصه می نویسد : وقتی از اوقات صوفی معروفیرا تکفیر کردند پس خدمت آخوند استفتاء

نمودند آخوند د ملا علی نوری شرح مفصلی در تکفیرش نوشت و گفت توای قتل با مجتهدین است، خدمت مرحوم سید حجه الإسلام رسیده که حکم به قتل کند مرحوم سید در این قبیل موارد بر حسب تکلیف شرعی مسامحه داشت (حکم قتل ننوشت و نوشته دیگران را نیز امضاء نفرمود) نوشته آخوند ملا علی را نزد او برده و ماجرا را نقل کردند مرحوم آخوند بسیار ناراحت شده و فرمود : من اهل خبره ایشانم و ایشان کافرند وحکم بقتل کردن تکلیف حاکم شرع است چرا باید مسامحه نمایند .

در طرائق الحقایق (ص ۱۰۰ جلد سوم) شرح این جریان را مفصلا نوشته لکن امضاء نفرمودن حکم را از طرف مرحوم سید حجه الاسلام ذکر ننموده است فقط می نویسد : چون حسینعلی شاه را بطهران بردند نمیدانم از جائی به پادشاه خبری رسید یا دل اورا اثری عارض گردید .

نویسنده گوید : ظاهراً علت تغییر وضع و اظهار محبت فتح علیشاه نسبت به حسینعلی شاه آن بوده که مرحوم سید حجه الاسلام با قتل او موافق نمی باشد وحکم قتلی که دیگران داده و نمیدانیم چه کسانی هستند را امضاء نفرموده است.

حسینعلی شاه در اصفهان ساکن و در مسجد علی آقا اقامه جماعت مینموده (ص ۱۰۱ سوم) و هم در آنجا موعظه و تدریس مینموده و در ۱۱ محرم ۱۲۳۴ در کربلا وفات یافته ، ویرا کتابی است در رد بادری نصرانی

شرح حال حسینعلی شاه در کتاب مکارم الاثار (ص ۹۷۲ سوم) ذکر شده است .

۱۲ – خسرو خان گرجی حاکم اصفهان .

مهدی بامداد در کتاب خود : شرح حال رجال ایران (م ۴۷۹ سیم) شرح حالی از او نوشته و گوید :

از میان حکام کسی بود که به شفاعت علماء اعتنائی نمی کرد (انتهی).

شورش اصفهان در سال ۱۲۵۳ در زمان حکومت او و علیه او بعلت ظلم وستم و بی عدالتی های او نسبت بمردم رویداه است نه بتحریک علماء اسلام بلکه اگر پای علمام بزرگوار در این میان بوده عنوان هدایت و رهبری نداشته اند و وظیفه شرعی آنان در دفع ظلم وستم بوده است و آنرا نباید تحریک نام نهاد که بامداد می گوید .

اوتا سال ۱۲۶۳ زنده بوده و بعد از این تاریخ نمیدانیم چه وقت وکی مرده است.

۱۳ – عالم فاضل محقق شیخ خلف بن الحاج عسکر حائری

از مشاهیر شاگردان صاحب ریاض المسائل بوده و علامه صاحب روضات الجنات درباره او میفرماید (ص ۲۶۷ چاپ اول):

از کثرت تتبع سید همنام ما صاحب و (مطالع الانوار) در شگفتی و تحسین و ستایش بوده است،

(قل به معنی) در معارف الرجال (ص ۲۹۸ یکم) فوت او را در رای سال ۱۲۴۷ می نویسد ولکن صاحب روضات میفرماید در دهه پنجم بعد از هزار و دویست وفات یافته است.

۱۴ – حاج سید رضی مازندرانی ، حکیم و فیلسوف از مدرسین عالیمقام

تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۱۹) در ضمن شرح حال حاجی کالباسی

می نویسد:

از قول آقا سید رضی مازندرانی نقل کردند که گفته است : علماء دین ندارند این خبر به مرحوم حاجی رسید او را خواسته فرمودند که از قول شما چنین می گویند ویکی از ملاها من هستم پس معلوم میشود دین تو غیر از دین من می باشد و من

مأمورم که هر که دینی غیر از دین من داشته باشد اورا بقتل برسانم ، سید بهانه ای آورد و طبی تصدیق بیماری او نمود حاجی از قتل او در گذشت و او را نفی بلد نمود ، مدت یک سال وی در نجف آباد ساکن بوده بعداً مرحوم سید حجه الاسلام از او شفاعت کرده بشهر بازش گردانید .

نویسنده گوید : آنچه معروفست مرحوم حاجی کلباسی در این قبیل موارد ساکن بوده و حکم قتل نمیداد . والله اعلم .

مرحوم حاج سید رضی لاریجانی اصفهانی طهرانی از اجله علماء ومعاریف شاگردان آخوند ملا علی نوری بوده در اواخر عمر درطهران ساکن و در مدرسه خان مروی تدریس مینموده و در سال ۱۲۷۰ وات یافته است . (ص ۱۷۴ المآثر والاثار - ص ۱۹۵۷ ششم مکارم الاثار)

۱۵- شیخ صادق رشتی

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۴۶) می نویسد : سومین عالمی که مرحوم سید حجه الاسلام ویرا تفسیق نمود حاج ملا صادق رشتی بود، در شرح حال او می نویسد : وی جامعیت داشته ونطاق بوده و در وعظ تسلطی داشته و از شاگردان آقا سید علی صاحب ریاض المسائل بوده و یکصد و هیجده سال عمر کرده ونا آخر عمر حواس او برجا بوده است ، پس از شرح مختصری می نویسد : بعضی از اهالی رشت جمع شدند و در خدمت حجه الاسلام شهادت بر فسق او دادند لهذا جناب سید اور تفسیق نمود و مطلب را به اهالی رشت مرقوم فرمود . سپس مرحوم تنکابنی می نویسد : یحتمل که امر پر جناب سید مشتبه شده باشد .

نویسنده گوید : احتمال آنکه دست استعمار و بیگانه در این شهادتها ودر نتیجه آلوده ساختن آن علماء بزرگوار بسیار است . فاعتبروا یا اولی الابصار .

۱۶- سید سلیمان طباطبائی یزدی نائینی

سید ورع فاضل از تلامذه شیخ

جعفر کاشف الغطاء و دیگران بوده و حال او در عزاداری حضرت سید الشهداء علیه السلام در ایام عاشوراء بدین گونه بود که : لباس سیاه می پوشید وجمیع لذائذ را بر خود حرام میکرد و شب و روز در این مصیبت جانسوز می گریست و اقامه مزا در منزل خود نموده و اطعام میکرد و خود بنفس نفیس خدمت مؤمنین میکرد وعمامه از سر بر می داشت و استبنها بالا میزد و در منبر پس از موعظه در ذکر مصیبت خود بیشتر از همه گریه میکرد و حاضرین از دیدن حالت او منقلب می شدند .

وی پس از سال ۱۲۵۰ وفات یافته است. خواب سید حجه الاسلام : در فوائد الرضویه (ص ۲۰۴ یکم) می نویسد :

گویند مرحوم آقا سید محمد باقر حجه الاسلام پیش از وفات او خواب دید که عصا از دستش افتاد پس از آن خبر فوت این سید جلیل بار رسید .

خوابی دیگر از مرحوم سید حجه الاسلام :

همچنین نقل شده است که مرحوم حجه الاسلام قبل از فوت مرحوم میرزای قمی همین خواب را دیده است.

۱۷ – حاج میرزا عبد الرحیم بن حاج سعید شیخ الاسلام بن میرزا رحیم شیخ الاسلام نائینی

شیخ الاسلام نائین ، صوفی و عارف ملقب به نظر علی شاه متوفی سال ۱۲۴۰ قمری .

مرحوم حاج سید عبدالحجته بلاغی در تاریخ نائین (ص ۱۱۷) بخلاصه می نویسد :

نزد مرحوم سید حجه الاسلام در اصفهان سعادت کردند که شیخ الاسلام صوفی شده است مرحوم سید شیخ الاسلام را به اصفهان می طلبد چون به اصفهان

ص : ۲۲۶

وارد میشود به محضر سید میرود آن مرحوم بر منبر نشسته و بدرس مشغول بوده اند شیخ الاسلام شروع بمباحثه می کند و پس از فراغت از درس مرحوم سید ازساعیان و شاکیان سؤال میفرماید آن شخص که احضار شده آمده است؟ می گویند بلیو اشاره به شیخ الاسلام می کند و می گویند همین است.

سید میفرماید تو به چنین عالمی توهین می کنی و تهمته صوفیگری باو میزنی و آن کس را از نزد خود بیرون کرده و رعایت احترام شیخ الاسلام را میفرماید

مرحوم شیخ الاسلام جد اعلای علامه فقیه مرحوم آقا میرزا محمد حسین غروی نائینی مجتهد معروف می باشد (فرزند میرزا عبد الرحیم بن محمد سعید بن حاج عبد الرحیم (محمد رحیم) شیخ الاسلام صاحب عنوان فرزند حاج سعید بن حاج میرزا رحیم منوچهری نائینی).

۱۸ – حاج عبدالله خان امین الدوله فرزند حاج محمد حسین خان صدر .

سابقاً شرح وابستگی او را به سید حجه الاسلام و سپس پناهندگی وبرا بده خانه ایشان ووساطت و شفاعت کردن آن مرحوم از وی و بالاخره مهاجرتش بعراق نوشتیم در این جا گویم که :

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۴۹) می نویسد : در سالیکه سید حجه الاسلام وفات یافت من در اصفهان بودم که امین الدوله دعوی بیست هزار تومان بر آنجناب نمود و مرحوم سید در جواب فرمود که در آن تنخواه را داده بودی که من بابت مظالم بفقراء داده باشم و من داده ام . امین الدوله گفت که من بودیعه نزد شما گذاشته بودم . سید فرمود مرا اشتغال دمه به تنخواه تو نیست لکن الحال که قبول نداری من خود قبول دارم و اینکه بفقراء داده ام مال خود من باشد و وصیت کرد که از مال او بیست هزار تومان به امین الدوله بپردازند (و پس از وفات مرحوم سید وراث او پرداختند).

ص : ۲۲۷

نویسنده گوید: با توجه به نوشته مرحوم تنکابنی که از شهود عینی بوده گفته مرحوم انصاری که مرحوم سید مسجد را از پول امین الدوله بنا نمود بی اعتبار و کلامی بدون دلیل می باشد.

۱۹ – آقا محمد علی بنمحمد باقر مازندرانی.

عالم فاضل محقق مدقق مواد در ۱۱۸۸ متوفی در ۱۲۴۵ مدفون در بقعه جناب امامزاده سید علی اکبر در قمشه .

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۳۴) می نویسد :

زمانی که شیخ جعفر نجفی وارد اصفهان شد روزی آنا محمد علی وحاجی محمد ابراهیم (کلباسی) در خدمتش بودند که بدیدن مرحوم حاج سید محمدباقر رفت و شیخ به سید عتاب فرمود که : آقا محمدعلی فاضل رقیه است چراتووحاجی محمد ابراهیم رعایت نمی کنید و سبب اشتهار او نمی شوید و تقصیر از شما دو فراست، سید وحاجی در مقام معذرت بر آمدند لیکن حاج سید محمد باقر قلی با او مربوط نبود بلکه اورا مجتهد نمی دانست. سری

زوجه او دختر شیخ جعفر بود و پس از فوت مشار الیها دختر میرزا محمد باقر نواب لاهیجی را بزوجیت گرفت.

نویسنده گوید: وقتی عالمی جلیل همچون آقا محمد علی مازندرانی و یا محلی مدتی همچون شیخ محمد تقی رازی را که استاد فقهاء و مجتهدین زمانست وعموم معاصرین مقامات علمی آنان معترفند را مجتهد ندانند تکلیف مدعیان اجتهاد در زمان حاضر و در کلیه زمانها روشن و معلوم است . فاعتبروا یا اولی الابصار .

۲۰ – مرحوم آخوند ملا علی بن جمشید نوری مازندرانی.

حکیم فیلسوف ادیب شاعر متخلص به (نور) ، شرح حالش را بطور اجمال در ضمن اساتید مرحوم سید حجه الاسلام نوشتیم در این جاگوئیم مرحوم آخوند

ص : ۲۲۸

از جمله ارادتمنـدان به سـید بوده و بـا وجود ضـعف مزاج و کهولت سن و شـیخوخیت بنمـاز ایشـان حاضـر میشـده ، اینک دو داستان از او نقل می کنیم :

۱- وقتی جهت اقتداء بنماز به مسـجد میرزا باقر می آید و در صف جماعت می نشـنید اتفاقاً مرحوم سـید اندکی دیرتر از وقت بمسجد می آیند چون مرحوم آخوند را در صفوف جماعت مشاهده می کنند میفرمایند : چرا جلو نایستادید تا مردم بشما اقتدا کننـد و نمـاز از اول وقت عقب نیفتـد؟ آخونـد می گویـد: من خود را عادل نمیـدانم . سـید میفرمایـد : در این سن هنوز عادل نیستید، خود جلو رفته و شروع نماز می کند .

۲- دفعه ای دیگر آخوند به مسجد سید آمده بودند انفاقاً پیش آمدی جهت سید روی میدهد که بمسجد تشریف نمی آورند (وخبر می دهنـد که نمی آیم) روز دیگر که آخونـد سـید را می بیند با حال تغیر اظهار میدارد : من بخاطر شـما مسـجد می ایم آنوقت خود شما به مسجد نمی آئید مرحوم سید عذر میخواهد .

۲۱- مولی علی اکبر بن محمد باقر اژه ای.

عالم فقیه زاهـد حکیم متکلم امام مسـجد علی و مـدرس در آنجا مؤلف کتابهای عدیده از آن جمله : ۱- رساله در معراج ۲ - رساله در نماز شب خیلی مفصل ۳ - زبده المعارف در اصول دین و اعتقادات بسـیار مفصل و معروفترین تألیفات ایشانست هر سه کتـاب بفارسـی و مطبـوع است و چنـدین کتـاب و رسـاله دیگر ، در ۱۱ شوال ۱۲۳۲ وفـات یافته و در تخت فولاد مـدفون گردید .

۲۲ –ملا قربانعلی بن رمضان رودباری قزوینی شاعر متخلص به بیدل.

قبلا شـرح مسافرت او را به اصـفهان وعطا و بخشـش مرحوم سـید حجه الاسـلام نسبت به او را نوشتیم در این جا گوئیم : کتب زیر از اوست : ۱- دیوان اشعار ۲- ماتمکده تاریخ فراغت از نظم ۱۲۶۶ مطبوع ۲- مصیبت نامه دوجلد مطبوع

۴- متقل که احتمالا یکی از دو کتاب چاپ شده سابق الذکر است .

رباعی معروف زیر را در هجو حاج میرزا آقاسی گفته است: نگذاشت برای شاه حاجی در می شدصرف قنات و توپ هر بیش و کمی نه خانه دوست را از آن چاه نمی به خانه خصم را از توب غمی

۲۳ - شیخ محسن بن محمد خنفر نجفی.

عالم فاضل محقق مدقق فقیه زاهد صاحب کرامات و مقامات شرح حالش در فوائد الرضویه (ص ۲۷۴ دوم) واحسن الودیعه (ص ۱۱ یکم) ومعارف الرجال (ص ۱۷۵ دوم) وتکمله نجوم السماء (ص ۱۰۸ یکم) ومکارم الاثار (ص ۱۹۸۵ ششم) ومعجم رجال الفکر والادب (ص ۱۶۹) و دیگر کتب مسطور است

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۴۴) می نویسد:

شیخ محسن خنفر که یکی از مشاهیر مشایخ وفقهاء نجف بود وفاضل ودر فقه زیاد ماهرو از شاگردان شیخ علی بن شیخ جعفر نجفی بود .... باصفهان رفته بود و می گفت :

سید محمد باقر فضیات اوزیادتر از شهرت اوست واشتهارش از فضیلت او کمتر است.

در معارف الرجال (ص ۱۷۵ دوم) گوید :

شیخ محسن بن محمد بن خنفر در حدود سال ۱۱۷۶ متولد و در شب شنبه آخر ربیع الاول سال ۱۲۷۰ (در فوائد الرضویه ۲۲ ذی القعده ۱۲۷۱ می نویسد ودر تکمله نجوم السماء وفات اورا از قول سید محمد هندی یکی از شاگردانش ۲۹ربیع الثانی ۱۲۷۰ شب شنبه بعد از عشاء در اواخر پائیزو اوایل حلول وباء بمرض تب مطبقه نوشته است) در نجف وفات یافت و در کتاب نام برده از شخصیت

و مقام علمی و زهد و تقوای اوستایش شده و گوید از مدرسین معروف بوده و حافظه بسیار قوی داشته بطوری که کتاب قانون ابوعلی سینا ووسائل الشیعه شیخ حر عاملی را در حفظ داشته و در تدریس طب یونانی متخصص بوده است .

۲۴ – آقا سید صدر الدین محمد بن صالح موسوی عاملی اصفهانی عالم جلیل ومحقق بی نظیر.

مرحوم آقا سید صدر الدین از علماء بزرگوار و مجتهدین عالی مقداری است که بکثرت علم و حلیت تقوی معروف بوده در کلیه علوم دینی بالاخص فن رجال مهارتی فوق العاده داشته در سال ۱۲۹۴ متولد و در شب جمعه ۱۴ محرم الحرام سال ۱۲۶۳ در نجف اشرف وفات یافت ویرا تألیفاتی است.

مرحوم آقا سید صدر الدین بعللی به اصفهان مهاجرت نمود و با وجودی که بنا بگفته مرحوم حاج شیخ محمد باقر الفت در کتاب نسب نامه الفت (بنا بنقل مرحوم حاج سید عبدالحجت بلاغی در کتاب : اعلاط (به عین مهمله) درانساب (ص ۲۷) با سید حجه الاسلام رفتار خوشی نداشته لکن مرحوم سید حجه الاسلام با آن خلق و خوی بزرگوارانه و سخاوت و بخشش که در نهاد او سرشته بود نسبت به آن عالم جلیل نهایت لطف و مرحمت را داشته و در محله آب بخشان در کوچه شیخ ابو مسعود رازی چندین بلب خانه به ایشان بخشیده که وی وعیالاتش در آنها بآسودگی زندگی کنند و ضمناً متکفل مخارج ایشان و دختر شیخ جعفر یعنی عال ایشان نیز گردیده .

مرحوم آقا سید صدر الدین ازدو زن عقدی و چندین عیال منقطعه جمعاً بازده فرزند (پنج نفر پسر و شش دختر) داشته که اعلم واشهر ایشان مرحومین آنا مجتهد و آقا سید اسماعیل صدر می باشند . رحمه الله علیهم اجمعین .

۲۵– مرحوم آقا میرزا محمد بن عبدالفتاح نیشابوری اخباری.

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۷۸) می نویسد :

در وقتی از اوقات میرزا محمد اخباری وارد اصفهان شد در مجلسی از مجالس میرزا محمد اخباری وحاجی کلباسی رسید حجه الاسلام جمع شدند . میرزا محمد در مقام گله به حاجی اظهار داشت که :

من و شما در ایام تحصیل باهم رفیق بودیم و مرا با شما حق رفاقت است چرا پدیدن من نیامدی ؟

حاجی در جواب سکوت نموده حجه الاسلام در جواب فرمود:

حاجی از شاگردان کسی است که بشاگردانش گفته است : هر که از شما با اخباری مجالست و معاشرت داشته باشد عاق من است و از این جهت جناب حاجی بدیدن شما نیامده است.

میرزا محمد گفت : اکنون مسئله ای پیش آمد و آن اینست که : اگر حقوق با عقوق تعارض کتند کدامیک مقدم است ، سید فرمود که عقرق مقدم است و بر طبق مدعای خود حدیثی ذکر فرمود . میرزا محمد در سند آن حدیث قدح کرد و بر طبق مدهای خود که حقوق را مقدم بر حقوق میدانست چند حدیث باذکر مند از کتاب کافی قرایت کرده

مؤلف قصص العلماه پس از نقل این داستان می نویسد :

میرزا محمد اخباری در جدل ید طولائی داشت و کسی غیر از آقا سید علی بر او غلبه نکرده . مجادل بودن میرزا از این بابت بود که او را جامعیت بود و در مسئله ای که صحبت میداشت اگر خودرا عاجز میدید حضم را بتدابیر و حیل از آن مسئله بیرون برده و در علم دیگر وارد می کرد و اگر در آنجا نیز عاقبت کار را جز خویش مشاهده میکرد بالطائف الحیل بعلم دیگر می رفت و همین گونه عمل میکرد تا خصم را مجاب و عاجز مینمود و در یک مسئله استقامت و پایداری نداشت (انتهی).

ص:۲۳۲

میرزا محمد اخباری در ۲۱ ذی قعده۱۱۷۸ متولد و در روز شنبه ۲۷ربیع الأول سال ۱۲۳۲ در کاظمین کشته شده است. شرح زندگانی و دوران حیات اورا عموم نویسندگان بطور اجمال وتفصیل در کتب خویش نوشته اند ظاهراً مفصل تر از همه کتاب مکارم الاثار (ص۹۲۵ سوم) می باشد .

نویسنده گوید : در نزد نویسنده مجموعه ای است شامل ۱۲ رساله مختصر که مالك آن میرزا محمد اخباری بوده و در پشت صفحه اول آن بخط خود نوشته است :

ملکها بالشراء وانا العبد الائیم محمد بن عبد النبی النیسابوری عفی عنهما سجع مهر : صل علی محمد.

و در چند جای دیگر تملك خود را نوشته و مهر نموده است . بسجع مهر : اللهم صل علی محمد و آل محمد.

.

۲۶ –مرحوم آقا سید محمد مجاهد کربلائی علامه فقیه.

قبلا در موجبات شهرت مرحوم حجه الاسلام بیان مرحوم آقا سید محمد را نقل کردیم . در این جا احتیاج به تکرار آن نیست .

۲۷–منوچهر خان معتمدالدوله گرجی حاکم اصفهان.

در صفحات قبل نوشتیم که در سال ۱۲۵۲ محمد شاه حکومت اصفهان را به خسرو خان گرجی داده و پس از شورش سال ۱۲۵۲ مدت زمانی فرخ خان غفاری و از آن پس فضلعلی خان قراباغی حاکم اصفهان شد سپس در سال ۱۲۵۴ حکومت اصفهان را به منوچهر خان گرجی ملقب به معتمدالدوله دادند و اونا هنگام وفات مرحوم سید حجه الاسلام حاکم اصفهان بوده و در سال ۱۲۶۲ مرده است .

در باره شخصیت و خدمات منوچهر خان نویسندگان کتب بطور اجمال و تفصیل مطالبی نقل کرده اند . برخی ویرا بسیار ستوده و اعمال وخدماتش را به

اصفهان و ایران بشرح نوشته اند طالبین به کتابهای مربوطه مراجعه کنند .

آنچه مسلم است آنکه منوچهر خان با مرحوم سید حجه الاسلام رفتاری عاقلانه و مؤدبانه داشته و مرحوم حجه الاسلام نیز بر حسب شبوه مرضیه خود با اوطریق مسالمت پیموده است . در سال ۱۲۶۳ مرد واموالش را دولت خورده.

کتاب سؤال وجواب مرحوم سید حجه الاسلام در سال ۱۲۴۲ بچاپ رسیده و چاپ آن معروف به چاپ معتمدی است که مقصودهمین منوچهرخان است.

۲۸ – آقا سید مهدی بن آقاسید علی طباطبائی حائری عالم زاهد فقیه .

تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۲۴) می نویسد :

مرحوم آقا سید مهدی چون دید یهود بشرایط ذمه عمل نمی کنند از عتبات به اصفهان آمد مرحوم سید حجه الاسلام نهایت اعزاز و احترام نسبت به آن بزرگوار مرعی داشت . وی از مرحوم حجه الاسلام خواهش کرد که بهمراه او بطهران رفته و در این باره اقدام مقتضی انجام دهند. مرحوم حاج سید محمد باقر نه تنها تقاضای او را قبول نفرمود بلکه او را نیز از این اقدام منع نمود . مرحوم آقا سید مهدی که مصمم بر این کار بود از گفتار مرحوم سید رنجیده و بی اطلاع مردم و ایشان از اصفهان بطهران حرکت نمود . بعد از ورود بطهران حکم نمود که آب را بر یهودیان بستند . محمد شاه حکم بر خلاف کرد ، یعنی دستور باز کردن آب را داد.

محمد شاه بدیدن آقا سید مهدی رفت لکن آن مرحوم بعنوان بیماری از خانه اندرون بیرون نیامد و عذر خواست بعداً بعنوان قهر به عبدالعظیم رفت در آنجا بیمار کشته شاه بعیادت او رفت باز بیرون نیامد و در همانجا وفات یافت و آخوند ملاجعفر شیرازی که از تلامذه شریف العلماء و از زهاد عصر بود بتغسیل و تجهیزات او پرداخت.

نویسنده گوید : علت عدم موافقت مرحوم سید حجه الاسلام چند چیز بوده است .

مرحوم سید که شاه و وزیر را بهتر از هر کسی می شناخت میدانست که این اقدام مثمر ثمری نخواهد بود و شاید موجب وهن مقام روحانیت وایشان بشود. در ضمن این شدت عمل را (بستن آب بروی زن و بچه یهودیانی که در حمایت اسلام می باشند) نمی پسندید و شرعاً جایز نمیدانست ووضع مزاجی ایشانهم اجازه مسافرت نمی داد .

مرحوم آقا سید مهدی برادر کوچکتر مرحوم آقا سید محمد مجاهد کربلائی بوده، و برا تألیفانی است از آن جمله :۱ - رساله در اصالت براهت ۲ - رساله در حجیت ظواهر کتاب وغیره .

فوتش در سال ۱۲۶۰ رویداده است و قبرش در کربلا در مقبره برادرش می باشد .

ص : ۲۳۵

در چندین مجلد می باشد .

۲۹شیخ نوح بن قاسم قرشی نجفی عالم وفاضل جلیل.

در معارف الرجال (ص ۲۱۱ سوم) می نویسد :

وی درست و مصاحب مرحوم سید حجه الاسلام بوده و مرحوم حاج سید اسد الله بیدآبادی در خدمت او تلمذ نموده است . در سال ۱۲۶۰ به اصفهان مهاجرت نموده و مورد احترام قرار گرفت .

مشار الیه در حدود سال ۱۲۱۳ متولد و در سال ۱۳۰۰ در حین مراجعت از سفر حج در بین راه وفات یافته و جنازه به نجف اشرف حمل و در منزل خود دفن گردید . وی در رواق قبلی حرم مطهر در نجف اشرف اقامه جماعت می نمود وعده کثیری از مقدسین و متدینین از عموم طبقات به نماز او حاضر می شده اند . از تألیفاتش : ۱- کتابی در امامت تاریخ تألیف ۱۲۹۳ ه ق ۲- شرح شرایع در چندین مجلد می باشد.

آثار وجودی مرحوم سید حجهالاسلام رحمه الله علیه:

والباقیات الصالحات خیر عند ربک ثواباً .

در قرآن مجید در دو جا این عبارت یکی باضافه (وخیر املا) و در سوره کهف (آیه ۴۶) ودیگری در سوره مریم (آیه ۷۶) با اضافه رو (خیر مردا) ذکر شده است.

مفسرین در معنی باقیات الصالحات از قول حضرات معصومین علیهم السلام چندین قول روایت نموده اند ، از آن جمله :

ا- ذکر : سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر . ۲- نمازهای پنج گانه واجب بالاخص نماز ظهر. ۳- نماز شب است که حضرت باقر علیه السلام می فرماید : قیام اللیل لصلاه اللیل.

۴ - محبت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و حضرت صادق علیه السلام آنرا (اول النعم) فرموده است .

۵- گفتن لا اله الا الله واستغفر الله است .

۶- نماز و روزه و حج و جهاد وعتق وصله رحم. ۷- صلوات بر رسول اکرم و خاندان آن حضرت صلوات الله علیهم اجمعین . ۸- کلیه اعمال نیک است.

میزان سنجش شخصیت افراد آثار وجودی آنها می باشد ، و بهترین یادگار واثر هر انسانی چیزهای مفیدی است که از او در جامعه باقی میماند .

مرحوم سید حجه الاسلام در طول تقریباً نیم قرن (چهل و چهار سال) که

در اصفهان ساکن بود منشأ خدمات گرانقدری گردید که ذیلا بذکر پاره ای از آنها مبادرت می نمائیم :

۱- تربیت و تعلیم شاگردان که هر یک عالمی بزرگوار و مربی و معلم اجتماعی شدند که در آن زندگانی می نمودند از شهرهای مختلف و قراء وقصبات وغیره .

۲- تألیف و تصنیف کتب مختلف در موضوعات فقهی ورجالی .

۳- تعیین حدود حرم و مسجد الحرام ومطاف در مکه معظمه در سالی که به حج خانه خدا مشرف گردید .

۴- بنیاد تأسیس مسجد در محله بید آباد که بنام خود آن مرحوم به مسجد سید مشهور است.

۵- ایجاد محله و بازار بیدآباد .

۶- تشکیل خاندان جلیل آل حجه الاسلام که اینک در اصفهان وطهران و برخی دیگر از شهرهای ایران با نامهای خانوادگی : جعفری - شفتی - عمادی - فقیه - موسوی - موسوی بیدآبادی وغیره شهرت دارند .

اینک بخواست خداوند متعال و باری از ارواح مقدسه اولیای دین بشرح موارد ششگانه فوق میپردازد .

فصل سیزدهم: (تدریس – شاگردان)

اشاره

(تدریس - شاگردان)

مقدمه اول:

اسیب افاغنها به جامعه روحانیت

انقراض سلسله صفویه در سال ۱۱۳۵ (سال کشته شدن شاه سلطان حسین) ورود کار آمدن افاغنه بزرگترین لطمه و آسیبی بود که به جامعه روحانیت شیعه و مرکز علمی آنان یعنی شهر اصفهان پای تخت پادشاهان صفوی وارد گردید .

پادشاهان صفوی که خود نسبت به حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام میرسانیدند و از دیرزمانی به تشیع و ترویج آن از راه تصرف خدمتها کرده بودند از بزرگترین حامیان علماء شیعه و مروجین این مذهب و طریقه بودند، در دوره ابن سلاطین ایران پایگاه مقتدر تشیع و مرکز حکومت شیعه آنهم حکومتی بسیار توانا و نیرومند که میتوانست با تمام مشکلاتی که در راه استقلال و حاکمیت و حتی موجودیت او از حکومتهای سنی همچون عثمانیها و ازبکها و غیره برابری کند .

از سال ۱۰۰۶که اصفهان رسما بعنوان پای تخت ایران معین شد تا سال ۱۱۳۵ یعنی حدود ۱۲۹ سال اصفهان مرکز علم ودانش ومجمع علماء و فضلاء وحکماء وشعرای بزرگ گردید . علمای بزرگوار شیعه از گوشه و کنار ممالك اسلامی بدین شهر روی آوردند و با ترویجی که از طرف سلاطین از آنها می شد با کمال

فراغت و آسودگی بنشر علم و دانش و ترویج دین از کلیه راههای ممکن کوشیدند

وجود دانشمندانی همچون شیخ بهائی - میرداماد - مولی لطف الله عاملی - مولی عبدالله شوشتری و فرزندش مولی حسنعلی و مولی محمد باقر سبزواری و محقق خونساری آقا حسین و فرزندش آقا جمال الدین محمد و علامتین مجلسی مولی محمد تقی و مولی محمد باقر و دامادهای مجلسی اول و دهها بلکه صدها عالم رقیه و مجتهد دیگر محصول این دوره پرافتخار می باشند .

وجود این دانشمندان در اصفهان سبب شد که طالبین علم ودانش از هر طبقه و در هر موضوع از تمام شهرهای مملکت و خارج بدانجا روی آورند و بطور یقین در اواخر عهد صفویه طالبین علم در اصفهان چندین هزار نفر متجاوز بوده است .

فتنه افغان سبب شد که شیرازه این مجمع علمی و دار العلم مشرق از هم گسیخته شود. در طول مدت محاصره اصفهان وقبل و بعد آن جمعی از علماء و اعیان بابه مرگ طبیعی مردند و یا به تیغ جفای سربازان افغان شربت شهادت نوشیدند. جمعی کثیر نیز ترک خانه و کاشانه نموده و جلای وطن کردند، برخی در دهات اطراف سکونت نمودند و عده ای بشهرهای دور دست رفته و بعضی نیز به اعتاب مقدمه مهاجرت نمودند .

خاندان میر سید احمد عاملی سبط میر داماد - خاندان مولی محمد اکمل اصفهانی پدر علامه وحید بهبهانی - خاندان طباطبائی میر ابوالمعالی جل صاحب ریاض المسائل - سلسله جلیل طباطبائی بروجرد اعقاب میر سید محمد جد علامه بحرالعلوم وشیخ محمد علی حزین از این دسته علماء می باشند .

از آن همه عالم وفقیه ودانشمند که در اصفهان سکونت داشتند عده کمی باقی ماندند، آنان نیز در گوشه انزوا وغربت بسر میبردند طلاب علوم و دانشجویان بطور کلی متفرق شدند زیرا دیگر نه مدرسی بود و نه شرقی ونه امنیتی .

ص : ۲۳۹

در دوره نادر شاه (۱۱۶۰ - ۱۱۳۵) نیز هیچگونه توجهی بعلماء و دانشمندان وطلاب نمیشد و نادر سرگرم کارهای دیگر بود . زمان کریم خان نیز(۱۱۹۳ - ۱۱۶۳) نسبت به اینگونه امور توجهی نداشت لکن آرامش نسبی و امنیتی در اصفهان پیدا شده بود که باقیمانده دانشمندان می توانستند یکارهای علمی و تدریس و تالیف بپردازند.

علمای معروف این دوره یعنی از بعد از صفویه تا ابتدای قاجاریه در اصفهان همان خاندانهای علمی ما سابق بودند - سادات امام جمعه و خانون آبادی - خاندان علامه مولی محمد تقی مجلسی - سادات خلیفه سلطانی وغیره.

معروفترین عالم این زمان مرحوم ملا اسماعیل خواجوئی متوفی در ۱۱ شعبان ۱۱۷۳ مؤلف حدود یکصد و پنجاه کتاب و رساله می باشد پس از او دو عالم بزرگوار در اصفهان ظهور کردند هر دو از شاگردان مرحوم خواجوئی که فی الجمله توانستند چراغ علم ودانش را از نو برافروزند و حوزه علمیه این شهر را دوباره رونقی دهند اینان عبارت بودند از: ۱- میرزا ابوالقاسم مدرس خاتون آبادی (فوت او اخرذی الحجه الحرام ۱۲۰۲) ۲- علامه فقیه حکیم فیلسوف آقا محمد بیدآبادی (فوت جمعه ۹ محرم ۱۱۹۷).

این دو بزرگوار و دیگر علمای این زمان در اصفهان عده زیادی از طالبین علم و دانش و مستعدین را تربیت نموده و اصفهان را آماده یک جنبش علمی ودینی نمودند .

در اوایل قرن سیزدهم هجری چندین نفر از بزرگان فقهاء و مجتهدین به اصفهان مهاجرت نمودند و وجود اینان در اصفهان موجب شد که از هر شهر و دیار طالبین علم وحکمت باین مرکز علمی روی بیاورند. اینان عبارت بودند از :

۱- حاج محمد ابراهیم کلباسی (کرباسی) پدرش نیز در این شهر ساکن بوده است .

۲- حاج سید محمد باقر حجه الاسلام شفتی.

۳- آقا شیخ محمد تقی بن محمد رحیم رازی صاحب حاشیه معالم (فوت نیمه شوال ۱۲۴۸).

۴- حاج ملا علی بن جمشید نوری حکیم (فوت ۲۲ رجب ۱۲۴۶). ۵-آقا سید صدرالدین محمد عاملی (۱۲۶۳- ۱۱۹۳). - آقا سید محمد مجاهد طباطبائی کربلائی (فوت ۱۲۹۲). مشار الیه پس از فوت پدرش آقا میر سید علی صاحب ریاض المسائل به کربلا مراجعت نمود . و جمعی دیگر از علماء و مجتهدین .

وجود این مجتهدین بزرگ و دیگر علمای این شهر سبب شد که طالبین علم از گوشه و کنار دو مرتبه جمع شوند و از هر نقطه دور و نزدیک و از داخل وخارج ایران محصلین دانشجویان برای درک فیوضات علمی و معنوی بدین شهر روی آورند و حوزه علمیه اصفهان رونق ورواج اولیه خودرا بدست آورد.

ملکات نفسانی و فضائل روحانی و تفقد ودلجوئی در حرم سید حجه الاسلام از علماء و طلاب و رسیدگی بامور مادی و معنوی ایشان یکی از موجبات پیشرفت این نهضت علمی می باشد .

در کتب تراجم رجال و شرح حال علماء قرن سیزدهم هجری بنام بسیاری از علماء برخورد می کنیم که درباره آنها می نویسند : نزد علماء اصفهان تحصیل نموده است بدون آنکه نام استاد را ذکر کنند و یا از علماء اصفهان اجازه داشته بظن قریب به یقین میتوان گفت بیشتر کسانی که در نیمه اول قرن سیزدهم (یعنی از سال ۱۲۱۶ سالی که سید حجت الاسلام باصفهان وارد شدند تا سال ۱۲۶۰ سال وفات ایشان

یعنی ۴۴ سال) در اصفهان به تحصیل فقه و اصول و سایر علوم دینی اشتغال داشته اند و در محضر مرحوم حجه الاسلام رانموده و از علوم و فضائل ایشان بهره مند شده واز خوان نعم او متنعم و برخوردار بوده اند ، اگر چه مدت زمان آن اندکی باشد.

مقدمه دوم :

تدریس

در روضات الجنات (ص۲۹۴ دوم ترجمه) در این باره می نویسد :

در موانع تدریس با مناسبت مختصری بشرح احوال رواه اشاره میکرد و درسش منحصر به فقه و حدیث بود و نعمتی در اصول و امثال آن نمی نمود .

در قصه العلماء (ص ۱۳۶) در این موضوع می نویسد :

اما تدریس حجه الاسلام پس در نهایت دقت ومتانت بود و نهایت تفصیل اقوال فقهاء میداد و در فهم عبایر ایشان وجوه واحتمالات بسیار ذکرد میکرد و جمعیت زیاد در درس او می شد لیکن کم درس میفرمود هفته ای دو روز با سه روزها کمتر بعضی از ایام هیچ درس نمی گفت و در بعضی از اوقات در میان درس ارباب مرافعه میان مجلس می ریختند و درس بهم میخورد.

در جای دیگر می گوید : هر زمانی که در رجال تکلم مینمودگوئیا از زمان ولادت ایشان تاوقت وفات هر یک حاضر بوده است.

آنچه از فرمایشات بزرگان درباره تدریس مرحوم سید حجه الاسلام استفاده میشود آنست که : آن مرحوم درس را محققانه و از روی تدقیق بیان میفرمود، و در نقل هر مسئله از مسائل فقهی کلبه اقوال بزرگان از مجتهدین و صاحبنظران را نقل میفرمود و در بیان مطالب تمام وجوه و احتمالات را بتفصیل شرح میداد ،

بطوری که هیچ نکته مجهولی برای شاگردانش باقی نمی ماند سپس به نقض و ابرام ونقد و انتقاد فرمایشات علماء میپرداخت و در تایید یا رد گفتار آنها می کوشید و آنرا با ادله عقلی و نقلی بیان میفرمود و نسبت به ماه گذشته کمال احترام را رعایت میکرد و نام آنها را با عظمت و بزرگی یاد میکرد

بدین جهات و بعلت های دیگر عده زیادی از بزرگان و مجتهدین و دانشجویان در محضر او حاضر می شدند و از برکات مادی و معنوی او بهره مند میشدند .

اینك اسامی برخی از شاگردان و مجازین از ایشان برحسب حروف تهجی

۱- سید آقا بزرگ حسینی قاضی عسکر اصفهانی

سادات قاضی عسکر اصفهان از سلسله سادات حسینی راز اعقاب می رسید محمد معروف به قاضی عسکر که در عهد نادر شاه افشار منصب قضاوت لشکر داشته از اعتاب میر سید محمد مشهور به میر آفتاب از معاریف عهد صفوی که نسب او با بیست و پنج واسطه به جناب زید بن الامام علی بن الحسین علیهما السلام منتهی میشود، می باشند .

صاحب عنوان از شاگردان سید حجه الاسلام و از خواص اصحاب حاج سید اسد الله ومنشی ونویسنده جواب استفتاءات وسؤالات ومکتوبات ایشان بوده است درحدود سال ۱۳۰۰در اصفهان وفات یافته ودر قبرستان آب بخشان مدفون گردید.

از آثارش کتابی است بنام : درر المنثوره در پنج باب وخاتمه تاریخ تألیف ۱۲۷۰ نسخه ناقصی از آن نزد نویسنده موجود است .

نسب میر سید محمد جد سادات قاضی عسکر اصفهان ساکنین محله بیدآباد

ص : ۲۴۳

بقرار زیر است :

السید الجلیل السید محمد الشهیر بقاضی عسکر ابن محمد بن طاهر بن محمد ابن بدر الدین بن محمد الملقب بمیر آفتاب ابن علی بن حیدر بن نورالدین بن عطاء الله بن احمد بن محمد بن محمد بن طاهر بن محمود بن حمید بن علی بن طاهر بن محمد بن احمد بن محمود بن ابراهیم بن حسن بن اسحق بن حمزه بن محمد بن حمزه بن احمد بن جعفر بن محمد بن زید بن الامام علی بن الحسین زین العابدین علیهما السلام .

(فائده) : مرحوم معلم حبیب آبادی در مقدمه جلد یکم مکارم الاثار (ص۵۰) به نقل از تذکره الملوك (ص ۳) می نویسد: قاضی عسکر به کشیك خانه دیوان بیکیان بحکم شرعی عساکر منصوره میرسیده ... شغل قاضی عسکر در اواخر زمان سلاطین صفویه منحصر بآن شد که عساکر نصرت مآثر سواد ارقام تنخواه مواجب خودر ا که بممالك محروسه میفرستادند قاضی عسکر میرسانیدند ...

۲- آقا دکمه چین

مرحوم آقا میرزا محمد بن میرزا محمد باقر بن میر محمد صالح بن سید جعفر بن میر محمد صالح خاتون آبادی سبط علامه مجلسی رحمه الله علیه .

میر محمد صالح در محله چهارسو علی قلی آقا از متفرعات محله بیدآباد ساکن ودر مسجد علی آقا امامت مینموده و به آقای دگمه چین (تکمه چین) مشهور بوده و این شهرت تا این زمان در بین اعقاب او مشهور و به سادات تکمه چین و در سالهای اخیر کلمه : سادات را نام خانوادگی خود قرار دارند .

در هر حال مرحوم آقا میرزا محمد عالم فاضل جلیل از شاگردان مرحوم

حاجی کلباسی و سید حجه الاسلام شفتی بوده و در محله چهارسو علی قلی آقا مورد توجه و عنایت مؤمنین و مقدسین بوده و نظارت موقوفات علی قلی آقا را داشته است

فائده : برخی دیگر از علماء این زمان از راه دگمه چینی اعاشه مینموده اند از آن جمله : آقا محمد بید آبادی است بطوری که در کتاب رستم التواریخ نقل می کند.

۳- حاج محمد ابراهیم قزوینی اصفهانی

(۱) از علماء وشها، ومجتهدین بزرگوار و از شاگردان و مخصوصین مرحوم محدث قمی رضوان الله علیه در سفینه البحار (ص ۴۷۷ دوم) می نویسد که : انه باب من أبواب الجنه

دقیقه در جه طول جغرافیای آن - عرض ۱ ، ۰ه انمان قبله ون

۲۶ جنوب غربی ارتفاع از سطح دریا (۱۲۹۰) ۱۳۲۰ متر (تاریخ طهران تالیف

سرتیپ یکرنگیان) شناسنامه جغرافیای طبیعی ایران نشریه سازمان گیتاشناسی

ص : ۲۴۵

۱- قزوین بروزن پروین حاجی شیروانی (۱۲۵۴ - ۱۱۹۴) در بستان السیاحه (ص ۴۳۱چاپ اصفهان) خلاصه می گوید: قزوین شهری است دلنشین در زمین هموار افتاده و اطرافش گشاده اصل آن گزوین بوده عربان معرب نمودند . .. آبش از قنوات و بسیار کم هوایش انقلاب دارد، حمد الله مستوفی احادیث چندی در اوصاف قزوین در کتاب نزهه القلوب روایت می کند . انتهی . محدث قمی رضوان الله علیه در سفینه البحار (ص ۴۲۷ دوم) می نویسد که : انه باب من أبواب الجنه. ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیای ان-/- /۵۰ عرض ۵۰/۱۵/۳۶ . انحراف قبله ۵۵/-/ ۳۴درجه جنوب غربی . ارتفاع از سطح دریا (۱۲۹۰) ۱۳۲۰متر (تاریخ طهران تألیف سرتیپ یکرنگیان) شناسنامه جغرافیای طبیعی ایران نشریه سازمان گیتا شناسی

سید حجه الاسلام بوده و سید حجه الاسلام در تاریخ ۱۲۴۶ جهت مشار الیه اجازه مفصلی مرقوم فرموده و در آن از وی ستایش بسیار نموده و تصریح کرده است که مدتها خدمت او رفت و آمد مینموده و بدرس او حاضر میشده تا بدرجه اجتهاد نائل گردیده است .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان (ص ۸۹) می نویسد : از خواص شاگردان سید بوده تا جائیکه حاج محمد جعفر آبادهای با آن جلالت قدر آرزوی مقام اورا مینمود و بحال او غبطه میخورده است.

صاحب عنوان در قزوین متولد گردیده و در آنجا و اصفهان تحصیل نموده و در این شهر سکونت اختیار نموده و در مسجد آقا نور واقع در محله در دشت امامت مینموده و از آثار باقیه اش شبستان و نابی وهشتی و سر درب وحوضخانه مسجد مزبور است (ص ۱۲۸ سپاسگزاری از مردم نشریه اوقاف اصفهان) دیگر از آثار او کتابخانه مشار الیه می باشد که از کتابخانه های کم نظیر در اصفهان در قرن سیزدهم بوده و پس از وفات ایشان بتدریج از بین رفته و قسمتی از آنرا در سالهای اخیر به کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام در نجف که بوسیله مرحوم علامه حاج شیخ عبدالحسین امینی تبریزی تأسیس شده بود اهداء نمودند و اینک از این کتابخانه اثری باقی نیست.

چون سید محمد علی بن سید مؤمن حسینی اردستانی در رمضان سال ۱۲۵۹ قرآنی جهت منوچهرخان معتمد الدوله گرجی حکمران اصفهان بخط نسخ زیبا روی پارچه کتان نوشته بود تمام شد مرحوم قزوینی آنرا تصحیح نمود . و اینک قرآن نامبرده بشماره (۱۱۴) در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است (ص ۵۶۹ سوم آتشکده اردستان).

تنها آثار علمی صاحب عنوان حواشی مشار الیه است بر حدیث غمامه که

فرزنـد دانشـمندش مرحوم حـاج شـیخ محمـد حسـین آنها را بـدون نموده و بصورت کتابی مسـتقل در آورده است (ص ۱۹۱ سیزدهم الذریعه).

مرحوم قزوینی بعـد از سال ۱۳۹۳ وفات یافته و دو فرزنـد دانشـمند از او بجای ماندند : ۱- حاج شـیخ محمد متونی در شب ۱۸ ذی الحجه سال ۱۳۰۴ در اصفهان ۲- حاج شیخ محمد حسین .

مرحوم حاج آنا محمـد قزوینی پس از وفات پدر وارث محراب گردید و پس از فوت ایشان فرزندش مرحوم آقا محمد جواد و بعـد از ایشـان مرحوم حاج آناباقر قزوینی معروف به دردشتی متوفی بسال۱۳۶۲ و بعـد از ایشان برادر دانشـمندش مرحوم حاج آقـا کمال الـدین قزوینی در مسـجد آقا نور امامت مینمود و در شب ۱۶ محرم سال ۱۳۹۴ در اصـفهان وفات یافته روحانیت در این سلسله به انتها رسید ایشان آخرین فرد روحانی این خاندان جلیل بشمار میرفت و رحمه الله علیهم

اجازه مرحوم سید حجه الاسلام ضمن مجموعه اجازات حجه الإسلام بنظر علامه طهرانی رسیده است،

آغاز : الحمد لله الذی انزل علی عبده القرآن ...

مرحوم معلم حبیب آبـادی در مکـارم الاثـار (ص ۱۶۲۹ پنجم) وفـات صـاحب عنوان رادو ساعت بر آمـده از روز چهارشـنبه بیست و نهم محرم الحرام سـال ۱۲۶۱ می نویسد ، سـپس خود ایشان می نویسد چهارشنبه ۲۱ درست نیست زیرا غره محرم این سال جمعه بوده (بنابر این جمعه می شود و چهارشنبه ۲۷ بوده و یکی از این در روز هفته و ماه اشتباه است).

دانشـمند محقق متبع جناب آقای روضاتی در پاورقی این صفحه رصفحه بعد راجع به شیخ محمد حسین مطالبی نقل نموده اند که قابل دقت و توجه است

ص :۲۴۷

و از آنها چنین بر می آید که شیخ محمد حسین قزوینی نبوده و فرزند صاحب عنوان نمی باشد .

۴- سید محمد ابراهیم موسوی کابلی

۴- سید محمد ابراهیم موسوی کابلی(۱)

از بنی اعمام مرحوم سید حجه الاسلام و مورد وثوق ایشان و در اصفهان در خدمت جمعی از بزرگان از آن جمله مرحوم سید حجه الاسلام تلمذ نموده تا خود عالمی کامل گردید . مشار الیه نویسنده دیباچه برکناب سؤال و جواب سید حجه الاسلام می باشد و در آن فهرست مطالب کتاب را آورده است، نسخه این سؤال و جواب بشماره (۷۴۰) در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است (ص ۱۸۰۱ پنجم فهرست کتابخانه دانشگاه).

مشارالیه سرکاری و نظارت ساختمان قسمتی از بنای مسجد سیدرا بعهده داشته و نامش در کتیبه مسجد مذکور است، از آنجمله در بالای اسپرهای طرفین ایوان جنوبی اشعاری است که در آن می گوید : اور سزد گر کعبه اش دانی که شده سر کار اتمامش

سمی زاده آزر سلیسل خواجه کیهان

مشار الیه پس از وفات در مقبره کوچک مسجد مدفون گردید . سال وفاتش بدست نیامد فرزندش مرحوم سید عبدالحفیظ مدفون در بقعه العلماء تکیه آقاحسین خونساری در تخت فولاد و فرزند زاده اش مرحوم آقا میرزا محمد علی وفرزند

۱- کابل از شهر های افغانستان است. ثانیه/دقیقه/درجه طول : ۶۹/۹/۰۰ عرض: ۳۴/۳۱/۰۰ انحراف قبله:۷۰/۰۵/۳۷جنوب غربی

ایشـان مرحوم حـاج آقا نصـیر الـدین موسوی متوفی در مکه معظمه همگی اهل فضل و دانش و علاوه بر آن دارای خطی نیکو بودند .

مرحوم عماد الاسـلام نواده مرحوم حجه الاسلام در آخر نسخه ای از کتاب هدایه السالکین در شرح احادیث اربعین می نویسد : جهته منسوب شـدن ایشـان بـالی این است که : مرحوم سـید حجه الاسـلام در صـدد بودنـد کتـاب مـدینه العلم تـألیف شـیخ بزرگوار صـدوق را بـدست بیاورنـد خـدمت ایشان گفته شـد نسـخه آن در کابلی موجود است علی هذا مرحوم حجه الاسـلام عموزاده خود صاحب عنوان را جهت تحصـیل کتاب بدان سـمت روانه کردند و ایشان پس از مدتی توقف و جستجو مأیوسانه مراجعت نمود.

ص ۴۴ بزرگان و دانشمندان اصفهان

۵- ملا محمد ابراهیم بن علی اکبر بن علی جان دهکردی

:(۱)

سالها در اصـفهان بـدر حجه الاسـلام شـفتی (وخبر ایشان) حاضـر شده تا بدرجه رفیعه اجتهاد نائل گردید در مسـجد محله نو اصفهان امامت مینموده تا موقعی که برخی از خوانین چالشتر از خدمت حاج سید محمد باقر تقاضا می کنند که عالمی

۱- دهکرد که در سالهای اخیر انجا را شـهر کرد نامیدند در قدیم جزو اصـفهان بوده و در تقسـیمات اخیر کشور استان مستقلی شـده (اسـتان چهار محال). ثانیه/دقیقه/درجه طول:۵۰/۲۵/۰۰ عرض:۳۲/۲۲/۰۰ انحراف قبله:۴۴/۲۵/۲۱جنوب غربی جمعیت سی و پنجهزار نفر (ص ۲۸۶ تاریخ و جغرافیای چهارمحال جلد یکم) . ارتفاع از سطح دریا ۲۰۶۰ متر .

با تقوی جهت رسیدگی بأمور شرعی و کارهای دینی مردم شهر کرد اعزام دارد و از ایشان استدعا می کنند که آخوند ملا محمد ابراهیم را که از هر جهت شایستگی دارد اعزام فرماید .

مرحوم سید حجه الاسلام با تقاضای آنان موافقت نموده و صاحب عنوان را بدانست فرستاده و طی نامهای مورخ ۲۱ ذی الحجه ۱۲۴۶ سفارش مشار الیه را بمردم آن سامان میفرماید .

سال وفات مولی محمد ابراهیم معلوم نیست و سن مشار الیه هنگام نموت بین شصت و هفتاد سال بوده است. وی جد خاندان جلیل آل ابراهیم دهکردی می باشد .

ص ۵۹۳ - تاریخ وجغرافیای چهار محال جلد یکم

در کتاب نام برده می نویسد: مرحوم سید حجه الاسلام قریه هارونی که مجهول المالک ودر اختیار ایشان بوده است را به جهت مخارج زندگی به مرحوم آخوند واگذار می نماید و ایشان را بهمراه فرزند خود مرحوم حاج سید اسدالله به دهکرد اعزام میفرماید و در نامه یکی به عباسقلی خان ودیگری به حاج محمد رضا خان چالشتری مرقوم فرموده در معرفی و سفارش مرحوم آخوند در هر دو نامه آخوند را به عناوین : محامد صفات محاسن اخلاق فضائل ماب فواضل اکتساب علام مهام وصف نموده و می نویسد که از معتمدین علماء می باشد و همچنین در نامه دوم می فرماید که :

این خادم شریعت مطهره علی صادمها آلاف التحیه مأذون نمودم ... در اقدام به شعائر اسلام مثل نماز جمعه وانیان فرائض بجماعت واخذ زکره وایصال به ارباب حاجات از ارباب استحقاق و تصرف در سهم امام علیه السلام واموال غایب وصغار بنحوی که اصلح بحال آنها دانسته و قطع وختم نزاع ما بین متنازعین

بمصالحه وتحطين وعقود و نكاح و معاملات و طلاق ونحوها ... الخ.

حرره خادم الشريعه فی سنه ۱۲۶۴

۶- سید ابوالحسن بن محمد ابراهیم موسوی

از بنی اعمام سید حجه الاسلام شفتی بوده و در اصفهان نزد جمعی از بزرگان علماء تلمذ نموده وعمده تحصیلات مشار الیه در نزد مرحوم سید حجه الاسلام شفتی بوده است.

سال تولد روقات مشارالیه بدست نیامد . پس از فوت در مقبره کوچک وانع در دالان مسجد سید مدفون گردید ، اولاد و اعقایش به موسوی و کابلی شهرت

دارند .

دکتر عیسی صدیق (صدیق اعلم) استاد دانشگاه تهران و رئیس اسبق دانش سرایعالی از نواده های دختری مشار الیه می باشد .

دکتر عیسی صدیق مؤلف کتب ورسائل عدیده ای است و بسال ۱۳۹۸ فوت

گردید .

۷- سید ابوطالب بن ابی تراب بن قریش

بن ابیطالب بن یونس حسینی قاینی (۱)

شهرکی است نزدیک طبس بین نیشابور و اصفهان، و در معجم البلدان گوید قاین قصبه لهستان و دهانه خراسان و خزانه کرمانست و بین قاین و نیشابور نه مرحله راهست و تا طبس سینان دوروزه راه.

مرحوم حاج شیخ محمد حسین آیتی در بهارستان (ص ۱۳) می نویسد :

قاین شهری است کوچک در حدود هشت هزار جمعیت دارد محصول عمده ائی زعفران است... در زمان سابق دار الملک قهستان بوده ...

ثانیه/دقیقه/درجه

طول جغرافیائی آن:۵۱/۱۱/۳۰

عرض:۳۳/۴۳/۰۰

انحراف قبله:۵۹/۱۳/۰۹جنوب غربی میباشد

ارتفاع از سطح دریا۱۴۴۰متر

ص : ۲۵۱

۱- قاین بر وزن مایل . شیروانی در بستان السیاحه (ص ۴۱۵ چاپ اصفهان) بخلاصه می نویسد : ولایتی است مشهور و دیار پست مذکود ... هوای بعضی بلادش گرم و بعضی ملایم آبش از کاریز ومحالش حاصل خیز ... از مضافات خراسان است، عموم مردم ایشان ما بر وقائع وشجاع ودلیر و در بعضی اوصاف حمید دلپذیرند : اور اعیان الشیعه (ص ۳۲۲ هفتم) بنقل از سمعانی گوید :

از اعاظم فقهاء و مجتهدین ورؤساء ملت و دین . مرحوم حاج شیخ محمد حسین آیتی در کتاب بهارستان (م ۳۰۰) و همچنین علامه طهرانی در الکرام البرره (ص ۴۰ یکم) و مرحوم مدرس تبریزی در ریحانه الادب (ص ۲۷۸ سوم) ویرا عنوان نموده اند و همگان اورا بعلم وفقاهت ستوده اند، در بهارستان گوید : گاهی در بیرجند و گاهی در این اقامت داشته و بدان ریاست مطلقه و عظمت و بزرگی در این نواحی عالمی بهم نرسیده جمعی امر تقلید او را بر گردن نهاده و اجرای حدود مینمود و بفتوای او چند نفر را امیر علم خان حاکم وقت گردن زد.

سالها در اصفهان در خدمت حاجی کلباسی و سید حجه الاسلام تلمذ نموده و سپس به نجف اشرف مهاجرت نموده و خندهت علماء ان ارض مقدس از آنجمله شیخ محسن خنفر تحصیل نموده تا بمقامات عالیه علم واجتهاد رسیده از حاجی کلباسی و شیخ محسن خنفر مجاز بوده است پس از مراجعت مدتی در مشهد مقدس ساکن و سپس به بیرجند و قائن رفته و بتدریس و ترویج و تألیف پرداخته سرانجام

ص : ۲۵۲

در روز پنج شنبه ۶ شوال سال ۱۲۹۳ در مراجست از سفر حج در کراچی وفات یافته و هم در آنجا دفن گردید .

کتب زیر از تألیفات اوست: ۱- الدره الباهره در توحید و امامت ۲- الدروس الفقمیه ۳ – رساله در صلوه مسافر ۴ – رساله در عقاید ۵ – رساله در قضا وشهادات

۶- رساله دروقف۷ – السبعه السیاره بالکواکب السبعه در هفت مسئله از مسائل اصولیه ۸- سؤال وجواب نظیر جامع الشتات۹ – الفوائد الغرویه در درایه ورجال ۱۰ – اللؤلؤه الغالیه در اسرار شهادت ۱۱- ماهی الضلاله والغوایه در رد کتاب شمس الهدایه تألیف ملا شمس هراتی سنی (ملا خان مفتی مرات)۱۲-مرآه الوحده و این کتاب آخرین تالیف اوسمت ۱۳ – مکاسب ۱۴ و۱۵ – مناسک حج دو رساله ۱۶ – ینابیع الولایه در علم فقه وغیره .

در تاریخ علماء خراسان (ص ۱۱۴) ویرا عنوان نموده و فوتش را قبل از انجام اعمال مناسک حج در سال ذکر شده نوشته و کتب زیر را بر تألیفاتش افزوده است: ۱- احیاء موات ۲ – تعلیقات متفرقه .

۸- شیخ ابوالقاسم اصفهانی

(۱)

مشهور به قاری از فضلاء ودانشمندان اصفهان بوده محضر میرزای قمی را درک نموده و در اصفهان خدمت مرحوم سید حجه الاسلام و مولی ابوالحسن قاری

۱- اصفهان – شهرت و عظمت اصفهان مارا از شرح و بیان درباره ان بی نیاز می گرداند . ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی:۵۱/۴۱/۳۰ عرض:۳۳/۴۰/۰۰ انحراف قبله:۴۶/۰۳/۲۸جنوب غربی

اصفهانی تلمذ نموده است و جمعی از بزرگان همچون آقا محمد مهدی فرزند حاجی کلباسی در خدمت او تلمذ نموده اند و از کلمات ومواعظ او بهره مند گردیده اند.

ص۴۳ یکم الکرام البرره

نویسنده گوید : مراد از مولی ابوالحسن قاری ممانا مولی ابوالحسن خواجوئی اصفهانی از اساتید فن قراءت وتجوید می باشد ، وی مؤلف رسالهای است در تجوید بفارسی که آنرا در سال ۱۲۲۵ تألیف نموده است.

ص ۶۹ دانشمندان و بزرگان اصفهان – ص ۱۳۶ یازدهم الذریعه

بنابر این صاحب عنوان از اساتید فن فرامت بوده و آقا محمد مهدی کلباسی نیز ظاهراً در فراهت خمدت او تحصیل نموده است ، والعلم عند الله تبارک

وتعالی.

۹– شیخ ابوالقاسم بن محمد صادق

بن محمد تقی بن زین العابدین بن محمد تقی بن محمد باقر بن حیدر علی بن کلب علی بن مولی نوراء بن محمد بن محمد بن الشیخ علی بن عیسی عاملی استاد شهید دوم وعموزاده شیخ شمس الدین جزینی و از طرف مادر از نوادههای مولی اشرف بن حیدر علی فروشانی سدهی مؤلف تفسیر آیه الکرسی.

عالم فاضل محتن در حدود سال ۱۲۳۰ در قریه ونوسفادران (بن اصفهان)

ص : ۲۵۴

متولد گردیده و در نزد علماء سده و اصفهان تحمیل وتلمذ نموده در نجف اشرف نیز بدرس اساتید آنجا حاضر گردیده است و تقریرات اساتید خود را در ته و اصول برشته تحریر در آورده است: ۱- کشف الاصول در ۶ مجلدبزرگ ۲- کشف الفقه در ۱ مجلد بزرگ وخبره، مشار الیه ظاهراً (بر حسب آنچه نواده ایشان مرحوم حاج شیخ أبو القاسم نورائی میفرمود) از شاگردان سید حجه الاسلام وحاجی کلباسی و بالاخص آقا سید حسن مدرس میر محمد صادقی در اصفهان بوده و در سال ۱۳۰۵ در سده وفات یافته و همانجا مدفون گردید (ص ۲۰ و۵۱ هیجدهم الذریعه و اطلاعات متفرقه)

۱۰- سید ابوالقاسم بن محمد کاظم

محمد بن محمد کاظم زنجانی (۱) فرزند امیر محمد حسین بن سید محسن (جدسادات موسوی زنجانی اصفهان)

ص:۲۵۵

۱- شیروانی در بستان السیاحه (ص ۳۰۵) به خلاصه می نویسد: زنجان شهریست بهجت توامان ... از مضافات آذربایجان آبش خوب وهوایش مرغوب ... آن شهر سمت مغرب سلطانیه واقع و از اقلیم رابع و اطرافش واسع است دورش بارونی کشیده اند ... دانشمند محترم حجه الإسلام حاج سید ابراهیم موسوی زنجانی در مقدمه کتاب تاریخ زنجان اقوال مختلف بزرگان را در باره این شهر نقل نموده است خلاصه آنکه : زنجان بازنگان در قدیم بنام خسه مشهود بوده در سر راه طهران به آذربایجان قرار دارد و جزء استان یکم کشور می باشد ، زنجان باضافه آبادیهای آن حدود ۴۴۵ هزار نفر جمعیت دارد، شهر زنجان حدود ۳۰ مسجد بزرگ و کوچک و چندین مدرسه علوم دینی دارد ، صنعت چاقوسازی این شهر مشهور است . ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی:۴۸/۲۸/۰۰درتاریخ زنجان ۴۸/۲۹ عرض:۳۶/۳۹/۰۰ -/۲۶/۳۵ انحراف قبله:۲۸/۳۸/۱۲جنوب غربی و ارتفاع از سطح دریا ۱۹۰۰ متر می باشد . جمعیت شهر درسال ۱۳۳۰خورشیدی ۶۵۰۲۱ نفر . ارتفاع از سطح دریا ۱۶۵۰ متر .

فرزند امیر سلیم بن برهان الدین بن سید شامی ابن حسن بن عبد الله بن علی بن سلیمان بن عبد الصمد (احمد) بن محمد بن داوود بن ابراهیم بن علی بن خلیل بن ابراهیم السمین بن تاج الدین بن عزالدین بن عبدالرحیم بن قاسم بن ابراهیم بن حسین بن موسی الثانی بن ابراهیم الاصغر ابن الإمام موسی الکاظم علیه السلام . .

در سال ۱۲۱۲ (ص ۱۷۵ تاریخ زنجان) ویا ۱۲۲۴ (ص ۶۱ یکم الکرام البرره) در زنجان تولد یافته در موطن خود مقدمات علوم را فرار گرفته سپس در قزوین نزد مولی عبدالوهاب قزوینی و مولی محمد تقی شهید مدنی تلمذ نموده سپس به اصفهان مهاجرت نموده در این شهر خدمت حاجی کلباسی و سید حجه الاسلام شفتی به تحصیلات خود ادامه داده تا بمقام اجتهاد رسیده و در سن سی و پنج سالگی با داشتن اجازات روایتی واجتهاد از حاجی کلباسی و دیگران به زنجان مراجعت نمود و به ترویج دین وامر بمعروف و نهی از منکر واقامه حدود و تدریس و تألیف و تصنیف پرداخته و در فتنه باب دچار رحمانی شده و در دفع ورفع ایشان جدبلیغ نموده و در ابطال عقاید آنان کتابها نوشته است. در تاریخ زنجان چهل و سه کتاب و رساله از تالیفات اورا نام میبرد که از آن جمله است: ۱ایضاح الدلائل فی عقد الانامل ۲ – تسلیه الملهوفین ۳– حجه الابرار در اثبات حرمت شراب در تمام ادیان و اعصار ۴ – الحسینیه در جواز شبیه در عزاداری ۵ – خلاصه الفروع ۶ – سد الباب و کتابهای تخریب الباب وقلع الباب وامع الباب ورساله دیگر هر پنج کتاب در رد با بیه ۷– شرح خلاصه الحساب ۸– شرح قواطع

الاوهام ۹- القبسات در مصائب آل محمد علیهم السلام ۱۰- قره الابصار در زبر وبینه ۱۱- کشف دساتر در شرح کلمات بابا طاهر ۱۲ – لب اللباب در حبوه ۱۳- مقالید الابواب در پنج مجلد۱۴- ملاحم القرآن ۱۵- نور العینین درمصائب حضرت اباعبد الله الحسین علیه الاسلام ۱۶- وسیله الغفران در علم کلام

۱۷ -هلالیه .

صاحب عنوان در روز سه شنبه سوم جمادی الاول ۱۲۹۲ در زنجان وفات یافته و سه فرزند دانشمند از او بجای ماند: ۱- میرزا ابو المکارم ۲- میرزا ابوطالب ۳- میرزا ابوعبدالله رحمه الله علیهم اجمعین .

۱۱- حاج میرزا ابوالقاسم بن حاج سید مهدی کاشانی

(۱) در لبـاب الألقاب (ص ۷۸) دربـاره او گویـد : از رؤساء علماء کاشان عالم فاضل وفقیه کامل وورع صالح عابد زاهد محتاط.

۱- شیروانی در پستان السیاحه (ص ۴۶۰) می نویسد : کاشان بلده ای است مسرت نشان به این شهر ما بین قم و اصفهان اتفاق افتاده و جوانب اربعه اش گشاده است آبش معتدل وهوایش بگرمی مایل گویند در بیده خاتون زوجه هارون این شهر را احداث نموده و در زمان صفویه بغایت معمور ... مردمش از قدیم مذهب امامیه دارنده اور احسن الودیعه (ص۱۸۲ دوم) نقل ازیاثون گوید : شهری است نزدیك اصفهان و همیشه باشم گفته وذکر می شود و مردم آنجا همگی شیعه می باشند (انتهی) در تمام کتب جغرافیا که در قدیم نوشته شده است مردم کاشان را به تشیع و تصلب در آن ستوده اند همچنین مردم قم که از اشعریین و از دوستان خاندان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بوده و عده ای زیاد از اصحاب ائمه اطهار علیهم السلام در بین آنان بوده است . سنیان که از دشمنان اهل بیت بودند دوستان این خاندان را نیز به بدی یاد میکردند ومثل معروفی که در بین برخی از عوام و جهال از روی عدم بصیرت گفته میشود که: نه قم خوبست نه کاشان – الخ، از همین جا سرچشمه گرفته است و من می گویم : هم قم خوبست وهم اشان – لعنت به بدگوهاشان . ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی:۵۱/۲۹/۰۰ عرض جغرافیائی:۲۳/۵۹/۰۰ ارتفاع از سطح دریا:۴۲/۱۵/۵۱جنوب غربی

قوی القلب از هر شائبه و پاک از آلودگیهای حرص طمع مرجعیت خواص و عوام داشته و به حکام بدون اعتنا و توجه بوده است.

از شاگردان حاج سید محمد باقر اصفهانی (شفتی) بوده در سال ۱۲۸۱ وفات یافته و قبرش در کاشان معروف است.

۱۲- حاج سیداحمد بن میر سید حسین حسینی مرندی اصفهانی

ا) شیروانی در بستان السیاحه (ص ۵۸۵) می نویسد:

مرند ناحیه ای است ارجمند از نواحی تبریز و محلی است فرح انگیز گویند نام قصبه آنها نیز مرند است باغات خوب دارد. .

ثانیه/دقیقه/درجه

طول جغرافیائی:۴۵/۴۵/۳۰

عرض جغرافیائی:۳۸/۲۶/۰۰

ارتفاع از سطح دریا:--/۱۳۳۴/--

در حدود سال ۱۲۲۵ در شهر مرند متولد گردیده و مقدمات علوم را در آنجا فرا گرفته سپس جهت تکمیل تحصیلات خویش به اصفهان مهاجرت نموده و در خدمت حاجی کلباسی و سید حجه الاسلام و جمعی دیگر از علماء سالها تلمذ نموده کا عالمی جامع و فقیهی بارع گردید . سرانجام در شوال سال ۱۲۹۸ در اصفهان

وفات یافته در تکیه حاجی آبادهای مدفون گردید .

این سه سطر شعر بر روی سنگ قبر او مقور است : حاج سید احمد از شهر مرند آمد و در اصفهان مارا گرفت دانش این آیت الله بزرگ در میان عالمان والا گرفت در هزار و دوصد و نود و هشت در جوار رحمت حق جاگرفت

سلسله سادات مرندی که عموماً اهل فضل وادب می باشند از اعقاب مشار الیه می باشند .

در البدر التمام (ص ۷) بشاگردی او نزد حاجی کلباسی اشاره شده و از قول او گوید :

زمانی عازم مسافرت بطهران شدم خدمت حاجی جهت خداحافظی مشرف شدم از من پرسیدند طول مسافرت شما چقدر خواهد بود؟ در جواب عرض کردم سه ماه الی چهار ماه، فرمودند بیست و یک ماه. از این بیان متحیر شده بمنزل آمدم و در پشت تر آن روز حرکت را باد داشت نمودم بطهران رفتم و در آنجا کاری در مرند پیش آمد مجبوراً بمرند رفتم و پس از انجام کار مراجعت بطهران و سپس به اصفهان نمودم چون به روز حرکت خود در پشت قرآن نظر کردم طول مدت مسافرتم دقیقاً بیست و یک ماه بود و این از کرامات حاجی کلباسی می باشد .

مرحوم حاج سید احمد فرزندانی داشته که از آن جمله است مرحوم حاج سید عبد العلی مرندی عالم فاضل از شاگردان آقا سید محمد باقر درچه ای و شیخ مرتضی ریزی متوفای سال ۱۳۵۴ مدفون در بقعه تکیه مرحوم آقا شیخ مرتضی ریزی در تخت فولاد اصفهان رحمه الله علیه .

ص : ۲۵۹

۱۳– سید احمد بن سید عبدالله حسینی میردامادی سدهی

(۱)

فرزند میرزا محمد رحیم اول بن میر مرتضی بن میر محمد اشرف بن سید عبدالحسیب محمد بن میرسید احمد عاملی داماد میر محمد باقرداماد و بهمین مناسبت اعقاب او به میردامادی شهرت یافته اند فرزند سید زین العابدین بن میر عبدالله بن میر محمد بن میر صالح بن میر محمد جعفر بن احمد بن حمزه بن ابوالقاسم بن حسین بن ابی احمد عبد الله المشهدی بن میر محمد بن میر علی بن حسین بن محمد طبان بن حسین بن ابی احمد علی بن محمد عزیزی بن ابی جعفر بن ابی محمد الاطروش بن ابوالحسن علی بن حسین الطواف بن ابوالحسن علی الخارص بن ابی الحسین محمد الدیباج بن الإمام جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام (منقول از مقدمه الطائف غیبیه).

در مقدمه لطائف غبیه (ص ۳۲) درباره او می نویسد :.

از اکابر علماء و دانشمندان دوره فتح علیشاه قاجار و از شاگردان مرحوم حاج سید محمد باقر حجه الاسلام و مرحوم حاجی کلباسی بوده کتاب زبده الاسرار

ص : ۲۶۰

۱- مر کز بلوک ماربین از توابع اصفهان و مرکب از سه ده می باشد ۱- حوران ۲ - فروشان ۳- در ورنوسفادران درقدیم دهات سه گانه از یکدیگر مجزا بوده لکن امروز بهمدیگر پیوسته و خود شهری نسبتاً بزرگ گشنه و در فتنه افغان در طول هفت سال اقامت نتوانستند آنجا را تسخیر کنند و این افتخار برای همیشه برای مردم شجاع وغیور ومتعصب این شهر باقی ماند که مردم این شهر نباید آنرا فراموش کنند. در سالهای اخیر نام این شهر که حقا باید برای همیشه سده گفته شود تا این افتخار فراموش نگردد مانند برخی از شهرهای دیگر تغییر نموده در اول همایون شهر و اخیرا خمینی شهر شده و فاصله آن ها اصفهان ۱۸ کیلومتر است .

(در اوراد و اذکار) از تألیفات اوست .

در رجال اصفهان (ص ۲۳۷) گوید : امامت جمعه و جماعت سده از طرف پدر بدو محول بوده است در ۲۲ محرم الحرام سال ۱۲۴۳ در سده وفات یافته در مقبره معروف به مقبره میر سید عبدالله در خوزان مدفون گردید . در همین روز پدرش نیز وفات یافت (بشرح حال اومراج می شود).

۱۴- ملا احمد بن علی اکبر تربتی

:(۱)

در تاریخ سه شنبه ۲۳ شوال المکرم ۱۲۷۳ جهت مرحوم حاج سید اسدالله فرزند حجه الاسلام شفتی اجازه ای مرقوم داشته بنام و اجازه الحدیث ، در پانزده برگ ودر آن اجازه مرحوم سید حجه الاسلام جهت خود و همچنین شمه ای از حالات ویرا نقل می کند .

۱- شیروانی در بستان السیاحه (ص ۱۸۹) به خلاصه می نویسد : تربت بضم تاء وفتح بام و سکون راه وتاء ولایتی است روحانی ... آبش از کاری رهوایش بهجت انگیز و خاکش حاصلخیز مردمش شیعی مذهب و دلیر و در بعضی اوصاف دلپذیر ... اصل قصبه تربت در زمین هموار واقع شده ... وشهر تربت از بلاد خراسان و در سه منزلی مشهد مقدم اتفاق افتاده . چون قطب الدین حیدر مقدم حیدر پان آنجا مدفونت لهذا آنان را تربت حیدریه گویند . ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی:۵۹/۱۳/۳۰ عرض:۳۵/۱۶/۰۰ انحراف قبله:۵۶/۰۵/۵۹جنوب غربی ارتفاع از سطح دریا ۱۳۵۰/۹۱۰تربت جام و حیدریه

این اجازه بشمار (۸۳) در کتابخانه آیت الله گلپایگانی در قم موجوداست.

آغـاز : بسم الله الرحمن الرحیم یـارحمن یارحیم اعـذنا من شـر الشـیطان الرجیم الحمـد لله علی کل نعمه من نعمائه حمـداً دائما بدوام کبریائه ..

انجـام : ختم الله لنـا بـالخیر والعـافیه وحشـرنا مع خـاتم النبیین وعترته الطاهرین صـلی الله علیهم صـلاه کثیره دائمه (ص ۸۸ یکم فهرست کتابخانه آیت الله گلپایگانی).

در الکرام البـرره (ص ۹۸ یکم) بنقل از بغیه الطالب از دانشـمندی بنام مولی احمـد بن علی اکبر قائنی نام میبرد که شـرحی بر اشارات حاجی کلباسـی نوشته و در ۱۲۵۶ وفـات یافته و فقط دختری از او بجای مانـده است . در بهارسـتان مرحوم حاج شـیخ محمد حسـین آیتی (ص ۲۷۸) پـدرش را نـام برده و در جای دیگر (ص ۳۱۷) ویرا عنوان نموده است و هیـچ کدام به تربتی بودن او اشاره ای ننموده اند احتمال اتحاد ایندو نفر بعید است ، والله العالم .

۱۵- مولی احمد بن مولی علی اکبر نصر آبادی

(۱): خراشداری فایني عالم فاضل فقیه .

در کتابهـای بغیه الطالب و بهارسـتان (ص۳۱۷) والکرام البـرره (ص ۹۸ یکم) ومکـارم الأثـار (ص ۱۵۲۳ پنجم) ویرا عنـوان نموده اند و گویند :

در امر بمعروف و نهی از منکر ساعی و کوشا بوده و بمدرس شـهرت داشته وشرحی بر اشارات حاجی کرباسی نوشته و سیصد و چهل مجلد کتاب خود را وقف

۱- نصر اباد و خراشاد از اعمال قاینات است

بر مدرسه قدیمه بیرجند نموده و در سال ۱۲۵۶ وفات یافته و در قبرستان شرقی بیرجند در پهلوی حکیم نزاری قهستانی مدفون گردیده است. صاحب عنوان فقط دارای یک دختر بوده است.

نویسنده گوید : بطوریکه شنیده شد تحصیلات مشار الیه در اصفهان و نزد علمای این سامان همچون حاجی کلباسی و سید حجه الاسلام شفتی بوده است . بنا بر این مشار الیه شاگرد سید حجه الاسلام می باشد . و ظاهراً مشار الیه غیر از مولی احمد بن علی اکبر تربتی سابق الذکر است که در سال ۱۲۷۳ جهت حاج سید اسدالله اجازه مرقوم داشته است . والعلم عند الله تبارک و تعالی .

۱۶- سید ابوالقاسم احمد بن محمد حسنی حسینی کوپائی اصفهانی

(۱)

از معاریف فضلاء ودانشمندان اصفهان و خدمت حاجی کلباسی رسید حجه

ص : ۲۶۳

۱- شروانی در بستان السیاحه (ص ۴۶۵) می نویسد : قهپا به بمعنی کهپا به نام ناحیه ای است از نواحی اصفهان مزارع فراوان ومواضع بهجت تشان دارد . مرحوم جابری انصاری در تاریخ اصفهان (ص ۱۸۸) می نویسد: کوهپایه از مشرق مایل بشمال و ابتدایش هفت فرسنگ وانتهاء فریب بیست و پنج فرسنگ و کوهستان آنها بحدود نائین شده آبش از توانی است عمیق که غالباً به سنگ بر خورده و مشقت قطره آبی بیرون آورد. عبای قهپایه وصفاری هرند مشهور ، دهانش مرل - جبل - جشوقان - تهی - نشارك - سجزی - زفره می باشد . ثانیه دقیقه درجه طول جغرافیائی زفره میباشد . ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی زفره:۵۲/۱۷/۰۰ عرض:۳۲/۵۶/۱ انحراف قبله:۴۶/۵۴/۰۰جنوب غربی

الاسـلام تلمـذ نموده و به امرودسـتور مرحوم حجه الاسـلام فهرسـتی از ابواب کتب اربعه ترتیب داده و تـا سـال ۱۲۵۹ که سال تالیف کتاب ۱- الارشاد فی احوال الصاحب الکافی اسماعیل بن عباد استحبات داشته نسخه ای از این کتاب در کتابخانه فاضل جلیل مرحوم آقا میرزا محمد رضا بن حاج ملا طاهر الهی که ظاهراً از اسباط مؤلف بود بنظر رسید کتاب نامبرده بسعی واهتمام دانشـمند بزرگواروفاضل عالی مقدار آقا سید جلال الدین طهرانی فرزند حاج سید علی حسینی بضمیمه کتاب محاسن اصفهان تـالیف مافروخی در سال ۱۳۱۲ خورشـیدی بچـاپ رسـیده است . دیگر از تألیفـات صاحب عنوان کتاب :۲- تحف العقول فی توضـیح قوانین الاصول حاشـیه بر کتاب قوانین نزدیک هزاربیت و نسـخه آن در کتابخانه علامه مفضال حاج سـید محمـد علی روضاتی در اصـفهان می باشد ۳-فهرس ابواب الکتب الاربعه در پنج هزار بیت نسـخه ضـمن مجموعه شماره (۲۰۵۹) کتابخانه آیت الله مرعشی در قم (ص ۲۸۰ هشتم فهرست مرعشی)ص ۹۲ بزرگان و دانشمندان اصفهان - ص ۱۰۹ یکم الکرام البرره

۱۷- مولی احمد علی اصفهانی

از معاریف علماء وفضلاء اصفهان بوده خدمت سید حجه الاسلام مدتی تلمذ نموده است .

مرحوم سید حجه الاسلام ویرا در سال ۱۲۵۲ جهت ارشاد و هدایت مردم رشت بدانسمت گسیل داشته و سفارشنامه ای بعنوان او جهت مردم رشت و آن نواحی مرقوم فرموده و مردم را برای رجوع در امور شـرعی خود بدانجناب توصـیه نموده است و در آن ویرا به : العلامه الفهام والمجتهد العادل

ستوده است.

ص : ۲۶۴

این سفارشناسه ضمن مجموعه ای از اجازات صاحب عنوان در کتابخانه علامه آقا سید محمد باقر حجت طباطبائی در کربلا بنظر علامه ماهرانی رسیده است (ص ۱۲۰ یکم الکرام البرره) .

۱۸- حاج سید اسد الله بیدآبادی

:(۱)

فرزند مرحوم حاج سید محمد باقر حجه الاسلام شفتی و خود به حجه الاسلام ثانی مشهور بوده، شرح حالش در عنوانی مخصوص نوشته میشود مطالبین مراجعه

نمایند .

۱۹- ملا اسماعل طبسی خراسانی

:(!(۲)

فاضل جلیل در طبس متولد گردیده و پس از تحصیلات مقدمات علوم جهت تکمیل به اصفهان مهاجرت نموده و در این شهر در نزد جمعی از بزرگان علم و دانش به فرا گرفتن علوم اشتغال جسته که از آن جمله است مرحوم سید حجه الاسلام شفتی ، ضمناً علاوه بر منبر و موعظه به کتابت روزگار می گذرانیده و در این شهر

۱- در خاتمه این رساله شرح مختصری راجع به سابقه تاریخی و عظمت مخله بیدآباد و برخی از منسوبین باین محله در قدیم و این اواخر خواهیم نوشت طالبین مراجعه فرمایند .
۲- شیروانی در بستان السیاحه (ص ۳۵۴) بخلاصه می نویسد: طبس بفتح اول و دوم و سکون سمن بلده ای است دلنشین از مضافات خراسان ... هوایش گرم و آبش از کاریزه آن شهر در زمین هموار واقع و اطرافش واسع. در تاریخ علمای خراسان (۶۶) گوید: طبس نام یکی از فرای سبزوار است و هم نام شهری است در بلاد خراسان . ودر بهارستان (ص ۲۲) گوید : طبسین (به صیغه تثنیه) و آن دو قصبه است یکی طبس التون و دیگری طبس العنایت (در اولی درخت خرما و در دومین درخت عناب فراوانست) یکی را طبس گلیک ودیگری راطبس سینا خوانند

وفات یافته در صحن امامزاده هرون ولایت (هارون بن موسی بن جعفر علیهما السلام) مدفون گردید.

فرزندش ملا محمد حسین عارفچه در اصفهان متولد و در نزد بزرگان علماء این شهر همچون حاج سید اسد الله بیدآبادی و حاج ملا حسینعلی تویسرکانی و آقا میر سید محمد شهشهانی و جمعی دیگر تحصیل نموده و در عداد خطباء وواعظین و ذاکرین مصائب معدود بود و کتب چندی تألیف نموده از آن جمله : ۱- انیس الواعظین ۲- زاد العارفین در پنجاه مجلس منبری در سال ۱۳۷۱ به همه همت فرزندش مرحوم آقا میرزا محمد علی عارفچه بچاپ رسیده است ۳- زاد المواقف در مواعظ در پنجاه مجلس بسال ۱۳۷۰ در طهران بچاپ رسیده است ۴- زاد الواعظین وغیره . مشار الیه در سال ۱۳۲۲ وفات یافته در تخت فولاد در تکیه آقا سید رضی در جنب قبر آقا سید عبدالباقی قزوینی مدفون گردید .

و فرزندش مرحوم آقا میرزا محمد علی عارفچه شاعر ادیب واعظ فاضل کامل مؤلف کتب کثیر منفی سال ۱۳۸۰ مدفون در تخت فولاد اصفهان می باشد (ص ۲۸۴ بزرگان و دانشمندان اصفهان) .

۲۰- محمد اسماعیل بن محمد ابراهیم

در تاریخ پنج شنبه ۱۰ ذی الحجه ۱۲۴۰ کتاب نسخه ای از کتاب : تحفه الابرار تألیف مرحوم سید حجه الاسلام را بپایان رسانید است.

نسخه بشماره (۴۸۲۹) در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است و نویسنده محترم فهرست می نویسد :

بشار الیه ظاهراً از شاگردان سید حجه الاسلام می باشد (ص ۲۷۵۳ چهاردهم فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران).

ص : ۲۶۶

۲۱- سید اسماعیل بن میرابوطالب

طباطبائی:

در تاریخ چهار شنبه اول محرم سال ۱۲۴۶ کتابت نسخه ای از رجال مرحوم سید حجه الاسلام را بخط نسخ بپایان رسانیده (در پایان رساله در ترجمه اسحاق بن عمار) نسخه کتاب بشماره (۱۲۴۹) در کتابخانه آیت الله مرعشی درقم موجود است (ص۵۲ جلد چهارم فهرست کتابخانه).

مشار الیه احتمالا از شاگردان وحاضرین مجلس درس مرحوم سید حجه الاسلام بوده است.

۲۲- شیخ اسماعیل بن شیخ محمد حسین سلطانیه ای

(۱) .

در سال ۱۲۱۹ متولد شده و در نزد سید حجه الاسلام حاجی کلباسی و دیگران تلمذ نموده تا بمقامات عالیه علم و دانش رسیده است . از آثار علمی او شرح قواعد الاحلام حلی است در چهار مجلد . وفات مشار الیه حدود سال ۱۳۰۰ رویداده است.

ص ۱۴۳ تاریخ زنجان - ص ۴۸ فهرست علمای زنجانی

ص : ۲۶۷

۱- سلطانیه زنجان شیروانی گوید (ص۳۱۲) در دو منزلی قزوین اتفاق افتاده و آنجارا سلطان غازان بنا نموده و سلطان محمد خدابنده تمام کرده شهری خوش ومدنه ای دلکش بود. ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی:۵۸/۱۷/۰۰ عرض:۳۵/۱۲/۰۰ انحراف قبله:۵۴/۴۵/۰۵ ارتفاع از سطح دریا ۱۷۸۰ متر

علامه طهرانی در الذریعه (ص ۱۸ چهاردهم) وهمچنین در الکرام البرره (ص ۱۳۵ یکم) می نویسد:

سید اسماعیل بن امیر اسد الله حسینی (در الکرام نام پدر ذکر نشده است) مؤلف شرح قواعد الاحکام در چهار مجلد و متوفی حدود سال ۱۳۰۰ (در الذریعه میفرماید پس از ۱۳۰۰ باندك زمانی) و فرزندش علامه میرزا ابوالمعالی در ۲۷ ربیع الثانی ۱۴۴۲ وفات یافته است.

در این دو کتاب اولا اورا سید و ثانیا پدرش را سید اسدالله وثالثاً اشاره ای بشاگردی او نزد حجه الاسلام شفتی نشده است احتمال تعدد (شیخ اسماعیل و سید اسماعیل) بعید بنظر میرسد .

۲۳- حاج میرزا اسماعیل بن میرزا محمد حسین دوم طباطبائی زواره ای

(۱) فرزند میرزا محمد صادق بن محمد حسین اول بن رفیع الدین محمد

۱- شیروانی در پستان السیاحه (ص ۳۰۵) گوید : زواره نام دو ولایت است یکی در عراق شهر آن اردستان است ... و دیگری زواره خراسان شهر آن تربت است. دانشمند معاصر آقای ابوالقاسم رفیعی مهر آبادی ساکن طهران صاحب تالیفات عدیده سه جلد کتاب بنام : آتشکده اردستان در شرح تاریخ و جغرافیای زواره واردستان مرقوم فرموده و بچاپ رسانیده است و الحنی کتابی مفید و قابل استفاده است. مشار الیه در کتاب خود (ص ۱۴۵ یکم) مطالبی در فقه اللغه زواره وعقاید جغرافی نویسان قدیم را مفصلا بیان داشته و از اوضاع طبیعی و جغرافیائی آن کاملا بحث نموده است طالبین مراجعه نمایند . ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی:۵۲/۲۸/۰۰ عرض:۳۳/۳۰/۴۰ انحراف قبله:۴۵/۵۶/۰۰جنوب غربی .

بن محمد مهدی بن ابوالحسن بهاء الدین محمد بن رفیع الدین محمد نائینی اصـفهانی (میرزارفیعا) فرزند حیدر بن زین الدین بن علی بن حیدر بن کمال الدین حسن بن شـهاب الدین علی بن عباد بن احمد بن حمزه بن اسـحق بن طاهر بن علی بن محمد بن احمـد بن محمـد بن احمـد الرئیس بن ابراهیم الطباطبا بن اسـماعیل الدیباج بن ابراهیم الغمر بن الحسن المثنی بن الامام ابی محمد حسن المجتبی السبط الاکبر علیه السلام .

در کتاب آتشکده اردستان (ص ۲۹۰ دوم) می نویسد : از علماء و محدثین عصر حجه الاسلام رشتی بشمار می رفته و از سود استجازه کرده و مرحوم حجه الاسلام باو اجازه نداده است. سپس به نجف مشرف شده و آنجا از صاحب جواهر اجازه گرفته و سواد آنرا برای مرحوم سید فرستاده است .

نویسـنده گوید : بظن قوی صاحب عنوان شاگرد مسید حجه الاسلام بوده و در موقع اجازه خواستن شایستگی آنرانداشته سپس به نجـف مشـرف گردیـده و خـدمت صـاحب جواهر تلمـذ نموده و پس از نیـل بمقامـات علمی مرحوم آناشـیخ محمـد حسـن اصفهانی باو اجازه داده اند . والعلم عند الله تبارک وتعالی .

در تکمله نجوم السماء (ص ۱۲۸ یکم) می نویسد : فاضـلی تحریر و عالمی با توقیر در علوم حکمیه و فنون فلسفیه کوی سبقت ازاقران عصـر خود ربوده خواهرش در حباله عند حجه الاسـلام آقا سـید محمد باقر رشتی بودوحاج سید عبدالله فرزندسیدحجه الاسـلام خواهر زاده ایشانست سپس شرحی از تحصیلات او و مسافرتش . به هند و تدریس او در آنجا نوشته، در آنجا گوید و بعید نیست که وی از سید حجه الاسلام هم استفاده کرده باشد .

در سال ۱۲۶۱ بهنـد (لکهنو) رفته و یـک سـال در آنجا توقف نموده و بتـدریس اشـتغال جسـته و جمعی از دانشـمندان آنجا همچون : سید مهدی شاه متوفی بسال

۱۳۱۴ وسید عبدالله وملاجواد کشمیری وغیره شاگردار بوده و خود از شاگردان شیخ محمد تقی رازی وصاحب جواهر و دیگر انست. کتب زیر از اوست : ۱- حاشیه پرشرع هدایه ملاصدرا شیرازی ۲ - شرح دره منظومه سید بحرالعلوم وغیره .

۲۴ – شیخ اسماعیل بن محمد ورنوسفادرانی

ورنوسفادران (بن اصفهان) یکی از دهات سه گانه سده ماربین اصفهانست(۱).

مشارالیه در تاریخ سه شنبه ۱۵ ماه رمضان المبارک سال ۱۲۴۳ کتابت نسخهای از مجلد دوم کتاب : مطالع الانوار تألیف سید حجه الاسلام را بخط نسخ بپایان رسانیده است. کتاب نامبرده به شماره (۱۱۴۵) در کتابخانه مدرسه فیضیه قم موجود است (ص ۲۵۵ بکم فهرست کتابخانه مدرسه فیضیه تألیف دانشمند محقق جناب حاج شیخ رضا استادی تهرانی) احتمالاً مشار الیه از شاگردان سید حجه الاسلام می باشد.

۲۵ – میرزا بابا اصطهباناتی

(۲)

عالم فاضل جلیل از فضلای مورد وثوق مرحوم سید حجه الاسلام شفتی بوده

۱- یکی از دهات سه گانه شهرستان سده (همایونشهر-خمینی شهر) می باشد واکنون باید گفت یکی از محلات بزرگ این شهرستان میباشد .

۲- اصطهبانات یکی از بخش های چهارگانه فسا و دارای ۲۵ قریه و مزرعه و قصبه وحدود بیست و سه هزار نفر جمعیت می باشد ، زبان آنها فارسی ومذهب آنان شیعه اثنی عشری است . مرکز آن قصبه اصطهبانات (بکسر اول و سکون دوم وفتح سوم) در هفتاد و دو کیلو متری شمال خاوری فسا می باشد. (ص ۴۳ یکم دانشمندان و سخن سرایان فارسی یا اندک تصرف) ثانیه/دقیقه/درجه طول:۵۴/۰۴/۰۰ عرض:۵۷/۰۹/۰۰ انحراف قبله:۵۷/۰۶/۴۶ ارتفاع از سطح دریا ۱۷۳۰ متر

و آن مرحوم مشار الیه را متولی وتصدی ثلث یکی از ثروتمندان (ظاهراً اصطهبانات) نموده و صاحب عنوان از محل آن ثلث خانه و آسیائی در نجف خریده و آنهارا وقف بر طلاب علوم دینیه نمود و همچنین در اصطهبانات از همین محل مدرسه ای و گرمابه ای در سال ۱۲۶۴ بنا نمود و آنها را نیز وقف کرد .

احتمالاً مشار الیه از شاگردان مرحوم سید حجه الاسلام بوده و تاریخ وفاتش پس از سال ۱۲۶۴ می باشد و احتمالاً وی همان عالم عامل حاجی بابا مذکور در البدر التمام (ص ۷) می باشد . اگر این احتمال صحیح باشد وی شاگرد حاجی کلباسی نیز بوده است . العلم عند الله .

۲۶ - مولی محمدباقر ترشیزی

:(۱)

از علماء طهران بوده و در اصفهان تحصیلات خویش را نزد علماء این سامان

۱- ترشیز اکنون انجارا کاشمر گویند از ناحیه خراسان و نزدیک تر کسنانست ثانیه/دقیقه/درجه طول:۵۸/۲۷/۰۰ عرض:۳۵/۱۲/۰۰ انحراف قبله: ۵۴/۴۴/۰۵جنوب غربی ارتفاع از سطح دریا ۱۰۵۰ متر

خصوصاً نزد سید حجه الاسلام رشتی اصفهانی بپایان رسانیده و از ایشان مجاز بوده است ، در طهران مرجع امور دینی و مقبول القول در نزد عموم طبقات بود . در حدود سال ۱۲۷۵ وفات یافته است.

ویرا دو پسر عالم ودانشمنداست : ۱- شیخ حسین متوفی بسال ۱۳۴۳ پدرعالم معاصر روحانی حاج شیخ زین العابدین سرخه ای امام جماعت مسجدامام زاده یحیی ۲- شیخ محمد متوفی حدود سال ۱۳۲۰ هجری قمری.

علامه طهرانی می نویسد : چون این دو برادر هنگام فوت پدر کودک بودند آنان را ناپدریشان مولی عباسعلی سرخه ای از شاگردان شیخ انصاری تربیت نموده و بدین مناسبت به سرخهای شهرت یافتند .

ص ۱۶۱ یکم الکرام البرره - ص ۳۳۵ شخصیت و زندگانی شیخ انصاری

۲۷ – حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی

فرزند مرحوم شیخ محمد تقی بن محمد رحیم بیک بن محمد قاسم بیک رازی ایوان کیفی اصفهانی عالم محقق جلیل .

مرحوم علامه فقیه رجالی حاج سید محسن امین عاملی در اعیان الشیعه (صفحه ۳۵ پنجاهم) در ضمن احوالات مرحوم حاج شیخ نورالله نجفی مسجد شاهی فرزند مشار الیه می نویسد :

علامه جلیل آیت الله آقا سید شهاب الدین مرعشی نجفی از ایشان روایت می کند و او از پدرش مرحوم شیخ محمد باقر و او از سید حجه الاسلام

بنابر این صاحب عنوان نیز از علماء مجازین از مرحوم سید حجه الاسلام بوده لکن شاگردی وی در نزد ایشان محقق نیست گرچه محتمل الوقوع می باشد.

ص : ۲۷۲

مرحوم آقا شیخ محمد باقر در سال ۱۲۳۵ متولد و در ماه صفر سال ۱۳۰۱ در نجف وفات یافته . ویرا تألیفاتی است از آنجمله : ۱- حجیه المظنه ۲- لب الاصول ۲- لب الفقه وغیره .

۲۸ - آقا میرزا محمد باقر خونساری

بن حاج میرزا زین العابدین موسوی خونساری چهارسوئی (۱) اصفهانی.

علامه نیه زاهد محقق متتبع اصولی رجالی، از بزرگان و مفاخر علمی در قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم در اصفهان مؤلف کتاب نفیس روضات الجنات که احتیاج به تعریف و ستایش نداشته و هیچ نویسنده و دانشمندی از داشتن آن بی نیاز نمی باشد .

۱- شیروانی در پستان السیاحه (ص۲۷۴) گوید : قصبه ای است طد آثار در چهار فرسخی گلپایگان واقع در میان کوه اتفاق افتاده آبش سیارو مقابت خوشگوار هوایش سازگار و باغاتش فراوان قریب سه فرسخ طول باغات آنها است و الحق ـدایت دلکش است اکثر فراکش ممتازو گز انگبین آنجا با نیاز است ... ئاشق خوب تراشند و کاتب خط نسخ در آنجا بسیار باشند . علامه صاحب روضات الجنات (ص ۱۹۶) در کتاب خود در باره خونسار بحث نموده طالبین مراجعه نمایند . دررمن خوسار کت شلم است : سه فرسخ درسه فرسخ لاله زار است بهشت روی دنیا وتسار است . ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی:۵۰/۱۹/۰۰ عرض:۳۳/۱۳/۰۰ انحراف قبله:۴۰/۵۰/۱۱جنوب غربی ارتفاع از سطح دریا ۲۲۵۰ متر

در دوشنبه ۲۲ صفر سال ۱۲۲۶ در خونسار متولـد گردیـده و در نزد جمعی از امام بزرگوار تلمـذ نموده و از عده ای از آنها به اجازه روایتی و اجتهاد مفتخر گردیده است که از آن جمله افراد زیر می باشند : ۱- سید ابراهیم صاحب ضوابط

۲ شـیخ محمـد تقی رازی اصـفهانی ۳- آقـا میر سـید حسـن مـدرس میر محمـد صـادقی ۴- حـاج میرزا زین العابـدین پـدر بزرگوارش ۵ - شـیخ قاسم بن محمد نجفی ۶- میر سـید محمد بن عبد الصمد شهشهانی اصفهانی ۷- شـیخ محمد بن علی بن شیـخ جعفر کـاشف الغطـاء و بخصوص سـید حجه الاسـلام و هم از ایشـان مجاز بوده است و جمعی کثیر از علماه در خـدمت ایشـان للمـذ نموده و از ایشـان مجـاز می باشـند که علامـه مولی محمـد حسـین بن مولی اسـدالله کرمـانی اصـفهانی (جـد امی نویسـنده) از آنجمله است متوفی در شب جمعه ۲۱ جمادی الاولی ۱۳۳۰ در اصـفهان . کتب زیر از تألیفات صاحب عنوانست: ۱- احسن العطیه در شرح الفید۲- ارجوزه در اصول فقه

۳-اسباب بلایا نازله برسعید وشقی۴ - امربمعروف و نهی از منکر (رسـاله در) ۵-تسلیه الاحزان بفارسی۶- تعلیقه بر شرح لمعه ۷ - تعلیقه بر قـوانین ۸- دسـتورالعمل برای عمل مکلفین ۹- رساله عملیه۱۰- روضات الجنات در شـرح حال علماء وسادات از شیعه و سنی در چهار مجلد و این معروفترین تألیفات صاحب عنوانست و بهمین علت اولاد و اعقاب آن بزرگوار به آل صاحب روضات و یا روضاتی مشهورند۱۱-شرح حدیث حماد ۱۲- رساله در ضروریات دین ۱۳ - رساله در فضیلت جماعت ۱۴- قره العین منظـومه فارسـی در اصول دین ۱۵- قصایـد عربی و فارسـی در مصـائب و مرائی۱۶- مجـالس در مصـیبت و مواعظ ۱۷- منشآت و نوشتجات که ادیبانه ومنشیانه ومسجع ومقفی نوشته اند ۱۸- منظومه عربی در اصول وغیره .

مرحوم صاحب روضات در دوشنبه ۸ جمادی الاولی سال ۱۳۱۴ در اصفهان وفات یافته در تخت فولاد در جنوب مسجد مصلی مدفون گردید و برای او تکیهای

بزرگ وقبه ای شایسته بنا نمودند و جمعی از اولاد واعقابش در بقعه و اطراف مدفون می باشند که جمعا اهل فضل ودانش و از علماء معروف و مورد توجه مردم اصفهان می باشند . اللهم اغفر لهم ولجمیع المؤمنین والمؤمنات .

۲۹ – سید محمدباقر قزوینی بن سید علی حسینی قوومیدانی

در المآثر والاثار (ص ۱۴۵) در باره او گوید :

از بزرگان مجتهدین بود و ریاستی عظمی داشت میر محمد صالح ومیر محمد رفیع که هر دو از مجتهدین مسلم زمان صفویه اند از اسلاف او می باشند. تلمذ و تکمیل مراتبش در محضر شیخ الفقهاء شیخ محمد حسین نجفی صاحب الجواهر بود و زمانی نیز در معیت حاجی سید محمد باقر اصفهانی حجه الاسلام گذرانید و در فقه و اصول وفنون معقول تصنیفات پرداخت و درخط نسخ و شکسته میان علماء کافه نظیر نداشت در سال ۱۲۸۶ هجری قزوین در گذشته و شصت و پنج سال داشت .

با توجه بسن صاحب عنوان درسال وفات تولد او حدود سال ۱۲۳۰ خواهد

مرحوم تنکابنی مؤلف قصص العلماء مدتی در خدمت او تلمذ نموده و گوید ویرا تألیفاتی است از آن جمله : ۱- رساله در اثبات ملک نقاله ۲- رساله در مقدمه واجب و غیره در فن جدل و مناظره قدرت و مهارت تامی داشته بطوریکه مولی عبدالکریم ابروانی که در فضل و کمال استاد او بحساب می آمده است را در مباحثه عاجز می نموده است ضمناً خطوط نسخ و شکستهرا استادانه می نوشته و پس از وفاتش فرزند دانشمندش آقا سید موسی جانشین پدر گردید و برا فرزند دیگری است بنام میرزا ابوالقاسم ناظم العلماء . رحمه الله علیهم اجمعین

(ص ۱۶۴ و ۱۸۶ یکم الکرام البرره – ص ۷۲ یکم احسن الودیعه – ص۱۰۰ یکم الدریعه)

۳۰ – سید محمد تقی موسوی بنکته ای

(۱)

از شاگردان و مجازین از حاج سید محمد باقر حجه الاسلام بود . در این اجازه مرحوم حجه الاسلام شفنی ویرا بدین گونه وصف نموده است:

السید الجلیل التقی النقی المنقی جامع فنون الفضائل والکمالات حائز قصبات السبق فی مضمار السعادات السید العلی العالی محمد تقی ...

تاریخ اجازه سحر شب نهم محرم ۱۲۵۴ . علامه طهرانی اجازه نامبرده را ضمن مجموعه اجازات سید حجه الاسلام دیده است.

ص ۲۰۳ یکم الکرام البرره در تاریخ زنجان (ص ۳۱۶ / ۴۰۸) گوید : فرزند او سید محمد جواد از شاگردان شیخ انصاری بوده است. و در فهرست مشاهیر علمای زنجان (ص ۱۱۶) گوید : اجازه سید حجه الاسلام شفتی را جهت صاحب عنوان در نزد علامه شیخ فضل الله زنجانی زیارت کردم ونواده صاحب عنوان سید اسماعیل محققی جلیل القدر وعظیم المنزله بوده در اصفهان در خدمت مولی حسینعلی بن نوروز علی نویسرکانی تلمذ نموده و از استاد نامبرده بأخذ اجازه مفتخر گردیده تاریخ اجازه ۱۲۷۹ می باشد .

۱- بنکته نام قریه است در جتوب غربی شهر زنجان درپنج فرسنگی (ص ۱۱۶ فهرست مشاهیرعلمای زنجان)

۳۱ – ملا محمد تقی گزی

:(۱)

عـالم فاضـل از مقدسـین و پیشوایـان بـوده و خیلی آثـار خیر از او در جز بـاقی مانـده و نزد مرحوم سـید وحـاجی مقبول القول ومعتمد وبتقوی و قدس در بلد. نیز معروف بوده است .

در قریه جز وفات یافته در قبرسـتان آنجا مدفون گردید. در اول قبرستان جز (گز) تکیه دارد معروف بمقبره در وسط گنبد آن دفن است .

مشار الیه جد امی علامه جلیل مولی عبد الکرم جزی مؤلف تذکره القبور می باشد (ص ۱۶۷رجال اصفهان).

وی شاگرد حاجی و سید بوده و فرزندش ملامحمد باقر ابوالفقراء ادیب وشاعر وعالم و فاضل متوفی بسال ۱۲۸۶ می باشد .

ص ۲۱۰ وص ۱۵۹ دانشمندان و بزرگان اصفهان

۳۲ – مولی محمدتقی بن ابیطالب اردکانی یزدی

از بزرگان علماء وفقهاء واجله مشایخ ومجتهدین در المآثار والاثار (ص ۱۴۵)

۱- گز و معرب آن جز بروزن از ویِد و سر از بلوك برخوار اصفهان است. در کتاب : گنجینه آثار تاریخی اصفهان (ص ۱۸۷) مینـویس د : قریـه گز در ۱۸ کیلومتری شـمال شـهر اصـفهان واقع شـده از نواحی قـدیمی و تاریخی حومه اصـفهان محسوب میشـود دارای یـک مسـجل قلبـه ازدور سـلاها و پتـا یـای یاشـاره داره سـلولی در کاروانسـرائی از دوره صـفویه اسـت. . شـرح وتوصـیف مسـجد و منـاره و کاروانسـرای آنجا مفصـلا در کتاب نامبرده ذکر گردیـده طالین مراجعه کننـد مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان (ص ۱۷۱) در وصف بلوك برخوار می نویسد : مرکزقریه جزاست که ششهزار جمعیت و کرباس بافیش ممتاز . ۱- شـیروانی در بسـتان السیاحه (ص۶۸) می نویسـد : اردکـان نـام دو قصـبه اسـت؛یکی از توابع یزد جـائی خـوب و محلی مرغوبست و منقـل آهنی در آنجا ممتاز سازنـد . دیگر از محان شیر ازوقصـبه ای بهجت امتیاز است .. آبش در کمال عـذوبت وهـوایش در فـایت برودت در میـان دو کـوه واقع و طرف جنـو بش فی الجمله واسع است. ثـانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیـائی اردکان یزد:۵۴/۴۹/۰۰ عرض:۳۲/۲۰/۳۰ انحراف قبله:۵۲/۰۹/۲۴ ارتفاع از سطح دریا ۱۰۳۵ متر

در ضمن شرح حال او می نویسد :

در سال ۱۲۵۷ حاج میرزا آقاسی صدراعظم وقت غالب علماء ایران را محترماً بطهران حرکت داد مشارالیه نیز در بین آنها بود . صاحب عنوان در مقدمه برخی از تألیفات خود بزندانی بودن در طهران اشاره می کند . آقای دکتر علی تقی منزوی فرزند علامه طهرانی در پاورقی الذریعه (ص ۲۷۰ پنجم) شرحی راجع به این موضوع می نویسد طالبین مراجعه کنند ولکن در قمع العلماء گوید وی مورد تهمت قرار گرفته و در اصفهان بخانه سید حجه الاسلام پناهنده شده ودر سالی که محمد شاه باصفهان آمد ویرا به عنف از خانه حجه الاسلام بیرون کرده و بطهران برده (وزندانی کردند وظاهراً علت زندانی بودن مشارالیه همین موضوع است نه آنچه در پاورقی الذریعه نوشته شده است) مرحوم اردکانی پس از نجات از گرفتاری سالها مدرس مدرسه فخریه (مروی) طهران بوده تا سرانجام در سال ۱۲۶۷ مطابق گفته المآثر والاثار والذریعه (۱۶۹ پنجم) ویا سال ۱۲۶۸ مطابق نوشته الکرام البرره (ص ۲۰۶ بکم) وفات یانته کتب زبر از تألیفات اوست : ۱. الافاضات در فقه دو مجلد ۲ – الجواهر الزواهرفی احکام المبانی وایضاح السرائر در اصول فقه ۳- رساله در تقلید ۴ – رساله در حجیت مطلق ظن ۵- رساله در

صلح بفارسی ۶- رساله در مفهوم و معارف تاریخ فراغت از تألیف نزدیک ظهر روز جمعه ۲۲ شعبان ۱۲۲۸ هجری ۷-الئالی الغالیه در فنون مختلف مانند کشکول بیشتر آنرا در ایام حبس تألیف نموده است.

مشار الیه خواهرزاده مولی اسماعیل عقدائی وعموی مولی محمد حسین بن محمداسماعیل اردکانی متونی سال ۱۳۰۲ می باشد و از سبد حجه الاسلام اجازه روایت داشته است.

۳۳ – مولی محمد تقی بن حسینعلی بن رضا بن اسماعیل هروی

اسماعیل هروی(۱)

اصفهانی حائری . از معاریف علماء ومجتهدین و فقهاء و مصنفین صاحب

ص : ۲۷۹

۱- شیروانی در بستان السیاحه (ص ۶۰۸) می نویسد : هرات شهر پست جنت آیات ... جوانب اربعه اش واسع آبش خوشگوار و هوایش سازگار و در خو بی هوای آنجا گفته اند : الوجع تراب اصفهان و شمال هرات رماه خوارزم فی بقعه لم یمت فیها أحد أبدا یکی از شعرا گوید: . گر کسی پرسد را از شهرها خوشتر کدام در جواب از راست خواهی گفت او را گوهری این جهان را همچو دریا دان خراسان را صدف در میان آن صدف شهر هری چون گوهری (انتهی) از شهرهای بسیار که در خراسان قدیم بوده و در هنگام حمله وغلبه مغول خراب گردیده است : ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی:--/۶۲/۱۰ عرض جغرافیائی:--/۳۴/۲۰ انحراف قبله:۶۲/۳۰/۲۰ جنوب غربی

تألیفـات کثیره ادیب فقیه اصولی رجـالی عابـد وزاهـد . در رمضان المبارک ۱۲۱۷ در هرات متولـد گردیـد . پس از فراگرفتن مقـدمات علوم در موطن و مولـد خود در سال ۱۲۳۵ باصـفهان مهاجرت نموده و به محضـر آقا شیخ محمد تقی رازی وحاجی کلباسـی و سـید حجه الاسلام شفنی حاضر شده سپس به مشهد رضوی و از آنجا به اعتاب مقدسه ائمه عراق مهاجرت نموده و بـدرس صـاحب جواهر و آقـا سـیدکاظم رشتی و میرزا علی نقی طباطبـائی و احتمالاً آقا شـیخ مرتضـی انصاری حاضـر شـده تا بدرجات عالیه علم واجتهاد رسـیده و به اصـفهان مهاجرت نموده وشـهرت و ریاستی یافته و در سال ۱۲۷۲ بمناسباتی مجبور به مهـاجرت به عتبات شـده و تا آخر عمر یعنی ۱۷ ربیع الاـول سال ۱۲۹۹ در کربلاـ وفـات یـافته و در مقبره صاحب ضوابط دفن گردیـد . ویرا تألیفات و تصـنیفات زیاد است که تعـداد آن متجاوز از پنجاه کتاب ورساله میشود، ذیلا بنام برخی از آنها اشاره می کنیم :۱- اجوبه المسائل ۲ – الأربعین ۳- اصاله الإمکان ۴- تحقیق معنی الف ولام ۵- توضیح الحساب ۶- التفحه استادش سید حجه الاسـلام ۷ – النعارضـی بن المطلـق والمقیـد ۸ – تعـادل وتراجیـح ۹- النعـارض بین المفرره والنـاقله ۱۰ – تعلیقـه بر حواشی ملا میرزا شیروانی بر مما ام ۱۱ – تعلیفه برنجات العباد ۱۲ – تفسیر آیه : فکان قاب قوسین اوادنی ۱۳ – تنبیه الغافلین در رد بابیه ۱۴ – حاشـیه پر خلاصه الحساب – ریاض المسائل – قوانین – منهاج تالیف حاجی کلباسـی – حاشیه ملا میرزا جان ۱۵ – خلاصه البیان در تفسـیر مشکلات قرآن۱۶- الدرر المنوره ۱۷ – دیوان خطاب و مراثی ۱۸ – رسـائلی در ارث – مبحث زوال شرح لمعـه – وتنجیز تعلیـق در شـرط واقـع در عقـود – در طلاـق بعـوض – درعـدالت – در عرق جنب از حرام – کسـیکه پنج نمازش را به پنج وضو بجای آورد سپس بطلان یکی از وضوها ثابت شود ۱۹ – السبع المثافی در احوال چهارده معصوم علیهم السلام ۲۰ – شرح الاسباب

۲۱ - شرح خطبه همام ۲۲ - شرح دعای ابوحمزه ۲۳ - طریق النجاه در احکام طهارت و نماز بفارسی ۲۴ - عیون الاحکام بعربی ۲۵ - الفرائض ۲۶ - قواطع سفر ۲۷ - کاشف الاستار ۲۸ - الطائف الفوائد ۲۹- لوامع الفصول ۳۰ - اللغز (کرون) ۳۱ - لغز یوم الخمیس ۳۲ - مجالس المواعظ ۳۳ - مسائل مبسوطه ۳۴ - مشارع الوصول۳۵ - المطلق والمقید ۳۶- معیار الفکر والخیال ۳۷ - المقاصد العلیه ۳۸ - مختصر تفسیر آیه الکرسی استادش سیدکاظم رشتی ۳۹ - المیراث ۴۰ - مناسک حج ۴۱ - المناقب الحسینیه ۴۲ - نتائج الافکار در اصول ۴۳- نفی حجیت مطلق ظن ۴۴ - نهایه الامال در کیفیت رجوع بعلم رجال وغیره .

و دیگر از مصفات او کتاب ۴۵ - حدیقه النجفیه یا تحفه النجقیه در شرح . روضه البهیه در چندین مجلد تاریخ ختم جلد اول ۱۲۴۹ وتاریخ فراغت از جلددوم ۱۲۵۲ و تاریخ جلد سوم ۱۲۹۶ می باشد چنانکه علامه طهرانی در الذریعه (ص ۳۹۰ ششم) می نویسد ، در ریحانه الادب (ص ۳۱۸ چهارم) می نویسد در حواشی بعضی از چاههای شرح لمعه بطبع رسیده است .

فائده : منسوب به هرات را هروی وهراتی گویند .

شرح احوال صاحب عنوان در کتابهای : دانشمندان اصفهان (ص ۲۱۱) - الکرام البرره (ص ۲۱ یکم) تکمله نجوم السماء (ص ۳۹۷ یکم) المآثر والاثار (ص ۱۸۳) مکارم الأثار (ص ۶۲۵ سوم) و مواضع مختلفه مجلدات الذریعه .

۳۴ - ملا محمد تقی بن حاج ملا محمد علی اردستانی

:(۱)

فرزند ملاعبد العظیم بن محمد تقی بیدگلی از علماء ساکن اردستان در اصفهان

۱- اقای ابوالقاسم رفیعی مهر ابادی از فضلاء و دانشمندان معاصر در کتاب : اتشکده اردستان وجه تسمیه و تاریخ اردستان را مفصلا بیان نموده طالبین مراجعه نمایند . ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی:۵۲/۲۲/۰۰ عرض جغرافیائی:۳۳/۲۳/۰۰ انحراف قبله:۴۵/۵۹/۳۷جنوب غربی ارتفاع از سطح دریا ۱۲۰۵ متر. جیلان معرب گیلان از مناطق معروف ایران . شیروانی در بستان السیاحه گوید:ولانی است معروف و بکثرت آب وخضرت زمین و رطوبت هواموصوف مشتمل است بر بلادمعمود و قصبات مشهوره وجبال پر درخت ومسالک بسیار سخت باعث معمور واکثر مشتهیات درانجا موتور و اقسام ماهی و مرغابیش ما محصور است اکثر بلادش در کنار دریاست ابریشم آنجا فراوان برنجش ارزانست ... و در جنگل واقع شده آب گیلان از رود و بسیار وهوایش ناسازگار است و مختلف آثار (ص ۲۰۷ بستان السیاحه) دانشمند معاصر آقای حسن شمس گیلانی در کتاب : تاریخ علماء و شعرای گیلان (ص۲۱) می نویسد : ایالتی است سبز و خرم و دارای مناظر طبیعی جنگل و کوه و دریا ... سرزمین پهناور و بوفور نعم معروف و اهالی آن بسیار مردمان خوش ذوق و عارف مشربند از دیر زمان معروف بمهمان دوستی و ساده لوحی .. محصولات مهم گیلان برنج و دیگر چای و سیگار و زیتون است و ماهی آن فوق العاده مهم است پای تخت گیلان شهر رشت است.

خدمت علماء این سامان تحصیل علوم نموده تا بدرجات عالیه افضل و کمال رسیده سپس بموطن خود معاودت کرده به نشر احکام و اقامه جماعت و امر بمعروف ونهی از منکر پرداخته تا قبل از ۱۳۰۰ وفات یافته است. از اساتید او در اصفهان مرحوم سید حجه الاسلام وانا میر سید حسن مدرس را میتوان نام برد (اطلاعات متفرقه از شمائل از خاندان عظیمی).

فرزندش میرزا حسین داماد ملا علی اکبر فشارکی بوده است (ص ۱۶۴ یکم آتشکده اردستان).

۳۵ – ملا محمد تقی بن محمد قاسم گیلانی

(۱: در حدود سال ۱۲۲۰ در رامسر متولد گردیده پس از طی مقدمات علوم باتفاق

ص : ۲۸۲

برادرش ملاـ عبـد الواسع به اصـفهان مهـاجرت نمـوده و در این شـهر از محضـر سـیل حجه الاسـلام و آخونـد ملاـ علی نوری ردیگران استفاده نموده است.

از آثار او منظومه مختصری است در علم نحو که بنظر مؤلف کتاب : بزرگان رامسر رسیده است تاریخ أختتام نظم ۶۸ رمضان المبارک۱۲۵۷ می باشد. وی برادر مولی عبدالرزاق نحوی آنی الذکر می باشد

ص ۱۶۲ بزرگان رامسر

۳۶ – شیخ محمد جعفر جاسبی

:۱(۱)

عـالم فاضل در رجب سال ۱۲۵۴ کتابت نسـخه ای از مناسک حـج سـید حجه الاسـلام را بپایان رسانیده و در آخر آن عده ای مسائل با جواب آنها را مطابق فتاوی مرحوم سـید حجه الاسلام بفارسی مرقوم فرموده ورساله مناسک راتصحیح و مقابله نموده است .

مرحوم سید حجه الاسلام در آخر نسخه مرقوم فرموده است که :

ص : ۲۸۳

۱– جـاسب از بلـوک قم است و از منسـوبین بـدانجاست ؛ ۱– شـیخ نجم الدین ابوالقاسم علی بن الحسـین الجاسـیی فقیه واعظ صالح. ۲ – شـیخ رشیدالدین علی بن محمد الجاسی فیه ص۲۱۸ و ۲۱۹ تاریخ قم ناصـر الشریعه ۳ شیخ محمد بن عبدالرحیم جاسبی (ص ۴۰۶ دوم مکارم الاثار).

بعـد از نهم مطـالب مشـاوره در این رسـاله هر کس عمـل بمقتضـای آن نمایـد عمل او مبرء ذمه او است . حرره خادم الشـریعه فی۲۲ رجب ۱۲۵۴ سجع مهر: محمد باقر بن محمد نقی .

علامه طهرانی در الکرام البرره (ص ۲۳۶ یکم) پس از نقل مطالب یاد شـده می نویسـد : ظاهر آنست که فوت صاحب عنوان بعد از این تاریخ بوده وبظن قوی مشار الیه از شاگردان سید حجه الاسلام می باشد .

۳۷ – سید جعفر حسینی خلیفه سلطانی

از علماء اخبار فاضل متقی از شاگردان مرحوم سید حجه الاسـلام و حاجی کلباسی بوده و عمده تلمذ او در نزد مرحوم آنا میر سیـد حسن مـدرس میر محمـد صـادقی بـوده است قبـل از سـال ۱۳۰۰ در اصـفهان وفـات یـافته در قبرسـتان سـنی فـاطمه مقابر خانوادگی خود مدفون گردید و آثار قبر همچون دیگر قبورو مقابر در سالهای اخبر از بین رفت.

مشار الیه پدرزن علامه جلیل فقیه مرحوم حاج سـید مهدی نحوی عم بزرگوار نویسـنده بوده عمو زادگان محترم از این مخدره محترمه می باشند.

فائـده : سادات خلیفه سـلطانی اصـفهان از اعقاب عالم جلیل فقیه سـید علاء الـدین حسـین بن میرزا رفیع الـدین محمـد بن امیر شجاع الدین محمود مرعشـی آملی اصـفهانی معروف به سـلطان العلماء و خلیفه السـلطان حسینی از شاگردان شیخ بهائی و پدر خود و جمعی دیگر از فحول علمـاء و بزرگـان بوده و کتب و رسائـل عدیـدهای تألیف فرموده در سال ۱۰۶۴ پس از سفر فتح قندهار درهنگام وزارت خود در شهر اشرف مازندران بسن شصت و چهار سالگی وفات یافت. رحمه الله علیه.

۳۸ – آخوند ملا جعفر نظر آبادی

(۱)

ساکن قزوین از شاگردان سید حجه الاسلام در اصفهان و مجاز از شهید ثالث وحاج ملاصالح بوده است. وی دانشمندی فاضل و جامع بوده و در قزوین سطوح فقه را تدریس مینمود .

مؤلف قصص العلماء میفرماید : من در نزدوی قسمتی از شرح لمعه را تلمذ کردم ویرا تألیفاتی است از آن جمله : شرحی بر کتاب مختصر نافع .

مؤلف قصص العلماء در ضمن شرح حال سید حجه الاسلام از قول صاحب عنوان می نویسد :

من طهارت و صلوه شرح کبیر را در مجلس در محجه الاسلام نوشته ام یعنی در زمانی که در بین درس گفتن سید حجه الاسلام جمعیت مترافعین مانع از تدریس می شدند و ما معطل می ماندیم من مشغول کتابت شرح کبیر میشدم .

(ص ۱۴۶ قصص العلماء)

۳۹ – شیخ محمد جعفر بن حاج محمد ابراهیم کلباسی

(فرزند حاجی کلباسی معروف) عالم فاضل جلیل ادیب محقق، در اصفهان متولد گردیده و در نزد جمعی از علماء و مجتهدین این شهر همچون پدر بزرگوار خود وسید حجه الاسلام و حاج محمد جعفر حکیم لنگرودی (بطوریکه از برخی

۱– شیروانی در بستان السیاحه (ص ۵۸۶)می گوید : نظر آباد گویند قریه ای است خسته بنیاد در کشور عراق راقم ندیده (انتهی) نویسنده گوید نظر اباد از قرای قزوین است .

از اعقابشان شنیدم) تلمذ نموده تا بمقامات عالیه علم وفقاهت رسیده و بعضی اوقات امام مسجد حکیم را داشته و بطوریکه علامه گزی در تذکره القبور می نویسد (ص ۱۶۲) وضع تقوی ودیانت داشته و خیلی متواضع بوده است سر انجام در روز جمعه ۲۶ محرم الحرام سال ۱۲۹۲ در اصفهان وفات یافته در مقبره پدر واقع در مقابل در شرقی مسجد حکیم پشت قبر برادر خود آقا محمد مهدی پای دیوار مدفون گردید . کتب زبر از تألیفات اوست : ۱- تحفه الجعفریه در دیات کتاب مفصل و بزرگی است انجام تألیفش شب ۱۸ رمضان المبارک ۱۲۸۴ هجری ۲- رساله ای در احوال مرحوم سید حجه الاسلام و پدر بزرگوار خود که مرحوم علامه فقیه زاهد حاج شیخ کمال الدین ابو الهدی کلباسی برادرزاده اش در کتاب : البدر التمام از آن مطالبی نقل می نماید ۳ - رساله ای در حدود و تعزیرات ۴ - منهاج الهدایه از تالیفات مرحوم حاجی کلباسی است در آخر آن که بسال ۱۲۶۳ بچاپ رسیده مقاله ای از صاحب عنوان در باره پدر بزرگوارش می باشد (ص ۱۸۰ بیست و سوم الذریعه) و آن ،خنصر همان رساله قبلی می باشد ۵- منهج الرشاد الی احکام الدین والایمان در شرح ارشاد الازمان تاریخ قرائت مجلد اول ۲۳ شوال ۱۲۷۳ وغیره .

مخفی نماند که کتاب شریف ارشاد الاذهان علامه حلی در قرن سیزدهم مورد توجه و عنایت خاص علماء و مجتهدین قرار گرفته و عده ای بر آن شروحی نوشته اند که شرح فوق و شرح آقا محمد مهدی برادر او بنام منهج السداد از آنجمله است.

از کتاب منهج الرشاد نسخه ای در کتابخانه علامه مفضال جناب حاج سید محمد علی روضاتی موجود است که شرح آنرا ایشان در مجلد یکم فهرست کتب

ص : ۲۸۶

خطی کتابخانه های اصفهان بشماره (۵۲) از صفحه ۲۲۷ تا ۲۳۱ مرقوم داشته اند طالبین مراجعه نمایند .

۴۰- محمد جعفر بن محمد صالح رشتی

(۱)

مشار الیه نسخه ای از جلد چهارم کتاب : مطالع الانوار تألیف مرحوم سید حجه الاسلام را که در اواخر دهه سوم ماه صفر سال ۱۲۳۳ کتابت آن به پایان رسیده است را مقابله نموده است ، سجع مهر او : الواثق بالله محمد جعفر بن محمد صالح . و مهر دیگر : محمد جعفر بن محمد صالح.

نویسنده کتاب : تراجم الرجال احتمال داده است که مشار الیه از علماء ساکن اصفهان بوده و من می گویم شاید وی از شاگردان مرحوم سید حجه الاسلام بوده باشد. پرده باشد.

(ص تراجم الرجال)

ص : ۲۸۷

۱- رشت از شهر های گیلان ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی: عرض: انحراف قبله: ارتفاع از سطح دریا ۱۰-(منهای ده متر) توضیح:طول وعرض و ارتفاع از شناسنامه جغرافیائی طبیعی ایران نقل شده است.

۴۱ – حاج محمد جعفر بن محمد صفی آباده ای

صفی آباده ای(۱)

عـالم فاضـل ففیه مجتهـد محقق مـدقق از علمـای بزرگور اصـفهان بعلم و فطـانت و ذوق و کیـاست وحسن اخلاق و معاشـرت معروف و مورد احترام عموم طبقات بالاخص علماء و دانشـمندان بوده و در نزد سـید حجه الاسلام مورد عزت و احترام ومحل وثوق و اعتماد بوده است.

انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۲۹۱) در باره او می نویسد : در علم وفطانت نمره اول بود و کلمات خردمندانه و شوخی هایش ضرب المثل است.

و تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۳۵) در ضمن بیان شرح حال آقا محمد

ص : ۲۸۸

۱- در کتاب سـخن سـرایان و دانشمندان فارس (ص ۸۶ دوم) گوید : آباده یکی از شهرسـتانهای ششـگانه اسـتان هفتم است بنای آن بدست طوایف گرجه ای وهرندی اصـفهان بوده و به امر کریم خان زند معمور و بنام آباده مشهور شده ، فاصله آن تا شیراز ۲۸۰ کیلومتر و تا اصـفهان ۲۸۰ وتا اصفهان ۲۰۴ کیلومتر است جمعیتش ۸۲۶۴ نفر زبان اهالی فارسـی و مذهبشان شیعه اثنی عشری است. شیروانی در بستان السیاحه (ص ۶۰) می نویسد: آباده نام دوسه موضع است در کشور فارس یکی در شـش منزلی شـیراز و سـمت اصـفهان اتفـاق و جـوانب اربعه اش بغـایت گشـاده از اقلیم سـیم وهوایش خرم و آبش از قنـات و گوارا وزمینش دلگشـــا ومحتــویست برباغــات روح افزا، آبــاده دیگر در راه کرمــان و هــم نــام قربــه ای اســت از قراء بوانــات . ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی:۵۲/۳۸/۰۰ عرض:۳۱/۹/۳۰ انحراف قبله:۵۲/۴۰/۴۷ ارتفاع ازسطح دریا۲۰۰۵متر

علی مازنـدرانی ذکری نموده و گوید : عالم وجامع ومتورع و بسـیار شوخ بود و از هرعلم کتابی در حفظ داشت مانند الفیه در نحو زبده در اصول وقانون چه درطب مختصر تلخیص در فصاحت و تهذیب در منطق و تجرید در کلام ومختصر نافع در فقه.

در المـآثر والاثار (ص۱۴۶) می نویسـد : از فحول مجتهـدین طریقه جعفریه ومشـاهیر مروجین شـریعت محمـدیه است عظماء علمـاء در حضـرت او خویشـتن راخرد میشـمردند و بزرگان دین و دنیا نام مبارکش بحرمت تمام میبردنـد در علودرجه فقاهت وسمو مقام زهد و عبادت همه معاصرین بروی غبطه می آوردند و در ادبیات وشن اللغه و علم رجال و درایه نیز کم نظیر بود .

مرحـوم گزی در تـذکره القبـور (ص ۳۱ رجـال اصـفهان) دربـاره او می نویسـد عـالمی محقق و بسـیار زیرک ودانا و با تـدبیر بخصـوص در مرافعـات و تمـام کردن آنهـا و معروفست که قرار او ثبت امـور اتی که در نزد او میشـده بوده که من بعـد اشـتباه کاری نشود. اشتباه کاری نشود.

در فارسـنامه ناصـری (ص ۱۶۹ یکم) دربـاره او می نویسـد : کاشف حقایق امور مصـلح مصالـح جمهورظهیر اسـلام ملجأانام رئیس مجتهدین اکمل متورعین بنده خدای اکبر حاج محمد جعفر آباده ای از صـغاد بر خاسـته است و در دارالسـلطنه اصفهان منوطن کشـته صیت فضـیلت و اجتهادش عالم گیر گردیـده در سال ۱۲۸۰ واندی در اصـفهان برحمت ایزدی پیوست و سـنین عمرش از نود سال گذشته بود .

در کتـاب : دانشـمندان و سـخن سـرایان فـارس (ص ۸۶دوم) بنقـل از کتـاب آثـار جعفری تالیف سـید محمـد جعفر حسـینی خورموجی ملقب به حقـابی نگار فرزنـد میرزا محمـد خان (متوفی بسال ۱۳۰۱ مؤلف: نزهه الاخبـار و تحفه معتمـدی و حقایق الاخبار و غیره) می نویسد :

قـدره المحققین و برهان المـدققین حاج محمـد جعفر آبادهای سـلمه الله تعالی مرجع فضـلاء آذان و جهـد علی الاطلاق اسـت صبت فضـلش بقلک رسـیده آوازه جلالش ملک شـنیده فاضـلی است دیدار و عالمی پرهیزگار . سـخن بذکروی آراستن مراد این است

که پیش اهل هنر منصبی بود ما را

وگرنه منقبت آفتاب معلوم است

چه حاجت است بمشاطه روی زیبا را

سالهاست که در دار السلطنه اصفهان توطن فرموده اهالی آن دیار وطلاب سایر بلاد وامصار از افادات کثیر البرکاتش مستفید و بهره ور میگردند (نویسـنده کتاب یعنی آقا محمد حسـین رکی زاده آدمیت در آخر می نویسد سال فوتش معلوم نشد) علامه صاحب روضات الجنات (ص ۱۵۴ در ذیل ترجمه حال حاج ملا جعفر استر آبادی میفرماید :

الفقیه النبی المعاصر الحاج محمد جعفر بن محمد صفی الاباده ای الفارسی المفتی باصفهان ...

در احسن الودیعه (ص ۳۸ یکم) وتکمله نجوم السماء (ص ۲۱۴ یکم) وریحانه الادب (ص ۱۴ یکم) ودانشمندان و بزرگان اصفهان(ص ۱) وفوائـد الرضـویه (ص ۵۹ بکـم) والکرام الـبرره (ص ۲۵۹ یکم) نـام او ذکر شـده و بطور اجمـال و تفصـیل درباره او مطالبی گفته شده بخلاصه آنکه مشار الیه از شاگردان حاج محمد ابراهیم کلباسـی و سـید حجه الاسـلام شفتی و آقا سیـد محمد مجاهد و احتمالا حاج ملاعلی نوری و جمعی دیگر از بزرگان بوده و عده زیادی از علماه در خدمتش تلمذ نموده اند که از آن جمله است:

۱- حاج ملا احمد واعظ یزدی که در علمای خراسان (ص ۱۲۹) نوشته .

۲- آقا محمد رضا خراسانی تاریخ اجازه ۶ رجب ۱۲۵۱ (ص ۲۱۵ یکم فهرست کتابخانه آیت الله گلپایگانی).

۳- حاج سید شفیع بن علی اکبر موسوی جاپلقی در روضه البهیه (ص ۱۸) می نویسد .

۴- حاج شیخ عبدالنبی بن احمد تویسرکانی در آخرالثالی الاخبار تألیف مجاز بچاپ رسیده تاریخ ۱۲ ذی الحجه ۱۲۷۹.

۵- مولی محمد علی بن احمد همدانی شاگرد حجه الاسلام تاریخ ۱۲۵۸ (ص ۱۶۵ یکم الذریعه)،

۶- سید محمد بن سید محمد صادق بن محمد مهدی موسوی خونساری (ص۲۱۰ مقدمه مناهج المعارف).

در این جا به مناسبت نمیدانیم که دو حدیثی را که حاجی آباده ای در آخر اجازه حاج شیخ عبدالنبی نقل فرموده ذکر کنیم :

۱- از حضرت باقر علیه السلام روایت می کند که آنحضرت فرمودند :

من افتی الناس بغیر علم ولاهدی لعنته ملائکه الرحمه وملائکه العذاب ولحقه وزر من عمل بفتیاه.

۲- از حضرت صادق علیه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمودند : من حکم فی در همین بغیر ما انزل الله فهو کافر بالله العظیم . . کتب زیر از تألیفات حاجی آباده ای است : ۱- اجازه الحدیث و آن اجازه مختصری است به فارسی جهت آقا محمدرضا

خراسانی.

۲- تعلیقه بر تلخیص الاقوال ۳- رساله حمامیه در محل نزاع حمام متسوب به شیخ بهائی در محله مسجد جامع ۴-رساله عملیه جهت مقلدین ۵- سؤال وجواب

۶- شرح بر اصول کافی ۷- شرح برتجرید الکلام خواجه نصیر الدین طوسی ۸- شرح بر دروس فقه جعفری ۹- صیغ العقود ۱۰ - الفقه الجعفریه فقه استدلالی ۱۱ - فهرست کافی تاریخ اتمام کتاب روضه ۲۶ محرم سال ۱۲۷۳ قمری ۱۲ - مرایا در اصول ۱۳ - نقود المسائل الجعفریه فقه که آنرا ملمع تألیف فرموده و برخی از مجلدات آن (جلد سوم) بچاپ رسیده است ۱۴ - الوجییزه و آن مختصر کتاب تحفه الابرار استادش سیدحجه الاسلام می باشد و بچاپ رسیده است ۱۵ - هدایه الأخبار منتخب تحفه الابرار تألیف سید حجه الاسلام (ص ۱۶۹ بیست و پنجم الذریعه) و غیره . از این کتابها شماره ۶ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی و شماره ۱۰ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران و نهم در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف الهی مشهد و دهم و یازدهم در کتابخانه آیت الله مرعشی در قم موجوداست .

مرحوم آباده ای در محله جماله که اکنون بنام ایشان بازارچه حاج محمد جعفر آبادهای معروفست منزل داشته و در مسجدی که در این محل بنام ایشان بنا شده و از مساجد خوش وضع و آباد اصفهانست امامت مینموده است . و پس از فوت دو فرزند عالم وزاهد از خود بجای گذاشت : آقا عبدالجواد و آقا عطا الله هر دو در اعتاب مقدسه وفات یافتند و بعد از ایشان امام مسجد به آقا میرزا عبد الغفار تویسرکانی واگذار گردید .

مرحوم آباده ای در شب شنبه ۱۹ رمضان المبارک سال ۱۲۸۰ در اصفهان وفات یافته و در اول تخت فولاد مدفون گردید و سپس مرحوم رکن الملك جهت او تکیه ای بنا نمود که بنام او مشهور است. ماده تاریخ فوتش را میرزا علیرضا پرتو گوید :

حیف از حاجی محمد جعفر آنک گمرهانرا سوی حق بردی به ره

ص : ۲۹۲

سال تار بخش زیرتوشد سؤال گفت : اللهم نور مضجعه

(فائده) : مرحوم میرزا علیرضا بمعروف به آقا جان شاعر ادیب خطاط . خط نسخ را در کمال استادی می نوشته در حدود سال ۱۲۱۴ در قریه باغ بادران از قرای لنجان متولد و در ماه جمادی الثانی سال ۱۳۰۴ ظاهراً در طهران وفات یافته است پدرش محمد علی نام داشت.

شرح حال بسیار مختصر او در مجمع الفصحاء (ص ۷۸ دوم) والمآثر والاثار (صفحات ۲۰۵-۲۱۶)

وتذکره خوشنویسان معاصر (ص۵۸)

و نامه سخنوران سپاهان (ص ۷ شماره ۱۴) ودانشمندان و بزرگان اصفهان (ص ۱۵۹) مندرج مطالبین مراجعه نمایند . دیوانش بچاپ رسیده است.

۴۲ - میرزا محمد جعفر شهشهانی حسینی

(۱)

فرزند مرحوم میرزا محمد علی مشهور به میرزا جانی بن قوام الدین محمد معروف به میرزاکوچك بن حسین بن ابراهیم بن حسین بن حسین بن ابوالحسن بن ابو الحسین بن محمد امین بن غیاث الدین محمد معروف بمیر میران بن معزالدین

۱- شهشهان از محلات اصفهان در قدیم آنجارا محله حسینیان می گفتند بعلت سکونت جمعی از سادات حسینی و پس از کشته شدن شاه علاء الدین محمد(۸۵۰) ومدفون شدن در جنب مدرسه و خانقاه خود این محله را بنام او محله شاه شاهان و به تخفیف شهشهان گفتند . سادات شهشهانی اثر در سلسه و هر دو حسینی می باشند : ا- اعقاب شاه علاء الدین محمد مذکور بنام خانوادگی : شاه علایی - شهشهانی ۲- منسوبین و اعقاب برادران آنا میر سید محمد بن عبدالصمد حسینی شهشهانی با نام خانوادگی بدری شهشهانی - میرشمس - میرشمسی و غیره .

محمـد بن شا نقی الـدین محمـد بن قوام الشرف حسـین بن قطب الـدین محمد بن محمد بن یحیی بن شاه علاء الدین محمد صاحب بقعه در محله شهشـهان مصلوب ومنتول بسال ۸۵۰ در سـاوه بـامر شـاهرخ و پتحر یک گوهرشاد بیگم زوجه او فرزند محمـد بن محمـد بن یحیی بن محمـد بن محمـد بن حیـدر بن حسـین بن محمد بن قوام الشـرف بن محمد بن قوام الشرف بن هـادی بـن اسـماعیل بـن حسـین بن علی بن حسن بن علی بن حسـین بن عمر بن حسن بن علی بن علی بن الحسـین بن علی بن ابیطالب علیهما السلام.

وی از فضـلاء و بزرگـان و سـاکن محله شهشـهان و ظاهراً از شاگردان حاجی کلباسـی و حاج ملاعلی نوری و آقا سـید محمد مجاهد بوده و مدتی نیز در خدمت سـیدحجه الاسلام تلمذ نموده و با ایشان باجناق (و به اصطلاح مردم اصفهان همریش) بوده یعنی زوجه او دختر آقا سید کاظم طباطبائی زواره ای بوده است.

اطلاعات خصوصی و ص ۶۴۷ سوم آتشکده اردستان

۴۳ – حاج ملا محمد جعفر نوری بن محمد طاهر بن ابوالقاسم نوری طهرانی معروف به چالمیدانی

(۱)

۱- چـال میـدان از محلاـت قـدیمی طهرانست. تور از شـهر های مهران مازنـدران . طهران پایتخت ایران : طالبین برای اطلاع از تاریـخ و جغرافیای این شـهر بکتابهای تاریخ طهران تألیف میرحسـین یکرنگیان و تاریخ طهران تألیف مرحوم سـید عبدالحجت بلاغی و تاریخ طهران تالیف عبدالعزیز جواهر کلام ومرآت البلدان ناصری و دیگر مواضع مراجعه نمایند فائده لغوی : چال در لغت درمـانی زیـادی بکـار رفته از آنجمله : چاه کوچک - گودال وام دهی در قزوین از ترکیبات این کلمه است : چاله- چاله سیاه - چالشتر- چال حصار-چال میدان .

از بزرگـان علمـاء وفقهـاء طهران بـوده ، از شـاگردان سـید حجه الاسـلام شـفتی و مورد وثوق ایشـان بوده و بر حسب خواهش جمعی از شـیعیان هندوسـتان سـید حجه الاسـلام مشـارالیه را جهت انجـام وظـائف شـرعیه از امـامت جمـاعت وقضـاوت وتوی بـدانمت گسـیل فرموده وی پس از مـدتها توقف در آن سامـان و انجـام وظـائف محوله مقضـی المرام به ایران باز گشت . وی همچنین خدت مولی محمد جعفر شریعتمدار (۱۲۶۳ – ۱۱۹۸) تلمذ نموده است . سـرانجام پس از سالها خدمت بدین و نشر و تبلیغ و ترویج احکام در شب دوشـنبه ۲۵ ماه صـفر سال ۱۲۹۵ (ص ۱۴۰ المـآثر والاثار) وياسال ۱۲۹۶ بسن هشتاد سالگی در طهران وفات یافت.

در لباب الالقاب (ص ۱۰۸) گوید: از رؤساء علماء طهران است و من او را دیدار کردم وشـیخی بزرگوار بود انتهی پدرش اهل نور مازنـدران بود . وصاحب عنوان پس از مرگ هفت پسـر همگان عالم ودانشـمند بجای گذاشت که از آن جمله است حاج شیخ موسی معروف به شیخ المشایخ متوفی بسال ۱۳۵۴ قمری .

عبـد العزیز جواهر کلام در تاریـخ طهران (ص ۷۵) بنقل از مرآت البلـدان ناصـری گوید : فرخ خان در آنجا مسـجدی ساخت بسـیار عالی دارای منصوره و شبسـتان وحجرات جهت سـکای طلاب و ملا محمـد جعفر مجتهد چالمیدانی که از از اجله علماء بود به امامت وتولیت این مسجد انتخاب نمود و اکنون (سال تألیف مرآت البلدان) آقا شیخ موسی فرزند ارشد او بامر امامت و تولیت قیام دارد .

۴۴ – محمد جعفر بن محمد مهدی اصفهانی

در تاریخ جمعه بیسـتم شوال ۱۲۳۹ کنایت نسـخه ای از کتاب : ملحقات شـیخ فخرالدین یحرحی را بدسـتور مرحوم حاج سـید محمد باقر حجه الاسلام بید آبادی .

ص : ۲۹۵

بخط نسخ پایان رسانیده است .

کتاب بشماره (۴۹۷۰) در کتابخانه مجلس شورای اسلامی ایران در طهران موجود است.

ص ۲۶۲ چهاردهم فهرست کتابخانه مجلس مشار الیه احتمالا از شاگردان سید حجه الإسلام می باشد .

۴۵ – سید محمد جواد موسوی درب امامی

۱)(۱)

درب امام از محلات اصفهان و توابع قبرستان قدیمی چملان (سنبلان – سنبلستان) می باشد ، ساکنین این محله عموماً به درب امامی مشهورند.

سادات درب امامی سه گروهند : ۱- سادات امامی عریضی حسینی ۲- سادات موسوی رضا توفیقی کوه گیلویه ای . ۳- سادات موسوی درب امامی . صاحب عنوان ظاهراً از شاگردان سید حجه الاسلام بوده از آثارش :

مرقومه ای اسست در پشت نسخه ای از منتخب تحفه الابرار تألیف سید حجه الاسلام در معرفی کتاب که آنرا در هفتم شوال المکرام ۱۲۵۸ مرقوم داشته است

ص : ۲۹۶

۱- امامزاده درب امام منسو بست به جناب ابوالحسن زین العابدین علی بن نظام الدین احمد بن شمس الدین عیسی ملقب ومشهور به رومی ابن جمال الدین محمد بن علی العریضی من الأمام جعفر الصادق علیه السلام ، اولاد و اعقاب این بزرگوار جمعی از بزرگان اصفهان بوده و می باشند و جمعی کثیر از آنان در حوالی مقبره او در محله چملان که اخیراً آنجارا سنبلستان نامیده وسادات چملان سکونت دارند و همین مناسبت به درب امامی شهرت یافته اند، عده زیادی از علماء اصفهان و غیره از سادات عریضی درب امامی از اولاد و اعقاب او می باشند .

نسخه کتاب در کتابخانه فاضل ارجمند جناب حاج سید مرتضی شهشهانی فرزند واعظ متقی مرحوم آقا محمد صدر الذاکرین حسینی شهشهانی بیدآبادی موجود است .

۴۶ -حاج سید جواد بن علیرضا بن محمد بن کمال الدین موسوی رضوی قمی

نامش سید محمد تقی لکن به سید جواد شهرت داشته . عالم فاضل زاهد عابد صالح منفی از علماء از گیاه فقیه رجالی .

در قم متولد گردیده و پس از فراغت از تحصیل مقدمات به اصفهان مهاجرت نموده و بدرس سید حجت الاسلام و آقا شیخ محمد تقی رازی حاضر شده و سپس به اعتاب مقدسه هجرت کرده در آنجا بدرس مرحوم آقا شیخ محمد حسن اصفهانی صاحب جواهر الکلام و مدتی نیز بدرس شیخ انصاری حاضر شده پس از وصول بمقامات عالیه علم واجتهاد بقم مراجعت نموده و ریاست علمی و مذهبی قسم در عصر او بلور اختصاص یافته وعمر عزیز را بدرس و بحث واقامه جماعت و امر معروف و نهی از منکر و ترویج احکام و تألیف و تصنیف گذرانید .

در المآثر والاثار (ص۱۵۴) درباره او گوید: مجتهدی مسلم ومروجی مبسوط الید بود در نهی از منکر ومنع اهل فجور قلبی قوی داشت و در حفظ حدود شرعی هیچ نکته ای فرو نمی گذشت (انتهی) صاحب عنوان در شنبه ۴ صفر سال ۱۳۰۳ در قم وفات یافته در مقبره جناب زکریا بن آدم"(۱) در قبرستان شیخان قم (۲)در جنب

۱- ثقه جلیل القدر زکریا بن آدم از اصحاب حضرت رضا علیه السلام که در باره او فرمودند : المأمون علی الدین والدنیا - اللهم ارزقنی فی الدنیا زیارته وفی الاخره شفاعته .

۲- قم دومین شهر مذهبی ایران و مدفن حضرت فاطمه معصومه علیها سلام دختر حضرت امام موسی کاظلم علیه السلام است .

جد و پدرش مدفون گردید . پدرش نیز از علماء بوده و در سال ۱۲۲۸ وفات یافته واولاد و اعقابش خاندان پیشوائی در قم می باشند .

وی از شیخ محمد بن حاج محمد چکنی گزازی قمیمتوفی بسال ۱۲۷۸ هجری اجازه داشته و تاریخ اجازه سال ۱۲۶۹ می باشد . . .

(ص ۲۴۵ یکم الذریعه) کتب زیر از تألیفات صاحب عنوانست: ۱- الدره الباهره فی احکام العتره الطاهره در دو مجلد ۲ - مقالید الاحکام در فروع فقه در شش مجلد . یک مجلد آن بخط مؤلف بزرگوار در کتابخانه آیت الله مرعشی شماره (۳۹۱۵) موجود است (ص ۲۹۴ دهم فهرست کتابخانه) ۲- ینابیع الحکم در توحید ، وحدود بیست عدد کتاب و رساله دیگر .

ص ۳۴۷ بکم نقباء البشر. ص ۲۳۴ شخصیت شیخ انصاری - ص۹۸ رجال قم مقدسی زاده - ص ۲۵۵ و ۲۷۱ تاریخ قم ناصر الشریعه .

۴۷ – اقا سید حسن بن حاج سید ابراهیم حسینی بید آبادی معروف بمقدس

مرحوم آقا سید ابراهیم از اهالی ساوه بوده و پدرانش از سادات مختاری سبزوار و به ساوه مهاجرت نموده بودند و آقا سید ابراهیم از سیاره به اصفهان آمده وسیدی جلیل زاهد وعابد و مقدس بوده و چون به اصفهان آمد مرحوم سید حجه الاسلام او را با احترام پذیرفته و در جنب منزل خود برای او خانه ای تهیه نموده مشار الیه خواهر آقا میر سید محمله شهشهانی را بزوجیت اختیار نموده و بعد از سال ۱۲۰۰ وفات یافته در قبرستان قبله دعا مدفون گردید و قبرش تا این تاریخ معلوم و معروفست و اهالی محل زیارت او میروند و به او اعتقاد دارند .

فرزندش آقا سید حسن از ائمه جماعت وفضلاء بوده و روزگار بزهد و عبادت

می گذرانیده در نزد سید حجه الاسلام و حاجی سید اسد الله و آقا میر سید محمد شهشهانی فی الجمله تلمذ نموده وزهدش بر علمش افزون بود. در حدود ۱۲۴۰ متولد و پس از ۱۲۹۵ وفات یافته در نزد پدر مدفون گردید. فرزندش آقا سید عبد الحسین از علمای بزرگوار و بزهد وقناعت معروف بود قبل از سال ۱۳۴۶ بسن قریب هشتاد سالگی وفات یافته در مقبره سر قبر آقا در محله خابجون هدفون و سپس به عتبات نقل گردید .

مرحوم آقا سید عبد الحسین سه فرزند پسر داشت : ۱- حاج آقا محمد مقدمی عالم فاضل مجتهد صاحب کتاب الأوائل مطبوع۲ - حاج آقا حبیب الله ۳-آقا محمد علی رحمه الله علیهم أجمعین . .

۴۸ – حسن بن احمد صفاری

(صفاری) در سال ۱۲۴۴ مجلدات شش گانه مطالع الانوار تألیف سید حجه الاسلام را کتابت نموده است نسخه مجلدات در کتابخانه مسجد جامع یزد موجود است . .

ص ۱۴۳ بیست و یکم الذریعه

صاحب عنوان احتمالا از شاگردان سید حجه الاسلام می باشد .

۴۹ – سید محمد حسن مجتهد موسوی

فرزند آقا سید محمد تقی مستجاب الدعوه خواجوئی (۱)عالم فاضل زاهد متقی

ص : ۲۹۹

۱- خواجو وخاجو یکی از محلات قدیمی اصفهان است که قدیم آنجا را باغ کاران می گفته اند و در جنوب شرلی شهر در کنار زاینده رود قرار دارد . نویسنده سطور رساله مختصری در تاریخچه این محله تألیف نموده و پچاپ رسیده است در این جا دیگر نیازی بشرح وتوضیح ندارد طالبین بکتاب نامبرده مراجعه نمایند .

از علمـا، ابرار وفقهـاء اخیـار جـامع معقول و منقول و حاوی فروع واصول، فرزنـد فاضل جلیل آقا سـید محمـد سـعید بن محمد صـادق بن سـید ابوالقـاسم خواجوئی متوفی بسال ۱۱۹۱ مـدفون در تخت فولاـد در تکیهـای مخصوص نرسـیده به تکیه فاضـل سراب . اجداد ایشان از یزد به اصفهان منتقل گردیده و بنی اعمامش در یزد به سادات شاهزاده فاضلی شهرت داشته ودارند .

صاحب عنوان در حـدود سال ۱۲۰۷ در اصـفهان متولـد گردیده و در نزد پدر دانشـمند وادیب خود و جمعی از بزرگان علماء همچون آخوند ملا علی نوری

میرزا ابوطالب صاحب حاشیه بر سـیوطی و حاجی کلباسـی و سـید حجه الاسـلام تحصـیل نموده و حتمالا از محضر آقای سید صدر الدین محمد عاملی نیز کامیاب شده است تا بمقامات عالیه علم واجتهادرسـیده و از جمعی از فحول مجتهدین به اجازات روایتی و اجتهاد مفتخر گردیـده که از آنجمله است: ۱- آقاسـید رضا بن علامه بحر العلوم (متولد در۱۱۸۹ متوفی۱۲۵۴ مؤلف ۱- اصول الفقه ۲- شرح برشرح لمعه

۳- شـرح برشـرایع ۴- کشـف القنـاع دراصـحاب اجمـاع وغیره) ۲- آقـا محمدرضـی بظن نویسـنده آقـا سـید رضـی لاریجانی مازنـدرانی از معروفترین شـاگردان حـاج ملاـ علی نوری متوفی بسال ۱۲۷۰) ۴- آقا سـید صدرالـدین محمد بن صالح موسوی عاملی اصـفهانی (متولد در ۱۱۹۳ او متـوفی در ۱۲۶۳ مؤلف کتب عدیـده) ۴- ملا مهدی بن محمد صادق قمبوائی سـمیرمی اصـفهانی متوفی شب جمعه سوم رجب ۱۲۵۵ مدفون در تخت فولاد در جنب فاضـلان ۵- میرزا محمـد مهدی نایب الصدر بن محمـدکاظم بن علی نقی بن علیرضا بن میرزا محمد باقر پیشـنماز مسـجد شاه ابن سـید علیرضا حسـینی عاملی اصـفهانی متوفی بسال ۱۲۶۷ مدفون در بقعه تکیه آقا سـید رضـی الدین محمد موسوی شـیرازی اصـفهانی در تخت فولاد (معروف به تکیه آقا رضی و متوفی در روز جمعه ۵ربیع الثانی سال ۱۱۱۳).

ص : ۳۰۰

مرحوم آقا سید محمد حسن را تألیفات زیادی است. از آنجمله : ۱- رسالهای در احیای موات۲ - رساله جبنیه ۳- رساله در جواز تسامح درادله سنن ۴- رساله در رد مظالم ۵-سؤال و جواب در ارث ۶ - شرح تهذیب منطق تفتازانی ۷-شرح بر شرح رضی بر شافیه ۴ - رساله در شرط ضمن العقد ۹- رساله در شیربهاء ۱۰ - یک دوره کامل فقه در شش مجلد ۱۱- مهجه الفؤاد در شرح بر ارشاد علامه حلی در ۱۴ مجلد وغیره .

مؤلف بزرگوار در جمادی الاولی سال ۱۲۶۳ در اصفهان وفات یافته در جنب پدر و اجداد خود مدفون گردید و اینک قبر او در تکیه ای بنام (تکیه مهدوی) در جنب تکیه خاتون آبادی در تخت فولاد قرار دارد .

فرزندش مرحوم حاج سید مهدی نحوی و مرحوم آقا سید شهاب الدین و محمد تقی پدر نویسنده کتاب می باشد . رحمه الله علیهم أجمعین .

۵۰ –آقا میر سیدحسن مدرس مهرمحمد صادقی

فرزند سید علی بن محمد باقر بن م□ر محمد اسماعیل واعظ بن ابوصالح بن عبد الرزاق بن محمد بن ابوالمعالی بن شمس الدین محمد بن عبدالرضا بن ابوالفتح محمد بن مهدی بن تاج الدین علی بن شمس الدین علی الاکبر بن ناصر الدین احمد بن شرف الدین محمد بن شمس الدین ابوالقاسم علی بن عمید الدین عبدالمطلب بن جلال الدین بن ابراهیم بن حمید الدین عبد المطلب اول ابن شمس الدین علی بن تاج الدین حسن بن شمس الدین علی عمیدالدین ابی جعفر بن عزالدین ابی نزار عدنان بن عبیدالله ابن ابی علی عمر المختار بن مسلم الاحول ابن ابی علی محمد بن محمد الاشتر بن عبید الله بن علی بن عبید الله الثانی بن علی الصالح بن عبید الله الأعرج بن الحسین الاصغر بن الامام علی بن الحسین

زین العابدین علیهما السلام .

عـالم فاضل فقیه مجتهـد جامع معقول و منقول وحاوی فروع واصول عابـد زاهـد معروف به مـدرس در سال ۱۲۱۰ در اصفهان متولد و در اصفهان و کربلا و نجف نزد عده زیادی از بزرگان مجتهدین تلمذ نموده و از چند نفر اجازه روایت داشته است.

مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار (ص ۴۷۶ دوم) ویرا عنوان فرموده وشـرح حال نسبتاً جامع و مبسوطی از وی نوشته لکن بشـاگردی او نزد سـید حجه الاسـلام و بـا اجازه داشـتن از ایشان کوچکترین اشارتی ننموده لکن در معارف الرجال (ص ۱۹۷ دوم) ویرا در عداد شاگردان و مجازین از سید حجه الاسلام میشمارد ویظن نویسنده مقتضای زمان نیز چنین بوده .

محدث قمی در فوائد الرضویه (ص ۱۱۰ یکم) ویرا دو بار عنوان نموده است شرح حال اودر عموم کتب تراجم رجال مذکور همگان به عظمت و بزرگی وفقاهت وحسن سـلیقه وحسن بیان او اشاره نموده اند . تألیفات عدیده دارد که از آنجمله است : ۱ - الاجازات ۲ - اجوبه المسائـل ۳- اصـاله البراءه ۴ - اصاله الصـفحه ۵ - جوامع الأـصول ۶. رسـاله در شـک در مکلف به ۷- رساله در عبادات بفارسی ۸- رساله در عدالت ۹ - رساله عملیه ۱۰ - رساله در فقه استدلالی ۱۱ - رساله در قاعده لاضرر ۱۲ - مناسک حج وغیره.

صاحب عنوان سرانجام در روز۳ جمادی الثانیه سال ۱۲۷۳ در اصفهان وفات یافته در مقبره مخصوصی جنب مسجدی که خود بنا نموده و بنام مسجد رحیم خان شهرت دارد مدفون گردید و جمعی از اولاد و اعقابش در همان بقعه دفن شدهاند .

رفع اشتباه : در تکمله نجوم السماء (ص ۴۶۵ یکم) ویرا بنام میرزا حسن بیدآبادی عنوان نموده و گوید جناب سید باقررشتی و میرزا محمد حسن شیرازی تزیل سامراء از شاگردان ایشانند .

ص : ۳۰۲

اشتباه در سید باقر رشتی (مراد سید محمد باقر حجه الاسلام رشتی است) ظاهروشاگردی میرزای شیرازی معروفست ، زیرا سید حجه الاسلام استاد اوست نه شاگرد .

۵۱- سید حسن بن علی بن رضی ابن عبد الغنی حسینی کاشانی معروف به امامت .

دانشمند محترم آقای سید عزیز الله امامت فرزند میر سید فخرالدین امامت از علمای معاصر در رساله : « تبصره المعاریف» در شرح حال صاحب عنوان (ص ۲۴) می نویسد :

از مجتهدین مبرز کاشان و مجاز از طرف جمعی از مراجع تقلید عصر شان و از تلامذه مرحوم سید المعروف الملقب بحجه الاسلام آقای حاج سید محمد باقر رشتی که در اصفهان بوده و مدتی نزد ایشان بفنون علوم استفاده فرموده و هم در خدمت جمعی دیگر از علمای بزرگی که ذکرش موجب تطویل (ای کاش اسامی تمام اساتید و برا می نوشتند).

کتب زیر را از تألیفات صاحب عنوان در رساله نامبرده ذکر نموده اند : ۱-احقاق الحق فی الظن المطلق ۲- السمحه السهله فی الفقه .

مؤلف رساله نامبرده فاضل گرامی سید عزیز الله بن فخر الدین بن مهدی بن سید علی بن رضی بن عبد الغنی حسینی کاشانی از احفاد برادر بزرگوار صاحب عنوانست.

۵۲ – سید حسن بن سید هاشم موسوی اصفهانی

فرزند سید میرزا بن محمد بن حسن بن نصر الله بن حسن بن حسین بن عیسی بن خمیس بن هاشم بن احمد بن ناصر بن سلیمان بن موسی بن رضا (صالح) بن علی

ص : ۳۰۳

بن محمد بن کمال الدین بن محمد بن علی بن محمد بن حسین بن طاهر بن ابراهیم بن علی بن عیسی بن حسن بن الإمام موسی الکاظم علیه السلام.

عالم فاضل منقی در حدود سال ۱۲۰۰ متولد گردیده و در اصفهان در خدمت جمعی از بزرگان از آن جمله مرحوم سید حجه الاسلام شفتی و حاجی کلباسی و شاید حاج ملا علی نوری تلمذ نموده و در ضمن تحصیل به شغل زنجیره بافی نیز اشتغال داشته و از امتیازات او عمامه سبز بوده که تا این اواخر در بین احقاش متداول بود سرانجام در حدود سال ۱۲۷۰ بااندکی بیشتر در اصفهان وفات یافته در قبرستان آب بخشان مدفون گردید .

فرزندش آقا سید محمد ونواده اش مرحوم حاج سید علی زنجیره فروشی از اساتید فن قراءت وتجوید در اصفهان بشمار میرفت در حدود سال ۱۲۷۵ متولد و در سال ۱۳۵۱ در اصفهان وفات یافته در تکیه آقا شیخ مرتضی ریزی مدفون گردیده و سپس به اعتاب مقدسه عراق منتقل گردید .

فرزند ایشان مرحوم حاج سید مرتضی ظهیرالواعظین (ظهیر الاسلام) واعظ فاضل وادیب کامل از وعاظ و گویندگان مشهورو طراز اول اصفهان بشمار میرفت .

۵۳- ملا حسین اردستانی

در تکمله نجوم السماء (ص ۴۶۴ یکم) گوید : ساکن همدان از تلامذه سید باقر رشتی در فقه و کلام سرآمد اسلام بود صحبت منبرش بی نظیر بود در مسائل فقه استحضاری تام میداشت که حاجت بتأمل در جواب استفتاء نداشت. کتابی مبسوط در اصول دین نوشته، بغایت جری القلب وشجاع بود با آنکه خانه اش را آتش زدند لکن هیچگونه مغموم نشد و همان روز قریب همدان درد می رفته بوعظ مشغول شد.

ص : ۳۰۴

۵۴- شیخ محمد حسین طهرانی کربلائی .

عالم فاضل مؤلف کتاب : نماز برهنه وان رسالهای فارسی است در نماز مطابق فتاوای مرحوم سید حجه الاسلام شنتی اصفهانی که صاحب عنوان آنها را جمع آوری نموده است.

نسخه ای از این کتاب بخط:حسین بن عزیز اله اصفهانی مورخ بسال۱۲۴۶ در سامراه در کتابخانه علامه محقق مرحوم آقامیرزامحمد طهرانی بنظر مؤلف الذریه رسیده است (ص ۳۱۱ جلد ۲۴ کتاب الذریعه).

ظاهراً صاحب عنوان از شاگردان مرحوم سید حجه الاسلام بوده است. ممکن است که صاحب عنوان مرحوم آقا شیخ محمد حسین صاحب فصول

باشد. باید تحقیق شود.

۵۵- محمد حسین کاشی اصفهانی: وی ظاهرا از شاگردان سید حجه الاسلام شفتی بوده است .

در پشت نسخه ای از کتاب : « الزهره البارقه » تألیف مرحوم حجه الاسلام شفتی نوشته است که :

صاحب عنوان مالک نسخه کتاب بوده و آنرا گم کرده است شیخ علی برغانی آنرا از زنی در بازار اصفهان خریده است مرحوم شیخ محمد حسین کاشانی توسط حجه الاسلام از موضوع آگهی یافته و کتابرا از مرحوم آقا شیخ علی بساز خریده است .

کتاب نامبرده بشماره (۴۷۱۹) در کتابخانه (مجلس شورای اسلامی ایران موجود است (ص ۱۶۹۷ مجلد چهارم از دهم فهرست کتابخانه مجلس).

ص : ۳۰۵

۵۶– میر حسین طباطبائی کچویهای اردستانی

از فضلاء وساکن قصبه کچویه به بلوک سفلای اردستان(۱) بوده در اصفهان در خدمت جمعی از بزرگان تحصیل نموده و معاصر باسید حجه الاسلام شفتی و احتمالا شاگرد ایشان بوده است.

مشار الیه دارای فرزند پسری بنام سید میرزا علی اصغر بوده که وی سر سلسله سادات طباطبائی سید علی اصغری می باشد .

در کتاب : آتشکده اردستان (ص۷۵ یکم) نامی از صاحب عنوان برده شده کن به شاگردی او نزد حجه الاسلام اشاره ای نشده است .

۵۷– شیخ محمد حسین بن ابراهیم فارسی شیرازی

از شیراز جهت تحصیل به اصفهان مهاجرت نموده و مدت دو سال در خدمت مرحوم سید حجه الاسلام بکسب علوم پرداخته است سپس در خدمت مرحوم حاج سید اسد الله فرزند مرحوم حاج سید محمد باقر به اعتاب مقدسه کربلا و نجف اشرف مشرف گردیده و مدت پنج سال در خدمت علماء بزرگوار آنجا به تکمیل علوم خود پرداخته سپس به اصفهان مراجعت نموده و در سال ۱۲۵۳به اجازه اجتهادی از استاد خود سید حجه الاسلام مفتخر شده است. . . مشار الیه عالمی بزرگوار وادیب و شاعر بوده و بفارسی و عربی شعر میسروده

۱–اکچویه از قرای اردستان است و آن غیر از کچویه از بلوک دید غمش لنجان سلبا می باشد. در کتاب : آتشکده اردستان راجع به تاریخ و جغرافیای کچوپه اردستان مطالبی نوشته قلم طالبین مراجعه نمایند .

در اوائل متمایل به علوم غریبه و کیمیا بوده سپس متوجه فقه و اصول شده و در آن مهارت و استادی یافت، کتب زیر از تالیفات اوست : ۱ - اللؤلؤ المنتثر منظومه تهیه در سال ۱۲۵۲ سروده است ۲ - رساله در مسأله بیمه و آنرا به چهارصدوهشتاد صورت گوناگون تصور نموده است

(ص ۱۹۱ تراجم الرجال)

۵۸- شیخ محمد حسین بن حاج محمد ابراهیم قزوینی اصفهانی

عالم فاضل پدرش از خواص و نزدیکان سید حجه الاسلام بوده و شرح حالش مجملا مذکور شد.

صاحب عنوان در اصفهان نزد طهای این شهر تلمذ نموده و پس از وفات پدر در مسجد آقا نور واقع در محله دردشت امامت مینموده است.

از آثارش نسخه ای از شرح حدیث غمامه تألیف قاضی سعید قمی (محمد بن محمد مفید قمی است) تعلیقات پدر خود را بر این رساله با نشانه (من الوالد سلمه الله) نقل نموده تاریخ کتابت نسخه ۱۲۶۳ می باشد (ص۴۷۶ - الکرام البرره) در کتاب نامبرده و کتاب دانشمندان و بزرگان اصفهان (ص ۴۴) و دیگر مواضع اشاره ای بشاگردی صاحب عنوان در نزد سید حجه الاسلام نشده است لکن متون بلکه قطوع با توجه به ارتباط و خصوصیات پدر با مرحوم حجه الاسلام آنست که وی در نزد ایشان تلمذ نموده است .

مرحوم آقا محمد ابراهیم قزوینی داماد مرحوم حاج سید اسد الله بیدآبادی ظاهراً فرزند همین آقا شیخ محمد حسین می باشد .

۵۹- سید محمد حسین بن سید محمد تقی مستجاب الدعوه موسوی خواجوئی اصفهان عالم فاضل

در حدود سال ۱۲۱۰ در اصفهان

متولد گردیده و مقدمات علوم رانزد پدر دانشـمند خود و جمعی از احول فراگرفته سپس در محضر حاجی کلباسی رسید حجه الاسـلام و آقامحمد تقی رازی حاضـر گردیده وبقدر وسع وطاقت خود از خرمن فضائل آنان خوشهها چیده امید ترفات درباره او میرفته لکن در جوانی بسال ۱۲۶۰ در اصفهان وفات یافته در تخت فولاد جنب پدر مدفون گردید .

فرزند مرحوم حاج سـید عبدالحمید از فضلاء اصفهان در ۱۲۵۰ متولد و در ۶ رمضان المبارک ۱۳۱۶ وفات یافته در جنب پدر وجد خویش مدفون گردید . ویرا حواشـی مختصری است بر نسخه ای از سیوطی که آنرا بخط خود نوشته است صاحب عنوان عموی پدر نویسنده است رحمه الله علیه)

۶۰- حاج میرزا محمد حسین بن حاج میرزا محمد رحیم دوم

فرزنـد محمـد رفیع بن محمد رحیم اول بن سـید مرتضـی بن میر محمد اشـرف بن سـید عبدالحسـیب محمد بن میر سـید احمد عاملی (بقیه نسب نامه او در میرسید احمد میردامادی نوشته شد).

عالم فاضل جلیل ورع متقی از سلسـله جلیله میردامادی ساکن سده بلوک ماربین اصـفهان در اصفهان خدمت حاجی کلاسی و سیـد حجه الاسـلام شـفتی تلمـذ نموده و پس از نیـل بمقامات عالیه علم بموطن خویش مراجعت نموده و به نشـر احکام واقامه جماعت و رسـیدگی به امور مردم وفصل خصومات پرداخته در نزد عموم طبقات مردم در اصفهان و مارپین خصوصاًنزد علماء و مجتهـدین مورد احترام ووثوق بوده و در سـده وفات الله هم انجامدفون گردید(ص۲۴مقـدمه لطائف غیبیه و اطلاعات متفرقه خارجی).

ص : ۳۰۸

۶۱- حاج میرزا محمد حسین بن حاج میرزا محمد رحیم میر دامادی سدهی

در مقدمه لطائف غیبیه (ص ۲۴) در باره مشار الیه می نویسد:

از علمای بزرگ و با نفوذ و با تقوی و مقتدر و شجاع و از شاگردان مرحوم حاجی کلباسی وسید حجه الاسلام رشتی بوده است صداقت و صمیمیت بین او ومرحوم حاج سید اسدالله شفتي وجود داشته و یک عمربا تقوی اور عزندگی کرده است (انتهی)

سال وفات او بدست نیامد.

۶۲- سید حسین بن محمد صادق حسینی امامی عریضی اصفهانی

:(۱)

عالم فاضل از شاگردان سید حجه الاسلام و حاجی کلباسی و آقا سید محمد مجاهد در اصفهان بوده ، در اصفهان متولد و هم در این شهر به تحصیلات خود

۱- سادات عریضی منسو بند به جناب ابو الحسن علی بن الامام جعفر الصادق علیه السلام از بزرگان امام زادگان عالم فاضل محدث ثقه جلیل در موقع رحلت حضرت صادق علیه السلام کودک بود از برادرش حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام و حضرت رضا وحضرت جواد علیهم السلام روایت می کند و در عمده الطالب است که درک محشر حضرت هادی علیه السلام دا نیز نموده و در زمان آن بزرگوار رحلت کرده است و در محل قبرش اختلاف است : ۱- برخی گویند در قریه عریض (بضم اول وفتح ثانی) که ملک آنجناب بوده می باشد و هنوز آثار قبرظاهر است ۲- در قم صحن و بشه و بارگاه دارد۳ - در خارج شهرسمنان دارای قبرومحن و�ار گاه می باشد و مرحوم ثقه الاسلام نوری در خاتمه مستدرک میفرماید قبر شریفش همانست که در قریه عریض یک فرسخی مدینه است ،

ادامه داده و سرانجام در همین شهروفات یافته . ثاریخ تولد و وفاتش بدست نیامد از آثار او نسخهای از کتاب : ذخیره المعاد تألیف مولی محمد باقر سبزواری اصفهانی است که آنرا در سال ۱۲۳۰ بخط نسخ از روی نسخه ای که از روی نسخه اصل بخط مؤلف بوده استنساخ نموده است ، این کتابرا برای سید حجه الاسلام مفتی کنایت نموده و در آنجا گوید :

قد نقلت هذا الکتاب من خط ناقل خط المؤلف وقد کتبت لمولانا واستادنا وسیدنا وسندنا سید محمد باقر دام ظله . نسخه بشماره (۹۲) در۴۰۸ برگی از زکوه تاحج در کتابخانه مدرسه فیضیه قم موجود است (۱۱۱ یکم فهرست نسخه های خطی کتابخانه مدرسه فیضیه قم تألیف علامه محقق متشبع حاج شیخ رضا استادی تهرانی از مدرسین حوزه علمیه قم و مؤلف کتب کثیره حفظه الله تبارک و تعالی).

۶۳ – حسین بن عزیز الله اصفهانی

در شرح حال شیخ محمد حسین طهرانی کربلائی نوشتیم که :

حسین بن عزیز الله اصفهانی در سال ۱۲۴۶ نسخه ای از کتاب : نماز برهنه تألیف مشار الیه را کتابت نموده است.

احتمال میرود که کاتب نسخه همچون مؤلف از شاگردان سید حجه الاسلام بوده باشد.

۶۴ – میر محمد حسین بن میر سید علی حسینی میرمحمد صادقی

برادر آقا میر سید حسن مدرس سابق الذکر . از علماء اخیار وفضلاء و ائمه جماعت و محل وثوق و اعتماد عموم طبقات

بوده. در اصفهان نزد جمعی از بزرگان علم ودانش همچون حاجی کلباسی وسید حجه الاسلام تلمذ نموده سرانجام در روز دوشنبه ۲۲ ذی الحجه سال ۱۲۸۸ وفات یافته در تخت فولاد پائین سکوی قبر فاضل هندی مدفون گردید ..

دانشمندان اصفهان ص ۲۹۱ واطلاعات متفرقه

۶۵ - حسین بن علی لنجانی اصفهانی

(۱) ..

در کتابخانه حضرت آیت الله مرعشی نجفی در قم مجموعه رجالی مرحوم سید حجه الاسلام شفتی شامل ۱۹ رساله در ۱۲۶ برگ بخط نسخ صاحب عنوان موجود است که تاریخ آن یازدهم محرم ۱۲۵۲ می باشد.

ممکن است مشار الیه نیز از شاگردان و حاضرین مجلس درس مرحوم حجه الاسلام بوده باشد.

۶۶ - مولی محمد حسین بن علی اکبر خوانساری اصفهانی

عالم فاضل زاهد عابد، از اجله فضلاء واتقیاء بوده در اصفهان خدمت پدر خود و مرحوم سید حجه الاسلام شفتی تلمذ نموده و در کربلا سالها بدرس شریف العلماء مازندرانی حاضر گردیده تا بمقامات عالیه علم واجتهاد نائل شده و باصفهان مراجعت نموده مورد توجه مخصوص سید حجه الاسلام واقع گردیده و پس از وفات ایشان از مخصومین سید حجه الاسلام ثانی حاج سید اسد الله بید آبادی واقع شده و مورد وثوق و اطمینان ایشان و مورد توجه عموم طبقات خواص وعوام

۱- لنجان بروزن فنجان از بلوک غربی اصفهانست و بدوقسمت علیا و سفلی تقسیم گردیده و هر یک دارای قری و مزارع بسیار است

واقع گردیده پس از وفات پدرش در مسجد میرزا باقر در محله بیدآباد امامت مینموده سر انجام در ۱۴ جمادی الثانیه سال ۱۳۰۲ در اصفهان وفات یافته در مقبره کوچک مسجد سید مدفون گردید . مشار الیه دارای سه فرزند پسر بنامهای ا- حاج آقا جلال الدین ۲ - آقا شهاب الدین ۳- آقاکمال الدین بود. مرحوم حاج آقا جلال الدین پدر عالم فاضل مرحوم حاج آقا جمال الدین خونساری بود که با فوت ایشان متأسفانه علم وروحانیت از این سلسله منقضی شد کتب زیر از صاحب عنوانست : ۱- حکم الغساله بعد الانفصال فقه عربی رساله مختصری است در چهاربرگ که مؤلف آنرا بدستور پدر خود تألیف نموده است ۲- دروس الاصول تاریخ فراغت از تألیف جلد یکم ۱۶ ذی الحجه ۱۲۴۸ در اصفهان (ص ۱۴۴ هشتم الذریعه) ۳- المرشد فی شرح التبصره فقه عربی شرح استدلالی متوسطی است بر کتاب تبصره علامه حلی تاریخ طهارت و صلوه ۱۲۵۹ تاریخ زکوه ۱۲۶۰ - رساله اول و سوم ضمن مجموعه شماره ۱۲۲ کتابخانه آیت الله گلپایگانی در قم بخط مؤلف موجود است و قبل از کتاب اجازه اجتهاد برای مؤلف از شیخ علی بتاریخ دوم ربیع الاول ۱۲۶۰ و اجازه اجتهاد دیگری از سید حسن بن محمد صادق موسوی جرفادقانی بتاریخ ۱۲۶۴ وروی برگ اول رساله حکم الغساله اجازه اجتهادی است که سید حسن بن علی بن محمد باقر بمشار الیه داده است بتاریخ ۱۲۶۴ نویسنده فهرست احتمال داده اند که سید حسن نامبرده نوه حجه الاسلام شفتی باشد (لکن یقیناً ابن سید حسن مرحوم آقا میر سید حسن مدرس میر محمد صادقی حسینی می باشد . مهدوی) در صفحه آخر مهر بیضوی { بلغ العلی بکماله} ، نیز دیده میشود.

نویسنده گوید : مهر مزبور نیز از مرحوم آقا کمال الدین خونساری فرزند ولی محمد حسین نامبرده می باشد .

ص ۱۱۶ جلد اول فهرست کتابخانه آیت الله گلپایگانی

ص : ۳۱۲

۶۷ – محمد حسین بن محمد علی رشتی

معروف به ملامیرزا جان رشتی . در تاریخ شبه یک شنبه ۱۶ جمادی الثانیه سال ۱۲۴۵ بر روی برگ آخر کتاب : شرح لمعه مطالبی از کتاب تحفه الابرار مرحوم سید حجه الاسلام راجع به دندانها نقل می کند .

نسخه کتاب شرح لمعه در کتابخانه رضویه قم موجود است (ص ۱۷ فهرست کتابخانه رضویه قم).

ظاهراً مشارالیه نیز از شاگردان مرحوم سید حجه الاسلام بوده است .

و او غیر از ملا آقا جان شمس گیلانی واعظ ادیب شاعر (۱۳۵۴ – ۱۲۵۴) می باشد .

۶۸– ملا حمزه بیرجندی

((۱))) در بهارستان آیتی (ص ۲۷۷) در باره او گوید :

ص : ۳۱۳

۱– آیتی در بهارستان (ص۱۰) به خلاصه می نویسد : بیرجند از اقلیم چهارم است زمینش خشک وهوایش معتدل و هفده هزار نفوس دارد ودار الملک خله قائنات است آبش در قدیم از قنات بوده و اکنون لوله کشی شده است شیروانی در بستان السیاحه (ص ۱۳۳) می نویسد : بیرجند قصبه ای است شهر ماند از توابع دهستان ... نمد بیرجندی معروفست (و آنجا را بر جند می نویسد). ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائیی:۵۹/۱۵/۰۰ عرض:۳۲/۵۲/۲۰ انحراف قبله:۶۱/۰۸/۱۱جنوب غربی ارتفاع از سطح دریا ۱۴۸۰ متر.نویسنده فاضل آقای محمد علی منصف در مقدمه کتاب : امیر شوکت الملک علم امیرقائن شرح بسیار مختصری از تاریخ و جغرافیای بیرجند مرقوم داشته طالبین بدانجا مراجعه کنند.

سر آمد افاضل متبحرین و اعاظم متأخرین است در علم رجال و درایت الحدیث از علمای بلند منزلت گوی سبقت ربوده و در مباحث فقه و اصول برقهاء عالی مرتبت بلندی جسته گویا تلمذش در اصفهان بر حجه الاسلام سید محمد باقر رشتی و دیگر علماء آن شهر بوده .

از بعضی فضلاء مسموع شد که حجیت مظنه واستصحاب را پیش از آنکه شیخ انصاری علیه الرحمه بنویسند جزواتی از آخوند ملاحمزه در دست بوده که حاوی اکثر مطالب شیخ بود . وبالجمله در اواخر حال خاطرش از امرای قاین رنجیده و بشهر طبس مهاجرت کرده و در آنجا متوفی شده .

۶۹ – مولی حمزه بن اسدالله جازاری فرزند عبدالله بن علی محمد شریف علوی قاینی اصفهانی .

در بهارستان (ص ۳۰۲) درباره او گوید : از اعمام کرام مؤلف است أول بعنوان تحصیل باصفهان رفته و چندی به مجلس درس حجه الاسلام رشتی و حاجی کرباسی حاضر می شده اخیراً در همانجا متوطن و متأهل گردیده ونوبتی سید مرحوم اورا بواسطه طلاقت لسان وفصاحت بیان انتخاب و برسالتی و اصلاح امری برشت فرستاده و باز باصفهان عودت کرده . خلاصه آنکه علاوه بر مقام علم وفضل ناطقی فصیح البیان بوده و واعظی رطب اللسان واز آقا محمد مهدی ولد حاجی کرباسی اجازه در فقه و حدیث دارد و در مراجعت از قاین باصفهان در بلده شاهرود متوفی گردیده .

نویسنده گوید: صاحب عنوان عموی پدر حاج شیخ محمد حسین آیتی مؤلف کتاب بهارستان می باشد .

صاحب عنوان رافرزندی فضل بنام اسدالله (۴۴۳ بکم الکرام البرره) بوده.

در الکرام البرره در صفحات (۱۲۹ و ۴۴۳) نام جدش را محمد ذکر می کند اما در بهارستان حمزه بن اسدالله بن علی محمد شریف می نویسد.

ص ۳۰۶ بزرگان و دانشمندان اصفهان

۷۰- آخوند ملا رجبعلی بن محمد

آثار ملکیت او در سال ۱۲۵۸ در پشت نسخه ای از منتخب تحفه الابرار سید حجه الاسلام مشهود است ، سجع مهر : عبده رجبعلی بن محمد ۱۲۴۴٠

ظاهراً مشارالیه از شاگردان سید حجه الاسلام شفتی بوده است.

نسخه منتخب تحفه الابرار در کتابخانه فاضل محترم آقای حاج سید مرتضی شهشهانی به شماره ترتیب ۳۶ موجود است.

۷۱ – سید محمد رضا موسوی شیرازی

(۱)) فرزند سید اسماعیل بن ابراهیم بن صالح بن ابو علی محمد بن علی مردان

ص : ۳۱۵

۱- رکن زاده آدمیت در کتاب دانشمندان و سخنسرایان فارسی (ص۴ یکم) می نویسد شیراز یکی از شهرستانهای هشتگانه استان هفتم کشور است، آب و هوایش بطور کلی معتدل و درجه حرارت نسبت به پستی و بلندی زمین متغیر است، زبان مردم شهر فارسی و مذهبشان شیعه دوازده امامی ، در سال ۷۴ هجری محمد بن یوسف ثقفی آنجارا بنا کرده است . ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی:۵۲/۳۲/۰۰ عرض:۲۹/۳۶/۰۰ انخراف قبله:۵۷/۲۲/۵۱ ارتفاع از سطح دریا ۱۵۴۰ متر. تعداد نفوس (شهرفقط) ۱۷۰/۰۰۰نفر

بن ابوالقاسم محمد تقی بن مقبول الدین حسین بن ابو علی حسن بن محمد بن محمد بن فتح الله بن اسحق بن هاشم بن محمد بن محمد بن ابراهیم بن ابوالفتیان بن عبدالله بن الحسن برکه بن ابوالطیب احمد بن ابو علی الحسن بن ابوالحسن محمد الحائری بن ابراهیم المجاب بن محمد العابد بن الامام موسی الکاظم علیه السلام .

عالم فاضل محقق در ۱۲۲۳ در شیراز متولد گردیده و پس از تحصیل مقدمات به اصفهان مهاجرت نموده و در این شهر در نزد شیخ محمد تقی رازی و حاجی کلباسی وسید حجه الاسلام تلمذ نموده (چنانکه خود در مقدمه انوار الرضویه می نویسد).

سپس بطهران منتقل گردیده به ترویج و تبلیغ احکام شرعیه پرداخته سرانجام در سال ۱۳۰۸ در آنجا وفات یافته است.

کتب زیر از تألیفات اوست : ۱ - الانوار الرضویه معروف به شرح رضوی در شرح کتاب مختصر نافع بچاپ رسیده و نسخه آن نزد نگارنده موجود است

۲- جامع الدعوات المنجی من الهلکات ۳ - درر اللالی در اصول فقه ۴ - رساله ای در نماز شب ه - مدائن العلوم۶- وجیزه الرجال خلاصه علامه را مختصر نموده است (مکارم الاثار ص ۷۷۲ سوم) در نقباء البشر (ص ۷۳۸ دوم) کتب زیر را نیز از تألیفات او ذکر می کنند ۷ - رساله در اصول فقه ۸- صباح الرضوی -المقابد.

اولاد و اعقاب او و برادرانش درطهران و شیراز و دیگر شهرها ساکن وعده ای از آنها اهل علم وفضل وجمعی از آنان اهل منبر و موعظه و ارشادند . وفقهم الله تبارک وتعالی فیما یحب ویرضی .

ص : ۳۱۶

۷۲ – شیخ محمدرضا طبسی

تکمله نجوم السماء (ص ۱۹۹ یکم) گوید :

ماکن طبس تحصیل علوم وفنون در اصفهان خدمت آقا سیدمحمدبار رشتی طلاب ثراه و هم از دیگران نموده در حدود ثمانین بعد المأتین والالف بعالم بقاء

ارتحال تیرد .

صاحب عنوان ظاهراً از طبس خراسان بوده است (۱).

۷۳ – حاج میرزا محمد رضا کلباسی (کرباسی)

فرزند علامه فقیه زاهد حاج محمد ابراهیم علیه الرحمه از علماء متنفذ ورؤساء اصفهان بوده در این شهر خدمت پدر بزرگوار وسید حجه الاسلام و جمعی دیگر از دانشمندان تحصیل نموده در شب ۱۴ رمضان المبارک سال ۱۲۱۹ متولد و شب ۱۴ شعبان المعظم ۱۲۸۴ در اصفهان وفات یافته در مقبره پدر بزرگوار مدفون گردید .

رجال اصفهان ص ۱۶۲ – شرح حال حاجی کلباسی ص ۲۳ واطلاعات متفرقه .

ص : ۳۱۷

۱- در خراسان در ناحیه بنام طبس معروفست. یکی از قرای سبزوار . شهری از شهرهای خراسان (ص ۶۶ تاریخ علمای خراسان .) ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی:۶۰/۱۳/۴۰ عرض جغرافیائی:۳۲/۴۸/۰۰ انحراف قبله:۶۲/۵۸/۰۲جنوب غربی

فائده : در کتاب : آثار ملی اصفهان (ص ۴۸۹) در ضمن موقوفات مدرسه کاسه گران می نویسد :

۲۶- مزرعه تقی آباد کرون اصفهان خریداری از میرزا محمد رضا کلباسی و میرزا محمد تقی (انتهی).

تاریخ وقفنامه شوال ۱۱۰۴ هجری می باشد و معلوم می شود که در این قرن - یعنی اوایل قرن دوازدهم - خاندانی در اصفهان بشهرت {کلباسی} می زیسته اند موضوع قابل دقت و بررسی است.

۷۴ – محمد رضا بن محمد رفیع

در روز جمعه ۱۰ رجب ۱۲۳۹ کنایت نسخه ای از کتاب : الحلیه اللامعه در شرح سیوطی تألیف سید حجه الاسلام را در اصفهان بپایان رسانیده است.

نسخه کتاب در کتابخانه مرحوم حاج سید محمد رضا شفتی موجود بود به کتابخانه حاج سید محمد علی روضاتی منتقل گردید . احتمالا مشار الیه از شاگردان سید حجه الاسلام می باشد.

ص ۸۳ هفتم الذریعه

۷۵ – شیخ محمد رضا لاهیجی فرزند مرتضی عالم فاضل فقیه .

مشارالیه نسخه ای از مجلد چهارم مطالع الانوار تألیف مرحوم سیدحجه الاسلام را مسالك بوده و حواشی مختصری که نمودار علم و فقاهت اوست در کناره های کتاب نوشته است . وی از علماء قرن سیزدهم هجری است .

می ۲۰۰ تراجم الرجال

ص : ۳۱۸

احتمالا وی نیز از شاگردان و حاضرین جلسه درس مرحوم سید حجه الاسلام بوده است.

۷۶ – حاج سید رضا بن نصرالله بن میر محمد رضا حسینی

عالم فاضل . در رامسر (قدیم آنجا را سخت سر می گفتند)(۱) متولد گردیده و پس از آموختن مقدمات علوم از ادبیات عرب و منطق به اصفهان مهاجرت نموده و بعداً بکاشان رفته مدتی نزد علامه جلیل حاج مولی احمد کاشانی (نراقی) مشغول شده سپس مجدداً به اصفهان مهاجرت نموده و در نزد سید حجه الاسلام رشتی به ادامه تحصیل پرداخت تابمقام اجتهاد رسید سپس بموطن خویش مراجعت نمود وبوظائف روحانیت از تدریس و اقامه جماعت و حل و فصل امور پرداخت در حدود سال ۱۲۵۰ بمکه معظمه مشرف گردیده در مراجعت در طهران مریض شده و همانجا وفات یافت.

ص ۱۱ بزرگان رامسر

ص : ۳۱۹

۱- رامسر یاسخت سر از محال ثلثه تنکابن بشمار میرود، حدود آن از شمال دریای خزرواز سمت مشرق رودخانه نسارود وجنوب کوههای جورویه و از طرف مغرب به رودخانه میانده محدود می شود. فائده : نسبت سادات بهشتی اصفهان که عموماً از اهل علم و فضل بوده و می باشند به میر عبدالباقی بن میر محمد رضا حسینی منتهی میشود بشر حیکه ادیب شاعر فاضل مرحوم آقای آقاطه بهشتی واعظ (۱۴۰۳ – ۱۳۲۲)در کتاب تحفه الاحباب که در شرح احوال مشاهیر سلسله جلیله سادات بهشتی مرقوم فرموده و در سال ۱۳۸۵ بچاپ رسانیده ذکر می نماید . ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی:۵۰/۳۹/۴۵ عرض:۳۶/۵۴/۱۵ ارتفاع ازسطح دریا۲۱-(منهای بیست یک)

۷۷ – حاج میرزا رفیعا فرزند میر سیر محمد طباطبائی

فرزنـد میر محمـد حسـین اول فرزنـد رفیع الـدین محمـد بن محمـد مهدی بن ابوالحسن محمد بن رفیع الدین محمد معروف به میرزا رفیعا نائینی اصفهانی اردستانی .

از علماء اصـفهان بوده و نزد بزرگان اهل علم تلمذ نموده مدتی بهندوستان مهاجرت نموده و در آنجا زنی از امرای سند اختیار نموده و از آن مخدره اولادی نداشـته نکن از عیال دیگرش شـش فرزند پسر یافته که دو نفر از آنان از اطباء زمان و بدین علم شهرت داشته اند (ص ۱۸۸ یکم آتشکده اردستان).

مشار الیه مورد توجه و عنایت سید حجه الاسلام بوده و پس از معاودت از سفر هند از طرف ایشان متصدی موقوفات میر جمله اردسـتانی گردیـده و بدین مناسـبت از اصـفهان به زواره مهاجرت نموده و آنجا سـکونت فرموده است (ص ۲۹۱ دوم آتشکده اردستان).

بظن قوی مشارالیه از شاگردان سید حجه الاسلام بوده است .

۷۸ – مولی محمد رفیع بن علی رشتی

(۱)

معروف به شریعتمدار از بزرگان علماء و مجتهدین ورؤساء مذهب و دین در

ص : ۳۲۰

۱- شـیروانی در بستان السیاحه (ص ۱۹۲) به خلاصه می نویسـد: لفظ رشت ولفت فرس خاك روب را گوینـد و در غرب نام شهر است بزرگ و بنـدربست سـترك آن شـهردار الملـك گیلاـن وسـواد اعظم آن مکـانست ... در میـان جنگـل عظیم ویک فرسـخی بحیره و چهـار فرسـخی بحر خزر واقع است و اطرافش نیز جنگل پر درخت و تردد و آمـد شـد مسافران بسـیار سـخت است ... هوایش گرم در موسم تا بسـتان عفن ودر زمستان از کثرت باران کوچه بازارش چرکن. .. حاصلش برنج فراوان وتازو ابریشم بسیار و بامتیاز است ...

سال ۱۲۱۱ مطابق کلمه تاریخ یاخیرات در رشت متولد گردیده در خدمت شریف العلماء مازندرانی رسید حجه الاسلام شفتی و جمعی دیگر از بزرگان علماء تلمذ نموده تا در فقه و اصول ورجال بدرجه اعلای اجتهاد و تحقیق رسید مدت تقریباً چهل سال در موطن خود ساکن و به نشر و ترویج دین وریاست و تدریس و تالیف وتصنیف گذرانیده تا در سال ۱۲۹۲ وفات یافت . ویرا در فقه و اصول ورجال تألیفاتی بوده است.

مرحوم شریعتمدار رشتی دو اجازه از سید حجه الاسلام داشته یکی عربی و بزرگ و دیگری فارسی و مختصر بتاریخ ۱۲۵۸ و مرحوم آقا شیخ عبدالحسین طهرانی از وی روایت احادیث مینماید (ص ۵۰۸ دوم الکرام البرره)

در المآثر والاثمار (ص ۱۵۱) گوید : بثروت و مکنت وی در مملکت گیلان کمتر کسی میرسید ، بعضی از آثار بیادگار گذاشته از قبیل ۱ - پل سیاه رود ۲ - راه جهنم دره ۳- پل منجیل .

در احسن الودیعه (ص ۷۰ بکم) ویرا عنوان نموده و از قول نواده او آقا محمد رفیع که در سال ۱۳۴۷ در مسافرت عتبات جهت مؤلف احسن الودیعه فرموده: نام پدرش را حاج ملا خلیل نوشته و گوید نسب شریف او به جناب عمار یاسر می پیوندد ، واز تألیفات او شرح تبصره علامه حلی را ذکر نموده و مدفن او را در نجف اشرف می نویسد .

خاندان شریعتمدار رشنی از خاندانهای علمی و علم وریاست تا این زمان در آن خانواده بر قرار است.

۷۹ – میرزا زین العابدین موسوی فرزند مرحوم حاج سید محمد باقر حجه الاسلام شفتی بیدآبادی

ص : ۳۲۱

در المآثر والاثار (ص ۱۶۴) گوید : از علمای معتبر اصفهان بود .

در تذکره القبور (ص ۱۴۶ رجال اصفهان) محل قبر اوراجلو قبر سید در داخل بقعه مرحوم حجه الإسلام می نویسد .

در دانشمندان و بزرگان اصفهان (ص ۱۹۶) والکرام البرره (ص ۵۸۹ دوم) ویرا بعنوان اهل علم وفضل و کمال و شهرت و مقبولیت عامه و اعتبار ستوده اند . راجع به فرزندانش در فصل خاندان مرحوم حجه الاسلام بحث خواهیم کرد .

مشار الیه در اصفهان نزد پدر و جمعی دیگر از بزرگان تحصیل نموده و قبل از سال ۱۲۹۰ که وفات علامه مرحوم حاج سید اسدالله می باشد وفات یافته است. رحمه الله علیه .

در قضایای شورش مردم اصفهان علیه حاکم جابر و ظالم خسروخان گرجی در سال ۱۲۶۵ فرد مؤثر بود و از دولت ودو لتیان رنج بسیار کشیده شرح مختصر آن در ضمن شرح حال مرحوم حاج سید اسدالله بیان خواهد شد.

۸۰ – حاج میرزا زین العابدین بن سید ابو القاسم جعفر ثانی موسوی خونساری اصفهانی علیه الرحمه .

عالم فاضل محقق زاهد عابد متقی پدرش (و پدرانش) از علماء کاملین وفضلاء ومجتهدین بوده و در سال ۱۱۶۳ متولد و در ۱۲۴۰ وفات یافته و صاحب عنوان در۸ ذی القعده سال ۱۹۹۲ در خونسار متولد گردیده و در ۹ جمادی الثانیه ۱۲۷۵ در اصفهان وفات یافته در بقعه تکیه مادر شاهزاده در تخت فولاد اصفهان مدفون گردید وقبر مبارك او از مزارات مشهور و مورد توجه و عنایت عموم مقدسین از خواص وعوام می باشد .

وی از جمعی از علماء احلام مجاز بوده از آنجمله : انا سید محمدقصیر

رضوی مشهدی متوفای۴ محرم ۱۲۵۵ دیگر مرحوم حاج سید محمدباقر حجه الاسلام می باشد به اجازه مبسوطه ای بتاریخ اواخر صفر ۱۲۲۲ - آغاز { الحمد لله الذی نصرت الألسن عن بلوغ ثنائه...}(ص ۱۵۷ یکم الذریعه) در عموم کتب تراجم رجال که نامی از وی برده اند او را به عظمت و زهد و تقوی ستوده اند .

مشاراليه پدرعلامتین مرحومین آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی سالف الترجمه و آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی آتی الترجمه می باشد. اولاد واعقاب او جملگی از علماء اخبار وفضلاه اصفهان و خونسار و بزهد و تقوی و علم وفضل معروفند و مردم اصفهان عموماً وساکنین محله چهارسوق شیراز بها ولنبان خصوصاً به آنان ارادت می ورزند و آنها را از جان و دل دوست دارند و مورد اعزاز و احترام قرار میدهند والحق شایسته کنند.

۸۱- سید شریف خلخالی فرزند سید عباس

(۱)

(۱ علامه طهرانی در الکرام البرره (ص ۶۲۰ دوم) می نویسد :

نسخه ای از مجلد دوم کتاب : مطالع الانوار از تألیفات مرحوم سید حجه الاسلام را در کتابخانه شیخ قاسم محی الدین در نجف اشرف دیدم که صاحب

۱- در بستان السیاحه (ص ۲۷۳) می نویسد: خلخال نام ولایتی است مسرت مآل از ولایات آذربایجان، قدیم الزمان یکی از بلول ایران شهری بر سر کوهی احداث کرده فیروز آباد نام نهادند الحال مجموع آن ولایت راخلخال گویند ... آبش از چشمه سار خوشگوار وهوایش سردی مایل و سازگار جمیع بلادش کوهسار است .. ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی:۴۸/۳۱/۳۰ عرض:۳۷/۳۶/۴۵ ارتفاع از سطح دریا ۱۷۵متر.

عنوان حواشی از خود بر آن نوشته بود و نشانه آن (المحرره) بود و تاریخ آن سالهای ۱۲۴۰ و ۱۲۴۳ همچنین برخی از حواشی استاد را برکناب نقل نموده بودینشانی { منه مدظله} بنابراین مشارالیه تا سال ۱۲۴۳ در قید حیات بوده و از شاگردان سید حجه الاسلام می باشد.

ظاهراً صاحب عنوان در اصفهان سکونت داشته و هم در این شهر وفات یافته اس سال وفاتش بدست نیامد.

ص ۳۶۷ بزرگان و دانشمندان اصفهان

۸۲ – حاج سید شفیع بن سید علی اکبر موسوی جاپلقی بروجردی

از احفاد میر نظام الدین احمد صاحب مزار معروف در امامزاده قاسم نزدیک بروجرد بطن ششم از اعقاب حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام . از اکابر علماء و اعاظم فقهاء و مجتهدین جامع معقول و منقول و در رجال و حدیث صاحب نظر بوده ، در بروجرد و اصفهان و کاشان و نجف در نزد بسیاری از بزرگان تلمذ نموده که از آنجمله است حاج ملا احمد نراقی و حاج ملاـ محمد جعفر آبادهای وحاج ملا عباسعلی کزازی کرمانشاهی و آقا محمدعلی بن آقا باقرغروی مازندرانی اصفهانی و شریف العلماء مازندرانی و مولی محمد بن حسنعلی و آقا سید محمد مجاهد کربلائی اصفهانی و برادرش آقا سید مهدی فرزند صاحب ریاض المسائل و حاج ملانورعلی مازندرانی، واز مرحوم سید حجه الاسلام شفتی اصفهانی ومولی علی اکبر خونساری اصفهانی اجازه روایت و اجتهاد داشته و پس از وصول بمقامات عالیه علم واجتهاد ببروجرد منتقل گردیده و بدرس و بحث و نشر احکام و تربیت طلاب و تألیف کتب ورسائل و اقامه جماعت و رسیدگی بامور مردم پرداخته کتب زیر از تألیفات اوست ۱- اصول الکربلائیه ۲ – حاشیه بر تمام ریاض

ص : ۳۲۴

المسائل ۳- حاشیه بر مناسک حج مرحوم سید حجه الاسلام ۴ -روضه البهیه دراجازه شفیعیه وآن کتابی است مانند لؤلؤه البحرین که در اجازه دو فرزند دانشمندش سید علی اکبر و سید علی اصغر مرقوم فرموده ۵- شرح کتاب تجارت روضه ۶- القواعد الشریفیه در اصول و آنرا بنام استاد بزرگوارش شریف العلماء در دو مجلد تالیف فرموده ۷ - مرشد العوام در نماز و آن رساله عملیه است ۸ - مناهج الاحکام در فقه عربی و غیره . سرانجام در سال ۱۲۸۰ وفات یافته ماده تاریخ فوتش را مرحوم آقا شیخ محمد تقی دزفولی چنین گفته است : چه زد سید شفیع از این جهان سوی جنان خرگه

زفیض عام خود اکیل فضل افراشت تا برمه همه کروبیان از بهر او واحسرتا گویان

بنالیدند از دل در عزای او گه وبیگه برای ضبط تاریخ وفاتش از دم غیبی غیبی

بگوش من ندا آمد که {فمنهم من قضی نحبه}شرح حالش در عموم کتب تراجم رجال بطور تفصیل واختصار نوشته شده از آنجمله : احسن الودیعه (ص ۴۰ یکم) تکمله نجوم السماء (ص ۱۹۵ یکم) ریحانه الادب (ص ۲۴۰ یکم) علماء خراسان (ص ۱۷۱) فوائد الرضویه (۵۴۱ دوم) قصص العلماء (ص) الکرام البرره (ص ۶۲۵ دوم) لباب الالقاب (ص ۶۳) المآثر والاثار (ص ۱۴۸) وغیره .

تذکر : کتابهائیرا که ذکر کردیم آنهائیست که در اختیار نویسنده بوده و گرنه در بسیاری از کتب دیگر از آن جمله خاتمه مستدرک الوسائل وغیره نیز نام او مذکور است.

۸۳ – ملا محمد شفیع بن محمد خولی اصفهانی

(۱)

فرزنـد ملاـ ابوالقاسم بن احمـد بن علی بن ملا دولتهای قراچه داغی عالم فاضل وفقیه کامل درخوی و سپس در نجف اشرف نزد اساتیـد انجا تلمـذ نموده و از اساتیدش شیخ جعفر کاشف الغطاء وسید مجاهد و سید بحرالعلوم را نام برده اند پس از نیل بمقامات عالیه علمی به موطن ومولد خویش برگشته و در آنجا ریاست و مرجعیتی بافته در جنگ ایران و روس شرکت نموده و پس از جنگ مجبور به ترک خانه ودیار خود گردیده با جمعی از اقوام و ارحام به اصفهان مهاجرت نموده و این شهر را جهت سکونت اختیار نموده و مورد توجه سید حجه الاسلام قرار گرفته بود ودریک وقت در مسجد میرزا باقر در مرحله بیدآباد امامت مینموده است .

ویرا تألیفاتی است (نمونه یکی از صفحات شرح یکی از کتب فقهی یکی از اساتیدش در صفحه ۱۸۰۵ جلد پنجم مکارم الاثارگراورشده است). صاحب عنوان در سال ۱۲۶۵ در اصفهان وفات یافته در مقبره کوچک مسجد سید مدفون

ص : ۳۲۶

۱- شیروانی در بستان السیاحه (ص ۲۷۴) به خلاصه گوید : خوی ام بلاده ای است از اقلیم رابع رجوانب اربعه اش فی الجمله واسع از بلاد آذربایجان و محلی خلدشانست سمت غربی شهر تبریز اتفاق افتاده ... آبش بسیار وهوایش سازگار . ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی:۴۴/۵۷/۵۰ عرض:۳۸/۳۲/۰۰ انحراف قبله:۱۵/۵۴/۴۸

گردید . (ص ۱۸۰۴ پنجم مکارم الاثار– م ۳۹۶ دانشمندان و بزرگان اصفهان)

ظاهراً ایشان از سید حجه الاسلام و حاجی کلباسی مجاز بوده اند فرزندانش عموماً اهل فضل و کمال وهمگی ساکن در اصفهان بوده و در این زمان به شفیع زاده وخونی شهرت دارند و

۸۴ – میر محمد صادق بن سید محمد بن سید محمد علی حسینی

سادات کتابی اصفهان از سلسله سادات محترم و معزز اصفهان که عموماً بفضل ودیانت و تقوی و امانت شهرت دارند و عده زیادی از علماء و فضلاء ومدرسین از این سلسله جلیله برخاسته اند و نسبت آنان به جناب حسن الافطس ابن علی الأصغر بن الامام علی بن الحسین علیه السلام منتهی میشود.

صاحب عنوان از شاگردان سید حجه الاسلام وداماد ایشان بوده است ، در حدود سال ۱۲۱۰ متولد و در ۵شنبه ۱۱ شعبان ۱۳۰۴ وات یافته است و برا شرحی است بر کتاب شرایع که در تاریخ ۱۲۳۵ یعنی در حدود سن بیست و سه سالگی شروع در آن نموده است . (نسخه این کتاب یکی مسوده و دیگری مبیضه هردو بخط مؤلف بزرگوار در کتابخانه فاضل ارجمند مرحوم آقا میرزا ابوالحسن

کتابی (متوفی درشعبان ۱۳۹۸) فرزند آقا سید محمد جواد متوفی ۱۸ رمضان ۱۳۳۸) فرزند میر محمد صادق صاحب عنوان (ص ۳۲۴سیزدهم الذریعه) موجود بوده است.

مرحوم آقا میر محمد صادق از دختر سید حجه الاسلام سه فرزند پسر یافته که عبارتند از: ۱– آقا سید محمد تقی ۲– آقا میرزا علیرضا۳ – آقا سید محمد جواد . علیهم الرحمه.

ص :۳۲۷

در فصل مربوط به خاندان مرحوم حجه الاسلام راجع به فرزندان مشارالیه بحث خواهیم کرد .

مرحوم ملا عبدالکریم جزی در تذکره القبور (۴۳ و ص ۶۲ رجال اصفهان) صاحب عنوان و پدرش را نامبرده و گوید : اما سید محمد از علماء و فضلاء اصفهان و بسیار معمر شده بود و مرحرم آقا میر محمد صادق از جمله فقهاء ممتازین اصفهان بودند و نزد علماء اصفهان بفقاهت معرون بودند و مرد گوشه گیر و مشغول تحصیل و مطالعه و تدریس و اهل تهجد و عبادت بودند شاگردان ایشان در اصفهان فعلا بسیارند حقیر نیز در زمان سطح خواندن مدتی شرح لمعه خدمت ایشان میخواندم ونوشتجات خوب متفرقه در فقه دارند .

۸۵ – سید صادق بن هادی بن محمد رضا حسینی

در روز پنج شنبه ۱۲ محرم سال ۱۲۱۸ در رامسر متولد گردیده مقدمات علوم را در مولد خویش فرا گرفته سپس به قزوین و بعدا به اصفهان مهاجرت نموده و تحصیلات خویش را در این دو شهر ادامه داد و در اصفهان در خدمت علمای بزرگ این شهر همچون حاجی کلباسی و سید حجه الاسلام شفتی فقه و اصول را قرائت نموده و حکمت را نیز در نزد مرحوم آخوند حاج ملا۔علی نوری میاموخت تا بمقامات عالیه علم رسید پس از نیل بمقامات علمی واخذ اجازات به رامسر مولد و موطن خود مراجعت نموده و تا آخر عمر یعنی سال ۱۲۸۷ بترویج دین و تدریس علوم اشتغال جست فرزندانش نیز عموماً از اهل فضل و کمال و علم می باشند .

ص ۷۴ بزرگان رامسر

ص : ۳۲۸

۸۶ – مولی محمد صالح استر آبادی

(۱)

عـالم فاضـل جليل از شاگردان و مجازين از مرحوم سـيد حجه الاسـلام شـفتى بوده و آن مرحوم ويرا در اجازه خود بـدينگونه وصف فرموده :

آغاز : الحمدلله الذى يحول بين المرء و قلبه سپس بعد از مقدماتى مى نويسد:

الصالـح العـالم الزكى والفاضـل العامـل العلى المترلى من حضـيض مناقض الجمل الى مزايا الفضائل والصاعـد مجـده الأنيق من مسارى الرذائل الى مكارم الفواضل ولدنا العزيز الرفيع الوالى الموليمحمدصالح الاسترابادى ...

تاريخ اجازه روز شنبه ۳ ذى الحجه ۱۲۵۳ در الكرام البرره (ص ۶۵۰ دوم) تاريـخ اجازه را سال ۱۲۴۶ مى نويسد و تاريخ اول نقل از الذريعه (ص ۵۷۰۷ يكم) مى باشد.

ص : ۳۲۹

۱– شـيروانى در بسـتان السياحه (ص ۷۳) به خلاـصه مى شود؛ استرابـاد شـهرى است دلگشا ومـدنه اى است بهجت افزا هواى گرم و آبش فراوان و حبوباتش ارزان بعضـى اورا دار الملك جرجان (گرگان) گفته انـد و آنرا يزيـد بن مهلب بن ابى صـفره بنانهاد و او از جانب سـليمان بن عبـدالملك مروان حكومت خراسان دانش، مردمش از قـديم شـيعه اماميه انـد و با آنكه طايفه تركـان همسـايه ابشـانست بى ترس و تقيه معـاش نماينـد بلكه در اكثر اوقـات برتر كان حكم گذارنـد. ثانيه/درجه/دقيقه/ طول جفرافيائى:۵۴/۲۸/۰۰ عرض:۳۶/۵۰/۳۰ انحراف قبله:۴۳/۳۰/۰۵جنوب غربى ارتفاع از سطح دريا۱۶۰ متر

۸۷ – شیخ محمد صالح بیدآبادی

فرزند آقا شیخ زین العابدین از اعقاب شیخ زاهد گیلانی و از سلسله مشایخ بید آباد . در اصفهان خدمت جمعی از بزرگان علم و دانش تلمذ نموده و خدمت مرحوم حجه الاسلام شفتی و دیگران را درک نموده سپس بطهران رفته و آنجا در مدرسه دارالفنون تدریس علوم ادبی و غیره پرداخته و هم در مسجد دارالفنون امامت مینموده و تا سال تألیف گنج شایگان یعنی سال ۱۲۷۳ حیات داشته است

مشارالیه برادر بزرگتر میرزا طاهر دیباچه نگار مؤلف کتاب گنج شایگان می باشد .

پدرش نیز از فضلاه و از سلسله مشایخ بید آباد بوده و در شوال ۱۲۲۴ در اصفهان وفات یافته است .

۸۸– حاج مولی محمد صالح بن آقا محمد برغانی قزوینی

عالم عابد زاهد فقیه فاضل از معاریف قهاء و مجتهدین است در ابتدای ورود سیدحجه الاسلام باصفهان مدتی بدرس ایشان حاضر گردیده و در این شهر خدمت

جمعی از بزرگان علماء تلمذ نموده که از آن جمله است آقا سید محمد مجاهد . سپس به اعتاب مقدسه مهاجرت نموده و در آنجا بدرس آقا سید علی صاحب

ریاض المسائل و دیگران به تحصیلات خویش ادامه داد تا بمقامات عالیه اجتهاد نائل شده و از آنا سید محمد و آقا سید عبدالله شبر وغیر از این دو اجازاتی اخذ نموده و بموطن خود قزوین مراجعت کرده و بدرس و بحث وافاد و استفاده ونشر احکام پرداخته و در شهر قزوین مسجد و مدرسه ای بنا نهاده در امر بمعروف و نهی از منکر سعی واهتمامی تام داشته و در اقامه و نشر و ترویج مراسم تعزیه

داری حضرت خامس آل عبا علیه السلام بسیار کوشا بوده و در موضوع شهادت آن حضرت کتابها تألیف نموده در اواخر عمر به اعتاب مقدسه جهت زیارت مشرف گردید و آنجا در حرم مطهر حضرت سید الشهداء علیه السلام سکته نموده وفات یافته است سال فوتش را ۱۲۹۴ و برخی ۱۲۷۰ یا ۱۲۷۵ یا ۱۲۸۳ نوشته اند وظاهراً ۱۲۹۴ به حقیقت نزدیکتر است والله العالم . کتب زیر از تالیفات اوست : ۱ – اعمال شش ماه ۲– بحر العرفان و معدن الإیمان در تفسیر قرآن در ۱۷ مجلد

۳– تفسیر صغیر در یک مجلد ۴– تفسیر وسط دو مجلد (ریحانه الادب ص) ۵– غنیمه المعاد فی شرح الارشاد در ۱۴ مجلد ۶ – کنز المعاد در اعمال سال فارسی و این آخرین تالیف اوست ۷– کنز المواعظ ۸– کنز الواعظین در احوالات موصومین علیهم السلام ۹– مجمع المصائب در مقتل ۱۰ – مخزن البکاء در مقتل ۱۱ – مسلک الراشدین در فقه و شرح ارشاد ۱۲ – مسلک النجاه رساله عملیه مختصر وبفارسی ۱۳ – مصباح الجنان الایضاح اسرار القرآن در سه جلد

علامه طهرانی در الذریعه ص ۱۰۵ بیست و یکم فوت را ۱۲۷۳ می نویسد) ۱۴ معدن البکاء در مقتل در۱۴ مجلس و خاتمه ۱۵ – مفتاح الباه در مقتل بنارسی ملمع ۱۶– مفتاح الجنان فی حل رموز القرآن در نه مجلد جلد پنجم آن در کتابخانه آیت الله مرعشی (ص ۲۳ هفتم فهرست) ۱۷ – منبع البکاء در مقتل بعربی وغیره.

وی برادر علامه فقیه زاهد حاج ولی محمد تقی قزوینی برغانی معروف به شهید ثالث است که در سال ۱۲۶۳ بدست فرقه ضاله ،مضله بابیه لعنهم الله بمرتبه رفیده شهادت نائل گردید .

برای اطلاعات از احوالات صاحب ترجمه به کتابهای روشات الجنات (ص ۴۱۴) ریحانه الادب (ص ۱۵۲ یکم) فوائد الرضویه (ص ۲۱۰ یکم) الکرام البرره (ص ۶۶۰ دوم) قصص العلماء (ص ۹۳) لباب الألقاب (ص

ص : ۳۳۱

۱۱۳) المأثار والاثار (ص) وتکمله نجوم السماء (ص ۳۹۶ یکم) ودیگرمآخذ ومصادر مراجعه نمائید.

۸۹ – ملا صفر علی لاهیجانی قزوینی

(۱)

عالم فاضل رقیه کامل از شاگردان آقا سید محمد مجاهد کربلائی و حاج سید محمد باقر حجه الاسلام شفتی اصفهانی بوده و از این مرحوم اجازه داشته است . در لباب الألقاب (ص ۱۱۴) مینویسد : در اوایل امر حکمت تدریس می نمود و چون خوابی هولناک دیدترک تدریس کتب ملاصدرانمود و بفقه و اصول اشتغال جست. مؤلف قصص العلماء گوید (ص ۹۳) مدتی در نزد او تلمذ نموده ام در احسن الودیعه (ص ۲۹ یکم) وفوائد الرضویه (ص ۲۱۶ یکم) والکرام البرره (ص ۶۷۲ دوم) ویرا عنوان نموده اند و همگان ویرا بعلم وزهد ستوده اند کتب زیر از تالیفات اوست : ۱- کتابی در اصول ۲- رساله ای در درایه ۳- شرحی بر معالم الأصول ۴ - کتابی در فقه وغیره ۵- سال تولد و وفاتش

۱- شیروانی در بستان السیاحه (ص ۵۱۲) به خلاصه می نویسد: لاهیجان نام در بلده است یکی از توابع شیروان و دیگر از مضافات گیلان . فاضل معاصر حاج شیخ حسن شمس گیلانی در تاریخ علماء و شعرای گیلان (ص ۲۴) می نویسد: مناظر طبیعی آن دلرباست و مرکز عرفا وحکماست اطراف شهر راکوههای دیلمان محاصره کرده هوای آن بسیار لطیف و آب خوشگوار وارد ... محصول عمده این شهر چای ابریشم است . ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی:۵۰/۰۰/۰۰ عرض:۳۷/۱۱/۴۰ انحراف قبله:۲۶/۵۹/۳۱ ارتفاع ازسطح دریا۲متر(دو)

بدست نیامد و ظاهرا پس از سال ۱۲۹۹ می باشد .

نویسنده گوید : احتمالا مشار الیه در اصفهان از شاگردان ملا علی نوری نیز

بوده است. و

..

۹۰- شیخ محمد طاهر بن محسن بن اسماعیل دزفولی

فرزند ملا محسن کاظمینی . عالم فاضل در سال ۱۲۳۰ در شهر دزفول (۱)متولد گردیده و پس از فراغت از تحصیل مقدمات لازم جهت تکمیل به اصفهان مهاجرت نموده و در این شهر خدمت حاجی کلباسی و سید حجه الاسلام بید آبادی و آقا محمد مهدی فرزند حاجی کلباسی و آقا میر سید محمد شهشهانی تلمذ نموده سپس به نجف اشرف مهاجرت نموده و آنجا در نزد آقا شیخ محمد حسن اصفهانی صاحب جواهر و آقا شیخ مرتضی انصاری مدنی تحصیل نموده و از جمعی از

۱- شیروانی در پستان السیاحه (ص ۲۸۲) به خلاصه می نویسد؛ دزفول بلدهای بهجت نشانت رود عظهم از کنارش می گذرد و پلی در غایت استحکام و مقاومت برای بسته اند و آن از عجایب روزگار است آن شهر زاهدان پل خواند ... در زمین هموار واقع و اطرافش واسع وهوایش گرم و آبش خوشگوار وخاکش در موسم زمستان و بهار نایت ساز گار . در پاورقی نابغه فقه وحدیث (ص ۱۹۷) به خلاصه می نویسد : دسفول و دزفول و دزفول بمعنی قلعه باقلاـ است با دزپل (قلعه پل) وآنرا اندامشک هم گفته اند ولی در حال حاضر دزفول و اندیمشک در شهر جداگانه هستند. ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی:۴۸/۲۳/۰۰ عرض:۳۲/۲۲/۳۰ انحراف قبله:۳۶/۵۵/۴۸ ارتفاع از سطح دریا:۱۴۰متر

اساتید خود و سایر علما، همچون حاجی کلباسی و سید حجه الاسلام و آقا سید صدر الدین عاملی و شهشهانی وصاحب جواهر وشیخ مرتضی انصاری و شیخ علی بن شیخ حسن بن شیخ جعفر نجفی کاشف الغطاء اجازه اجتهاد و روایت داشته و پس از وصول بمقامات عالیه علم و اجتهاد بموطن خود دزفول مراجعل نموده و مورد توجه و عنایت جمیع طبقات واقع گردیده و مرجعیت تقلید در خوزستان و برخی از شهرهای دیگر بافته

ویراتألیفاتی است از آن جمله : ۱- رساله عملیه ۲- المشارع با مشارع الاحکام در شرح شرایع۳ - مصباح الهدایه رساله عملیه فارسی در عبادات از فتاوای صاحب عنوان که مولی محمد حسن بن محمد زمان دزفولی جمع آوری نموده ودر سالهای ۱۴۰۳ یا ۱۳۱۴ بچاپ رسیده است صاحب عنوان در اوایل سال ۱۳۱۵ در دزفول وفات یافت . پدرش شیخ محسن برادر علامه فقیه شیخ اسدالله کاظمینی مؤلف مقابس الأنوار ومتوفی بسال ۱۲۳۷یا ۱۲۳۶ می باشد . فرزندش شیخ عبدالحسین ونواده اش عالم جلیل میرزا محمد اعلی معزی دزفولی می باشد (ص۹۷۳ سوم نقباء البشر والذریعه). . وی غیر از شیخ محمد طاهر بن حسین نجار دزفولی متوفی حدود سال ۱۲۸۲ در نجف می باشد (ص ۳۰۴ دوم معارف الرجال) .

۹۱ – حاج ملاعبدالباقی بن محمد حسین کاشانی

مرحوم ملا حبیب الله کاشانی (فوت ۲۳ جمادی الثانیه ۱۳۴۰) در کتاب : الباب الالقاب (ص ۹۸) می نویسد :

الحاج الملاعبدالباقی بن الحاج محمدحسین بن الحاج عبدالرزاق الکاشانی کان فقیهاً متتبعاً فی الأخبار فاضلا جامعاً المعقول والمنقول ولاسیما الریاضیات من تلامذه الحاج السید محمد تقی الکاشانی والحاج السید محمد باقر الرشتی .. وقد

لقیته فی سالف الأیام وهو شیخ کبیر جلیل القدر معروف متصد للمرافعات .

علامه طهرانی در الذریعه (ص ۱۵۷ یکم) می نویسد :مرحوم سید حجه الاسلام شفتی اجازهای فارسی جهت او مرقوم فرموده ودر آنه به اجتهاد و عـدالتش گرامی فرموده و مردم کاشان را بمراجعه باو سـفارش نموده است تاریـخ اجازه ربیع الاول ۱۲۶۰ سپس می نویسد : بر فرض صحت این تاریخ اجازه نامبرده در روز فوت یا روز قبل از آن نوشته شده است .

نویسنده گوید : علامه طهرانی اول کسی است که متوجه به اشتباه در ماه وقوع فوت سید حجه الاسلام شده و همانگونه که در فصل مربوط به وفات ایشان بشرح مینویسیم وفات در ماه ربیع الثانی روی داده وربیع الاول سهوالقلم می باشد .

همچنین علامه طهرانی در الکرام البرره (ص ۶۹۸ دوم) می نویسد : اجازه ضـمن مجموعه اجازات مرحوم حجه الاسـلام در کتابخانه مولی محمدعلی خونساری در نجف اشرف می باشد .

۹۲ – میر عبدالباقی بن هادی بن میر محمد رضا حسینی

در شب بیسـتم ماه صفر سال ۱۲۳۱ در تنکابن و رامسـر متولـد گردیده و پس از فرا گرفتن مقدمات علوم باتفاق برادرش سـید ابوالحسن به اصفهان مهاجرت نمود و تا سال ۱۲۵۲ در اصـفهان مانده سپس با برادر خود بقزوین مهاجرت نموده راز قزوین به نجف و سـپس مجددا به اصـفهان مراجعت نمود و تاهنگام وفات مرحوم سید حجه الاسلام از محضر او استفاده علمی نموده تا درجه اجتهاد نائل آمد از آن پس بموطن خویش معاودت نمود به اقامه جماعت ونشر احکام و ترویج دین و اقامه شعائر

و تدریس پرداخته سرانجام در شب جمعه ۱۹ شوال المکرم ۱۲۸۷ در آخوندمحله (یکی از محلات رامسر) وفات یافته در کنار مسجد در جنب قبر پدر خود مدفون گردید .

ص ۷ بزرگان رامسر

ص : ۳۳۵

توضیح : مرحوم آقا سید هادی بن میر محمد رضا ظاهراً دارای چهار فرزند پسر بنامهای : ۱- سید ابوالحسن ۲ - سید صادق ۳- سید عبدالباقی ۴ - سید مرتضی بوده که همگان در اصفهان تحصیل نموده و سه نفر اخیر از شاگردان سید حجه الاسلام بوده اند و در این فصل بنام آنها اشاره شده است.

۹۳ – آقا عبدالحسین امین العلماء

فرزند آخوند ملا محمد شفیع خوئی بن ملا محمد بن ملا ابوالقاسم بن ملا احمد بن ملا احمد چورسی ابن ملا در لتعلی قراچه داغی اصفهانی از اجله فضلام ومحترمین اصفهان بوده و تحصیلاتش در نزد پدر و مرحوم سید حجه الاسلام شفتی وحاج محمد ابراهیم کرباسی وجمعی از علماء عراق عرب بوده و در سال ۱۲۹۳ وفات یافته و در جوار در خود در مقبره کوچک مقابل مقبره مرحوم حجه الاسلام شفتی در دالان مسجد سید مدفون گردید .

(ص ۱۸۰۶ پنجم مکارم الاثار)

۹۴ –عبدالرحیم بن محمد کریم هرندی (قهپایه ای اصفهانی)

(۱) در تاریخ ۱۸ ربیع الثانی سال ۱۲۴۶ کتابت نسخه ای از مجلد اول و دوم

۱- شیروانی در بستان السیاحه (ص۴۶۵) به خلاصه می نویسد : قهپایه به معنی که پایه اما مخصوص نام ناحیه ای است از نواحی اصفهان مزارع فراوان و موانع بهجت نشان دارد . نویسنده گوید : تو را به همان کوپا می باشد که سابقاً ذکرش گذشت . هرند بروزن کمند شیروانی در بستان السیاحه گوید : هرند گریه ای است قصبه مانند از قرای روی دست از توابع اصفهان و محلی است آبادان آبش از قنوات و ناگوار و هوایش ناساز گاروخاکش ریگزار. در زمین هموار ورائع و اطرافش واسع است ... ظروف مسی مانند دیگ بزرگ و غیره در آن مکان خوب می سازند نویسنده گوید : هرند از دهات کوهپایه (قهپایه) است

کتاب : سؤال وجواب از تألیفات مرحوم سید حجه الاسلام را بخط نسخ بپایان رسانیده است .

کتاب بشماره (۵۱۹۹) در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است (ص ۱۱۰ یکم فهرست کتابخانه عمومی اصفهان) خصوصیات نسخه مزبور بقرار زیر است:

قطیع کتاب ۲۱ در ۳۱ سانتی متر اندازه نوشته ۱۲ در ۲۱ سانتی متر تعداد سطلور در هر صفحه ۲۸ سطر تعداد صفحات ۱۰۹۲ کاغذ فرنگی جلد مقوائی برفی ترنجی .

۹۵ – میرزا عبدالجواد شاهرودی

(۱)۱۱ فاضل ادیب به خراسانی معروف بوده و در نزد مرحوم سید حجه الاسلام

ص : ۳۳۷

---

۱ – ۱)شیروانی در پستان السیاحه (صفحه ۳۱۹ چاپ اصفهان) می نویسد : شاهرود قصه ای است بهجت دره ونیم فرسخی بسطام جائی خوش وهوائی دلکش دارد قریب هزار خانه در اوست ومزارع چند مضافات اوست باخائش فراوان و آمن روائت ومردمش شیعی مذهب وخالی از مردن نباشند ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی:۵۴/۵۷/۴۵ عرض جغرافیائی:۳۶/۲۵/۱۵ انحراف قبله:۴۵/۴۲/۴۲

دیگران تلمذ نموده و تا حدود سال ۱۲۸۰ حیات داشته است.

فرزندش مرحوم شیخ عبدالرزاق معروف به حکیم نیز اهل علم و فضل و کمال بوده و گاهی در اصفهان و زمانی در شاهرود و باخراسان و مشهد مقدس، سکونت داشته و تا بعداز ۱۳۱۰ زبده بوده است فرزندان او به کسب با تجارت اشتغال داشته اند لکن نواده او آقای دکتر عبدالجواد فلاطوری فرزند مرحوم آقا محمد حسین شاهرودی فرزند شیخ عبدالرزاق فیلا در آلمان ساکن و استاد فلسفه در یکی از دانشگاههای آنجا می باشد. کتاب جانشینان محکوم ترجمه کتاب {الاستغاثه فی بدع

الثلاثه}.

۹۶- ملا عبدالرزاق بن محمد قاسم تنکابنی

(۱)

در کتاب بزرگان رامسر (ص ۸۰) درباره صاحب عنوان می نویسد :

ص : ۳۳۸

۱- در مطلع الشمس (صفحه ۲۵۰ سوم) که در سال ۱۳۰۳ تألیف شده با اندکی تصرف و اختیار می نویسد: شهر شاهرود چندان قدمتی ندارد چنانکه در کتب جغرافیای قدیم مطلقاً اسمی از او پرده نشده است... رودخانه ای در شاهرود بوده بالنسبه با عظمت که حالا۔ مجرای آن تغییر کرده و از آنجا که هررودبزرگی را در این نواحی شاهرود گویند. (شاه بمعنی بزرگ نیز آمدم است) نام شهر را بنزشاهرود گفتند ... ظاهراً قلعه شاهرود را در اول مرتبه زمان صفویه و ساخته اند و در عهد فتح علیشاه تجدید بنا شده. اکنون شهر شاهرود یکی از شهرهای درجه دوم مملکت بشمار میرود. ۱) شیروانی در بستان السیاحه (ص ۱۹۲) به خلاصه می نویسد: تنکابن بضم تاء وسکون نون ... قصبه ای است از گیلان و محلی است جنگل توأمان هوایش بد و آبش فراوان وخاکش ابریشم خیزو زمینش عفونت انگیز برنج بسیار دارد وچندان تعریف ندارد... ،راقم (یعنی شیروانی) مشاهده نموده است. دانشمند معاصر آقای حسن شمس گیلانی در تاریخ علماء و شعرای گیلان (ص۶۶) می نویسنده از شهر های قدیم گیلان است ... توتون کاری در این شهر معمول است و مرکبات نیز در این شهر به عمل می اید مناظر طبیعی ان کمی از سایر شهر های گیلان نمی کند

حدود سال ۱۲۱۵ در رامسر متولد گردید و در موطن خود و قزوین مقدمات علوم وهمچنین فقه و اصول و حکمت وریاضی ونجوم را بیاموخت سپس در سال ۱۲۴۲ جهت تکمیل تحصیلات خویش رهسپار اصفهان گردید و در این شهر خدمت حاجی کلباسی و آخوند ملا علی نوری و سید حجه الاسلام ته واصول و حکمت را تکمیل نموده در حدود سال ۱۲۵۰ به رامسر مولد وموطن خویش مراجعت نمود و بوظائف شرعیه از اقامه جماعت وفصل خصومات و رسیدگی به دعاوی و نشر احکام و تدریس پرداخت . سرانجام در حدود سال ۱۲۷۵ وفات یافت فرزندانش عموماً از اهل علم وفضل و کمال می باشند.

۹۷ – سید عبدالغنی بن میر محمد علی بن احمد حسینی

در رامسر متولد گردیده و در اصفهان در خدمت حاج ملا علی نوری رسید حجه الاسلام شفتی و دیگران تحصیلات خویش را بپایان رسانیده . وی عالمی فقیه وفقیهی متکلم وحکیمی ادیب وفاضل وزاهد وعابد ومتهجد بوده و قبل از سال ۱۲۷۸ وفات یافته است.

(ص ۸۵ بزرگان رامسر)

۹۸ – عبدالکریم بن محمد اسماعیل

جلد اول کتاب مطالع الانوار را در تاریخ پنجشنبه یکم ماه صفر ۱۲۵۴ کتابت نموده وچلد دوم آنرا در تاریخ شنبه ۱۶ جمادی الاولی سال ۱۲۴۱ کتابت نموده هر دو نسخه بخط نسخ زیبا و جدول کشی جلد اول در کتابخانه فاضل محترم آقای

ص : ۳۳۹

حاج سید مرتضی شهشهانی و جلد دوم شماره (۱۰۰۰) در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است (ص۲۰۴۸ پنجم فهرست کتابخانه مرکزی دانشگه) صاحب عنوان از شاگردان مرحوم سید حجه الاسلام بوده است .

نسخه مطبوع مطالع الانوار بخط همین نویسنده است که عین عبارات آن در فصل اول نقل شد.

تاریخ فراغت از نوشتن مجلد اول پنجشنبه یکم صفر ۱۲۵۴ (جد التاریخ)

تاریخ فراغت از نوشتن مجلد دوم

تاریخ فراغت از نوشتن مجلد سوم جمعه ۲۹ جمادی الثانیه ۱۲۵۹ (فانظر ماذاجری)

تاریخ فراغت از نوشتن مجلد چهارم چهارشنبه ۱۶ ذی القعده ۱۲۶۳ بدستور حاج سید اسدالله

این نویسنده علاوه بر آنکه از شاگردان مرحوم سید حجه الاسلام بوده است خطاط و نقاش و ادیب و شاعر نیز بوده و نمونه اشعارش را بعداً در فصل مربوطه نقل خواهیم نمود .

:

۹۹ – سید عبد الله موسوی صفوی دزفولی

فرزند سید محمد باقر بن سید عبداللطیف بن صادق بن مرتضی بن علی بن شفیع بن هود بن محمد بن عباس بن صفی الدین بن عبد الله بن محمد رشید بن صالح بن شواجه علاء الدین ابوالحسن علی بن شیخ صدر الدین موسی بن شیخ صفی الدین اسحق اردبیلی جد سلاطین صفویه فرزند امین الدین جبرئیل بن قطب الدین ابو باقی بن صلاح الدین رشید بن محمد الحافظ بن عوض بن فیروز شاه ملقب به زرین کلاه بن محمد بن شرفشاه بن محمد بن حسن بن محمد

بن ابراهیم بن جعفر بن محمد بن محمد بن اسماعیل بن محمد بن احمد بن ابو محمد قاسم الاعرابی بن ابوالقاسم حمزه بن الامام موسی الکاظم علیه السلام (ص ۱۵۲۷ پنجم مکارم الاثار).

عالم عارف ادیب شاعر متخلص به دامی از شاگردان آقا محمد بید آبادی و سید حجه الاسلام اصفهانی و از مریدان سید صدر الدین دزفولی بوده در ۱۱۵۸ متولد و در ۱۲۵۶ در دزفول وفات یافته است.

کتب زیر از اوست : ۱- آداب حیات منظومه فارسی در اصول دین در یکصد و شانزده بیست و آن ملخص کتاب آداب حیات حاج ملا محمد جعفر استر آبادی است علامه طهرانی در الکرام البرره بنام او آب حیات (ص ۷۷۱ دوم) ذکر می کند و میفرماید گمان می کنم از تالیفات او باشد ۲ - تخمیس قصیده فرزدق ۳ - دولت خاقانیه در تاریخ خوزستان به نظم و نثر ۴- دیوان اشعاری که خود مدون ساخته و در سال ۱۳۱۵ عبدالله خان ساعد السلطنه سردار مکرم از اولاد صاحب عنوان گرفته است۵ - دیوان اشعار که آنها را میرزا جعفر انصاری در دو مجلد جمیع آوری نموده است ۶- مجمع الاخیار وتذکره الابرار در تعیین اولاد ائمه علیهم السلام ویقاع خبر واقع دزفول ۷- نهایه الطب در طم طب نسخه بخط مؤلف در کتابخانه میرزا جعفر انصاری موجود است (ص۴۰۱ بیست و چهارم الذریعه)

در مقدمه آب حیات (آداب حیات) گوید (ص ۱ یکم الذربعه) ناظم این نظم را از حق امید رحمت است

وز مخادیم مکرم نیز استدعا بود قاریا چون زین مراتب بهره ورگردی بگو

جای داعی در ریاض جنه الماری بود از اشعار فارسی اوست (ص ۱۳۲ دوم مجمع الفصحاء) :

ص : ۳۴۱

جوانی چه آورد وپیریچه برد بت خردسال ومی سالخورده بت خرد سالی کز اندیشه اش شده محو اندیشه خواب وخوردونخورد آنکه مرد زیک خم دهد ساقی روزگار بتو صاف صاف وبمن دردرد زداعی دعا دعوی ازمدعی ببینیم تا گوی میدان که برد

۱۰۰ – سید عبد الله نائینی

(۱)

در کتاب : سؤال وجواب تألیف مرحوم سید حجه الإسلام سؤالی از ایشان شده باین مضمون :

شخصی بنام سید عبد الله نائینی در چهار محال بختیاری رفته و خود را از شاگردان سید حجه الاسلام معرفی نموده و در ضمن جواب سؤال یکی از اهالی

۱- شیروانی در بستان السیاحه (ص ۵۷۵) می نویسد؛ : نائین قصبه ای است دلنشین ازقصباب باصفهان و محلی است مسرت توأمان در زمین هموار واقع وجوانب آن واسع است ... آبش خوب وهوایش مرغوب . و نویسنده گوید : شهر نائین در قدیم جزو استان اصفهان بوده و اکنون مربوط به شهرستان زد وخود شهری مسود و آباد است. ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی:۵۳/۰۳/۴۰ عرض جغرافیائی:۳۲/۵۱/۰۰ انحراف قبله:۴۹/۰۳/۱۳جنوب غربی ارتفاع از سطح دریا۱۵۴متر. دانشمند محترم حاج سید عبدالحجت بلاغی کتابی مفصل در تاریخ و جغرافیای نائین مرقوم داشته و بطبع رسانیده طالبین مراجعه نمایند. همچنین مرحوم آقا میرزاحسین آقا امامی نائینی نیز کتابی در تاریخ و جغرافیای نائین تألیف نموده که تا کنون بچاپ نرسیده است.

از قول مرحوم سید حجه الاسلام گفته است که : خوردن پیه میته حیوان مأ کول اللحم جائز است ، این جواب مورد گفتگوی علمای محل واقع شده و مطلب را خدمت آن مرحوم نوشته اند ایشان در جواب مرقوم فرموده اند اولا من این شخص را نمی شناسم ثانیاً هرنوع استفاده از پیه میته حیوان مأکول اللحم جائز نیست تا چه رسد به خوردن آن که یقیناً حرام است.

نویسنده گوید : چون این شخص خودرا فرستاده و نماینده مرحوم سید حجه الإسلام معرفی مینموده است ایشان فرموده اند من او را نمی شناسم اما ممکن است وی از جمله حاشیه نشینان و حاضر پسن در جلسات تدریس سید بوده و چون در محضر آن بزرگوار همیشه عده زیادی از علماء و فضلاء و مجتهدین حضور داشتند برای غیر فضلاء وعلماء محلی برای اظهار وجود نبود با سید حجه الاسلام ویرا بشناسند ..

۱۰۱– حاج سید عبد الله بن حجه الاسلام شفتی

در تکمله نجوم السماه (ص ۱۲۸ یکم) گوید : مادرش خواهر حاج سید اسماعیل طباطبائی است.

شرح حال سید اسماعیل طباطبائی قبلانوشته شد و شرح حال صاحب عنوان در ضمن اولاد و اعقاب سید حجه الاسلام مذکور خواهد شد.

۱۰۲ – ملا عبد الله زنوزی

((۱)۱ معروف به مدرسی اصفهانی فرزند مرحوم خان بابا در قریه زنوز متولد گردیده

ص : ۳۴۳

۱– زنوز بر وزن کتوز در ریحانه الادب (ص ۱۳۳ دوم) گوید: زنوز قصبه ای است از مضافات تبریز آذربایجان . و در کتاب زندگانی و شخصیت شیخ انصاری (ص ۱۹۲) گوید : زنوزدهی است نزدیک مرند در اطراف خوی .

ومقـدمات ادبیـات و علوم را در خوی بپایـان رسانیـده و در نحو بخصوص مهـارت و اسـتادی یـافته تا جائیکه ویرا ملا عبـد الله نحوی می گفته اند سـپس رهسپار عتبات عالیات شده و نزد آقا سید محمد مجاهد کربلائی در اصفهان و حاج سید محمد باقر شفـتی تلمـذ نمـوده و مـدتی در قم در مجلس درس میرزای قمی حاضـر گردیـده و در اصـفهان خـدمت حـاج ملاـ علی نوری حکمت و فلسـفه را فرا گرفته و از طرف اسـتادنامبرده مـأمور تـدریس در مـدرسه مروی (مـدرسه فخریه) که آنرا حاج محمد حسـین خان قاجار ملقب به فخر الدوله بنا نموده بود گردیده و تقریباً مدت بیست سال در آنجا بتدریس حکمت اشـتغال داشته سر انجام در سال ۱۲۵۷ در تهران وفات یافته است.

کتب زیر از تألیفات اوست : ۱- انوار جلیه در شرح حدیث کمیل تخمیناً در سه هزار بیت ۲ - رساله خاقانیه و رجزه سلطانیه و آنرا بخواهش فتح علیشاه در حکمت و کلام تألیف نموده ۳- سبیل الرشاد در اثبات معاد ۴- لمعات الهیه در حکمت ربوبیه در اثبات واجب الوجود بفارسـی تاریخ فراغت از تألیف جمعه ششم ربیع الاول ۱۲۴۰ هجری ۵- منتخب الخاقان در کشف حقایق الایمان والعرفان مختصـر کتاب : رساله خاقانیه و بخواهش فتح علیشاه تألیف شده است وغیره (ص ۱۵۵۰ پنجم مکارم الاثار - ۱۳۴ دوم ریحانه الادب - ص ۷۶۵ دوم الکرام البرره).

فرزندش آقا علی مدرس زنوزی حکیم فیلسوف در ۱۲۳۶ متولد و در ۱۳۰۷ وفات یافته و برادرش ملا حسین منجم نیز در علم نجوم مهارت داشته است (ص ۹۷۶ سوم مکارم الاثار).

۱۰۳- میر سید عبدالله بن میرزا محمد رحیم کبیر میردامادی دهی اصفهانی (نسب او در سید احمد فرزندش ذکر شد)

ص : ۳۴۴

از شاگردان وحید بهبهانی و میرزای قمی و از مصاحبین ومخصوصین حاجی کلباسی وحاج سید محمد باقر شفتی بوده و در سده سکونت و امامت مینوده در ماه صفر سال ۱۱۶۵ متولد و در ۲۲ محرم ۱۲۴۲ (روز فوت فرزندش میر سید احمد همانگونه که قبلا گفته شد) وفات یافته در خوزان سده در مقبرهای مخصوص که بنام او شهرت دارد مدفون گردید (ص ۲۳۹ رجال اصفهان). کتب زبر از تألیفات اوست ۱- انیس المحتاجین ۲- ترصیع السماء ۳ - رجال مشیخه تهذیب (ص ۲۳ مقدمه لطائف فیه).

۱۰۴ – مولی عبدالله بن نجم الدین

معروف به فاضل قندهاری (۱)مشهدی. عالم فاضل فقیه زاهد حکیم ادیب شاعر از اکابر علماء و مدرسین در سال ۱۲۲۷ (بنا بنقل تاریخ علماء خراسان) در قندهار متولد گردیده و در نزد پدر دانشمند خود وعده ای از علماء سنی قندهار مقدمات علوم از ادبیات و حکمت و کلام تلمذ نموده سپس مدتی در اصفهان خدمت سید حجه الاسلام رسیده و از محضر او مستفیض گشته و در نجف بدرس شیخ انصاری حاضر گردیده پس از وصول بمقامات عالیه و کسب اجازات روایات واجتهاد بقندهار مراجعت نموده و پس از سالها مجبوراً از آنجا فرار کرده و به مشهد مقدس پناهنده گردیده و تا آخر عمر در آنجا سکونت داشته و بدرس و مباحثه اشتغال داشته و عده ای زیاد از فضلاء از محضر ار استفاده علمی برده اند . گاهی شعر می گفته و در اول مهجورو بعدا وصال تخلص می نموده سرانجام در شبه جمعه اول

۱- شیروانی در بستان السیاحه (ص ۴۴۷) به خلاصه مینویسد : قندهار شهر پست خلد آثار آبش خوشوار هوایش سازگار اما اندک گرم

جمادی الثانیه سال ۱۳۱۲ در مشهد مقدس وفات یافته در دار الضیافه مبارکه مدفون گردید (ص ۱۲۹ علمای خراسان - علامه طهرانی در نقباء البشر ص ۱۲۱۹ سوم) درباره او می نویسد : عده زیادی از دانشجویان بدرس فقه و اصول وحدیث و تفسیر و کلام و عقاید وحکمت و تاریخ و ادب او حاضر می شدند و خود او می گفته است : کلید همه دانشها در جیب من است ، و چهارصد مجلد از کتب سنیان در کتابخانه من موجود است . سپس میفرماید: در ده سال آخر عمر بعلت عارضه با قادر بحر کت نبود و در سال ۱۳۱۱ بسن ۱۰۷ سالگی وفات یافت . کتب زیر از تالیفات اوست : ۱ - البرهان فی قطع شبه الشیطان و آنرا برهانیه نیز گویند ۲-تجوید القرآن ۳ - تحریر الاصول در اصول فقه ۴ - تذکره العلماء و رجال ۵- ترجمه تفسیر حضرت امام حسن عسکری علیه السلام ۶- حل العقال فی خلق الاعمال

۷- حواشی بسر شرح مطالع در حکمت منطق ۸ - خوان الوان کتابی است همانند کشکول شیخ بهائی ۹- الرد علی النصاری ۱۰ - دلاله السالکین فی قواعد العارفین ۱۱- دیوان اشعار در اوایل مهجور و بعداً وصال تخلص مینموده است ۱۲ - شرح مشکوه الانوار ۱۳ - الفرائد الدینیه در شرح عقاید شیخ بهائی ۱۴-کحل الطرن در علم مصرف در الذریهه (ص۲۸۵ هفدهم) وفاتش را در ۱۳۱۷ می نویسد ۱۵ - کشف الغطاء در مسئله بدا ۱۶ - مصارع الملحدین در رد صوفیه وفلاسفه ۱۷ - المقالات در کلام ۱۸ - الهدایه فی تفسیر آیه الولایه وغیره .

در اعیان الشیعه (ص۸۷ سی و نهم) اورا عنوان کرده است و همچنین در المآثر والاثار (ص ۱۷۷) نامی از او برده شده رفهرست تآلیفاتش را حواله به جلد دوم مطلع الشمس (ص) نموده است .

۱۰۵- سید عبدالله بن سید هاشم حسینی بحرانی

(۱)رشتی

از بزرگـان علمـاء وفقهـاء سـاکن رشت و بفقـاهت وتفری مشـهور بـوده پـدرش از بحرین به رشت مهـاجرت نموده و در آنجا متوطن شـده است . صاحب عنوان از علماء ایران و عراق در تحصـیل علوم اسـتفاده نموده و از برخی از اساتیـد خود و دیگران بأخـذ اجازه مفتخر گردیـده است از آنجمله مـدتی در اصـفهان در خدمت مرحوم سـید حجه الاسـلام تلمذ نموده است و خود دامـاد عـالم جلیل مولی محمـد رفیع شـریعتمدار رشتی بوده و فرزنـدانی عالم و پرهیزگار از آن مخـدره بافته سـرانجام در سال ۱۲۸۴ در رشت وفـات یافته جنازه اش به نجف اشـرف نقل گردیـده و در یکی از حجرات قبلی صـحن شـریف مـدفون گردید (ص ۷۹۰ دوم الکرام البرره)

۱۰۶- شیخ عبدالوهاب ریزی

(۲)) لنجانی اصفهانی

عالم زاهد فقیه ، از شاگردان مرحوم سید حجه الاسلام و حاجی کلباسی بوده و در نجف اشرف بدری صاحب جواهر آقا شیخ محمد حسن اصفهانی

ص : ۳۴۷

۱- منسوب به بحرین را بحرینی و بحرانی گفته اند و بحرین عبارست از مجموعه تفریباً سـی جزیره کوچک و بزرگ در خلیج فارسـی که از سالهـا قبـل از اسـلام تا این اواخر متعلق به ایران وجزر خاک این مملکت بوده و در سالهای اخیر بشـرحی که در تواریخ مسدود است از ایران منتزع واسـماً مسـتقل و رسـماً در اسـتعمار خارجیان قرار گرفت. نویسـنده سطودشرح مختصری از تاریخ آنجا را در کتاب : زنـدگانی شـرح حال علامه سـید هاشم بحرانی نوشـته ام که اگر خداونـد مقـدر فرموده باشـد چاپ خواهد رسید .

۲- ریز بر وزن میراز بلـوک لنجـان علیـا و امروز بنـام زریـن شـهر معروف اسـت ثـانیه/دقیقه/درجه طـول جغرافیـائی:۵۱/۲۲/۵۵ عرض:۳۲/۲۳/۲۰ ارتفاع از سطح دریا ۱۷۰۰متر

حاضر شده و ظاهراً مجاز از ایشان بوده قبل از ۱۳۰۰ در قصبه ریز از دهات لنجان وفات یافته و در همانجا مدفون گردید رحمه الله علیه .

مشار الیه پدر دو عالم بزرگوار مرحومین آقاشیخ مرتضی ریزی وحاج شیخ ابوالفضل ریزی می باشد.

ص ۸۵ دانشمندان و بزرگان اصفهان

۱۰۷– مولی عبدالوهاب بن محمد علی شریف قزوینی

از اکابر تهاء ومجتهدین و اعاظم علماء ومروجین از شاگردان : شیخ احمد امائی وشیخ اسدالله کاظمینی وشیخ جعفر نجفی و سید جواد عاملی و سید عبدالله شیر و شریف العلماء مازندرانی و آقا سید محمد مجاهد اصفهانی کربلائی و شیخ موسی فرزند شیخ جعفر نجفی و جمعی دیگر از فحول مجتهدین درنجف و کربلا وکاظمین بوده و از عده کثیری از علماء اجازه روایت و اجتهاد داشته و عموماً بعظمت مقام علمی او اعتراف نموده اند، تعداد اینان فریب چهل نفر میباشند که از آنجمله است : میرزا ابوالقاسم قمی و آقا باقر وحید بهبهانی و حاج سید محمد باقر حجه الاسلام اصفهانی و سید جواد عاملی (تاریخ اجازه ربیع الأول۱۲۲۵) و آقا سید علی کربلائی صاحب ریاض المسائل و حاج سید مهدی بحرالعلوم طباطبائی می باشند.

آغاز اجازه سید حجه الاسلام : رب انی اعوذبک من همزات ... الحمد لله فاطر السموات والارضین ... سپس مولی عبدالوهاب را بدینگونه معرفی می نماید:

ص : ۳۴۸

العالم العامل الفاضل الكامل البارع البازل جامع فنون الفضائل حائز صنوف الفواضل عاصم عباد الله عن الخبائث والرذائل زبده الفقهاء العظام عمده العلماء الفخام ... تاریخ اجازه چهارم شعبان ۱۲۵۴ (ص ۸۱۰ دوم الکرام البرره) علامه طهرانی در الذریمه (ص۱۵۷) تاریخ اجازه را دهم شعبان می نویسد.

صاحب عنوان پس از وصول بمقامات عالیه علم واجتهاداز اعتاب مقدسه بموطن خود مراجعت نموده و بدرسی و بحث و تألیف و تصنیف پرداخته در زهد و تقوی کم نظیر و در امربمعروف و نهی از منکرساعی و کوشا بوده در اواخر عمر به نجف اشرف مهاجرت نموده و در حال احتضار دستور داد ویرا در تابوتی نهاده بحرم مطهر برده و در آن جایگاه مقدس وفات یافت روزو ماه و سال وفاتش معلوم نیست.

کتب زیر از تألیفات اوست : ۱- اجازات و آن مجموعه اجازات اساتید و مشایخ اوست که جهت وی نوشته اند و آنها را سید محمد جوادبن میرزا سید زین العابدین خونساری در۱۲۴۸ بدستور استادش مولی عبدالوهاب صاحب عنوان جمع نموده و بنام مجموعه الاجازات نامیده است (ص ۲۲۶ مقدمه مناهج المعارف)۲ - خلاصه الرشاد در شرح حدیث نبوی صلی الله علیه وآله وسلم مشتمل بر چهل امر که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام از آن حضرت سؤال نمود و حضرتش بدانها جواب فرمودباشرح و بیان مفصل۳ - رساله در اصل برات ۴- رساله در تجزی ۵ - دو رساله در موضوع جواز بقاء بر تقلید میت ۶- رساله در حجیت مظنه درحال انسداد علم وعدم حجیت آن در حال انفتاح ۷- رساله در عدالت ۸- رساله در عدم اجتماع امرونهی ۹ - رساله در نماز جمعه ۱۰ - شرح حدیث منزلت .

۱۰۸–حاج میرزا عسکری فرزند حاج میرزا هدایت اللهبن میرزا سید مهدی رضوی موسوی حسینی

ص : ۳۴۹

شهید اصفهانی مشهدی .(۱)

عالم فاضل فقیه ادیب شاعر امام جمعه مشهد مقدس شرح حالش در کتابهای تاریخ علمای خراسان (ص ۹۴) الکرام البرره (ص۸۱۷ دوم) مطلع الشمس

ص ۳۹۷ دوم) ومکارم الاثار (ص ۳۹۲ دوم) ومنتخب التواریخ (ص) بنظر رسید و عموماً ویرا بفضائل اخلاقی و ملکات انسانی و علم و دانش وزهد وتقوی ستوده اند .

کتب زبر از تألیفات اوست : ۱. رسالهای در حدود وقصاص ودیات ۲-خلاصه النجاه مختصر رساله نجاه المتقین بفارسی ۳- دیوان اشعار با تخلص شرر ۴- رساله در سکوت در بیع فضولیه ۵- صراط النجاه رساله عملیه و آنراشا گردش مولی نوروز علی بسطامی مؤلف فردوس التواریخ از رساله نجات المتقین وی استخراج نموده است، نسخه آنرا علامه طهرانی نزد مولی محمد صادق بن ملا نوروز علی بسطامی دیده است (ص ۳۸ پانزدهم الذریعه) لکن مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار(ص ۳۹۹) می نویسد مؤلف آن برما معلوم نیست ۶- شرح تمهیدا لقواعد ۷- رساله در قرائت مأموم در پشت سر امام و آنرا بأمر مرحوم سید حجه الاسلام تألیف نموده است و چون علماء عراق آنرا دیدند پسندیده و مؤلفش

۱- مشهد مقدس اولین شهر مذهبی ایران و مدفن حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا علیه السلام است. در تاریخ این شهر مقدس کتابهای زیادی تألیف شده مطالبین بدانها مراجعه نمایند . ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی:۵۹/۳۷/۳۰ عرض:۳۶/۱۷/۳۰ انحراف قبله:۵۶/۳۰/۰۰جنوب غربی ارتفاع از سطح دریا ۹۷۰متر

را ستایش نموده و به اجازات روانی و اجتهاد مفتخرش ساختند ۸ - مناسک حج

۹- منظومه ای در ارث ۱۰- نجات المتقین در احکام دین و آن رساله نتوانی است و بنام محمد شاه قاجار تألیف شده ، انجام تألیف شب چهارشنبه ۴ محرم ۱۲۵۴ هجری ۱۱ - ینابیع الشریعه در فقه امامیه از طهارت وقضاء وشهادات و غیره.

مرحوم امام جمعه در رجب ۱۲۱۱ متولد و در ۱۴ شوال ۱۲۸۰ وفات یافته در مسجد پشت سر حرم مبارک حضرت در مشهد مقدس دفن شد. مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار (ص ۶۴۵ سوم) شجره نامه صاحب عنوان را نقل نموده و مطالبی در باره آن فرموده طالبین مراجعه نمایند .

در مجمع الفصحاء (ص ۲۵۰ دوم) و برا بعنوان شرر خراسانی ذکر نموده و این مطلع غزل را از او می نویسد : تابکی شکوه ز بی مهری صیادکنی باشد آنروز که از کنج قفس بادکنی در المآثر والاثار (ص ۱۵۶) و با عنوان کرده و از خدماتش بدین و دولت یاد نموده است.

۱۰۹- علی برغانی

(۱) - از شاگردان سید حجه الاسلام شفتی بید آبادی است.

در پشت نسخه ای از کتاب : الزهره البارقه از تألیفات سید حجه الاسلام که در کتابخانه مجلس شورای ملی (اسلامی) بشماره (۳۷۱۹) موجوداست یادداشتی بخط وامضای اوست که می نویسد کتا برادر بازار اصفهان از زنی خریده است .

ص ۱۶۹۷ جزء چهارم از مجلد دهم فهرست کتابخانه مجلس

ص : ۳۵۱

۱- برغان بر وزن جریان از قراء قزوین است

۱۱۰– آقا سید علی بن حاج سید ابراهیم حسینی بیدآبادی

معروف به مقدس.

در شرح حال آقا سید حسن بن حاج سید ابراهیم بطور اجمال از پدرش مطالبی نقل کردیم .

مرحوم آقا سید علی عالم و فاضل و از شاگردان سید حجه الاسلام وحاج سید اسد الله و حاج ملا حسینعلی تویسرکانی و آقا میر سید حسن مدرس و دیگران بوده وزوجه اش دختر ملا۔ صالح جویبارهای (ملا۔ محمد صالح بن ملا۔محسن بن ملا عبدالفتاح زوجه اش زهرا بیگم دختر آقا سید صدرالدین محمد عاملی بوده و در شب غره محرم ۱۲۸۵ در اصفهان وفات یافته در بقعه تکیه مادر شاهزاده مدفون گردید).

مرحوم آقا سید علی همچون برادر زهدش بر علمش افزون بوده و از درس اساتید چندان بهره ای نیافته لکن درزهد و تقوی زبانزد عام و خاص و مورد توجه عموم ملاقات از عالم وعامی بوده است .

در حدود سال ۱۲۳۵ متولد و در حدود سال ۱۳۰۰ و اندی وفات یافته در جنب پدر مدفون گردید . فرزندش مرحوم آقا سید ابراهیم ونواده اش : آقا میر سید علی و آقا سید احمد از مدرسین سطوح و ادبیات عالم فاضل ادیب و آقا نور الدین مقدس می باشند . رحمه الله علیهم أجمين .

۱۱۱– سید علی بن حسین موسوی درب امامی اصفهانی

از شاگردان سید حجه الاسلام در اصفهان بوده و مشار الیه در شب ۱۰ شعبان سال ۱۲۶۳ کتابت نسخه ای از کتاب الحلیه اللامعه للبهجه المرضیه یعنی حاشیه

ص : ۳۵۲

مرحوم سید حجه الإسلام را بر سیوطی بخط نسخ بپایان رسانیده است .

نسخه بشماره (۷۴۶) در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی درقم موجود است. (صفحه ۳۴۷ دوم فهرست کتابخانه مرعشی).

۱۱۲- شیخ علی بن محمد نخجوانی

نخجوانی(۱)

عالم فاضل از شاگردان و مجازین از سید حجه الاسلام شفتی می باشد به اجازه متوسطه ای، آغاز : ومنه الاعانه علی الفوزالی ... الحمد لله فاطر السماوات .

صفحه ۱۹۵ بکم الکرام البرره - صفحه ۱۵۷ یکم الذریعه

* علی اکبر

در سال ۱۲۲۹ تا ۱۲۳۵ مجموعه ای بخط نستعلیق حاوی پنج کتاب و رساله نوشته که پنجمین آنها رساله ای است در احوالات اسحق بن عمار (از صفحه ۱۱۸ تا ۱۱۹) عربی ومی نویسد که اسحق بن عمار در نفر می باشند . این نسخه بشماره (۳۱۴) در کتابخانه آیت الله گلپایگانی در قم موجود است.

ص ۲۷۲ یکم فهرست

ص : ۳۵۳

۱- در احسن الودیعه (صفحه ۲۲۳ یکم) گوید : نخجوان یفتح اول و سکون ثانی و انرا نخجوان نیز گفته اند نقل شده است که اصل ان کلمه : نقش جهان بوده منسوب بدانجارا نخجوانی وشوی خوانده اند . ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی:۴۰/۲۴/۰۰ عرض:۳۹/۱۲/۳۰ انحراف قبله:۱۶/۲۶/۲۷جنوب غربی

بظن بسیار قوی مشار الیه از شاگردان وحاضرین مجلس درس مرحوم سید حجه الاسلام بوده و رساله نامبرده مأخوذ از فرمایشات و افادات استاد نامبرده می باشد . العلم عند الله .

۱۱۳– مولی علی اکبر بن ابراهیم خونساری اصفهانی

عالم فاضل زاهدمتنی از خواص اصحاب و شاگردان مرحوم سید حجه الاسلام بوده و از محضر سید صدر الدین محمد عاملی وحاج سید محمد قصیر در وقتی که در اصفهان سکونت داشته بهره برده و احتمالا در محضر مرحوم بحر العلوم را نیز نموده است . وظاهراً از آقا شیخ محمد تقی بن ابی طالب اردکانی نیز بهره های علمی یافته و از مرحوم صدر و آقا سید محمد قصیر مجاز بوده و حاج سید شفیع جاپلقی از او اجازه داشته . مرحوم جاپلقی در روضه البهیه (ص ۵۲) در باره او می نویسد : ومن المشایخ المعاصرین الذین استجزت منهم وأجاز فی العالم العامل الزاهد المحقق المدن الأخ المسدد والرفیق الشفیق الممجدالاکبر آخوند ملا علی اکبر الخونساری اصلا الاصفهانی موطناً .

مرحوم سید حجه الاسلام در اوایل امر در مسجد میرزا باقر اقامه جماعت مینمود و چون مسجد سید را بنا کرد مرحوم مولی علی اکبر را بجای خود در آنجا بامامت نصب نمود و پس از فوتش فرزند او مرحوم آخوند ملاحسین و پس از مرگ او مرحوم آقا کمال الدین فرزندش بجای او امامت مینمود و چون مرحوم آقا کمال الدین فوت شد برادر زاده اش مرحوم حاج آقا جمال الدین بن حاج آقا جلال الدین بن مولی محمد حسین امامت مینمود و پس از فوت مشار الیه علم وروحانیت از خاندان مولی علی اکبر سپری گردید .

کتب ورسائل زیر از تألیفات صاحب عنوانست : ۱ - اداء المریض الطلاق فی حال الجمیحه وآنرا بدستور استاد مرحوم سید حجه الإسلام تالیف نموده پایان نسخه روز ۲۴ شعبان ۱۲۴۷ قمری ۲ - اعطاء بدل المغصوب آن شد در ۹ صفحه مسئله در محضر سید حجه الاسلام مطرح شده و تاریخ نسخه ذی القعده ۱۲۶۴ می باشد ۳- حجیت الظن در ۲۰ صفحه از تقریرات آقا سید محمد تقی اردکانی ۴- حجیت ظن مجتهد مطلق نه مجتهد منجزی در اصول بعربی استدلالی ومفصل درنه مقدمه و سه وجه نسخه بخط فرزند مؤلف مولی محمد حسین بن مولی علی اکبر از روی خط مؤلف نوشته شده و مهر {بلغ العلی بکماله} ، نیز در پشت آن دیده میشود. مهر مربوط به مرحوم آقا کمال الدین خونساری است ۵ - الزکوه فقه استدلالی متوسطی است ۶ - شرح ارشاد الازمان فقه استدلالی متوسطی است در قسمت آن در کتابخانه آیت الله گلپایگانی (ص ۱۴۶ یکم فهرست کتابخانه) موجود است جهاد در ده صفحه ونکاح در۱۲۸ صفحه ۷- شرح الجعفر به شرح مزج استدلالی متوسطی است بر رساله جعفریه محقق کرکی نسخه بخط مؤلف شماره (۸۹) در کتابخانه آیت الله گلپایگانی در قم (ص ۹۲ یکم فهرست کتابخانه) ۸- عدم جواز الرد فی الوقف فقه عربی استدلالی بسیار مفصل در شش صفحه ۹- عدم جواز مصالحه حق الرجوع فی العده ۱۰ - نکاح بنت المزنی بها من الرضاعه فقه عربی ۱۱ - الوقف علی من یصح ومن لایصح .

جمیع مؤلفات صاحب عنوان در قم در کتابخانه آیت الله گلپایگانی (۹۲ -۹۷ - ۱۴۶ - ۱۵۰) موجود است و شرح حال اور روضه البهه واحسن الودیعه (ص ۴۳ یکم) تکمله نجوم السماء (ص ۴۱۹) دانشمندان و بزرگان اصفهان(۲۹۱) ورجال اصفهان (۱۵۴) المآثر والاثار من (۱۷۸) مذکور می باشد .

صاحب عنوان در سال ۱۲۷۱ در اصفهان وفات یانته (فهرست گلپایگانی) آنچه نویسنده در کتاب : دانشمندان و بزرگان اصفهان در وفات صاحب عنوان نوشته ام مربوط به آن سید صدرالدین استاد ایشانمت .

۱۱۴– سید علی اکبر بن حاج میر محمد اسماعیل

بن محمد باقر بن امیر اسماعیل حسینی از علماء سلسله سادات معروف به میر محمد صادقی (میر محمد صادق هم اکرم صاحب عنوانست) عالم فاضل در اصفهان نزد جمعی از علماء همچون حاجی کلباسی و سید حجه الاسلام شفتی تلمذ نموده است. در اخلاق وزهد و تقوی معروف بوده و رساله های چندی نالیف نموده است از آنجمله : ۱- رساله ای در اخلاق ۲- رساله ای در تجوید ۳-رساله ای در اصول دین وغیره سر انجام در سال ۱۳۰۰ بسن متجاوز از نود در اصفهان وفات یافت.

(ص ۴۴۰ بزرگان و دانشمندان اصفهان)

مرحوم آقاسید عبد الله ثقه الاسلام میر محمد صادقی در رساله : ارشاد المسلمین بسوی اولاد امیرالمؤمنین علیه السلام (ص ۳۵ نسخه خطی) می نویسد :

مؤلف درک آن مرحوم را نمودم در حالی که سن آن مرحوم متجاوز از شود سال بود و چشمهایشان نابینا بود و در اخلاق وزهد یگانه عصر بود .

۱۱۵ – سید محمد علی ابرقوئی

(۱)

مرحوم سید حجه الاسلام در تاریخ شوال ۱۲۵۷ هجری قمری اجازه مختصری

ص : ۳۵۶

۱- شیروانی در بستان السیاحه (ص ۶۱) می نویسد: بیدگل قریهای بزرگی ومحلی سترک از توابع کاشانست فریب در فرسخ از کاشان دور .. در زمین هموار رائع وجوانب اربعه اش واسع آبش از کاریز و هوایش گرم وخاکش رگه ورمل آنها بسیار است بمرتبه ای که بعضی سنوات خرابی میرساند.

جهت مشاراليه مرقوم فرموده و به اجتهادش از روی امتحان واختبار گواهی فرموده

است .

(ص ۱۵۷ یکم الذرهمه)

بنابر این صاحب عنوان از علماء مجاز از مرحوم سید حجه الاسلام می باشد

۱۱۶ – محمد علی بیدگلی کاشانی

(۱)

در تاریخ ۹ ذی القعده سال ۱۲۴۳ کتاب نسخه ای از کتاب : الحلیه اللامعه

۱- شـده بـدین جهت ابرو گفته انـد (ابرکوه) از بلاد فارس اسوده اکنون از توابع اصـفهان محسوب میشود و در زمین هموار واقع و اطراف اربعه اش واسع است وسـمت مشـرق آن کوه نزدیک و ساکنان آن دیار همه تاجیک قـدیم الزمان مـدینه بزرگ بوده و بمرور ایام روی بخرابی نهاده ... آبش از کاریز وهوایش بهجت آمیز ... میوه های سـرد سـیری خوب دارد ... رکن زاده آدمی در دانشـمندان و سـخن سرایان فارس (ص۴۴۶ یکم) می نویسـد : ابرقو تا زمان ناصـرالدینشاه جزء اسـتان فارس بوده و أخیراً جزءاستان دهم (اصفهان) شده است و یکی از بخشهای بازده گانه شهرستان یزداست... جمعیت آن ۲۹۰۰ نفر می باشد (انتهی محـل الحـاجه). ثـانیه/دقیقه/درجه طـول جغرافیـائی:۵۳/۱۷/۰۰ عرض:۳۱/۰۸/۰۰ انحراف قبلـه:۵۴/۱۸/۱۰جنوب غربی ارتفاع از سطح دریا ۱۵۰۵متر ۱)شیروانی در پستان السیاحه (ص ۱۷۹) می نویسـد: بیدگل قریه ای بزرگی ومحلی سترک از توابع کاشـانست فریب در فرسـخ از کاشـان دور .. در زمین هموار واقع وجوانب اربعه اش واسع آبش از کـاریز و هوایش گرم وخاکش رگه ورمل آنجا بسیار است بمرتبه ای که بعضی سنوات خرابی میرساند.

در شرح سیوطی را بپایان رسانیده است . کتاب در کتابخانه سید هادی اشکوری بنظر علامه طهرانی رسیده است.

(ص ۸۳ هفتم الذریعه)

مشار الیه احتمالا از شاگردان مرحوم حجه الاسلام بوده است.

۱۱۷ – مولی محمد علی بن احمد محلاتی شیرازی

(۱)۱ . . عالم فاضل محقق زاهد از شاگردان حاج سید شفیع جاپلقی و حاج ملا اسد الله حجه الاسلام بروجردی بوده و سید جاپلقی ویرا در روضه البهیه نامبرده و او را بسیار ستوده است. از مرحوم حاج سید محمد باقر حجه الاسلام شفنی اجازه داشته تاریخ اجازه ۱۲۵۸ رسید حجه الاسلام اجازه مفصلی برای او نوشته .

وهمچنین از حاج محمد جعفر آباده ای نیز مجاز بوده است. د ور المآثر والاثار (ص ۱۶۵) گوید: در شیراز ریاستی عمده داشت . مرحوم فرصت شیرازی در آثار عجم (ص ۴۴۱) : درذکر مساجد شهر از می نویسد : مسجد مولی در محله درب شاهزاده مسجدی است عالی بناءخوش رفیع وزیبا سالهای دراز مرحمت مآب جناب مستطاب ملا محمد علی مجتهد که عالمی بود وحید و کاملی فرید رقیهی سدید صاحب فتاری و رساله در آن مسجد امامت میفرمود و بعد از فوت وی (در حاشیه می نویسد فوت مرحوم ملا محمد علی در سنه ۱۲۸۴

۱- نویسنده گوید : بیدگل را با بیکدل نباید اشتباه نمود زیرا این یک طایفه ای است از اتراک, صباحی شاعر کاشانی بیدگلی است وحاجی لطفعلی خان آذر بیگدلی . ا) شیروانی در بستان السیاحه (ص۵۳۳) گوید: محلات قصبه ای است جنت آیات و آن دو محله است مسافت یک میل از یکدیگر دور وآبش موفور.

می باشد) مرحوم غفران پناه جناب ملا محمد حسین که ارشد اولاد آنجناب بود (نوت ۱۳۰۹ در حاشیه) وخاص وعام را مرجع و مآب نیز امام و پیشوای انام گردید . پس از وفات او ولد دیگرش عالم مؤید وفقیه معتمد جناب ملا احمد در این مسجد امامت مینماید و درس میفرماید عالمی است راست گفتار و عاملی درست کردار .

صاحب عنوان دارای کتب ورسائلی بوده از آن جمله :۱- ترجمه احوال محمد بن سنان نزدیك هزاریت نسخه ای از آنرامؤاف الذریعه (ص۱۶۴ چهارم) در مدرسه حسن خان در کربلا دیده که بخط مولی عبد الحمید بن عبد الوهاب فراهانی حائری متوفی حدود سال ۱۳۲۰ و اندی از شاگردان مؤلف مشاهده نموده و آن در ضمن مجموعه ای از تصانیف استادش بوده است ۲- رساله در حد قصرو اینکه مسافت هشت فرسخ است با چهار فرسخ (ص ۱۷۰ یازدهم الذریه) ۳- سؤال وجواب بفارسی و مختصر (ص ۲۴۶ دوازدهم الذریعه) وغیره .

صاحب عنوان در سال ۱۲۸۴ در شیراز وفات یافته است.

علامه طهرانی در شرح حال میرزای بزرگ شیرازی (هدیه الرازی) که بفارسی نیز ترجمه شده است این چند نفر را از اولاد و اعقاب صاحب عنوان نام میبرد : .

۱- میرزا ابراهیم در صفحه ۹۸ ۲- میرزا ابوالفضل فرزند میرزا ابراهیم صفحه ۹۹- شیخ اسماعیل محلاتی نجفی در صفحه ۱۱۴

۴ - شیخ جعفر بن شیخ محمد حسین در صفحه ۱۳۹ ۵-حاج میرزا حسین مازندرانی شریعتمداری در صفحه ۱۳۹

۶- میرزا محسن بن مولی محمد علی صفحه ۱۸۳

۱۱۸ – میرزا محمد علی بن حاج ملا محمد حسین

بن ملا عبـد العظیم بن محمـد نقی بید گلی اردسـتانی از علماء ساکن اصـفهان وخود و پدرش امام مسـجد قطبیه (۱)(در محله چهار سوق شیرازیها را داشته اند (ص ۱۶۴ یکم آتشکده اردستان).

در خدمت جمعی از علماء اصـفهان تلمذ نموده و محضـر سید حجه الاسلام را نیز درک نموده وعمده تحصیلاتش نزد آقا میر سید حسن مدرس و آقا سید محمد شهشهانی و حاج سید اسد الله بید آبادی بوده است (اطلاعات متفرقه از خاندان عظیمی)

۱۱۹ – سید محمد علی بن سید صدرالدین محمد موسوی عاملی معروف به آقا مجتهد عالم فاضل محقق ادیب شاعر

در سـال ۱۲۳۹ متولـد گردیـد مـادرش دخترعلامـه فقیه مرحوم شـیخ جعفر کـاشف الغطاء می باشـد . خود از بزرگان و مفاخر علماء شیعه می باشد در اصفهان نزد پدر

ص : ۳۶۰

۱- از مساجد قدیمی و تاریخی اصـفهانست که در اواسط قرن دهم هجری (۹۵۰) بوسیله امیرقطب الدین علی باب الدشتی بنا گردیـده است (بنابراین تردیـد قطبیه ویا قدویه بیمورد خواهد بود) این مسـجد در ضـلع شـمالی خیابان خشک که آنرا خیابان خوش می گفتنـد قرار گرفته و نـام خیابـان پس از تغییر به نام خیابان شاه واخیراً بنام خیابان طالقانی مشـهور ومعروف گردیـده است. در موقع تعریض خیابـان خشک (ص ۴۸ و۴۹ نصف جمان فی تعریف الاصـفهان) قسمتی از مسجد و سردرتاریخی آن در مسـیر خیابان قرار گرفت و کاشـیهای آن به صارت چهلسـتون انتقال یافت. برای اطلاع بیشتر از چگونگی بنا وکاشیکاری و کتیبه های مسجد به کتاب : گنجینه آثار تاریخی اصفهان (ص ۳۸۰) مراجعه شود.

بزرگوار خود رسید حجه الاسلام و جمعی دیگر از بزرگان تحصیل نموده قبل از رسیدن بسن بلوغ بمرتبه اجتهاد نائل گردید . عالمی است ادیب وفیه جلیل شاعری خوش ذوق.

دارای تألیفات زیر است: ۱- احیاء التقوی در شرح دروس ناتمام ۲ - الغیه در نحوناتمام ۳- البلاغ المبین در احکام صبیان ومجانین (یا بالغین) این کتاب را در دوازده سالگی تألیف نموده و چون بنظر سید حجه الاسلام رسید اجتهاد اورا گرامی فرموده و دختر خویش را بزوجیت بدو کابین بست ۴ - دیوان اشعار و ۵- العلائم در شرح مراسم ناتمام ۶- فرائد الفوائد در اصول فقه ۷ - منظومه در مواریث ناتمام ۸- منظومه در وقف ۹ - نفایس القراد وغیره .

مرحوم آقا مجتهد بزرگترین فرزند پدر دانشمند خود بوده و پس از فوت پدر در علم و ریاست و امامت جانشین پدر گردیده و پس از نماز منبر تشریف برده و با مواعظ شافیه مردم را هدایت مینموده و هموم طبقات بدو اظهار ارادت مینموده و در نمازش شرکت مینمودند در سال ۱۲۷۴ وفات یافته و در نجف اشرف درجنب پدر مدفون گردید ، از اشعار فارسی اوست :
خرمن حسن تراروزی که می کردند جمع

آفتاب از دامن بک خوشه چین افتاده بود ص ۱۰۲ چهل و ششم اعیان الشیعه - ص ۱۵ دانشمندان و بزرگان اصفهان ص ۲۵ یکم ریحانه الادب .

شرح حال اولاد و اعقاب او در فصل مربوط به خاندان حجه الاسلام گفته خواهد شد .

ص : ۳۶۱

۱۲۰ – سید میرزا محمد علی موسوی شمس آبادی

(۱)

فرزند سید محمد بن عبدالله بن اسماعیل بن حسین موسوی مازندرانی شاها ندشتی علامه فنیه زاهد متولد در حدود سال ۱۲۲۰ در اصفهان در این شهر در خدمت جمعی از بزرگان همچون سید حجه الاسلام و حاجی کلباسی و دیگران تحصیل نموده تابمقامات عالیه رسیده در مسجد قطبیه امامت و تدریس مینموده سرانجام در سال ۱۲۸۸ در این شهر وفات یافته جنازه اش را به نجف اشرف منتقل و در وادی السلام مدفون گردید . کتب زیر از آثار اوست : ۱- ترجمه اکمال الدین تألیف شیخ صدوق علیه الرحمه ۲ – ترجمه مجلد هشتم بحار الانوار علامه مجلسی ۳-ترجمه مجلددهم بحار الانوار ۴ – مبانی الاحکام در طهارت و صلوه وحج وغیره .

مشار الیه سه دوره کتاب بحار الانوار را ویازده مرتبه مجلد دهم آنرا بخط زیبای خود نوشته است نویسنده مجلدات ترجمه بحار الانوار مشار الیه را در نزد نواده اش مرحوم حاج سید محمد علی معین الاسلام (۱۳۸۴ – ۱۲۹۰) فرزند آقا سید عبدالله فرزند آقا میرزا محمد علی رؤیت نمودم . رحمه الله علیهم أجمعین.

ص ۴۴۹ دانشمندان و بزرگان اصفهان

۱۲۱ – سید فضل الله استر آبادی

عالم فاضل متقی ، از مجازین از مرحوم حجه الاسلام به اجازه مبسوطه است .

ص : ۳۶۲

۱- شمس آباد از محلات اصفهانست که در ضلع شمالی خیابان شیخ بهائی قرار گرفته ونزل میرزا محمد تقی الماسی و مدرسه شمس آباد در دو طرف خیابان نامبرده واقع گردیده

آغاز اجازه: منه التوفیق للتولی من الحمیم ... الحمد لله الذی لایخفی علیه شیء ..

تاریخ اجازه : شب سوم ذی الحجه الحرام سال ۱۲۵۲ هجری است.

این اجازه را علامه طهرانی در الذریعه (ص ۱۵۸ یکم) ذکر نموده و در الکرام البرره (ص ۱۹۵ یکم) میفرماید ضمن مجموعه اجازات آن مرحوم است که در کتابخانه مولی محمد علی خونساری دیده ام •

۱۲۲– سید کاظم طباطبائی زواره ای فرزند آقا علی

از فضلاه ساکن اصفهان و ظاهراً شاگرد سید حجه الاسلام و حاجی کلباسی و جمعی دیگر از علمای این زمان بوده و در نزد حاجی و سید محترم و معزز میزیسته و گاهی آن دو بزرگوار به زواره به میهمانی بمنزل او میرفته اند.

مشار الیه دارای چندین فرزند پسر و دختر بوده از آن جمله دختران :

۱– زوجه مرحوم حاج سید اسد الله بیدآبادی . ۲– زوجه مرحوم آقا محمد مهدی کلباسی .

۳– زوجه حاج محمد علی زوارهای طباطبائی .

بنابر آنچه فاضل محترم آقای حاج سید حسن دیباج فرزند میرزاسید مصطفی دیباج بن حاج سید یوسف بن حاج محمد علی زوارهای مرقوم اظهار می دارند : حاجی مرقوم بانی موقوفاتی در زواره بوده است.

وبطوریکه از کتاب آتشکده اردستان بر می آید صاحب عنوان را دختران متعدد بوده از اینقرار :

۱– زوجه حاج سید اسد الله بیدآبادی . ۲– زوجه میر محمد علی زوارهای بانی موقوفات بن سید رضا بن میر محمد

زمان بن میر محمد شفیع طباطبائی

۳- زوجه میرزا محمـد جعفر شهشـهانی . واین سه دختر و داماد را در جلد سوم (ص ۶۴۷) می نویسد ۴ - زوجه سید رشتی (بدون تعیین پدر یا پسر) احتمالا سبد حجه الاسلام

۵- زوجه مبر زین العابدین بن میر حسـین بن میر اسماعیل بن میر محمد شفیع طباطبائی زواره ای و این دورا در جلد یکم (ص ۱۹۶) نام برده است .

ظاهراً دو دختر سـید کاظم نامبرده یکی عیال مرحوم سـید و مادر عاج سـید اسد الله ویکی عیال میرزا محمد جعفر شهشـهانی و مادر آقا میرزا یحیی بوده اند و این دو خالمزاده همدیگرند بنابراین نمیتواند دختر دیگرعیال حاج سید اسد الله باشد. باشد .

وعیال آقا سید کاظم نامبرده دختر محمد حسین خان عرب عامری بوده است (ص ۲۰۱ یکم آتشکده اردستان).

در موضوع دختران صاحب عنوان احتیاج به تحقیق بیشتری می باشد .

۱۲۳ – سید کریم حسینی لاهیجی

در یک مورد از احکام نماز جمعه از کتاب مطالع الانوار تألیف سـید حجه الاسـلام تعلیقه ای مرقوم داشته و همان مورد دلالت بر علم وفضل و مهارت او در فقه می کند .

ص ۱۲۳ تراجم الرجال مشار الیه احتمالا از شاگردان مرحوم سید حجه الاسلام بوده است.

۱۲۴ – میرزا محمد کریم طباطبائی زواره ای

از خواص و نزدیکان سید حجه الاسلام می باشد و بظن قوی از شاگردان ایشان

وحاجی کلباسی و دیگران بوده است و چون در زواره شخصی بدون وارث از دنیا رفت و از خود اموالی بجای گذاشته بود و مرحوم سید حجه الاسلام طبق موازین کرمی خویشتن را وارث او میدانست مشار الیه را جهت ضبط و تصرف اموال متوفی معین فرمود .

فرزندش آقا میر سید محمد و فرزند زاده اش مرحوم حاج میرزا محمد حسین زواره ای از فضلاه معاصر بود که در نسل خاندان مرحوم سید حجه الاسلام بنام او اشاره خواهد شد.

مسئله : یکی از موجبات ارث ولاء است (موجبات ارث بانسب است یاسبب ویا ولاء) وولا، دارای سه مرحله است ۱ - ولاء عتق ۲- ولاء ضامن جریره ۳-ولاء امام علیه السلام .

هر گاه شخصی بمیرد و در هیچ یک از طبقات (از نسب وولاء) وارثی نداشته باشد ما ترک او به امام علیه السلام میرسد و در زمان غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مجتهد جامع الشرایط وارث آن شخص خواهد بود. تفصیل وبیان مسئله منوط بکتب تهیه است.

۱۲۵- آقا ملا لطفعلی زانیانی چهارمحالی

عالم فاضل مدت هیجده سال در اصفهان در مدرسه علی قلی آقا ساکن و از تلامذه مرحوم سید حجه الاسلام بوده است. در باره او در تاریخ و جغرافیای چهارمحال"(۱) (ص ۴۳۸ دوم) می نویسد :

چندان در تحصیل علوم شتافته که در تمام کمالات و مجموعیت و نیکوئی حالات از سایر اکفاء واقران بامتیاز اختصاصی بافت عالمی گردید ادریس شیم ودانائی

۱- زانیان از قرای چهار محال و در ۶ کیلومتری دهکده (شهر کرد) واقع شده است

شیرین طبع و معجزقلم بهمه باب مسلم بهمه وجه ممثل بهمه علم مقدم همه فضل معلم.

در تابستان سال هزار و دویست و شصت و دو بسن چهل سالگی در رودخانه زاینده رود که بقصد شنا رفته بود غرق شده و فوت می کند و فردای آن روز جنازه با تشریفات در جوار بقعه مرحوم سید استاد مدفون می شود . رحمه الله علیه .

۱۲۶ – شیخ محسن بن اسماعیل دزفولی کاظمینی

برادر شیخ اسد الله دزفولی مؤلف مقاییس متوفای سال ۱۲۳۴ می باشد .

صاحب عنوان از علماء کاملین وفقهاء ومجتهدین بزرگوار و نزد جمعی از علماء تلمذ نموده که از آن جمله است مرحوم حاج سید محمد باقر حجه الاسلام پس داماد علامه آقا سید صدرالدین محمد عاملی اصفهانی بوده و فرزندش شیخ محمد حسن از بطن این مخدره مکرمه مسماه به مریم بیگم بوده است.

کتب زیر از تألیفات اوست : ۱- حاشیه بر معالم ۲ – رساله در اصول دین فارسی ۳- رساله در صحن عبادت نارك طریق تقلید واجتهاد ۴ – رساله در جواز بقاء بر تقلید میت ۵- رساله در طهارت و صلوه ۶- رسائل و جزوانی در حکمت و کلام.

(ص ۲۷۶ شخصیت و زندگانی شیخ انصاری چاپ دوم) مرحوم شیخ محسن دزفولی دارای چندین فرزند پسر بوده که از آنجمله است : ۱- شیخ محمد طاهر سابق الترجمه ۲ – شیخ محمدجواد پدر شیخ محمد رضاشا گرد و داماد عموی خود آقا شیخ محمد طاهر ۳-شیخ محمد حسن متوفای سال ۱۳۲۵ قمری .

۱۲۷- شیخ محسن رشتی

فرزند شیخ محمد رفیع بن محمد حسین بن محمد رفیع نولی گیلانی لاهیجی اصفهانی واعظ.

عالم فاضل محقق ادیب شاعر متخلص به عاصی و مشهور به خاکسار در سال ۱۲۲۴ در اصفهان متولد گردیده و در نزد پدر دانشمند خود و حاجی کلباسی و سید حجه الاسلام و میر سید محمد شهشهانی و سید ابوتراب اصفهانی وشیخ عبدالعلی ماسولجی رشتی تلمذ نموده تا مقامات عالیه علم و اجتهاد رسیده و در سال ۱۲۵۷به گیلان و در ۱۲۶۷ به قزوین مهاجرت نموده و در آنجا ساکن گردیده و تا سال ۱۲۹۰ زنده بوده است از طرف پدر به شیخ مفید و از طرف مادر به شیخ بهائی انتساب دارد .

مشار الیه در کلیه شعب علوم دارای تالیف می باشد که تعداد آنها متجاوز از سیصد عدد میباشد و در مقدمه مفتاح الالم گوید قبل از این کتاب ۳۰۹ کتاب و رساله تألیف کرده ام (۲۰۱ دوم فهرست کتابخانه مدرسه فیضیه قم تالیف دانشمندمحترم جناب آقای استادی).

در تراجم الرجال (ص ۱۲۹) یکصد و نه عدد از تصنیفات ویرا نام برده و در دانشمندان و بزرگان اصفهان (ص۳۴۲) شصت و پنج کتاب از تألیفات اورا ذکر نموده که برخی از آنها در چندین مجلد حتی بیست جلد می باشد که به نظم و نثر و عربی و فارسی تألیف گردیده است .

وی از آقا میر سید محمد شهشهانی وشیخ عبدالعلی رشتی اجازه داشته و در تألیفات خود از دو فرزند خود بنامهای : ۱- محمد علی ۲- حسینعلی که هردو از طلاب علوم بوده اند نام میبرد .

نام تألیفات او متفرقاً در مجلدات الذریمه ذکر شده است .

ص :۳۶۷

۱۲۸– آخوند ملا محمد

در اول صفحه اول کتاب : سؤال وجواب مرحوم سید حجه الاسلام که به شماره (۴۹۲۴) در کتابخانه مجلس شورای اسلامی (مجلس شورای ملی سابق) ایران موجود است عبارات زیر بخط مرحوم سید حجه الاسلام دیده میشود :

اعلام برادران دینی میدارد که عالیجناب مقدس القاب آخوند ملا محمد زید توفیقه امین ومعتمد میباشند مسائلی که از این خادم شریعت تبلیغ شماها نمایند از ایشان قبول خواهید نمود ۲۳ ربیع الاول ۱۲۶۰.

بعداً نوشته است: فوت یک شنبه ۲۳ ربیع الثانی ۱۲۶۰. آنچه از عبارات فوق نتیجه گرفته میشود اینکه :

۱ – این نوشته تاکنون آخرین دستخطی است که از مرحوم سید حجه الاسلام در دست می باشد .

۲– آخوند ملا محمد یقیناً غیر از کلباسی و نائینی می باشد و این فرد سومین ملا محمد از شاگردان و معتمدین حجه الاسلام است.

۳- اختلاف در تاریخ فوت حجه الاسلام است که آنرا در ۲۴ می نویسد آنچه مسلم است روز فوت یک شنبه بوده و ماه آن نیز بطوریکه قبلا گفته شد ربیع الثانی است و اول ماه ربیع الثانی روز شنبه بوده است (تقویم تطبیقی هزار و پانصد ساله) بنا بر این بک شنبه می تواند ۲۳ باشدنه ۲۴ وقبلا روز ماه را درم ثابت کردیم بنابراین این قول خالی از اعتبار است.

۱۲۹ – میرزا سید محمد رضوی مشهدی

از علماء ازکیاء و از مجازین از سید حجه الاسلام شفتی به اجازه مبسوطه

ص : ۳۶۸

کبیره است .

آغاز : ومنه التوفیق للنجاه ... الحمد لله الذی لایخفی علیه شیء فی الارض ولا فی السماء ...

تاریخ ۱۴ ربیع الاول سال ۱۲۵۶ هجری .

علامه طهرانی در الذریعه (ص ۱۵۸ پکم) نام آن را ذکر نموده ودر الکرام البرره (ص ۱۹۵ یکم) میفرماید جزو مجموعه اجازات آن مرحوم است . و در الذریعه میفرماید و او غیر از سید محمد رضوی مشهور به سید محمد قصیر است زیرا فوت مشار الیه در سال ۱۲۵۵ بوده است.

نویسندگوید : احتمالا صاحب عنوان میرزا محمد بن حبیب الله رضوی مشهدی مجاز از آقا سید محمد نصیر و آقا سید علی صاحب ریاض وشیخ عیسی زاهد می باشد که در مشهد مقدس ریاست عامه و مرجعیت تامه داشته وویرا تألیفاتی بوده از آن جمله : ۱- کتابی در حقیقت شرعیه ۲ - شرح برحجیت شهرت تألیف آقا سید محمد مجاهد ۳ - رساله در مسئله قضا و قدر و سرانجام دررجب سال ۱۲۶۶ در مشهد وفات یافته و در مسجد ریاض پهلوی حرم مطهر مدفون گردید مشار الیه از مدرسین استان قدس رضوی و امام جماعت یکی از شبستانهای مسجد گوهرشاد بوده است (ص ۱۸۲۵ پنجم مکارم الاثار).

در مطلع الشمس(ص ۴۱۹ دوم) ویرا عنوان نموده و اورا باشتینی سبزواری نوشته است . در تاریخ علمای خراسان (۸۸) می نویسد: گویند اصلشان از یکی از قرای سبزوار است مسمی بآشتین (به الف ممدوده) بروزن راستین ...

۱۳۰- آقا محمد مجتهد

علامه طهرانی در الذریعه (ص

) و همچنین در الکرام البرره (ص ۱۹۵

یکم) میفرماید :

مجموعه ای از اجازات مرحوم سید حجه الاسلام را که جهت مجتهدین شاگردانش مرقوم فرموده بود و آن شامل سیزده اجازه مفصل و مختصر بود در کتابخانه مولی محمد علی خونساری دیدم یکی از این مجازین :

آقا محمد مجتهد است که در الذریعه ویرا آقا محمد نائینی دانسته وبظن نویسنده حاج آقا محمد کلباسی می باشد و محتمل است آقا محمد نام دیگری جز این دو عالم بزرگوار باشد . والعلم عند الله .

۱۳۱ – ملا محمد نائینی

عالم فاضل زاهد عابد متقی شوهر خواهر حاجی کلباسی وشاگرد ایشان و مجاز از مرحوم سید حجه الاسلام شفتی به اجازه مبسوطه می باشد .

آغاز : الحمد لله العلیم الحکیم الکریم ..

و در آخر آن سفارشنامه ای است جهت تشویق و ترغیب مؤمنین به اقتدا به نماز جماعت ایشان تاریخ اجازه ۲۶ رجب سال ۱۲۵۶ می باشد و بطوریکه مرحوم گزی در تذکره القبور می نویسند (ص ۵۷ رجال اصفهان) یك وقت امام مسجد حکیم را باو واگذار نموده (حاجی کلباسی) و مؤمنین و مقدسین بسیار باواعتماد داشتند.

صاحب عنوان در روز دوم شوال سال ۱۲۶۳ در اصفهان وفات یافته در قبرستان تخت فولاد جلو قبر فاضل هندی مدفون گردید و این مقبره را بواسعله قبر فاضل هندی و قبر فاضل نائینی به فاضلان شهرت داشت.

ملاـ محمد نائینی را فرزندی است بنام آقا علیرضا که مجاور عتبات عالیات بوده و از اهل زهد و ریاضت و مواظب اعمال و عبادات در آن عتبات بوده و در

کربلا وفات یافته ومدفون گردیده و اغلب سند خوابهای صادقه مؤثره که مرحوم ثقه الاسلام حاجی نوری در کتاب دار السلام مرقوم فرموده واسطه نقل مشارالیه است (ص ۵۷ رجال اصفهان).

۱۳۲– حاج آقا محمد قزوینی فرزند علامه تبه حاج محمد ابراهیم قزوینی اصفهانی .

شرح حال پدرش را قبلا نوشتیم و متذکر شدیم که مشار الیه اخص خوام سید حجه الاسلام بوده است.

فرزندش حاج آقا محمد در نزد علمای این شهر تحصیل نموده و مظنون بلکه مقطوع آنکه سالها در خدمت مرحوم سید حجه الاسلام بکسب علوم وفضائل اشتغال داشته و بعد از پدر در مسجد آقا نورامامت مینمود . سال فوتش بدست نیامد ظاهراً قبل از ۱۳۰۰ بوده است.

۱۳۳– حاج آل محمد کلباسی (کرباسی)

فرزند علامه تیه زاهد حاج محمد ابراهیم بن حاج محمد حسن بن محمد قاسم کلباسی (کرباسی) عالم فاضل فقیه زاهد عابد، در نزد جمعی از علماء اصفهان تلمذ نموده و از پدر بزرگوار خود رسید حجه الاسلام و آقا شیخ محمد حسن نجفی و بعضی از مشایخ نجف اشرف اجازه داشته .

صورت این اجازات در مقدمه کتاب انوار النزول تألیف آن بزرگوار موجود و نسخه در کتابخانه حقیر می باشد و نسخه ای نیز از این اجازات بطوری که در اسامی تألیفات سید حجه الاسلام ذکر کرده ایم در کتابخانه دانشکده الهیات مشهد نیز موجود است .

صاحب عنوان بملاحظه حدیثی که از رسولخدا صلی الله علیه و آله وسلم روایت شده است که : کسی که ببیند اولاد مرا ونیام تام بجا نیاورد جفا کرده و یا مبتلای ببلای بی دوامیشود هر سید را که میدید تمام قد بر می خواسته اگرچه آن سبد دور بوده و یا اصلا متوجه و ملتفت نمیشد (ص ۱۶۱ رجال اصفهان).

و باز در همان کتابست که در هر مجلسی که می نشست غالباً فضیلت اعمال خیر را نقل میکرده و یک وقت امام مسجد حکیم را هم داشته . مرحوم حاج آقا محمد در روز جمعه بیست و دوم ربع الثانی سال ۱۲۹۲ در اصفهان وفات یافته در مقبره پدر (مقابل درب شرقی مسجد حکیم) در کنار ایران جلو گنبد بالاسر قبر آقا محمد مهدی دفن شد.

کتب زبر از تألیفات اوست : ۱- رساله ای در آداب و سنن ۲ - انوار النزول درقه ۳ - رساله در جنائز ۴ - کتابی در حدودودیات ۵ - رسائلی در رجال ۶- شرح تهذیب علامه ۷- شرح خلاصه الحساب ۸- شرح نتایج آقا سیدابراهیم ۹- رساله در صوم ۱۰- کتابی در طهارت و دوم با استدلالی ۱۱ - منبع الحیاه فی عبادات الاحیاء والاموات در قواعد کلی فقه و اصول در پانزده مجلد بزرگ ۱۲- رساله در میراث ۱۳ - نور حدقه الناظردر آداب و اخلاق ۱۴ - هدیه الشیعه در آداب و اخلاق و ادعیه و مواعظ کتابی بسیار بزرگی است ۱۵ - هدیه الشیعه رساله عملیه جهت مقلدین وغیره.

۱۳۴ – میرزا محمد خاتون آبادی

معروف به آقا دگمه چین قبلانام مشارالیه را بعنوان (آقا دگمه چین) متذکر شدیم در این جا به دو نکته زیر اشاره می کنیم :

۱- میر عماد الدین محمد مدفون در دامنه کوه قریه گورت نزدیک قریه

خـاتون آباد میباشـد و بهمین مناسـبت اعقاب مشار الیه بسه خاتون آبادی شـهرت یافته انـد . ۲- نسب علویه عالیه مجتهـده بانو نصرت امین (۱۴۰۴ - ۱۳۰۸) مؤلف کتابهای : ۱- اربعین هاشمیه ۲ - ترجمه طهاره الاعراق تألیف ابن مسکویه بنام اخلاق یا راه سعادت بشرم ۳- تفسیر قرآن بنام مخزن العرفان در پانزده مجلد ۴ - جامع الشتات ۵-روش خوشبختی ۶- سیر و سلوک ۷- مخزن اللئالی در فضائل حضـرت مولی الموالی علیه السـلام ۸- معاد یا آخرین سـیر بشر ۹- نفحـات الرحمن که همگان بچاپ رسیده و برخی از آنها چندین مرتبه طبع گردیده است .

به میر عماد الدین محمد میرسد باین نحو: علویه حاجیه نصـرت امین فرزند حاج سـید محمد علی بن سـید حسن بن سید محمد بن علامه زاهـد میر معصـوم متوفی بسـال ۱۱۵۵ مـدفون در جنـوب بقعه آقـا محمـد بیـدآبادی فرزنـد عـالم محقـق مورخ میر عبدالحسـین خـاتون آبـادی مؤلف کتاب وقایع السـنین والاعوام (۱۱۰۷ -۱۰۳۷) فرزنـد میر محمـد باقربن میر محمد اسـماعیل معروف به شاه مراد مدفون در قریه گورت فرزند میر عمادالدین محمد حسینی افطسی .

بانوی نامبرده که در تألیفات خود خویشـتن را بانوی ایرانی می نویسد یکی از مفاخر علمی و نمونه اعلای زن مسلمان از حیث علم وزهـد و تقوی وعفـاف و خلاصه آنچه انسان را بمقام انسانیت میرسانـد بود و الحق شایسـته آن بود که رپرا حجت برزنان مسـلمان در کلیه زمانهـا بـدانیم و تـا کنون در طـایفه نسوان زنی بـاین پایه و مقام علمی نمی شناسـیم (باتوجه به کتاب ریاحین الشریعه و دیگر کتب که راجع به زنان دانشمند ادیب نقبه ومحدث وشاعر وعارف نوشته شده است).

ص : ۳۷۳

۱۳۵ – حاج میر سید محمد موسوی خونساری چهارسوقی

فرزند علامه فقیه زاهدحاج میرزا زین العابدین از جمله علماء وفقهاء ومحدثین اصفهان می باشد در اول محرم الحرام سال ۱۳۲۲ در خونسار متولد گردیده و در نزد پدر بزرگوار و حاجی کلباسی و سید حجه الاسلام و جمعی دیگر از بزرگان تلمذ نموده و از پدر دانشمند خود و حاجی کلباسی و آقا میر سید حسن مدرس اجازه داشته است .

صاحب عنوان از متتبعین ومطلعین و کتاب شناسان معروف زمان خود بوده بطوری که نقل شده است که هر کتابیرا که اول و آخر آن افتاده بوده چون بدستش میدادند پس از اندکی مطالعه و بررسی نام کتاب و مؤلف و مقدار اوراق افتاده را میفرموده است. کتابهای زیادی بخط خود نوشته که شاید تعداد آنها از یکصد مجلد هم متجاوز باشد (ص ۲۲۸ مقدمه مناهج المعارف) در فهرست کتب خطی کتابخانه های اصفهان (ص ۲۳) می نویسد : در کتابشناسی هیچ یک از علمای متاخر این سامان بیا به او نرسیده اند فریب هزار نسخه خطی در چندین کتابخانه بنظر نگارنده (علامه مفضال حاج سید محمد علی روضانی) رسیده که تمام یا قسمتی از آنها بخط آن مرحوم بوده است.

مرحوم حاج میر سید محمد در تألیف کتاب شریف : روضات الجنات برادر بزرگوار خود از هر جهت کمک و مساعدت نموده است از قبیل تهیه کتاب ونقل مطالب و مراجعه به مصادر و پاکنویس وغیره .

مشار الیه در مسجد مستهلک ومسجد چهار سو کوچک اقامه جماعت مینموده است . سر انجام در ۲۸ رمضان المبارک سال ۱۲۹۳ در اصفهان وفات یافنه در تکیه مادر شاهزاده در تخت فولاد در بیرون بقعه بالای سر پدر بزرگوار خود

ص : ۳۷۴

مدفون گردید ، رحمه الله علیهما .

۱۳۴ – میرزا محمد بن سلیمان تنکابنی

فرزند محمد رفیع بن عبدالمطلب بن علی عالم فاضل زاهد ادیب شاعر کثیر التألیف والتصنیف در المآثر والأثار (ص ۱۵۷) در باره او می نویسد: فقیه مقدس صادق سلیم الصدر ساده نفس بود وی بطوریکه خود در قصص العلماء گوید در نزد بسیاری از علماء و دانشمندان همچون :۱- ملا آقا در بندی ۲ – سید ابراهیم قزوینی صاحب ضوابط ۳ – حاج محمد ابراهیم کلباسی ۴- حاج سید محمد باقر حجه الاسلام شفتی ۵- حاج محمد جعفر استر آبادی ۶- حاج محمد جعفر بن محمد صادق لنکرودی اصفهانی حکیم ایلسوف ۷ – شیخ محمد حسن اصفهانی صاحب جواهر ۸- شیخ حسن بن شیخ جعفر کاشف الغطاء ۹ – حاج ملا صالح برغانی ۱۰ – مولی صفر علی لاهیجی ۱۱ – ملا عبدالکریم ایروانی ۱۲ – شخ محسن خنفر ۱۳ – آقا شیخ مرتضی انصاری تلمذ نموده و در ابتدای تحصیل در تنکابن در نزد سید ابو جعفر حسین دائی خدود وملاسلیمان پدرش نیز اندکی تحصیل نموده تا مقامات عالیه علم رسیده و از سید محمد باقر قزوینی و شهید ثالث مولی محمد تقی قزوینی و جمعی دیگر اجازه داشته .

قریب دویست کتاب و رساله در علوم مختلفه از تفسیر و کلام و اصول رفته ورجال و درایه وحدیث و صرف و نحو وغیره بنظم و نثر تالیف نموده که از آنجمله است : ۱- توشبح التفسیر۲ – سبیل النجاه مطبوع۳ – شرح تصریف زنجانی ۴- شرح زیارت رضویه ۵ – رساله در عدم لزوم تقلید اعلم ۶- غسل الجنب ۷- فاطمه بنت موسی بن جعفر علیهما السلام ۸- الفرائد در توحید و عدل منظومه وشرح آن بنام منتهی المقاصد ۹ – الفرائد الرضویه در نبوت خاصه ۱۰ – الفرائد

در تجوید ۱۱ – الفرائد (به نون قبل از دال) در رد یهود و نصاری ۱۲ – قصص العلماء معروفترین کتابهای اوست در آن شرح حال ۱۵۳ نفر از علماء شیعه را نقل نموده و در ضمن حالات هر یک مطالبی و حکایاتی نوشته که عموماً سند و ماخذه صحیحی نداشته و بدین جهت مورد انتقاد علماء و نویسندگان قرار گرفته و حاجی نوری در الفیض القدسی بکذابه ومؤلف المآثر والاثار بصراحت از او عیب گرفته اند و دیگران نیز کم و بیش خرده گیری نموده اند کتاب مکرر بچاپ رسیده است ۱۳-کرامات العلماء ۱۴ – کشکول المحمدی در چهار مجلد ۱۵ – کنز الالغاز ۱۶-لالی الولایه در امامت و آن منظومه والفیه است و خود بر آن دوشرح نوشته است ۱۷ – لسان الصدق وراسول فقه ۱۸ – لغت الاضداد ۱۹-منظومه ای در نحو و در صرف و منطق و بدیع و معانی بیان و کلام وحساب و مفرورمل و مصیبت و غیره. نیز رسائل و حواشی وشروحی دارد و خود فهرست موافاتش را در فصص العلماء کر می کند .

در حدود سال ۱۲۳۴ یا ۳۵ و یا ۳۶ متولد و در سه شنبه ۲۸ جمادی الثانیه ۱۳۰۲ در سلیمان آباد تنکابن وفات یافته و همانجا مدفون گردید .

۱۳۵ – شیخ محمد بن قاسم جرقویه ای

(۱)

در تاریخ ۲۵ ذی الحجه سال ۱۲۴۵ کتابت نسخه ای از جلد چهارم مطالع

ص : ۳۷۶

۱- جرقویه از بلوک اصفهان در جنوب شرقی این شهر واقع شده و از دو ناحیه ترکیب شله : جرقویه علیا وجرقویه سفلی هوای گرم و خشک ولیکن سالم عمده محصولش گندم وجوزق (پنبه) ومردم آنجا همگی شیعه دوازده امامی ومؤدب ونیک نهادند و عده زیادی از بزرگان علماء وشعراء و ادباء منسوب بدانجا می باشند نزدیک پنجاه قریه ومزرعه دارد که مهمترین آنها : آذر خواران – پیکان وسیان ومحمد آباد و نصر آباد ونیک آباد می باشد. در جرقویه علیا قله کوهی است اثر دو زانو که بسجود رفته در سنگ نمایان (است). و گویند خرابه در اسفنداران است معروف به قولنجان استخوانهای مردم بزرگ جثه در آن پدیده میشود لاتهی . این دو قسمت با پله مورد توجه ادارات مربوطه قرار گرفته و در باران علی وارث بعمل آید.

الانوار تألیف مرحوم سید حجه الاسلام در قریه نصرآباد جرقویه بپایان رسانیده و در آنجا تصریح بشاگردی خود در نزد آن مرحوم نموده است ودر تعظیم و تکریم استاد خود بیشتر از یک صفحه از صفحات بزرگ کتابت نموده است.

ص۵۱۷ تراجم الرجال

۱۳۶– شیخ محمد مازندرانی

فرزند مقیم بن شریف بن مقیم درزی بارفروشی مازندرانی •

عالم فاضل جامع در اصفهان خدمت حاجی کلباسی و سید حجه الاسلام و آقا سید محمد مجاهد درس خوانده و در اصفهان به خدمت شیخ احمد احسائی رسیده و پس از مطالعه در کتب اوبطریقه وی مایل گردیده به موطن خویش مراجعت نموده و کتب شیخ احسائی راتدریس مینموده و از اینرو علماء اندیار باوی مخالفت نموده و او در اول برخی از تألیفاتش از آنان شکایت نموده است . در مازندران اسفار تدریس میکرده و جمعی در خدمتش تلمذ مینموده اند .

تألیفات زیادی دارد که از آن جمله است : ۱– اسرار المکارم ۲– الاصل والفصل کشکول ۳ – الانوار اللامعه ۴ – البوارق ۵– تفسیر قرآن کریم ۶ – تقلید میت و آنرا در سال ۱۲۴۳ تألیف نموده است ۷ – الدرر الغیبیه تاریخ تألیف ۱۲۶۰ می باشد ۸– روضات حظوظ الایام ۹– شرح برشرح عرشیه ۱۰ – شرح

ص : ۳۷۷

در مقدمه قوانین الاصول ۱۱- غنائم المسترشدین ۱۲ - اللمعان ۱۳ - اللوامع در شرح روضه البهیه ۱۴ - الواردات العتیقه والجدیده .

صاحب عنوان در سال ۱۲۷۶ کتابهای خود را وقف نموده است بنابراین وفاتش پس از این تاریخ خواهد بود.

ص ۱۶۴ تراجم الرجال نویسنده گوید : به احتمال قوی وی از شاگردان حاج ملا علی نوری حکیم وفیلسوف نیز بوده است.

برادرش شیخ یعقوب نیز از حکماء وفلاسفه و از شاگردان برادر خود و شیخ مرتضی انصاری بوده و بین سالهای ۱۲۶۴- ۱۲۷۶ وفات یافته است ویرا تألیفاتی است : ۱- حاشیه اسفار از تقریرات برادرش ۲- شرح شرائع الاسلام .

ص ۲۴۷ تراجم الرجال

۱۳۷ – ملا میرزا محمد بن محمد هادی نائینی

اصفهانی عالم فاضل جلیل محقق رجالی بصیر شاعر ادیب متخلص به فائض از شاگردان و مجازین از مرحوم سید حجه الاسلام شفتی تاریخ اجازه سال ۱۲۵۶

که آنرا سید حجه الاسلام در پشت جلد اول رجال صاحب عنوان بخط مبارك خود مرقوم داشته است (ص ۱۴۸ دهم الذریعه) ویرا کتب ورسائل زیادی است از آن جمله : ۱- رساله در تحقیق حال ابان بن عثمان ۲- رساله در تحقیق حال ابراهیم بن هاشم ۳- رساله در تحقیق حال ابی بصیر ۴ - رساله در تحقیق حال ابی سعید رازی ۵ - رساله در تحقق حال احمد بن عیسی ۶ - رساله در تحقیق

جال اسماعیل بن عمار ۷-رساله در تحقیق حال سهل بن زیاد ۸-س رساله در تحقیق در عده مذکور در کافی ۹- رساله در تحقیق حال عمر بن زید ۱۰ - رساله

ص : ۳۷۸

در تحقیق حال محمد بن اسماعیل ۱۱ - رساله در تحقیق حال محمد بن خالد برقی در اعیان الشیعه (ص ۸ چهل و هفتم) می نویسد در اول بسیاری از این رسائل می نویسد : از افادات سید استاد حاج سید محمد باقر حجه الاسلام است و آنها را مؤلف اعیان الشیعه در ضمن مجموعه ای که تاریخ فراغت آن ۲۵ جمادی الأول سال ۱۲۶۵ در اصفهان بوده در طهران رؤیت نموده است . ۱۲ - دیوان اشعار با تخلص فائض ۱۳ - رجال در چندین مجلد ۱۴ - فوائدی از کتاب : الرواشح تألیف میر داماد ۱۵ - اللؤلؤه البهیه ارجوزه کلام در شش مقصد ۱- امور عامه ۲- جواهر ۳- الهیات ۴ - نبوت ۵ - امامت ۶- معاد در ۹۲۴ بیت .

آغاز : حمدا علی معرفه الکلام للمنعم المیهن العلام

انجام:

وانا راجی العلم والرشاد من ربه محمد بن الهادی

ومنشأی فی البلد الامین مأوی الصفا مدینه النائین ۱۶ - مثنوی طور سینا یا شجره طور سینا مثنوی عرفانی است در چندین جلوه در جلوه دوم اشاره بوقعه کربلا نموده و در جلوه سوم از سر اختلاف مذاهب سخن گفته و در جلوه چهارم از عقل وحرکت جوهر به بیان نموده است .

آغاز : ای نهان در ذات برای پیدا به هست جلوه گر رویت زمر بالا و پست عکسی از قدرت بدهسر انداختی کاین زمین و آسمانها ساختی

(ص ۲۴۱ نوزدهم الذریعه) علامه طهرانی در الذریعه (ص ۸۰۶ نهم) می نویسد : به گمان من وی پدر آقا علیرضا نائینی مذکور در دارالسلام حاجی نوری می باشد.

نویسنده گوید: صاحب عنوان یقیناً پدر آقا علیرضا نمی باشد زیرا تاریخ وفات ملا محمد فاضل نائینی اصفهانی۱۲۶۴ و تاریخ اتمام رجال ملامحمد نامبرده صاحب عنوان ۱۲۶۵ می باشد .

در اعیان الشیعه و برا در دو محل ذکر نموده یکی بعنوان محمد بن محمد هادی (ص۸ چهل و هفتم) و دیگری بعنوان میرزا محمد هادی نائینی (ص ۳۳۹ چهل پنجم) و یقیناً کلمه (ابن) ما بین محمد و هادی در چاپ ساقط شده است و هر دو نفر یکی می باشند.

اما آنچه از کتاب المآثر والاثار (ص ۱۶۷) وتاریخ نائین (ص ۱۲۷) وهمچنین (ص ۱۷۵) مستفاد میشود آنکه وی در حدود سال ۱۲۲۰ متولد شده و در ۱۹ جمادی الاولی سال ۱۳۰۵ وفات یافته و در حرم امامزاده سلطان سید علی در نائین مدفون گردید.

واز آثارش ترجمه کتاب : احقاق الحق تألیف قاضی نورالله شوشتری است بنام ترجمان الحق ولسان الصدق :

علامه طهرانی در الذریعه (ص ۷۵ چهارم) می نویسد :

ترجمه احقاق الحق بفارسی با بعضی تصرفات خوب بعبارات شیرین و ایراد اشعار لطیف از مترجم واو عالم جلیل میرزا محمد نائینی متوفای بسال ۱۳۰۵ می باشد و آنرا حاج شیخ هادی طهرانی تقریظ نوشته است .

مشارالیه پدر میرزا علی خان منشی ملقب به صفاء السلطنه متوفی سال ۱۳۲۸ در کربلا و مدفون در ایران صحن مطهر حضرت اباالفضل العباس علیه السلام وی ادیب و شاعر و منشی ومتخلص به مشتاقی است و دیوانش بچاپ رسیده است

فرزند دیگر حاج میرزا محمد میرزا عباس خان صفاء السلطنه است شعر نیکو میسروده و یکصد پانزده سال عمر کرده و در حدود سال ۱۳۵۸ در طهران وفات

یافته در قم مدفون گردید (ص ۱۷۵ تاریخ نائین).

فائده : در همین زمان عالمی دیگر مقام ملامیرزا محمد (فرزند میرزا ابوالحسن مصاحبی) در محمدیه نائین وسپس اصفهان می زیسته و بسال ۱۲۷۸ در اصفهان وفات یافته در تکیه مادر شاهزاده مدفون گردیده است (ص ۳ مقدمه دیوان عبرت و ص ۲۱۳ دوم تاریخ تذکره های فارسی بنقل از مدینه الارب تألیف عبرت نائینی).

۱۳۸- شیخ مرتضی انصاری

فرزند شیخ محمد امین بن مرتضی انصاری دزفولی نجفی ، از اعاظم فقهاء ومجتهدین و اکابر رؤساء علماء ... در روز غدیر سال ۱۲۱۴ متولد و در شب ۱۸ جمادی الثانیه سال ۱۲۸۱ در نجف اشرف وفات یافت .

عالم جلیل معاصر حاج شیخ مرتضی سبط الشیخ انصاری در باره زندگانی آن عالم جلیل کنابی بنام: زندگانی و شخصیت شیخ انصاری تألیف فرموده و آنرا بچاپ رسانیده است بنابراین در این جا نیازی بشرح و بسط در ترجمه احوال آن بزرگوار نیست طالبین بدانجا و دیگر کتب تراجم رجال مراجعه فرمایند .

دو کتاب نامبرده (ص ۶۷ چاپ دوم وچاپ اول) به خلاصه می نویسد :

شیخ انصاری در سال ۱۲۴۰ بعزم زیارت حضرت ثامن الحجج علیه السلام از دزفول باتفاق برادر خود شیخ منصور حرکت نمود ، در این سفر اول به شهر بروجرد و سپس به اصفهان آمده و در کاروانسرائی منزل کرد . چندین روز بدرس مرحوم سید حجه الاسلام حاضر شده از اتفاقات اینکه در آن روزها مرحوم سید

اشکالی را برای شاگردان القاء نموده و جواب آنرا از آنها میخواست .

شیخ جواب اشکال را به یکی از طلاب نزدیک خود فرموده از مجلس خارج گردید . طلبه مزبور جواب اشکالرا نقل کرد و چون جواب بالاتر از سطح معلومات طلبه مزبور بود مرحوم سید فرمود :

این جواب از تو نیست چه کسی آنرا بتو آموخت.

مؤلف نامبرده از قول مرحوم سید حجه الاسلام نقل می کند که ایشان اظهار داشته اند که :

گوینده جواب یا حضرت حجه بن الحسن عجل الله فرجه الشریف می باشد ویا شیخ مرتضی نجفی .

نویسنده گوید : اگر این نقل قول صحت داشته باشد علاوه بر آنکه مقام علمی شیخ را میرساند کرامتی بزرگ از مرحوم سید حجه الاسلام است که از ورود شیخ مرتضی به اصفهان و همچنین از مقام و پایه علمی او قبل از آنکه از جائی اطلاع یافته باشد آگهی می دهد.حقیقت اموررا خدا تبارک و تعالی میداند و بس .

در همان کتابست که طلبه مزبور اقرار کرد که کسی باو یاد داد مرحوم سید چند نفر را مأمور در تحقیق از حال شیخ ومنزل او می کند و بالاخره او رامی یابد.

و می نویسد مرحوم سید قصد دیدن از شیخ نموده ونبلا کسی را فرستاد تا اورا خبر دهد (اینگونه احترام کردن از علماء و دانشمندان سیره مرضیه عموم علماء اسلام و بالاخمی مرحوم سید حجه الاسلام بوده است) شیخ اظهار می کند که بزحمت ایشان راضی نیستم و خود بدیدار ایشان می آیم .

ص : ۳۸۲

شیخ به منزل سید وارد می شود از او میپرسند که قصد مسافرت شما به اصفهان چیست توقف در این شهر با مسافرت ، شیخ فرمود بقصد ملاقات.

مرحوم سید اصرار کردند که شیخ در اصفهان بماند لکن او قبول ننموده و بعد از چند روز به کاشان مهاجرت نمود.

در معارف الرجال (ص ۴۰۱ دوم) می نویسد :

شیخ پس از زیارت مشهد مقدس به اصفهان رفته و مدت بیست و پنج روز در ایام ریاست سید حجه الاسلام و حاجی کلباسی در این شهر توقف نموده و

حاجی کلباسی بایشان اظهار و اصرار در توقف می کند ایشان در جواب میفرماید من در عراق عرب گم کرده ای دارم بعطاب او میروم اگر آنرا آنجا نیافتم بشهر شما باز می گردم و گم کرده او بدست آوردن اجتهاد در نزد علماء آنجا بود .

باز در همان کتاب از فول جماعتی از مؤمنین نقل می کند که : شیخ در ایام اقامت خود در اصفهان از مرحوم سید حجه الاسلام استجازه کرد و ایشان از اجازه دادن امتناع کردند و علت آنرا عدم احاطه ایشان بعلم رجال در آن زمان دانسته اند والعلم عند الله تبارک وتعالی .

نویسنده گوید: اگر آنچه را که مؤلف کتاب معارف الرجال در باب استجازه مرحوم شیخ از سید نوشته و جواب رد دادن مرحوم سید حجه الاسلام به ایشان صحیح باشد باید مدعیان اجتهاد در زمان ما در حال خود دقت کنند وقتی مرحوم شیخ مرتضی انصاری مجتهد نباشد دیگر چه کسی از اینان میتواند ادعای اجتهاد کند .در اوایل کتاب نیز شرحی از خطاب حجه الاسلام به شیخ انصاری و استنکاف ایشان مرقوم داشتیم که از نظر خوانندگان محترم گذشت.

۱۳۹– سید مرتضی بن سید هادی بن سید محمد رضا حسینی

در شب شنبه دهم شوال سال ۱۲۱۹ در رامسر متولد گردیده مقدمات علوم را در نزد پدر دانشمند خود فراگرفته سپس به قزوین و بعدا به اصفهان مهاجرت نموده و در آنجا خدمت حاجی کلباسی رسید حجه الاسلام شفتی و آخوند ملاعلی نوری تلمذ نموده و بعدا به نجف اشرف رفته و پس از قبل بمقام اجتهاد بموطن خود بازگشته است.

از آثار خیریه او ایجاد و بنای مدرسه دینی در رامسر میباشد که در آنجا بدرس و بحث اشتغال جسته و بنابدعوت مردم لاهیجان هر سال چند ماه بدانجارفته و مرجع مرافعات وفصل خصومات وفتاوی بوده است .

در حدود سال ۱۲۹۰ درجوردیه رامسر وفات یافته و در قبرستان میدان بخاک رفته است وبرا تألیفاتی بوده و فرزندانش عموماً اهل علم و کمال بوده اند .

ص ۲۰۳ بزرگان رامسر

۱۴۰ – مولی مرتضی قلی

عالم فاضل از مجازین از سید حجه الاسلام به اجازه کبیره مبسوطه مورخه دوم ذی الحجه ۱۲۵۶ می باشد .

آغاز : رب انی اعوذبک .. الحمد لله المعین لمن استعان منه ...

اجازه ضمن مجموعه ای از اجازات سید حجه الاسلام در کتابخانه مولی محمد علی خونساری در نجف بنظر علامه طهرانی رسیده است.

ص ۱۵۸ یکم الذریعه (ص ۱۹۵ بکم الکرام البرره – ص ۱۹۷ دوم معارف الرجال) .

۱۴۱. آقا سید مؤمن بن حجه الاسلام شفتی

عالم فاضل زاهـد ، بعـد از مرحوم حاج سـيد اسدالله اعلم فرزندان سـيد حجه الاسـلام بوده و در محله بيد آباد مرجع رياست و امام مسـجد سـيد و پناه خلق بوده و حوزه درسی نيز داشته است ، در ۲۶ ماه مبارك رمضان سال ۱۲۹۴ وفات يافته و در مقبره پدر بزرگوار پائين پا رو بجلو مدفون گرديد لكن محل سنگ قبر ندری بالاتر از خودقبراست.

مرحوم جابری در تاريـخ اصـفهان(ص ۱۱۷) در بـاره او می نويسـد : بزرگـواری در علم و تقـوی مشـهور و بصـلابت در دين مـذكور چون مادر آن حضـرت حبشـيه بود رنگ بشـره ايشان بسواد ديده وسويدای قاب مينمود روزی ظل السـلطان (مسـعود ميرزا فرزند ناصـرالدين شاه حاكم ظالم وجائر اصـفهان) تدريضاً بحضـرتش اظهار نمود چه شد كه حجه الاسـلام بتاريكی تير انداختند فوراً(ايشان در جواب) فرمود تاعالمی را روشن سازد .

در المآثر والآثار (۱۸۴) ويرا عنوان نموده و بطور اختصار مينويسـد : از عظماء وعلماء اصـفهان بود و در تكمله نجوم السـماء (ص ۴۰۰ يكم) عبارت المآثر والاثار را عيناً نقل كرده است .

مرحوم آقا سـيد مؤمن پس از فوت دو فرزند عالم از خود بجای گذاشت ۱- آقا سيد عبدالرحيم ۲ - آقا سيد عبدالله . برخی از اعقـاب او فعلاـ در مورچه خورت سـاكن و امـام جمـاعت آنجـا وبوظائف شـرعی از نشـر احكام و تبليغ مسائل حلال و حرام و ديگر امور اشتغال دارند .

مرحوم آقا سيد مؤمن در خدمت جمعی از علماء اصفهان همچون پدر بزرگوار خود و ديگران تحصيل نموده است .

ص : ۳۸۵

فائده : مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان(۱۶۱) در ضمن وقایع سال ۱۲۹۴۶مینویسد:

بعضی استخوانهای ماموت را میرزا تقی خان حکیم باشی در اصفهان پیدا کرد و این حیوان بزرگتر از فصل است و قبل از طوفان بوده و در کتاب آگهی شهوان از کار جهان (ص ۷۱ سوم) نیز جزء وقایع سال ۱۲۹۴ می نویسد :

کشف میرزا تقی خان حکیم باشی ظل السلطان استخوانهای ماموت را در اصفهان .

۱۴۲- آقا محمد مهدی کلباسی

فرزند علامه فقیه حاج محمد ابراهیم کلباسی ، عالم فقیه زاهد محقق متتبع اکبر واعلم فرزندان حاجی بوده و حتی در زمان خود عاجی نیز از معاریف بشمار می رفته است و امامت مسجد حکیم نیز با او بوده و هنوز هم در اولاد ایشانست وی مرجع فتوی و تقوی بوده و حوزه درسی و مباحثه نیز داشته و عده ای از بزرگان در خدمتش تلمذ نموده و یا از او اجازه دارند عالمی ساده و صادق بوده و صداقتهای غریبه ای از او نقل می شود مانند خود حاجی و برخی دیگر از اولاد حاجی و علت آنها شدت مواظبت در انجام آداب شرع وعدم توجه به مردم دنیا و تدبیرات آنها می باشد .

در خدمت پدر بزرگوار خود و سید حجه الاسلام و حاج محمد جعفر بن محمد صادق لنگرودی اصفهانی حکیم وفیلسوف از شاگردان حاج ملا علی نوری ومتوفی در روز نهم ربیع الثانی ۱۲۶۰ (هفتمین روز وفات سید حجه الاسلام) و جمعی دیگر تحصیل نموده و از پدر بزرگوار و سید حجه الاسلام اجازه روابت و اجتهاد داشته و کتب زیادی تألیف نموده که از آن جمله است :۱- رساله ای

ص : ۳۸۶

در استصحاب ۲- رسائلی در اصول ۳ - رساله در اراضی مفتوح العنوه ۴-شرح تصریف ۵ - شرح تهذیب ۶- شرح روضه البهیه ۷- شرح طهارت از کتاب لمعه ۸ - شرح شری از لمعه در چهار جلد ۹- شفاء الاسقام در شرح تهذیب منطق ۱۰ - ضیاء العوالم در اصول فقه ۱۱- کتابی در طهارت بدون نام ۱۲ - عیون الاصول ۱۳ - رساله در قرعه ۱۴ - مشارق الاصول و آنرا قبل از عیون الاصول تألیف نموده است ۱۵- مصابیح الاصول در نه جلد ۱۶- معراج الشریعه و آنرامدارج الشیعه نیز گفته اند فقه استدلالی در شرح منهاج الهدایه پدرش، علامه طهرانی در الذریعه (ص ۲۴۰ بیست و یکم) می نویسد جلد ششم آن که در نذر و عهد وقسم است و تاریخ فراغت آن ۲ محرم ۱۲۶۷ می باشد را دیدم و ظاهراً شرح در حدود دوازده جلد می باشد لکن در تذکره القبور (ص ۱۶۰ رجال اصفهان گوید در هشت جلد) چهار جلد آن به شماره های ۳۵۵۶-۳۵۵۷-۳۵۵۸-۳۵۵۹بخط مؤلف در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در طهران موجود است (ص ۱۵۶۰ سوم مجلد دهم فهرست مجلس) ۱۷ - منهج السداد در شرح ارشاد ۱۸- نور العیون در قه ۱۹ - هدایه الطالبین بفارسی وآن رساله عملیه ایشانست تاریخ تألیف ۲۴ شعبان ۱۲۶۱ هجری وغیره.

مرحوم آقا محمد مهدی در شب شنبه چهارم جمادی الاولی سال ۱۲۷۸ بمرض سکته وفات یافته و در مقبره پدر پشت سر آن مرحوم دفن گردید .

مشار الیه علاوه بر شاگردی داماد مرحوم سید حجه الاسلام نیز بوده است شرح آن در فصل مربوط به اولاد و اعقاب مرحوم سید حجه الاسلام گفته خواهد شد.

ص : ۳۸۷

۱۴۳ – مولی محمد مهدی بن ابی الفتوح قمیشه ای

(۱)

عالم فاضل از شاگردان حاجی کلباسی وسید حجه الاسلام شفتی در اصفهان وحاج شیخ محمد حسن اصفهانی صاحب جواهر الکلام در نجف اشرف بوده در سال ۱۲۰۵ متولد و در ۱۲۸۱ بطوریکه علامه طهرانی در الذریه (ص ۹۸ و ۴۲۹,۳۱۷ سیزدهم) میفرمایدوفات یافته. ویرا تألیفاتی است : ۱- حاوی مدارک الاحکام فی شرح شرایع الاسلام برخی از مجلدات آن در کتابخانه علامه مؤلف الذریعه در نجف اشرف بخط مؤلف بزرگوار آن موجود بوده است و در برخی از مجلدات کتاب تصریح می کند که از شاگردان حاجی کلباسی و سید حجه الاسلام شفتی وشیخ محمد حسن صاحب جواهر الکلام است . و یکی از مجلدات آن در باره نماز جمعه است در حدود پنجاه و چند هزار بیت و تاکنون هیچ یک از علماء بزرگوار درباره نماز جمعه بدین شرح و تفصیل کتاب ننوشته اند این دوره کتابرا مؤلف خود شخصا در ذوالقعده سال ۱۲۸۰ وقت نموده و تولیت آنرا بفرزندش در زمان خویش و پس از فوت به علماء قمیشه واگذار نموده است ۲- کتابی در صلوه الجمعه (نماز جمعه) مفصل غیر از آنچه در شرح شرایع است در حاشیه برخی از صفحاتش نوشته است در ۲۰ ذی الحجه ۱۲۷۷ سنش ۷۲سال بوده است و گرفتار

ظالم وستمگر بوده و اموالش را بتمامه غصب نموده اند ۳- فقه فارسی مبسوط واستدلالی از اول طهارت تا آخر حدود و دیات کتابرا موریانه خورده و آنچه

۱- قمیشه که در سالهای اخیر آنرا بعلت وجود امامزاده واجب التعظیم جناب شاهرضا نام شهر را تغیر داده و شاهرضا و پاشهرضا نامیدند و اکنون باین نام شهرت دارد. شهرستان قمیشه در سمت جنوب اصفهان واقع و تقریباً چهارده فرسنگه تا شهرفاصله دارد از آثار قدیمی این ناحیه سد خرابه ای بنام فتلغ شاه در اسفرجان می باشد و از فلاسفه وحکماء معرون آنجا : ابو بکر قومسی است .

باقیمانده است، حدود شصت هزار بین می باشد علامه طهرانی نام این کتابرا بک

جا به فقه فارسی ویک جا به مجموعه الرسائل الفقهیه الفارسیه ذکر می کند و گوید وی امام جمعه نمیشه وقائل بوجوب آن بوده و خود اقامه مینموده و در نمیشه وفات یافته است ۴ - کتابی در مواریث وغیره .

۱۴۴– مولی محمد مهدی بن محمد باقر محلاتی

مؤلف کتاب : جواهر المسائل در فقه فارسی در طهارت و نماز و احکام تقلید با اشاره اجمالی به بعضی از اقوال وادله مطابق فتاوی سید حجه الاسلام و استخراج شده از کتاب مطالع الانوار جهت تسهیل عمل مقلدین .

در مقدمه کتاب حدود دو برگ در تمجید وستایش حجه الاسلام شفتی مطالبی به نظم و نثر نوشته است.

آغاز : حمد و ثنائیکه امتدادش جواهر مسائل علم ربانیرا منتظم سازد ... مؤلف از شاگردان سید حجه الاسلام بوده است .

نسخه ای از کتاب را علامه طهرانی در نجف جزو کتابهای سید آقا تستری دیده است (ص ۲۸۰ پنجم الذریعه) همچنین نسخه ای از آن بشماره (۲۵۴۱) در قم در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی موجود است (ص ۱۲۴ هفتم فهرست)

در کتاب : آشنائی با چند نسخه خطی (ص۶۳) درضمن کتا بهائیکه قبلا در کتابخانه رضویه قم موجود بوده و در حال حاضر موجود نیست گوید :

جواهر المسائل از محمد مهدی بن محمد علی محلاتی که خلاصه کتاب صلاتیه تحفه الابرار استادش حجه الاسلام شفتی به فارسی است. در پنجم محرم ۱۲۵۹ در قریه زانیان از آن فراغت یافته است.

ص : ۳۸۹

نویسنده گوید : چون نسخه کتابخانه رضویه موجود نیست گمان میرود نام پدر مؤلف اشتباه شده صحیح همان محمد باقر باشد . والعلم عند الله تبارك وتعالی .

نکته دیگر آنکه علامه طهرانی مطالب کتاب را مستخرج از مطالع الانوار مرقوم داشته و در فهرست رضویه از تحفه البرار .

۱۴۵ – سید هاشم حسینی

شاگرد سید حجه الاسلام شفتی بید آبادی بوده است . مشار الیه مؤلف کتابی است بنام وسیله النجاه که آنرا از کتاب استاد خود (تحفه الأبرار) استخراج نموده است .

(ص ۹۰ بیست و پنجم الذریعه) در باب تألیفات مرحوم سید حجه الإسلام بطور اجمالی به کتابهایی که توسط شاگردان آن جناب از کتاب تحفه الابرار استخراج واقتباس شده است اشاره خواهیم کرد .

۱۴۶ – محمد هاشم بن ابوالحسن موسوی

در کتابخانه مجلس شورای ملی ایران (مجلس شورای اسلامی) نسخه ای از کتاب سؤال و جواب تألیف سید حجه الإسلام بشماره (۴۹۲۴) موجود است که جامع آن محمد هاشم و یا محمد قاسم نام دارد و کتابرا مطابق فهرستی که خود در مقدمه نوشته مرتب نموده است (نه بر حسب ترتیب کتب فقهی معمول)

(ص ۱۴۸ چهاردهم فهرست کتابخانه مجلس)

احتمالا مشار الیه از شاگردان سید حجه الاسلام می باشد و این کتاب سؤال وجواب غیر از سؤال وجواب مطبوع می باشد .

۱۴۷ – آقا میرزا محمد هاشم چهار سوقی

فرزند علامه فقیه زاهد آقا میرزا زین العابدین موسوی خونساری اصفهانی .

علامه فیه زاهد عابد محقق مدنق مجتهد اصولی از اکابر علماء وفقهاء ومدرسین ومجتهدین و از رؤساء دنیا و دین و مشایخ اجازات است.

در دوم ذی القعده مدال ۱۲۳۵ در خونسار متولد گردیده و در اصفهان ونجف نزد اساتید بزرگوار تلمذ نموده و از جمعی از فحول به اجازه اجتهاد وروایت مفتخر گردیده و پس از مراجعت باصفهان اهمیت و شهرت و ریاستی بافته سرانجام در چهارشنبه ۱۷ رمضان المبارک ۱۳۱۸ در نجف اشرف در سالیکه عازم تشرف به بیت الله الحرام بوده وفات یافته و در وادی السلام مدفون گردیده و بعداً جهت او بقعه ای بنا کردند که اکنون در آن زمین مقدس معروف و مشهور است.

بزرگان ذیل اساتید و مشایخ ایشان می باشند : ۱- حاج محمدابراهیم کلباسی ۲- حاج سید اسد الله بیدآبادی ۳- حاج سید محمد باقر حجه الاسلام شفتی ۴- آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی برادر بزرگوارش ۵-آقا میر سید حسن مدرس میر محمد صادقی که مدت ده سال در خدمت ایشان تلمذ نموده ۶- آقا میرزا زین العابدین موسوی در دانشمند ایشان ۷- آقا سید صدر الدین محمد موسوی عاملی وایشان اولین استادی است که در اوایل بلوغ بایشان اجازه داده واجتهادش را گواهی نموده است ضمناً مشارالیه پیرزن صاحب عنوان نیز می باشد

۸-آقا شیخ مرتضی انصاری ۹- شیخ مهدی بن علی بن شیخ جعفر کاشف الغطاء

۱۰- شیخ نوح بن قاسم جعفری نجفی و غیره .

کتب زیر از تألیفات ایشانست : ۱- اجازات ۲ - احکام الایمان رساله عملیه مطبوع ۳ - احوال مشایخ خود و آن اجازه کبیره ای است، مانند لؤلؤه البحرین که برای یکی از شاگردان خود مرقوم داشته ۴ - احوال معمر مشرقی و معمر مغربی ۵- اربعین ۶- رساله در استصحاب مختصر ۷ - رساله در استصحاب مفصل ۸- اصول آل الرسول صلی الله علیه و آله و علیهم در استخراج ابواب اصول فقه از روایات اهل بیت علیهم السلام و در آن بیشتر از چهار هزار حدیث مربوط به اصول فقه را جمع آوری نموده است جلد اول آن بچاپ رسیده است ۹ - امامزاده های اصفهان مطبوع ۱۰ - رساله در تجوید ۱۱ - ترجمه حال ابی بصیر مطبوع ۱۲ - تنبیه الحکماء الابرار حاشیه بر اسفار ۱۳ - جواهر العلم ۱۴ - حاشیه بر ریاض المسائل ۱۵ - حاشیه بر شرح لمعه ۱۶ - حاشیه بر قوانین ۱۷ - حاشیه بر معالم ۱۸- رساله در حج ۱۹— حرمت ذبائح اهل کتاب و این رساله اولین تألیف فقهی ایشانست و آنرا بدستور استاد خود آقا سید صدر الدین محمد عاملی تألیف نموده ۲۰ - حل المسیر در حکم عصیر ۲۱ - سؤال و جواب در کلیه ابواب فقه ۲۲ - شرح مشیخه فقیه ۲۳ - رساله در صلاه ۲۴- رساله در صوم ۲۵ - صیغ العقود ۲۶ - الغره در شرح دره بحر العلوم ۲۷ - مبانی الاصول ۲۸ - فوائدی دررجال ۲۹- مقالات اللطیفه ۲۰- منظومه ای در اصول وغیره ، صاحب عنوان از زوجه نامبرده خود دو فرزند پسر وشش دختر داشته است.

شرح حال ایشان در عموم کتب تراجم رجال بطور مختصر و مفصل مذکور است از آنجمله : ۱- زندگانی آیت الله چهارسوقی ص ۱۱۲ - ۲- ص ۱۴۱ یکم احسن الودیعه ۳ - دانشمندان اصفهان ص۵۳۵ ، ۴- رجال اصفهان ص ۷۵ - المآثر والاثار ص ۱۴۵ ، ۶ - مکارم الأثار ص ۹۸۹ سوم وغیره .

ص : ۳۹۲

۱۴۸ – حاج میرزا یوسف مجتهدتبریزی فرزند حاج میرزا عبدالفتاح طباطبائی

(۱)

از بزرگـان علمـاء ودهاء و نزد جمعی از مجتهـدین همچون آقا میرزا ابوالقاسم مـدرس و میرزا محمـد مهـدی شهرسـتانی و آقا محمـد بـاقر مؤسـس بهبهـانی درس خوانـده و از ایشـان و جمعی از شـاگردانش اجازت یافته است. در سال ۱۱۶۷ متولـد و در ۱۲۴۲ وفـات یـافته است کتب ورسائـل چنـدی تـألیف نمـوده از آن جمله : ۱–رسـاله ای در اصـول و فروع ۲ – الجهـادی ۳ – الخراجیه ۴ – زهرالحساب ۵–مسود الخدود در بیان حدود ۹– مصباح در اصول دین (۱۱۸۵ چهارم مکارم الاثار)

در آتشـکده اردسـتان (ص ۱۷۶ یکم) گویـد: از حجه الاسـلام رشتی و قـا بـاقر بهبهـانی مجـاز بوده و تاریـخ اجازه سـید حجه الاسلام جمعه پنجم شعبان ۱۱۷۲ بوده است (انتهی)

نویسنده گوید : علامه طهرانی در الذریعه (ص ۱۴۸ یکم) در اجازه از آقا باقر بهبهانی جهت صاحب عنوان نقل می کند اول در پشت مدارک بتاریخ روز

ص : ۳۹۳

۱– تبریز بر وزن لبریز مرکز اسـتان آذربایجان و یکی از مهمترین شـهرهای ایران است در عهـد سـلاطین قاجار به حکومت این شهر همیشه با ولیعهد مملکت بوده است . شیروانی در بستان السیاسه (ص ۱۸۶) گوید: از بلار مشهوره واز مداین معموره سه طرفش واسع وسـمت جنوبش گرفته و در زمین هموار واقع است از عظمت و بزرگی این شـهر در قدیم نوشـته اند که در زمان سلطان اویس ایلخانی در اثر مرضـهای طاعون سیصد هزار نفر در تبریز مردند و بر مردم معلوم نشد که کسـی از آن دیار مرده است ... شهر تبریز طرب انگیز است آبش از کار پز و بعضی از رود وخوشگوار وهوایش پردی مایل و سازگار است .

روز جمعه پنجم شعبان ۱۱۷۲ دوم در پشت کتاب قواعد بتاریخ جمادی الاولی سال ۱۱۷۴ ه. ق و در جلد پنجم (ص ۲۹۸) اجازه دیگری بسال ۱۱۸۰ بنقل از (تاریخ اولاد الاطهار ص ۸۱)

علی هذا آنچه مؤلف کتاب آتشکده اردستان مرقوم فرموده مربوط به اجازه آقا باقر بهبهانی است و با توجه بسال تولد مرحوم سید حجه الاسلام (۱۱۷۵) خطای مؤلف نامبرده ظاهر می شود .

نویسنده گوید: باتوجه بسال تولد صاحب عنوان و تاریخ اولین اجازه مرحوم وحید بهبهانی یعنی سالهای ۱۱۶۷ و ۱۱۷۲ باید مرحوم بهبهانی اجازه را در پنج یا شش سالگی برای او نوشته باشد ومؤاف الذریعه میفرمایند (ص ۲۹۸ پنجم الذریعه) ظاهراً یا :

۱- تاریخ تولد اشتباه و غیر واقع است. ۲- تاریخ اجازه غلط در نسخه می باشد .

۳- مجاز باین اجازه (محمد یوسف بن میر فتاح) غیر از مؤلف کتاب الجهادیه باشد.

خاتمه :

در خاتمه این فصل لازم است توجه خوانندگان را به نکات زیر معطوف

: ۱- همانگونه که در مقدمه فصل گفته شد در این زمان یعنی نیمه اول قرن سیزدهم اصفهان یکی از مراکز مهم علمی بوده و طلاب و دانشجویان از اطراف وا کناف بدان روی مینموده اند و بطور احتمال میتوان گفت عموم اینان که عده آنها از هزار نفر متجارز بوده درک محضر سید حجه الاسلام را نموده اند. لکن

نویسنده بعلت نداشتن وسائل تحقیق وتبع نتوانست به نام بیشتر از ۱۴۵ نفر دسترسی پیدا کند آنهم برخی از آنها بقید تردید . هر گاه اراده خداوند تعلق گرفته باشد و وسیله مطالعه بیشتری برایم فراهم شود در آتیه آنرا تکمیل خواهم کرد .

۲- برای نوشتن جغرافیای شهرهای اماکن لازم بود بکتب معتبری از نویسندگان قدیم و جدید همچون جام جم - جغرافیای کیهان حدودالعالم - فرهنگ جغرافیائی ایران - مرآت البلدان - مراصد الاطلاع - مسالك ومالك - معجم البلدان و نزهت القلوب ودهها کتاب دیگر چه مربوط به جغرافیای تمام دنیا با ایران یایکی از شهرها باشد مراجعه شود لکن بدر علت یکی تعجیل در تألیف ودیگر نبودن کتب در اختیار نویسنده فقط به کتاب بستان السیاحه و گاهی به برخی دیگر از کتابها مراجعه شده است بدینوسیله از کسانی که مایل هستند اطلاعات بیشتری در این موضوعها داشته باشند پوزش خواسته و آنانر بکتب مفصل حواله می کنیم .

۳- کلیه تاریخهائیکه نوشته شده است هجری قمری است مگر آنکه قید شده باشد شمسی.

۴- کلیه طول وعرضها و انحرافات نیله مأخوذ از رساله : معرفه القبله تألیف مرحوم سرتیپ عبدالرزاق خان بغایری اصفهانی (۱)می باشد.

۱- مرحوم سرتیپ عبدالرزاق شان بنا بری فرزند محمد محسن بن کرمعلی پن فتحعلی بن محمد قاسم خان عالم ادیب ریاضی محقق رجالی در ۱۲۸۶ در اصفهان متولد گردید و در شب ۲۵ شعبان ۱۳۷۲ در طهران وفات یافت و در اصفهان و طوران تحصیل نموده از مهندسین بزرگوار و دانشمندان بنام ایران بود کتابهای زیر از تألیفات اوست: ۱- اصول علم جغرافیا ۲ - تاریخ جلولی ۳- تاریخ الولاده والوفاء لاعیان المسلمین احتمالا همان تاریخ جدولی می باشد . جغرافیای ابتدائی مطبوع ۵ - فرهنگ جغرافیائی ایران در ۳۲ جلد ۶ - ما مهندسی داریم مطبوع ۷ - معرفه القبله مطبوع ۸- نقشه ایران ۹- نقشه تفصیلی سرحدات ایران و غیره (ص ۱۰۷ تذکره العارفین ص ۱۱۸۴ و۱۱۹۱ دائره المعارف دانش بشرص ۳۰۴ دانشمندان اصفهان).

فهرست کتاب

ص : ۳۹۶

فصل چهارم

(اساتید و مشایخ حجه الاسلام در عراق و ایران)

ص : ۳۹۸

فصل پنجم

(مهاجرت مرحوم سید حجه الاسلام به اصفهان)

فصل ششم

(موجبات شهرت سید حجه الاسلام)

ص : ۴۰۳

فصل سیزدهم
(تدریس – شاگردان)

ص : ۴۰۵

ص:۴۰۷

ص : ۴۱۰

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



